

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۱۰ تا ۱۶ آذرماه ۱۴۰۲ خورشیدی

سال چهارم - شماره ۱۹۰۶

بیانگزار: دکتر مصطفی مصباح زاده
ایستاده ایم تا پایان

پس از یک سال کشتار
اعتراضات پایدار

فقر، فساد، گرونی
می ریم تا سرنوونی

یک سال گذشت
زنان
به عقب برنگشتند



تحقیر جمعی شهر وندان

تاکتیک ناکام حکومت





بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباحزاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهلم
کیهان شماره ۱۹۰۶ (۴۴۰)
جمعه ۱۰ تا ۱۶ آذرماه ۱۴۰۲
۱ تا ۷ دسامبر ۲۰۲۳

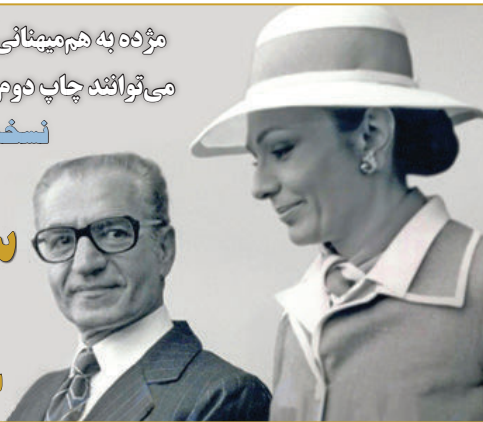


مژده به هم میهنانی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند
می توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند
**نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی
در دسترس خواهد بود**

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای
پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london



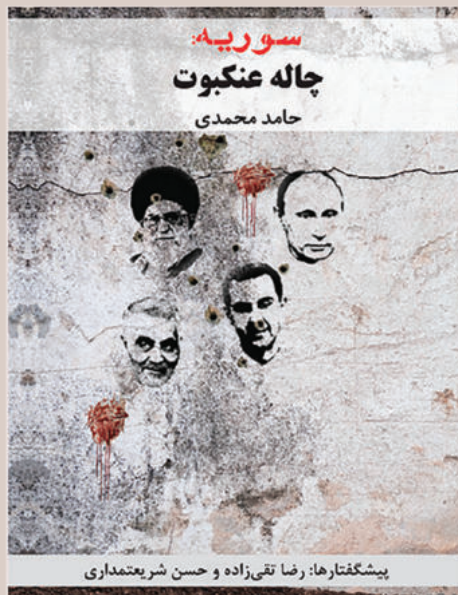
وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN
COMMUNITY

www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب **«سوریه: چاله عنکبوت»** به قلم **حامد محمدی (افسر خلبان)**

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با **کیهان لندن** ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۳۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

کیهان

*** فهرست مطالب ***

۴ سرمقاله - همه منتظر مرگ جمهوری اسلامی هستند الا به یقراط

۴-۵ تیر هفته - تحقیر جمعی شهر و ندان ناکتیک ناکام حکومت... / روشنگر آسترکی

۵ پیام شهبانو فرح پهلوی به مناسبت روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان ... /

۶ شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با «بیلد»: ملایان ایران به دنبال «خلافت» و... /

۷ اعزام ناو هوا پیمابر «آیزنهاور» به خلیج فارس... /

۸ رافائل گروسی: غنی سازی اورانیوم «با غلظت بسیار بسیار زیاد» در ایران... /

۸-۹ هشدار ناتو به جمهوری اسلامی درباره حملات به پایگاه‌های آمریکا... /

۹ خبرگزاری فرانسه: قدرت‌های غربی از سختگیری به جمهوری اسلامی... /

۱۰-۱۱ ۰ عدد از فقرای ایران جوان و تحصیلکرده هستند... /

۱۱ تاز میخانه و می نام و نشان خواهد بود... / خیر اندیش (احمد احرار)

۱۲-۱۴ «نگاهی از درون به جنبش چپ ایران» (۱) ... /

۱۴-۱۵ حضور افراد غیر متخصص و بی ربط در مهم‌ترین بخش‌های تصمیم‌گیری... /

۱۶-۱۷ متن فارسی گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی و یاتر یک‌بت - دیوید (۱) ... /

۱۸-۱۹ گزارش میدانی: کاسی حکومت از اعتیاد و مواد مخدر در ایران... / افروز نور دستروم

۲۰ بررسی حقوقی قطعنامه اخیر شورای امنیت در مورد... / محمود مسائلی

۲۱ جمهوری اسلامی و چرخه افزایش نرخ زن‌کشی و خشونت علیه زنان... /

۲۲ دیدار مجدد امیر عبداللّه‌بان با هنیه در دو حه... /

۲۳ پایگاه خبری «پولیتیکو»: استفاده آمریکا از جاسوسی طبق «بند ۷۰۲» برای... /

۲۴-۲۵ هشدار آمریکا به یونان، فرانسه و آلمان به جمهوری اسلامی به دلیل اختلال در... /

۲۵ نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل: نپذیرفتن تعدادی بازرس هیچ... /

۲۶ ولود میروز لینسکی: یاد از سال موشک به روسیه توسط رژیم ایران... /

۲۶-۲۷ تأسیسات آبی بنسلوآلیا توسط هکرهای مرتبط با سپاه پاسداران مورد حمله... /

۲۷ ادعای معاون وزیر دفاع جمهوری اسلامی: خرید «سوخو-۳۵» و «میل-۲۸» از روسیه... /

۲۸ ادامه تجمعات صنفی در نخستین روزهای آذرماه؛ حمله به مالباختگان با... /

۲۹ ادامه انتقادات به بودجه نویسی تیم اقتصادی رئیسی... /

۳۰ نارا باگومز، همپس سابق و شیعه امروز، رسماً متهم به طرح ترور... / احمد رأف

۳۱ برگزاری مراسم صبحگاه سرکوبگران شاغل در «وزارت ارتباطات» با توم و سپر... /

۳۲ حمله پهبادی به کشتی «CMACGM» در اقیانوس هند... /

۳۲-۳۳ حماس دومین گروه از گروه‌های اسرائیلی و تایلندی را آزاد کرد... /

۳۳ وزارت خارجه اسرائیل: یک و نیم میلیون دلار پول نقد که حماس چمدانی از... /

۳۴-۳۵ اعتصاب غذای زهره سر و در زندان اوین... /

۳۵ برگزاری دومین سمینار «زنان ایرانی، وقت تغییر است»... /

۳۶-۳۷ سلب تابعیت پزیشک ایرانی متولد آمریکا با ناسی سال طبابت و زندگی در آن کشور به... /

۳۷ تداوم تورم در آبان ماه؛ شکست وعده رئیسی درباره نصف شدن رقم تورم... /

۳۸ تشدید رصدهای خصوصی شهر و ندان... /

۳۹ پروانه معصومی باز یگر سینما و تلویزیون در گذشت... /

۴۰ گم شدن روزانه چهار هزار تن گاز مایع در ایران!... /

۴۱ روزنامه «نیویورک پست»: آریانه طباطبایی در ارتباط با پرونده «عملیات نفوذ»... /

۴۲-۴۳ حکومت تباهاگران و بی سوادان؛ ۲۳ غلط‌آملائی و انشایی در لایحه «حجاب و... /

۴۳ اعدام ایوب کریمی پس از ۱۴ سال در زندان قزل حصار گرج... /

۴۴-۴۵ ایرانیانی که می‌روند و بر نمی‌گردند... /

۴۵ بازداشت پدر میلاد زهره‌وند جوان معترض اعدام شده... /

۴۶-۴۷ پیامدهای خطرناک تنظیم درآمد مالیاتی در لایحه بودجه ۱۴۰۳... /

۴۷ دخل و خرج رژیم ملاحهار دوش مردم ایران... / کارتون‌های بهنام محمدی

۴۸-۴۹ ابتکار «آزارگران حجاب» از سوی شهرداری تهران و وزارت کشور... /

۴۹ جشنواره فیلم و هنرهای تجسمی «زن، زندگی، آزادی» در ونکوور... / احمد رأف

۵۰-۵۱ رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران: افزایش سرعت هابرای تأمین معاش... /

۵۱ رعنا سلیمانی داستان نویسی: ادبیات می‌تواند در رشد فرهنگی جامعه... /

۵۲ قائم مقام وزیر میراث فرهنگی: وزارت میراث فرهنگی برای نمایش بیش از... /

۵۳ بازداشت شهر دار لوسان به اتهام فساد مالی... /

۵۳ تحریم بک شبکه بزرگ تأمین کننده مالی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی... /

۵۴ دادن اختیارات قانونی به نظامی‌ها و امنیتی‌ها برای دور زدن «وزارت خارجه»... /

۵۵ وقتی پرده‌ها فرومی‌افتند؛ فرافکنی وزارت کشور درباره سر دار پاسدار دروغگو!... /

۵۶ شش مأمور انتظامی متهمان به قتل مهر شادشهدی... /

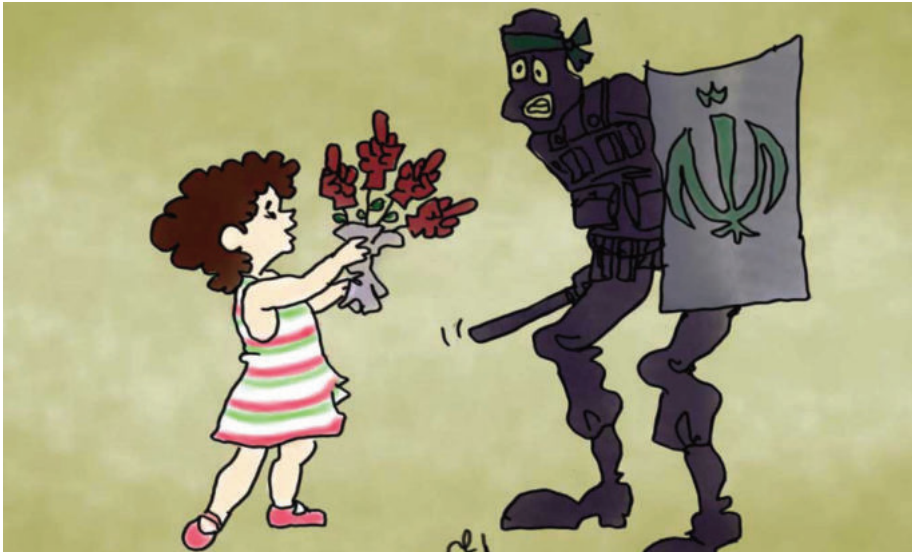
۵۷ معاون سازمان اطلاعات سپاه (ساس): می‌خواهند حجاب را مرکز ثقل اعتراضات... /

۵۸ پشت جلد - عکس هفته / تونل وحشت با «حجاب بانان» در مترو تهران

بازنشر
بازنشر



تاکتیک ناکام حکومت



● **جامعه‌ای که در چند دوره اعتراضات سراسری هدف روشن براندازی را به گوش جهان رسانده، دیگر آن جامعه‌ای نیست که با «کمیت» و «پونز» و «بسج» بتوان آن را مهار کرد.**

سطح جامعه، ادارات، مراکز تفریحی و تجاری و همچنین دانشگاه‌ها جاسازی شده‌اند تا فصل تازه‌ای از رصد جامعه و بستن فضای اجتماعی را برای جمهوری اسلامی رقم بزنند. مأموران سازماندهی شده «حجاب‌بان» در ایستگاه‌های مترو، نمونه‌ای از اقدامات سرکوبگرانه حکومت است که در روزهای گذشته حاشیه‌های زیادی نیز به همراه داشت.

خبر سازماندهی این نیروها نیمه امرداد از سوی رسانه‌های داخلی منتشر شد. آن زمان گزارش شده بود که ۴۰۰ تن با عنوان شغلی «حجاب‌بان» با حقوق ماهانه ۱۲ میلیون تومان برای فعالیت در متروها از سوی شهرداری استخدام شده‌اند.

بلافاصله هم سرکله آنها در متروها پیدا شد؛ آنان که بر لباس‌شان نوشته شده «سفیران هدایت» در ابتدا تنها به تذکر کلامی به زنانی که پوشش اختیاری داشتند می‌پرداختند اما به مرور درگیری فیزیکی و عکسبرداری و فیلمبرداری از شهروندان را نیز آغاز کردند.

همزمان گزارش‌های مختلفی از بر هم زدن امنیت و آسایش شهروندان توسط حجاب‌بان‌ها منتشر و آنها از طرف مردم به «آزارگران حجاب» معروف شدند. در آنسو هیچکدام از مقامات حکومتی حاضر نبودند آنها را گرد بگیرند؛ وزیر کشور مدعی شد دستوری برای سازماندهی آنها صادر نشده و شهردار تهران هم نقش این سازمان در استخدام و صدور مجوز برای فعالیت آنها را تکذیب کرد. مدیر مترو تهران نیز گفت که این سازمان چنین مأمورانی ندارد.

افشاگری یک رسانه مشخص کرد وزارت کشور در مجموعه از دستورات مرتبط با حجاب، خواستار تجهیز این نیروها در متروها شده اما اثری در ساز و کار فعالیت آنها یا عقب‌نشینی دولت درباره آنها نداشته است؛ حجاب‌بان‌ها هم باقی مانده‌اند و همچنان به آزار و اذیت مردم مشغول هستند.

بخشی از نیروهای مزدور حکومت نیز در نقش

در هفته‌های گذشته موج تازه‌ای از فشارهای اجتماعی و اقتصادی از سوی جمهوری اسلامی علیه شهروندان طراحی و اجرا شده است. مجموعه اقداماتی که یکسوی آن به محدودیت‌های اجتماعی در رابطه با حجاب می‌رسد و سوی دیگر آن به مصوبات و لوایحی که تشدید فشارهای معیشتی را در پی دارد.

تحقیر و زیر پا گذاشتن احترام و کرامت شهروندان از ابتدای تشکیل جمهوری اسلامی آغاز شده و پی در پی در جریان بوده است؛ از ایجاد گشت‌های «کمیت» تا وضع قوانین محدودکننده مانند حجاب اجباری، از بازداشت‌های گسترده شهروندان پس از پیروزی انقلاب ۵۷ تا انقلاب فرهنگی دانشگاه و مدارس و پاکسازی ادارات و راندن نیروهای شایسته از ساختار اداری و اجرایی کشور، و جایگزین کردن نیروهای ناکارآمد و نالایق «خودی».

در هفته‌های گذشته باز موج تازه‌ای از فشارهای اقتصادی و سیاسی، تحقیر جمعی شهروندان و ا فشار مختلف در دستور کار حکومت قرار گرفته است.

تحقیر عمومی و تجاوز به حریم خصوصی

فشارهای اجتماعی که پس از اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ در اقدامی تلافی‌جویانه از سوی جمهوری اسلامی اعمال شده دامنه گسترده‌ای را شامل می‌شود. بخشی از این فشارها به صورت قوانین و مصوباتی چون لایحه «عفاف و حجاب» در جریان هستند و برخی دیگر به صورت سازمانیافته از سوی حکومت اما در خارج از چارچوب قوانین صورت می‌گیرند.

«مبارزه با بی‌حجابی» یکی از ابزارهای مهم سرکوب شهروندان و آزار زنان و دختران در سطح جامعه است. با وجود آنکه لایحه «عفاف و حجاب» همچنان میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در رفت و آمد است اما بخش‌های مختلف آن در سازمان‌ها، ادارات، و معابر و اماکن عمومی در حال اجراست.

مأموران و مزدوران حکومتی با عناوین مختلف در

سرمقاله

همه منتظر مرگ جمهوری اسلامی هستند

بار دیگر مرگ علی خامنه‌ای مضمون برخی رسانه‌های داخلی و خارجی و البته محل رقابت زمامداران و جناحین نظام شده است.

روشن است که هر موجود زنده‌ای با گذر عمر بر سال‌های زندگی‌اش افزوده نمی‌شود و دومین رهبر سالخورده و فرتوت حکومت نیز هر روز ممکن است خیر مرگش برسد. اما اینکه ویروس بدخیمی به نام جمهوری اسلامی را به یک نفر و بود و نبود وی کاهش داد، عمدتاً از سوی افراد و جریان‌های صورت می‌گیرد که پیدا و پنهان رژیم کنونی را امری تغییرناپذیر و



به عنوان سرنوشت ایران و ایرانیان قلمداد می‌کنند و به فکر «رهبر سوم» و «جمهوری سوم» هستند.

واقعیت اینست که جمهوری اسلامی با تفکر فرقه‌ای و قرون وسطایی از اول سالخورده و فرتوت به دنیا آمده و ابزار روی کار آمدن و بقایش نیز چیزی جز همانکه بنیانگذارش به صراحت اعلام کرد نبوده است: خون!

خون و خونریزی برای کسب قدرت و حفظ آن، ابزار و روش مافیایی است که همه گروه‌های ایدئولوژیک اعم از دینی و غیردینی به کار می‌بندند زیرا تفکر و هدف آنها ضد آزادی‌های طبیعی است که با بشر متولد می‌شود و ضد حقوق شهروندیست که بشر برای همزیستی در زندگی اجتماعی آنها را به ارزش و قانون تبدیل کرده است.

حالا گذشته از هرج و مرج احتمالی ناشی از مرگ خامنه‌ای در نیروهای داخلی خود رژیم، بعید است که مرگ رهبر دوم نظام پس از ۴۴ سال تجربیات ناکام و مرگبار جامعه به همان شکلی به «سلام و صلوات» و «رهبر سوم» ختم شود که ده سال پس از روی کار آمدن رژیم و پس از مرگ خمینی، با توطئه‌ی امثال علی اکبر هاشمی رفسنجانی به «رهبر دوم» ختم شد. فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران با همه‌ی لاف و گزاف‌های زمامدارانش، طی سال‌های اخیر در ضعیف‌ترین دوران خود بسر می‌برد.

در برابرش بزرگترین و مهم‌ترین دشمن آن، جمعیت جوانی قرار دارد که قاطعانه به دنبال تغییر رژیم است و جنبش ملی ۱۴۰۱ را در ابعادی بی‌همتا رقم زد.

در سوی دیگر جبهه‌ایست که گروه‌های تروریستی از جمله حماس علیه اسرائیل گشودند که گریبان خودشان را گرفت بطوری که حتا کشورهای عربی نیز می‌خواهند منافع خود را با «آرمان فلسطین» گره بزنند چه برسد به آنکه در کنار «محور مقاومت» قرار گیرند.

آنسو تر دولت‌های غربی هستند که دستپاچه از رشد افراطیون اسلامی و پیروزی راست‌ها، حکایت معروف سعدی را به یاد می‌آورند که هر مصرع و بیت آن زیان‌زد شده: درختی که اکنون گرفته‌ست پای/ به نیروی شخصی برآید ز جای/ وگر همچنان روزگاری هلی/ به گردونش از بیخ بر نگیلی/ سِرِ چشمه شاید گرفتن به بیل/ چو پر شد نشاید گذشتن به پیل!

به هر حال، هیچکدام از اینها نشانه‌های خوبی برای رژیمی نیستند که رهبر تبهکارش که این روزها مرتب در اعلام برائت از حمله و دشمنی علیه اسرائیل به «تقیه» مشغول است، بخواهد «رهبر سوم» بجای خود تعیین کند. ایران و خاورمیانه در انتظار مرگ جمهوری اسلامی روزشماری می‌کنند.

پیام شهبانو فرح پهلوی به مناسبت روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان



من با زنان دلیر و مبارز ایران که در راه دستیابی به حقوق انسانی خود ولو به بهای جان می‌کوشند همدل و همراهم و به پایان رسیدن خط‌مشی‌های زن‌ستیزانه و تحقق اهداف والای انسانی را در میهنم آرزو می‌کنم. خشونت علیه زنان مصداق آشکار تجاوز به حقوق بشر است.

به امید پیروزی نور بر تاریکی

عمومی می‌شوند تا قطع و اختلال سازمانیافته در اینترنت و حتی کاهش ارزش پاسپورت ایرانی و... گسترده است.

در این میان به نظر می‌رسد با همه تلاش‌ها و نمایش‌های بگير و ببند و اعمال فشارهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی از سوی جمهوری اسلامی، تصویری که از این روند نمایان شده، استیصال حکومتی پرمدعا است؛ حکومتی که نه عرضه زمامداری امور و تأمین منافع کشور و مردم را دارد و نه توانسته پایگاه اجتماعی کسب کند و هر روز شاهد ریزش شمار بیشتری از معدود طرفداران و حامیان و پیوستن آنها به اکثریت مخالف نظام است.

در این میان به نظر می‌رسد اتاق‌های فکر جمهوری اسلامی دچار یک اشتباه تحلیلی هستند و گمان می‌کنند با تشدید انواع فشارهای اجتماعی و اسیر کردن مردم در مشکلات معیشتی و اقتصادی و همچنین تحقیر مداوم، خواهند توانست پتانسیل‌های اعتراضی را سرکوب کنند. ولی جامعه‌ای که از اواسط دهه ۹۰ خورشیدی آرایشی جدید در برابر حکومت گرفته و با برگزاری چندین دوره اعتراضات سراسری هدف روشن براندازی را به گوش جهان رسانده، دیگر آن جامعه‌ای نیست که با «کمیت» و «پونز» و «بسیج» بتوان آن را مهار کرد.

اگرچه ممکن است به نظر برسد که مردم با شرایط فشارهای مداوم در حال «زندگی» کردن هستند و با آن کنار آمده‌اند، اما نه تنها به اشکال مختلف در برابر فشارهای حکومت مقاومت می‌کنند بلکه آشکارا در کمین فرصت و حادثه‌های دیگر برای حضور گسترده در خیابان و ضربه دیگری بر ریشه‌های فاسد و فرسوده‌ی حکومت هستند.

روشنگ آسترکی

خشیم و اعتراض زنان ایرانی در مبارزه با خط‌مشی‌های زن‌ستیزانه‌ای که سال‌هاست پهنه اجتماع و سیاست جمهوری اسلامی را درمی‌نوردد با فرا رسیدن روز جهانی خشونت علیه زنان به اوج رسیده و مردم جهان را بیش از پیش با زنان شجاع و آگاه ایرانی، که علیرغم سرکوب‌ها و بازداشت‌های گسترده همچنان در خط مقدم مبارزه و مقاومت ایستاده‌اند همراه کرده است.

فناوری اطلاعات مکلف است با هماهنگی و همکاری وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و دیگر سازمان‌ها نسبت به ارائه «خدمات امن‌سازی و ارزیابی و رتبه‌بندی سالانه امنیت سایبری» دستگاه‌های اجرایی اقدام کند.

تباهکاری تا کی؟ تا کجا؟

کارنامه جمهوری اسلامی در ۴۴ سال گذشته تباهکاری و نابودی منابع و پتانسیل‌های کشور بوده است. این عملکرد نامطلوب نه تنها بر زندگی شهروندان اثرات و خسارت‌های زیادی برجای گذاشته بلکه حکومت در ابعادی دیگر به صورت عامدانه مردم را پی در پی تحقیر کرده و کرامت آنها را به سخره گرفته است.

مجموعه اقدامات صورت گرفته در ماه‌های گذشته بطور کلی تحقیر شهروندان در سطح جامعه و تجاوز به حریم شخصی آنها بوده است. در آنسو حکومتی که با چهار دهه عملکرد تباهکارانه، اقتصاد کشور را به شدت تضعیف کرده بجای حمایت از اقشار کم‌درآمد و تنگدست، با وضع قوانین عجیبی آنها را زیر فشار بیشتری قرار می‌دهد.

از جمله در روزهای گذشته تغییر در محاسبه سن بازنشستگی و دریافت مالیات از حقوق‌بگیران و تحمیل بار کسری بودجه بر اقشار کم‌درآمد، گذشته از جنبه‌ی اقتصادی، کرامت شهروندان را هدف قرار داده است. تصمیمات اقتصادی که غالباً یک‌شبه، غیرکارشناسی و پرهزینه هستند نیز به اسم «آزادسازی قیمت»، «مدیریت پارانه‌ها» و «جراحی اقتصادی» و... در جریان بوده‌اند که به انواع مختلف کرامت شهروندان را به بازی می‌گیرند. دامنه مسائلی که هر یک به نوعی سبب حس تحقیر

بسیج و حراست در سازمان‌ها و ادارات و اماکن عمومی تزییق شده‌اند.

دانشگاه‌ها نیز یکی از اهداف حملات حکومت به شأن و شخصیت اجتماعی شهروندان هستند. فضای دانشگاه‌ها از اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ و در تلافی همراهی جنبش دانشجویی با اعتراضات مردم، گام به گام بسته شد.



همچنین طرح‌های جدیدی در کنار احضار و تعلیق و اخراج، برای فشارهای بیشتر بر دانشجویان اجرا می‌شود. یکی از جدیدترین طرح‌ها در اینباره «افاد» مخفف «اقدام فرهنگی اجتماعی دانشگاه» است که به صورت کمیته برای فشار بر دانشجویان دختر با ارسال پیامک و احضار آنها، آغاز به کار کرده است.

بیشتر نیز گشت‌های ارشاد در برخی دانشگاه‌ها تشکیل شده بود و کمیته انضباطی نیز فشارهای امنیتی خود را بر دانشجویان افزایش داده‌اند.

طرح‌های سرکوبگرانه و محدودکننده ابعاد دیگری نیز دارد و رصد و کنترل شهروندان نیز مانند بستن فضای اجتماعی، به اشکال مختلف پس از اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ بیش از پیش در دستور کار نهادهای مختلف حکومتی قرار گرفته است. از جمله طرحی برای نصب ردیاب روی اتومبیل‌ها که تحت عنوان «نقطه‌یاب بومی» توسط وزارت دفاع جمهوری اسلامی طراحی شده است.

همچنین نمایندگان مجلس شورای اسلامی ماه گذشته در جریان بررسی لایحه هفتم توسعه، راه‌اندازی سامانه‌ای را برای «رصد، پایش و سنجش مستمر شاخص‌های فرهنگ عمومی، سبک زندگی مردم، مرجعیت رسانه‌ای و وضعیت ارتباطات کشور» تصویب کردند.

در صورت تأیید این مصوبه توسط شورای نگهبان، همه پلتفرم‌های داخلی مورد استفاده مردم موظف می‌شوند جزئی‌ترین مسائل شخصی تک‌تک کاربران خود را، اعم از رفت و آمدهای درون و بیرون شهری، هر وسیله‌ای که خرید و فروش می‌کنند و حتی غذا و محصولاتی را که از سوپرمارکت سفارش می‌دهند، به صورت مستمر به این سامانه گزارش کنند.

اوایل آبان نیز نمایندگان مجلس شورای اسلامی، در بررسی گزارش کمیسیون تلفیق لایحه هفتم وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات را مکلف کردند که با وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه (ساس) و همچنین سازمان پدافند غیرعامل «همکاری کامل» داشته باشند. بر این اساس اعلام شده است که وزارت ارتباطات و

شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با «بیلد»:

ملایان ایران به دنبال «خلافت» و بالا بردن پرچم خودشان در کاخ سفید هستند

● روزنامه «بیلد» درباره نقش رژیم ایران در حمله هفتم اکتبر ۲۰۲۳ توسط گروه تروریستی حماس علیه اسرائیل و اهداف رژیم ملایان و اینکه دیکتاتوری مذهبی در ایران چگونه می‌تواند سرنگون شود با شاهزاده رضا پهلوی گفتگو کرده است.

● شاهزاده رضا پهلوی: «این رژیم از زمان روی کار آمدن تلاش می‌کند ایدئولوژی خود را صادر کند. در فرهنگ لغات آنها واژه ایران به عنوان یک ملت وجود ندارد. آنها همیشه از جهان اسلام حرف می‌زنند. آنها از همان اول هرگز به فکر ایران نبودند. بجایش می‌خواهند یک خلافت شیعه در منطقه برپا کنند.»

● «این رژیم رفتارش را تغییر نمی‌دهد. سیاست آن در داخل متکی بر سرکوب و در خارج بر اساس تهاجم است. به نوعی می‌توان گفت که آنها می‌خواهند پرچم خود را بر فراز کاخ سفید بالا ببرند. آنها نمی‌توانند با غرب همزیستی داشته باشند، عین همان دشمنی که بین بلوک‌های متخاصم طی جنگ سرد وجود داشت. بنابراین تلاش برای تغییر رفتار این حکومت فقط وقت تلف کردن است.»

روزنامه آلمانی «بیلد» در گفتگوی کوتاهی با شاهزاده رضا پهلوی به بازتاب نظرات وی درباره شرایط کنونی ایران پرداخته است. این روزنامه می‌نویسد، وی امید بسیاری از ایران برای یک زندگی بهتر، بدون سرکوب توسط رژیم ملایان است. از بیش از ۴۰ سال پیش رضا پهلوی ۶۲ ساله در تبعید زندگی می‌کند و خود را متعهد به دموکراسی می‌داند، برخلاف پدرش که بر یک رژیم اقتدارگرا حکومت می‌کرد.

«بیلد» درباره نقش رژیم ایران در حمله هفتم اکتبر ۲۰۲۳ توسط گروه تروریستی حماس علیه اسرائیل و اهداف رژیم ملایان و اینکه دیکتاتوری مذهبی در ایران چگونه می‌تواند سرنگون شود با شاهزاده رضا پهلوی گفتگو کرده است. رضا پهلوی می‌گوید: «این حمله مرا به شدت در بهت فرو برد. دیدن اینکه خشونت و ترور چه چیزی به بار می‌آورد وحشتناک بود. البته اینکه چنین حمله‌ای اتفاق افتاد اصلاً برایم تعجب‌آور نبود. رژیم در ایران از سال‌ها پیش فرهنگ نفرت و خشونت و عدم تحمل را پرورش می‌دهد. آنها به هر کاری دست می‌زنند تا مانع هر تلاشی برای برقراری صلح در منطقه شوند.»

او می‌افزاید یکی از دلایل اصلی حمله هفتم اکتبر نیز عادی شدن روابط بین اسرائیل و شمار زیادی از کشورهای منطقه است. آنها می‌خواستند مانع پیشرفت این روند شوند. از همین رو، وی هیچ تردیدی ندارد که تا زمانی که ملایان در ایران بر سر قدرت هستند، در خاورمیانه هیچ صلحی وجود نخواهد داشت و به همین دلیل هم راه حل دو کشور امکان اجرا نخواهد یافت: «رژیم در حال حاضر به دلیل اعتراضاتی که در کشور وجود داشته در تنگنا قرار گرفته. به همین دلیل تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا توجهات را از خود به سمت دیگری منحرف کند. با حمله حماس به اسرائیل این انحراف تحقق یافت. آنها البته اینقدر باهوش هستند که برای جنگ مستقیم با اسرائیل خود را به خطر نیندازند.»

«بیلد» در ادامه می‌نویسد، اما این کافی نیست و مسئله زمامداران در ایران فقط بر سر درگیری با اسرائیل نیست.



دارد. او می‌گوید: «این رژیم رفتارش را تغییر نمی‌دهد. سیاست آن در داخل متکی بر سرکوب و در خارج بر اساس تهاجم است. به نوعی می‌توان گفت که آنها می‌خواهند پرچم خود را بر فراز کاخ سفید بالا ببرند. آنها نمی‌توانند با غرب همزیستی داشته باشند، عین همان دشمنی که بین بلوک‌های متخاصم طی جنگ سرد وجود داشت. بنابراین تلاش برای تغییر رفتار این حکومت فقط وقت تلف کردن است.»

بر همین اساس است که او خواستار تغییر رژیم است. او خواهان تحریم‌های اقتصادی علیه رژیم و حمایت از مردم ایران است که علیه رژیم مبارزه می‌کنند. به عقیده‌ی رضا پهلوی، اعتصابات کارگری برای رژیم خیلی خطرناک است و به همین دلیل باید سازماندهی و از نظر مالی تأمین شوند. این می‌تواند از طریق پول‌های مسدودشده خود ایران در خارج کشور انجام شود. وی مداخله نظامی از خارج را قاطعانه رد می‌کند.

*منبع: روزنامه بیلد

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

شاهزاده ایران در همین ارتباط می‌گوید: «این رژیم از زمان روی کار آمدن تلاش می‌کند ایدئولوژی خود را صادر کند. در فرهنگ لغات آنها واژه ایران به عنوان یک ملت وجود ندارد. آنها همیشه از جهان اسلام حرف می‌زنند. آنها از همان اول هرگز به فکر ایران نبودند. بجایش می‌خواهند یک خلافت شیعه در منطقه برپا کنند.»

از همین رو نیز ملایان از گروه‌هایی مثل حزب‌الله یا حماس حمایت مالی می‌کنند و برعکس، مردم خود ایران اصلاً برای آنها مهم نیستند و به گفته‌ی شاهزاده رضا پهلوی، به همین دلیل است که ایران با وجود برخورداری از دومین منابع عظیم ذخایر گازی اما بیش از ۶۰ درصد جمعیت کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند: «چیزی که این رژیم می‌گوید هیچ ربطی به آنچه مردم ایران فکر می‌کنند ندارد. این را می‌توان حالا پس از حمله حماس به اسرائیل نیز به چشم دید. به عنوان نمونه، برخلاف سیاست حکومتی، طرفداران فوتبال در یک مسابقه علیه بالا بردن پرچم اسرائیل در ورزشگاه اعتراض کردند.»

رضا پهلوی به ویژه نسبت به تلاش‌های دولت‌های غربی برای تأثیرگذاری بر آخوندها از طریق مذاکره و توافق تردید

اعزام ناو هواپیمابر «آیزنهاور» به خلیج فارس سناتور تام کاتن: ثبات در خاورمیانه را ضعف دولت بایدن تهدید می‌کند



ناوگروه آیزنهاور در خلیج فارس

شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران بیش از ۱۵۰ بار به مواضع نظامیان آمریکا در خاورمیانه حمله کرده‌اند اما ایالات متحده در واکنش به آن تنها چند حمله محدود علیه مواضع شبه‌نظامیان نیابتی انجام داده است.

سناتور کاتن همچنین گفت: «راه متوقف کردن این حملات نگرانی، خودداری و احتیاط نیست. باید دست به اقدامات تلافی‌جویانه گسترده زد تا مشخص شود حمله به نیروهایمان را تحمل نخواهیم کرد.»

وی همچنین گفت که دولت بایدن باید در قبال رژیم ایران سختگیرانه‌تر عمل کند و برای پایان دادن به حملات به دارایی‌های ایالات متحده به یک «تقابل بزرگ» نیاز است. این عضو کمیته اطلاعات و نیروهای مسلح سنا افزود که وی پیشنهاد می‌کند تا اهداف ایرانی را که در عراق و سوریه فعالیت می‌کنند هدف قرار داده شوند.

کاتن با اشاره به زمانی که رئیس‌جمهور رونالد ریگان نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران را به دلیل حمله به یک کشتی نیروی دریایی آمریکا مورد حمله قرار داد و کشتی آن را غرق کرد گفت: «من همچنین پیام روشنی به [رژیم] ایران خواهیم فرستاد که اگر این حملات فوراً متوقف نشوند، ما نیز دارایی‌های آنها را تهدید خواهیم کرد.»

همزمان جیک اوکینکلاس نماینده مجلس سنا برخلاف نظرات تام کاتن در برنامه «فاکس نیوز» تأکید کرد که دولت بایدن در قبال رژیم ایران سختگیرانه عمل می‌کند. وی گفت این دولت «تقریباً ۵۰ مجموعه تحریم جدید وضع کرده که به تورم تقریباً ۵۰ درصدی در اقتصاد ایران منجر شده. [رژیم] ایران در حال حاضر مستاصل است.»

اوکینکلاس که در سال ۲۰۱۲ در افغانستان خدمت می‌کرده، گفت: «اگر بخوایم مسیر جنگی حزب جمهوریخواه را در خاورمیانه دنبال کنیم، به یک جنگ شکست‌خورده‌ی دیگر در آن منطقه خواهیم رسید.»

این نفتکش ۲۴ ساعت بعد از توقیف روز دوشنبه آزاد شد. پیش از این حوثی‌ها در کمتر از یک هفته کشتی «گالکسی لیدر» با ۲۵ خدمه آن را با عملیات هلی‌پرن به سبک نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ربودند و چند روز بعد با پهپاد انتحاری کشتی «CMA CGM» را در اقیانوس هند هدف قرار دادند.

جریان‌های فکری وابسته به سپاه پاسداران می‌گویند حوثی‌ها «ارتش ملی یمن» و عضو مقتدر «جبهه مقاومت» هستند. ابراهیم رئیسی دوم آذرماه در یک سخنرانی گفت، «تفکر بسیجی یمن و محور مقاومت را روی پای خود نگه داشته است.»

پیش از این نیز آمریکا و متحدان اروپایی آن برای ارتقاء امنیت کشتیرانی آزاد در آب‌های خاورمیانه اقدام به اجرای طرح‌های مختلف کرده بودند که تا حدودی حملات ایدایی به کشتی‌های باری و نفتکش‌ها در دریای عمان و خلیج عدن را کاهش داد اما پس از شروع جنگ غزه با حمله تروریستی حماس علیه اسرائیل در هفتم اکتبر، این حملات دوباره شدت گرفته است.

درخواست از بایدن برای کنار گذاشتن احتیاط

در آمریکا دولت بایدن به دلیل ضعف در تأمین امنیت متحدان خود در خاورمیانه به شدت زیر فشار است. در همین ارتباط سناتور تام کاتن در مصاحبه با «فاکس نیوز» خواسته است تا حملات سپاه پاسداران و شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی به نیروها و پایگاه‌های آمریکایی در منطقه تلافی شود.

وی در این مصاحبه تأکید کرده است «آنچه شما بیش از هر چیز به آن نیاز دارید اراده آهنین و نیروی خردکننده است. آنچه بیشتر از همه مرا می‌ترساند ضعف آمریکاست که ثبات در منطقه را تهدید می‌کند.» وی توضیح داده از زمان به روی کار آمدن جو بایدن،

حوثی‌ها در سومین اقدام پیاپی علیه کشتی‌های تجاری مرتبط با اسرائیل یک نفتکش را در «خلیج عدن» ربودند.

ساعاتی پس از اعلام رسمی این خبر، آمریکا اعلام کرد که ناوگروه آیزنهاور را به خلیج فارس اعزام کرده است.

سناتور تام کاتن در مصاحبه با «فاکس نیوز» گفت: «آنچه شما بیش از هر چیز به آن نیاز دارید اراده آهنین و نیروی خردکننده است. آنچه بیشتر از همه مرا می‌ترساند ضعف آمریکاست که ثبات در منطقه را تهدید می‌کند.»

جیک اوکینکلاس نماینده مجلس سنا در «فاکس نیوز» تأکید کرد: «اگر بخوایم مسیر جنگی حزب جمهوریخواه را در خاورمیانه دنبال کنیم، به یک جنگ شکست‌خورده‌ی دیگر در آن منطقه خواهیم رسید.»

ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام)، یکشنبه ۲۶ نوامبر (۵ آذرماه) اعلام کرد که ناو هواپیمابر آیزنهاور به همراه ناوشکن‌های آن پس از عبور از تنگه هرمز به خلیج فارس وارد شدند.

طبق اعلام سنتکام این ناوگروه ضمن حمایت از الزامات سنتکام در سراسر منطقه، آزادی ناوبری را در آبراه‌های بین‌المللی کلیدی از جمله در خلیج فارس و دریای عمان تضمین خواهد کرد.

مأموریت این ناوگروه تأمین امنیت کشتیرانی آزاد در آب‌های خاورمیانه است. این تصمیم آمریکا واکنش به حملات ایدایی بازوی یمنی سپاه پاسداران (حوثی‌ها) به کشتی‌های تجاری است.

در آخرین مورد یک نفتکش مرتبط با اسرائیل روز یکشنبه در آب‌های یمن ربوده شد. شرکت «امبری» اعلام کرد نفتکش «سنترال پارک» که متعلق به شرکت «زودیاک ماریتیم» در خلیج عدن ربوده شده است. این شرکت مستقر در لندن و بخشی از کنسرن «زودیاک» (Zodiac) متعلق به ایال اوفر میلیاردر اسرائیلی است. برخی منابع گزارش دادند

رافائل گروسی: غنی‌سازی اورانیوم «با غلظت بسیار بسیار زیاد» در ایران نگران کننده است



رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

بسیار غنی شده را در مکان‌هایی یافتند که نمی‌بایست آنجا فعلاتی وجود داشته باشد. بنابراین پرسش‌های فراوانی درباره برنامه‌های اتمی ایران وجود دارد که تلاش کردیم پاسخ آنها را به دست آوریم.»

گروسی در مورد میزان موفقیت آژانس در این زمینه گفت: «در برخی موارد قادر به رفع اختلافات بودیم و در برخی موارد نبودیم. اکنون در موقعیتی قرار داریم که هنوز پرسش‌های مهمی بی‌پاسخ مانده است.»

در ادامه این مصاحبه، رافائل گروسی بار دیگر خواستار همکاری کامل جمهوری اسلامی با آژانس شد و گفت: «ضروری است ما بتوانیم فعالیت‌های اتمی ایران را راست‌آزمایی کنیم اما اگر بازرسان آژانس در کشوری به نتایج رضایت‌بخشی نرسند، ممکن است آن کشور در وضعیت عدم پایبندی به تعهدات بین‌المللی خود شناخته شود و کارش به شورای امنیت کشیده و تحریم‌هایی وضع شود که ایران و هیچ کشور دیگری به دنبال آن نیستند.»

وی افزود: «اگر ایران می‌خواهد که به عنوان کشوری عادی که به تعهداتش پایبند است، با آن رفتار شود خواسته ما این است که اماکن خود را به روی بازرسان گشوده و در سطوح لازم با آژانس همکاری کند.»

پیش از این مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفته بود، رژیم ایران بازرسانی را از نظارت منع کرده که «تجربه زیادی به ویژه در غنی‌سازی اورانیوم و سایر ظرفیت‌ها دارند.»

همکاری با بازرسان باتجربه برای آژانس بسیار مهم است زیرا همین بازرسان مجرب آژانس بودند که در ژانویه ۲۰۲۳ تغییراتی را در خروجی آبشار یا خوشه سانتریفیوژهای غنی‌سازی اورانیوم متوجه شدند که جمهوری اسلامی آن را به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش نداده بود. این تغییرات غنی‌سازی اورانیوم را تا درجه‌ی ۷/۸۳ درصد که رکورد به شمار می‌رفت می‌رساند.

● مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مصاحبه با شبکه «فرانس ۲۴» با اشاره به اخراج شماری از بازرسان از ایران توضیح داد: «ما امکان نظارت به بخش بزرگی از برنامه‌های اتمی کاملاً جاه‌طلبانه جمهوری اسلامی را نداریم و نگران این وضعیت هستیم.»

● وی در بخشی از این مصاحبه گفت: «بازرسان آژانس آثار اورانیوم بسیار غنی شده را در مکان‌هایی یافتند که نمی‌بایست آنجا فعلاتی وجود داشته باشد. بنابراین پرسش‌های فراوانی درباره برنامه‌های اتمی ایران وجود دارد که تلاش کردیم پاسخ آنها را به دست آوریم.»

● رافائل گروسی تأکید کرد «ما نمی‌خواهیم آنچه در کره شمالی در سال ۲۰۰۶ اتفاق افتاد در ایران هم تکرار شود.»

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید جمهوری اسلامی هنوز به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکرده است اما توانمندی‌هایی دارد که باعث نگرانی است.

رافائل گروسی دوشنبه ۲۷ نوامبر (ششم آذرماه) در مصاحبه با شبکه «فرانس ۲۴» با اشاره به اخراج شماری از بازرسان از ایران توضیح داد: «ما امکان نظارت به بخش بزرگی از برنامه‌های اتمی کاملاً جاه‌طلبانه جمهوری اسلامی را نداریم و نگران این وضعیت هستیم.»

وی افزود: «من باید با ایران گفتگو می‌کردم تا امکان بازرسی را هرچند اندک بازسازی کنیم که پیچیدگی‌هایی دارد و موقعیتی سخت است اما مجبوریم ادامه دهیم و نمی‌توانیم تسلیم شویم ما نمی‌خواهیم آنچه در کره شمالی در سال ۲۰۰۶ اتفاق افتاد در ایران هم تکرار شود.»

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با اشاره به نقش برجام از سوی جمهوری اسلامی هشدار داد میزان و سطح اورانیوم غنی‌شده در ایران «با غلظت بسیار بسیار زیاد» نگران کننده است.

وی همچنین توضیح داد که «بازرسان آژانس آثار اورانیوم

هشدار ناتو به جمهوری اسلامی درباره ادامه حملات به پایگاه‌های آمریکا در منطقه

● یانس استولتنبرگ دبیرکل ناتو در یک نشست خبری در بروکسل با اشاره به تشدید درگیری در خاورمیانه از مقامات جمهوری اسلامی خواست از دامن زدن به تنش‌ها خودداری کنند و هشدار داد: «ایران باید نیروهای نیابتی خود را در منطقه مهار کند.»

● حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران ۳۰ آبان‌ماه در یک سخنرانی ادعا کرده بود «صهیونیست‌ها منتظر آتش‌بس هستند چون در بحراند، اما آمریکایی‌ها اجازه نمی‌دهند و التهاب و اضطراب در میان صهیونیست‌ها کهنه‌تر از آن چیزی است که در غزه مشاهده می‌کنید.»

● به گزارش رویترز برخی از گروه‌های شبه‌نظامی در عراق از جمله «کتابت سید الشهداء» و «کتابت حزب‌الله»، اعلام کرده‌اند که به آتش‌بس موقت غزه پایبند خواهند بود، اما همزمان تأکید کردند که پس از پایان آتش‌بس، حملات را از سر خواهند گرفت.

بعد از مقامات آمریکا و دولت‌های اروپایی، دبیرکل پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نیز در مورد ادامه حملات ایذایی گروه‌های شبه‌نظامی در منطقه علیه پایگاه‌ها و نیروهای آمریکا هشدار داد.

ینس استولتنبرگ روز دوشنبه ۲۷ نوامبر (ششم آذر) در یک نشست خبری در بروکسل که پس از جلسه با وزرای خارجه اعضای ناتو برگزار شد با اشاره به تشدید درگیری در خاورمیانه از مقام‌های جمهوری اسلامی خواست از دامن زدن به تنش‌ها خودداری کنند و هشدار داد: «ایران باید نیروهای نیابتی خود را در منطقه مهار کند.»

وی تأکید کرد: «متحدهان ناتو در منطقه بطور گسترده در خاورمیانه حضور دارند. برای انجام مأموریت تقویت امنیت در عراق اما ما شاهد حملات موشکی و پهپادی به مواضع آمریکا در سوریه و عراق و همچنین حملات به حمل و نقل تجاری بوده‌ایم. این وضعیت تشدید خطر را نشان می‌دهد.

ایران باید نیروهای نیابتی خود را مهار کند.»

بر اساس گزارش پنتاگون، تنها طی یک ماه پس از حمله تروریستی حماس به اسرائیل، شبه‌نظامیان وابسته به سپاه پاسداران بیش از ۶۰ بار به پایگاه‌های آمریکا در عراق و سوریه راکت و پهپاد پرتاب کردند و دست‌کم ۵۰ پرسنل آمریکایی آسیب دیدند.

جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا پیش از این در نامه‌ای به کنگره آمریکا با اشاره به دستور خود به نیروهای ایالات‌متحده برای حمله به مواضع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شرکای آن در عراق و سوریه، ادعا کرد که «آمریکا برای مختل کردن این حملات اقدام کرده است» اما

خبرگزاری فرانسه: قدرت‌های غربی از سختگیری به جمهوری اسلامی هراس دارند



بازدید علی خامنه‌ای از ماشین‌های سانتریفیوژ / خرداد ۱۴۰۲

تشدید فعالیت‌های هسته‌ای به تلافی پرداخته است. طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران اکنون برای ساخت سه بمب اتم اورانیوم غنی شده ۶۰ درصدی در اختیار دارد.

یک منبع دیپلماتیک می‌گوید: «این مقدار بسیار زیاد است، به خصوص اینکه مصرف تجاری و صلح‌آمیز ندارد.» در این میان، جمهوری اسلامی مجوز شماری از متخصصان و بازرسان حرفه‌ای آژانس را لغو کرده است. رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید متخصصانی که جمهوری اسلامی از لیست حذف کرده به راست آزمایی فعالیت‌های اتمی مشکوک جمهوری اسلامی لطمه جدی می‌زند.

یکی از بازرسانی که مجوز وی لغو شده گفته می‌شود یک متخصص روس بود که در ژانویه ۲۰۲۳ تغییراتی را در خروجی آبشار یا خوشه سانتریفیوژهای غنی‌سازی اورانیوم کشف کرد که جمهوری اسلامی آن را به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش نداده بود. این تغییرات غنی‌سازی اورانیوم را تا درجه‌ی ۷/۸۳ درصد که رکورد به شمار می‌رود می‌رساند.

آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان ۲۳ نوامبر (دوم آذرماه) در بیانیه‌ای مشترک در مورد اختلال در فعالیت بازرسان آژانس به جمهوری اسلامی هشدار دادند. در این بیانیه تأکید شده که رژیم ایران در حال وقت‌کشی و مختل کردن عمادانه توان راست‌آزمایی آژانس است و هنوز توضیحات فنی معتبری برای ذرات کشف شده اورانیوم با منشأ انسانی در مکان‌هایی مثل ورامین و تورقوزآباد نداده است.

اینهمه در حالیست که هنوز هیچ علامتی هم از افزایش فشارها به جمهوری اسلامی مشاهده نمی‌شود و آنچه دولت‌های غربی به صورت رسمی اعلام کرده‌اند تکرار همان هشدارها و تعهد به ضرورت‌هایی است که شورای حکام در سه سال گذشته مدام اعلام کرده است اما مقامات جمهوری اسلامی تا کنون گوش شنوایی برای آن نداشته‌اند.

● خبرگزاری فرانسه در گزارشی می‌نویسد با اینکه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید اقدامات اخیر جمهوری اسلامی «مرزهای بی‌سابقه‌ای را جابجا کرده» اما از صدور قطعنامه الزام‌آور نیز خودداری کرده است.

● یک دیپلمات ارشد درباره بن‌بست فعلی که غربی‌ها در آن گرفتار شده‌اند می‌گوید: «تصویر بسیار تیره و تاریک است، اما واقعیت کنونی این است که هیچ تمایلی برای برانگیختن واکنش‌های جمهوری اسلامی در شرایط جنگی خاورمیانه وجود ندارد.»

پس از حمله تروریستی و مرگبار «هفت اکتبر» حماس علیه اسرائیل و حملات دفاعی از جمله حمله زمینی اسرائیل با هدف نابودی حماس در غزه، نگرانی‌ها در مورد گسترش یک جنگ منطقه‌ای بیش از پیش افزایش پیدا کرده است. دیپلمات‌ها می‌گویند که قدرت‌های غربی با نگرانی از تشدید تنش‌ها در غرب آسیا، در حالی که جمهوری اسلامی به توسعه برنامه‌های اتمی خود ادامه می‌دهد و همکاری با بازرسان آژانس را مختل کرده، تمایلی به سختگیری علیه تهران ندارند.

خبرگزاری فرانسه در گزارشی که ۲۴ نوامبر (سوم آذرماه) منتشر شد می‌نویسد با اینکه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید اقدامات اخیر جمهوری اسلامی «مرزهای بی‌سابقه‌ای را جابجا کرده» اما از صدور قطعنامه الزام‌آور نیز خودداری کرده است.

یک دیپلمات ارشد درباره بن‌بست فعلی که غربی‌ها در آن گرفتار شده‌اند می‌گوید: «تصویر بسیار تیره و تاریک است، اما واقعیت کنونی این است که هیچ تمایلی برای برانگیختن واکنش‌های جمهوری اسلامی در شرایط جنگی خاورمیانه وجود ندارد.»

مذاکرات اتمی برای «احیای برجام» که با روی کار آمدن جو بایدن در آمریکا از سر گرفته شد پس از سه سال بی‌نتیجه ماند و به بن‌بست رسید. جمهوری اسلامی اکنون با

فشارها داخلی آمریکا برای نشان دادن واکنش قاطع از سوی آمریکا همچنان ادامه دارد. در همین ارتباط سناتور تام کاتن به کتایه گفته دولت بایدن برای تلافی گستاخی شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران دستور داده انبارهای خالی در سوریه و عراق را هدف قرار دهند!



ینس استولتنبرگ دبیرکل ناتو - بروکسل / نوامبر ۲۰۲۳

پیشنهاد سناتور کاتن برای پاسخ به حملات شبه‌نظامیان در منطقه «روبارویی تمام عیار» با رژیم ایران است. وی از دولت بایدن به دلیل واکنش محدود به تهدیدات جمهوری اسلامی انتقاد و تأکید کرده «راه متوقف کردن این حملات، ترس و اقدام محتاطانه نیست، بلکه تلافی گسترده است تا روشن شود که ما این حملات علیه آمریکایی‌ها را تحمل نخواهیم کرد.»

حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران ۳۰ آبان‌ماه در یک سخنرانی ادعا کرده بود «صهیونیست‌ها منتظر آتش‌بس هستند چون در بحراند، اما آمریکایی‌ها اجازه نمی‌دهند و التهاب و اضطراب در میان صهیونیست‌ها کهنه‌تر از آن چیزی است که در غزه مشاهده می‌کنید.»

به گزارش رویترز، برخی از گروه‌های شبه‌نظامی در عراق از جمله «کتابت سید الشهداء» و «کتابت حزب‌الله» اعلام کرده‌اند که به آتش‌بس موقت غزه پایبند خواهند بود اما همزمان تأکید کردند که پس از پایان آتش‌بس، حملات را از سر خواهند گرفت.

در شرایطی که میانجی‌ها به دنبال تهدید توقف موقت چهار روزه اسرائیل و حماس هستند، مشاور امور بین‌الملل نخست وزیر عراق گفته «اگر آتش‌بس کنونی در غزه به آتش‌بس دائمی تبدیل نشود، از نظر عراق احتمال خطر یک درگیری منطقه‌ای وجود دارد.»

فرهاد علاء‌الدین مشاور امور بین‌الملل نخست وزیر عراق در اینباره گفت: «کل منطقه در آستانه یک درگیری ویرانگر است که ممکن است همه را شامل شود، و میزان گسترش آن یا نحوه کنترل و توقف آن مشخص نیست.»

وی در گفتگو با رویترز توضیح داد که «ما هرگونه آتش‌بس را در این مرحله برای مردم فلسطین و غزه و برای همه کشورهای منطقه از جمله عراق مفید و مهم می‌بینیم.»
 توماس سیلر سفیر اتحادیه اروپا در عراق ابراز امیدواری کرده گروه‌های شبه‌نظامی عراقی به توقف حملات علیه نیروهای آمریکایی ادامه دهند.

۶۰ درصد از فقرای ایران جوان و تحصیلکرده هستند



که مبنای تولید بوده‌اند. محیط زیست از بین رفته و همه می‌دانیم که سرمایه اجتماعی پایینی داریم و کاهش پیدا کرده است. با اینکه آموزش در ایران افزایش پیدا کرده، اما سرمایه انسانی کشور نیز بسیار پایین است و نیروی کار باکیفیت که حاضر باشد در کشور کار کند، بسیار سخت پیدا می‌شود. سوال من این است به کجا می‌خواهیم برویم؟ آیا هیچ تصویری از آینده داریم و چگونه به آنجا خواهیم رفت؟ پیش از این نیز فرهاد مومنی اقتصاددان نزدیک به جریان اصلاح طلب گفته بود که بر اساس داده‌های رسمی از هر سه ایرانی یک نفر به معنای مطلق، فقیر است و برای بقا مشکل دارد. او افزوده بود که برای نخستین بار در ۱۰۰ سال گذشته، در زمان کمتر از سه سال، جمعیت فقیر ایران دو برابر می‌شود. مرتضی افقه استاد دانشگاه نیز پیشتر به «تجارت‌نیوز» گفته بود که ۳۰ درصد از جامعه ایرانی در فقر مطلق بسر می‌برند.

روزنامه اینترنتی «فراز» دهم امرداد در گزارشی از زیر خط فقر قرار داشتن ۳۰ درصد جمعیت کشور خبر داد و تأکید کرد که ۲۷ درصد دیگر از جمعیت کشور نیز شرایطی بسیار نزدیک به فقر دارند، بنابراین نزدیک به ۶۰ درصد جمعیت کشور یا فقیر مطلق هستند یا با امکانات اولیه حیات زندگی می‌کنند. در همین ارتباط بانک جهانی در ۱۵ نوامبر گزارشی درباره آمار خط فقر در ایران منتشر کرد که نشان می‌دهد تقریباً ۱۰ میلیون ایرانی به دلیل ترکیبی از تحریم‌ها، سوء مدیریت اقتصادی و بی‌ثباتی بین‌المللی در قیمت نفت در طول یک دهه رشد از دست رفته، در فقر فرو رفته‌اند و نابرابری‌های اجتماعی تشدید شده است. ۴۰ درصد مردم ایران نیز در معرض فقر هستند.

در این گزارش با اشاره به اینکه مشکلات اقتصادی در ایران یکی از عوامل تظاهرات سراسری در سال گذشته بود که با مرگ مهسا امینی جرقه زده شد آمده که محققان بانک جهانی نتوانستند برای بررسی جامع میدانی به ایران سفر کنند. بر اساس این گزارش، در دهه‌های منتهی به سال ۲۰۱۱ در دوران باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، ایران شاهد کاهش فقر بود، بطوری که افرادی که به زیر خط فقر

فاصله بین نسلی نیز خواهد شد و سرمایه اجتماعی را به خطر انداخته است ادامه داد: «تیر خلاص این بخش، نرخ بازماندگی کودکان ۶ تا ۱۱ سال از تحصیل است که متأسفانه روند رو به رشدی دارد. در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ نرخ کودکان بازمانده از تحصیل حدود ۵۱/۱ درصد بوده که در سال ۱۴۰۱ به ۱/۲ درصد رسید که حدود ۹۰۰ هزار کودک ۶ تا ۱۱ سال را شامل می‌شود و البته اینها کودکانی هستند که شناسایی شدند و قطعاً بیشتر از این هستند چون برخی از کودکان فقط در مدرسه ثبت‌نام می‌کنند اما حضور فعالی ندارند.» به گفته این پژوهشگر اقتصادی، «در سال ۱۳۹۸ حدود ۴۰ درصد هزینه‌های بهداشت و سلامت توسط خود خانوار و از جیب پرداخت می‌شد که متوسط جهانی آن حدود ۲۰ درصد است. این را باید اضافه کرد که هزینه بهداشت برخی خانوارها به صفر رسیده و دیگر نمی‌توانند برای آن هزینه کنند. با ۳۰ درصد خانوارها در ایران اگر با هزینه عمل غیرمنتظره مواجه شوند، باید بیش از ۱۰ درصد درآمد سالانه خود را به آن اختصاص دهند که متأسفانه در حال افزایش است و این در حالی است که متوسط جهانی آن حدود ۲۰ درصد است. این روند باعث شده که برخی خانوارها صرفاً به خاطر یک عمل جراحی به زیر خط فقر رفته‌اند.»

در همین ارتباط، داوود سوری اقتصاددان با تأکید بر اینکه «قالب فقرای ما فقرای شاغل و یا فقرای تحصیلکرده هستند» اعلام کرد: «اینها فقرایی هستند که از نظر سلامت سالم و جوان هستند. در آخرین بررسی‌ای که داشتیم حدود ۶۰ درصد فقرای ما اینگونه هستند. از هر سه نفر یک نفر در جامعه ما فقیر است؛ فقیر کسی است که حداقل امکانات زندگی را نمی‌تواند تأمین کند و این باعث تاسف است.» به گفته وی، اینکه دولت دخالت کند و نتیجه قیمت بازار را تعیین کند و دون‌کیشوت‌وار خود را حامی فقرا نشان دهد را نمی‌توان سیاست دانست بلکه بی‌عملی دولت است و انجام عملی با خرج دیگران محسوب می‌شود و این عین بی‌سیاستی است.

سوری با بیان اینکه «ما در این چهار دهه سرمایه‌های فیزیکی خود را از دست داده‌ایم» توضیح داد: «سرمایه‌هایی

● یک پژوهشگر اقتصادی: با اینکه حدود ۵۰ درصد دانش‌آموزان در مدارس عادی و دولتی هستند اما کمتر از ۱۰ درصد رتبه‌های برتر کنکور را شامل می‌شوند که کاملاً افتراق بخش آموزش دولتی با غیردولتی را نشان می‌دهد.

● «متوسط جهانی در مورد ریاضی کلاس چهارم این است که ۸ درصد دانش‌آموزان در دنیا نتوانسته‌اند نمره قبولی را کسب کنند اما در ایران ۳۲ درصد دانش‌آموزان نتوانسته‌اند حداقل نمره را به دست بیاورند، این اتفاق متأسفانه در درس علوم و مهارت‌های نوشتن نیز به همین صورت است و از کشورهایی مانند بوسنی، امارات و بحرین عقب‌تر هستیم.»

● یک اقتصاددان: «قالب فقرای ما فقرای شاغل و یا فقرای تحصیلکرده هستند. اینها فقرایی هستند که از نظر سلامت سالم و جوان هستند. در آخرین بررسی‌ای که داشتیم حدود ۶۰ درصد فقرای ما اینگونه هستند. از هر سه نفر یک نفر در جامعه ما فقیر است.»

«آمارها نشان می‌دهد در زمینه کاهش فقر دستاورد ویژه‌ای نداشته‌ایم و به جایی رسیدیم که در سال ۱۴۰۲ حدود ۳۰ درصد جمعیت ما زیر خط فقر هستند که نزدیک به ۲۶ میلیون نفر را شامل می‌شود. از هر سه ایرانی یک نفر زیر خط فقر قرار دارد.»

روزنامه «هم‌میهن» روز یکشنبه ۵ آذر با اعلام این مطلب به نقل از زهرا کاویانی پژوهشگر اقتصادی نوشت: «وقتی نقشه جهان را پیش روی خودمان بگذاریم، ایران را در بین کشورهای می‌بینیم که نابرابری در آن بالا است و در بین ۱۵۶ کشور دنیا، ایران رتبه ۴۱ را به لحاظ بالا بودن ضریب جینی و بد بودن وضعیت نابرابری داراست.»

این پژوهشگر اقتصادی با بیان اینکه هزینه‌کرد در آموزش در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۷۳ تغییر خاصی نداشته افزود: «کاهش حضور دولت در آموزش دو پیامد داشته است؛ اول اینکه کیفیت آموزش دولتی را پایین آورده است و باعث شده دانش‌آموزانی که در بخش دولتی قرار دارند، از آموزش بی‌کیفیت بهره‌مند شوند که در آینده بر روی سرمایه انسانی کشور تأثیر منفی دارد. دومی که تیر خلاص به این بخش است، این است که بخشی از کودکان ما از آموزش محروم شده‌اند.»

به گفته کاویانی، وقتی سهم رتبه‌های برتر کنکور را در دهک‌های مختلف بررسی می‌کنیم به این می‌رسیم که دهک دهم به تنهایی برابر باقی دهک‌ها است، یعنی کسانی می‌توانند از آموزش بهتری برخوردار باشند و رتبه‌های بهتری در کنکور بگیرند که در خانواده‌هایی با درآمد بالا حضور داشته‌اند. با اینکه حدود ۵۰ درصد دانش‌آموزان در مدارس عادی و دولتی هستند اما کمتر از ۱۰ درصد رتبه‌های برتر کنکور را شامل می‌شوند که کاملاً افتراق بخش آموزش دولتی با غیردولتی را نشان می‌دهد.

وی با بیان اینکه کیفیت نامناسب این آموزش باعث شده ما از دنیا نیز عقب مانیم تأکید کرد: «به عنوان نمونه متوسط جهانی در مورد ریاضی کلاس چهارم این است که ۸ درصد دانش‌آموزان در دنیا نتوانسته‌اند نمره قبولی را کسب کنند اما در ایران ۳۲ درصد دانش‌آموزان نتوانسته‌اند حداقل نمره را به دست بیاورند، این اتفاق متأسفانه در درس علوم و مهارت‌های نوشتن نیز به همین صورت است و از کشورهایی مانند بوسنی، امارات و بحرین عقب‌تر هستیم.»

کاویانی با اشاره به اینکه این فاصله زیاد در آینده باعث

تا ز میخانه و می نام و نشان خواهد بود...

بازنشر

(کیهان لندن شماره ۱۰۴۳) بهمن ماه ۱۳۸۳

خیراندیش (احمد احرار)



ناگفته پیداست که مسجد را سراج‌الملک مرحوم در زمینی که قبلاً میکده بوده است، بنا نهاده و بدین توفیق مباحث می‌کند. اما شاعری این کرامت را به حساب میخانه می‌گذارد و از زبان میفروش می‌گوید:

بین کرامت میخانه مرا ای شیخ
 که چون خراب شود خانه خدا گردد

با آن که ایران یک کشور اسلامی است اینهمه شعر که شاعران ما در طول قرون، از زمان رودکی تا به امروز، در وصف شراب و تقدس میخانه و کرامت میفروش سروده‌اند در ادبیات هیچ کشور غیر مسلمان سراغ نمی‌توان کرد. بگذریم از شاعرانی نامور در سطح جهانی چون خیام و حافظ و اشعاری از این دست که:

من می خورم و هر که چو من اهل بود
 می خوردن من به نزد او سهل بود
 می خوردن من حق ز ازل می‌دانست
 گر می نخورم، علم خدا جهل بود

حتی از طبع شاعرانی کم‌اشتهار، اشعاری در منتهای ظرافت و استحکام تراویده است مانند این سروده عزالدین شیروانی:

خیز و سیاره می در افق جام انداز
 دانه لعل در آن حقه زرفام انداز
 خنجر برق‌نمای می روشن برکش
 سر اندیشه ز تن دور به صد گام انداز

و روانش شاد آن «کهن رندخراسان، عمادالدین بی‌دین» که آرزو داشت خداوند مددی رساند تا میخانه‌ای وقف می‌کشان کند:

گر به من دست دهد دولتی، ای باده‌کشان
 بخدا میکده‌ای وقف شما خواهم کرد!

عارف‌نامه الهی را در «یادداشت‌های بدون تاریخ-شماره ۱۴۰۱ کیهان لندن» خواندید و غلط نگفته باشم آن تکه‌اش خصوصاً بر دلتان نشست که شاعر اعتراف می‌کند:

«پدرم وصیت کرده بود که ثلث او را خرج و صرف روضه‌خوانی کنیم. من هم باغاتی که به جهت صرف این کار معین شده بود، آنها را تمام اجاره دادم به شرط این که انگور آنها را شراب بریزند. در هر سالی یک مرتبه از تهران به قزوین رفته تنها به عزم خوردن شراب ثلث. پس از ورود دعوت از اشخاصی که میل مفرط به خوردن شراب حلال داشتند می‌شد. شراب کهنه سال گذشته را به یاد روح پدر صرف. خمهایی که از شراب پارین خالی شده بود پر کرده مراجعت می‌کردم. و اینک از روح پدر خود طلب آموزش کرده و می‌خواهم هرگاه تقصیری در این باب از من سر زده عفو فرمایند».

عارف بی آن که دانسته باشد، در این فعل و انفعال مطابق قاعده فقهی «تبدیل به احسن» عمل کرده است و نیاز به عذرخواهی ندارد.

گذشته از این، با پیوندی که بین شعر و شراب در ادبیات فارسی وجود دارد، اگر شاعر جز این می‌کرد، بر او ملامت وارد بود.

در تهران خیابانی داشتیم که ابتدا خیابان چراغ‌گاز نام داشت، بعد شد خیابان چراغ برق و این اواخر خیابان امیرکبیر. نمی‌دانم بعد از انقلاب آیا این اسم از دستبرد انقلابیون محفوظ مانده یا خیر. به‌هرحال در کمرکش این خیابان مسجدی بود به نام مسجد سراج‌الملک، یکی از دو مسجدی که رضاقلی خان سراج‌الملک پیشکار ظل‌السلطان در تهران احداث کرده است. بر سر در مسجد، روی یک کاشی، این شعر به چشم می‌خورد:

حُسن توفیق بین که مسجد کرد
 صحن میخانه را سراج‌الملک

جهانی سقوط کرده بودند، از ۴۰ درصد جمعیت در سال ۱۹۸۰ به حدود ۲۰ درصد در اوایل دهه ۲۰۰۰ رسیده بودند. نویسندگان گزارش گفته‌اند، از سال ۲۰۱۱، «تحریم‌هایی که توسط ایالات متحده و سایر کشورها اعمال شد، بار دیگر تأثیر مخربی بر رشد اقتصادی و رفاه ایرانیان گذاشت. در نهایت اقتصاد ایران از «یک دهه رشد اقتصادی از دست رفته» رنج برده است.

بر اساس این گزارش البته فقدان رشد اقتصادی تمام قضیه نیست. در واقع، در طول دوره کوتاه توسعه اقتصادی در ایران، نرخ فقر به سختی پایین آمده و منافع رشد نصیب خانوارهای پنجک‌های بالای مصرف، شده در حالی که خانوارهای پنجک‌های پایین عقب ماندند. همچنین شواهدی مبنی بر نابرابری‌های ساختاری مداوم بین ساکنان روستایی و شهری، مردان و زنان، و افراد دارای تحصیلات و فاقد تحصیلات متوسطه وجود دارد.

اخیراً علیرضا عسگریان، معاون وزیر رفاه در توضیح این موضوع که ممکن است فردی از دهک نهم به دهک دهم برود اما همچنان مشمول دریافت یارانه باشد، به «ایسنا» گفت: «بله، در حال حاضر هم تعدادی از دهک دهمی‌ها را پوشش می‌دهیم (یارانه پرداخت می‌کنیم) و ممکن است با تغییر دهک، خانواری مثلاً صدک ۹۲ و یا ۹۳ شوند که باز هم این صدک‌ها زیر پوشش (مشمول دریافت یارانه) هستند، اما اگر از صدک ۹۲ و ۹۳ بالاتر بروند حذف می‌شوند (از دریافت یارانه حذف می‌شوند) و البته افراد دیگری جایگزین آنها می‌شوند چون فاصله دهک‌ها ثابت است، یعنی یک فردی استحقاق دارد و دهک بالاتر می‌رود و کسی که استحقاق (توانایی مالی) ندارد، پایین می‌آید، ولی بین دهک‌ها یعنی تا دهک نهم هر چقدر جایجایی صورت بگیرد، یارانه افراد وصل است و قطع نمی‌شود».

پدرام سلطانی فعال اقتصادی و نایب رئیس پیشین اتاق بازرگانی ایران در واکنش به سخنان معاون وزیر رفاه، در صفحه ایکس خود نوشت که پیام اینکه ۹۳-۹۲ درصد مردم از سوی دولت مستحق دریافت یارانه تشخیص داده شده‌اند چیست؟ آیا فقر به دهک دهم رسیده است؟!

در ارتباط با گسترش فقر و حذف طبقه متوسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در خردادماه در گزارشی اعلام کرده بود که نرخ فقر در ایران طی یک دهه از ۱۹ درصد به بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته است. در این گزارش آمده بود که شکاف فقر که فاصله فقرا تا خط فقر را اندازه‌گیری می‌کند؛ در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به بالاترین مقدار خود یعنی ۲۷ درصد رسیده است.

بر اساس این گزارش در سال ۱۴۰۰ خط فقر سرانه متوسط کشوری با رشد ۵۰ درصدی نسبت به سال ۱۳۹۹، به میزان یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان رسید. همچنین خط فقر متوسط کشوری در سال ۱۴۰۰ برای خانوار چهارنفره در حدود چهار میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بوده است. البته برآورد می‌شود این عدد در شهریور ۱۴۰۱ به هفت میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسیده باشد.

با این حال، وزیر کار دولت ابراهیم رئیسی که سال گذشته منکر وجود فقر مطلق در ایران شده بود، در مردادماه ادعا امسال کرد بخشی از این پدیده ریشه‌کن شده است. رئیسی نیز در مهرماه از تدوین سند کاهش فقر خبر داد که البته جزئیات آن منتشر نشده است.

افزایش تورم و بیکاری، کاهش ارزش پول ملی و کاهش قدرت خرید خانوار، در کنار عدم حمایت واقعی دولت از تنگدست و عدم افزایش عادلانه دستمزدها، سبب افزایش جمعیت زیر خط فقر و همچنین افزایش شاخص فلاکت در ایران شده است.



«نگاهی از درون به جنبش چپ ایران» (۱)

یک دانشجوی انقلابی به نام پرویز نیکخواه

دختری می گفت اگر این پرویز نیم نگاهی به من بکند حاضرم تمام زندگیم را بدهم ولی نگاه پرویز متوجه مسؤلیتهای اجتماعی بود

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از مهر تا آذر ماه ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۷۵ تا ۱۰۸۲)



حمید شوکت



کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی و سازمان انقلابی که از ائتلاف آن با حزب توده به وجود آمد در سوق دادن مبارزه سیاسی به مسیر مبارزه چریکی و اقدام مسلحانه علیه رژیم پشیمان ایران نقش مؤثر داشتند. حمید شوکت، از فعالان کنفدراسیون، در سالهای اخیر به تدوین تاریخ شفاهی کنفدراسیون همت گماشته و چند کتاب زیر عنوان «نگاهی از درون به جنبش چپ ایران» انتشار داده که آخرین آنها گفتگو با محسن رضوانی است. در این کتاب، گفتنیهای بسیار از کم و کیف فعالیتهای پنهان و ارتباطات کنفدراسیون و سازمان انقلابی به صورت گفت و شنود بین شوکت و رضوانی بازگو شده است. خوانندگان عزیز و پژوهندگان تاریخ معاصر ایران را به مطالعه این کتاب که بخشهایی از آن برای درج در صفحه خاطرات و تاریخ برگزیده شده است دعوت می کنیم. گزیده کتاب را از مأموریت پرویز نیکخواه و عزیمت وی به تهران می آغازیم. «گروه نیکخواه» پس از حادثه تیراندازی به محمدرضا شاه در کاخ مرمر (۲۱ فروردین ۱۳۴۴) به عنوان متهم اصلی شناخته شد. پرویز نیکخواه و تعدادی دیگر از افراد تیم او بازداشت و محاکمه شدند. نیکخواه پس از آن که قسمتی از دوران محکومیت خود را در زندان گذراند آزاد شد و چون به تحولات ناشی از «انقلاب سفید» در جامعه ایران عقیده پیدا کرده بود مانند کورش لاشایی تصمیم به همکاری برای پیشبرد این برنامه گرفت. او در سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران مشغول کار شد و پس از انقلاب اسلامی در شمار نخستین کسانی بود که اعدام شدند.

خرید یا میهمانی برویم و آنها دنبال ما راه می افتادند. حسن رسولی یک اتومبیل فورد انگلیسی داشت. هرچه پول داشتیم بنزین می زدیم و ساعتهای متمادی مأموران پلیس را در خیابانهای لندن و حومه به دنبال خود این طرف و آن طرف می کشیدیم؛ بدون این که مقصد معینی داشته باشیم.

با آمدن شاه به انگلستان و اعتراض و تظاهراتی که صورت گرفت، دانشجویان زیادی به مبارزه سیاسی کشیده شدند. با این همه، رشد واقعی جنبش دانشجویی در خارج از کشور با مبارزه‌های که برای نجات جان نیکخواه و یارانش که به اتهام سوء قصد به جان شاه دستگیر شده بودند، شکل گرفت.

● نیکخواه چه تیپ آدمی بود؟

فردی برجسته و استثنایی بود که در خانواده‌ای سیاسی و توده‌ای بزرگ شده بود. با دروغگویی به نحو عجیبی مخالفت می کرد و منزه طلبی خاصی داشت. همیشه شاگرد اول بود.

● منزه طلبی اش چه نشانه‌هایی داشت؟

پادم می رود، در ماه اوت، تابستانی همراه او و محسن رسولی کوله پشتی‌هایمان را برداشتیم و رفتیم راهپیمایی کنار دریا. پیش از حرکت، نیکخواه آمد و وقتی برنامه سفر را می ریختیم از جمله چیزهایی که گفت این بود: «فکر دختر بازی نباشید.»

در این سفر صبح‌ها راهپیمایی می کردیم و شبها جایی اطراق می کردیم. یکی از شبها پس از آن که چادرمان را زدیم، پیش از خواب رفتیم در یک بار نشستیم و مشروبی خوردیم. آنجا دختری توجه مرا جلب کرد و بدون این که نیکخواه و رسولی متوجه شوند، با آن دختر قراری گذاشتم. کنار چادری که زده بودیم با آن دختر مشغول قدم زدن شدم. بعد پرویز با اعتراض آمد و گفت: «مگر قرار نگذاشته بودیم دختر بازی در کار نباشد»، و عیش مرا کور کرد. ←

کنفدراسیون را به رویارویی جدی با رژیم ایران کشاند. باید اضافه کنم که آنچه به عنوان «گروه نیکخواه» شهرت یافت یک جریان سیاسی با خط مشی و برنامه مستقل نبود. این عنوان پس از دستگیری و محاکمه آنها بر سر زبانها افتاد.

● در این دوره هنوز تحصیل می کردی؟

در دانشگاه لندن حقوق بین المللی می خواندم و می خواستم در این زمینه تخصص بگیرم. فعالیتهای سیاسی نیز کهکان ادامه داشت و شب و روز برای پلیس لندن مسأله ساز بودیم؛ هم در ارتباط با ایران و هم در ارتباط با جنبشهای آزادیبخش مثل غنا و الجزایر. مثلا برای الجزایر لباس جمع می کردیم و با کمیته حقوق بشر پارلمان انگلیس از نزدیک در تماس بودیم. من با یکی از نمایندگان مجلس انگلستان به نام بروکوی که رئیس کمیته ضد استعماری مجلس بود نیز همکاری داشتم. همینطور با برتراند راسل، فیلسوف نامدار انگلیسی، که تحت عنوان «کمیته صد» بر ضد آزمایشهای هسته‌ای فعالیت داشت. این جمعیت که به کمیته صد شهرت داشت، از اعتبار و نفوذ اجتماعی فوق العاده‌ای برخوردار بود.

از اقدامات این کمیته با الهام از روش پاسیفیستی گاندی یکی هم این بود که در معابر عمومی بنشینیم و راهبندان ایجاد کنیم. اما مهمتر از همه، مسأله سفر شاه به انگلستان در بهمن ۱۳۴۰ (ژانویه ۱۹۶۲) بود. سه روز پیش از ورود شاه به لندن، پلیس اسکاتلند یارد به منزل من و حسن رسولی در خیابان فینچلی آمد و گفت: «ما با شما کاری نداریم. اما در فاصله‌ای که شاه در انگلستان است، هر کجا خواستید بروید باید با ما بروید.»

● به چه ترتیب؟

شب و روز چند پلیس جلو خانه ما کشیک می دادند. هر روز باید به آنها می گفتیم می خواهیم به دانشگاه، سینما،

رژیم ایران برای جلب دانشجویان به خانه ایران، برنامه‌های گوناگونی ترتیب می داد و گاهی نیز چلوکباب ارزان قیمت می داد که هیچ یک موفقیت چندانی نداشت. این وضعیت مدتی ادامه داشت تا این که تصمیم گرفتیم خانه ایران را اشغال کنیم.

● آن روزها هنوز اشغال مراکز رژیم توسط کنفدراسیون باب نشده بود.

اشغال به این معنا که می رفتیم و ساعتها می نشستیم و غذایی می خوردیم و تخته‌های بازی می کردیم و آنقدر می ماندیم تا آسایش آن محل برهم می خورد. آن هم با لباس و سر و وضعی که به هیچ وجه با وضعیت آنجا جور در نمی آمد. در آن روزگار هنوز شعار زنده باد و مرده باد در میان نبود و درگیری دانشجویان با رژیم کم و بیش به مسائلی مربوط می شد که صنفی بودند. نه این که از زیر کار می کردیم و فکر و نظر سیاسی نداشتیم. هدف این بود که فعالیت دانشجویی را از مبارزه آشکار سیاسی دور نگاه داریم. می خواستیم دانشجویان با حساسیت به مسائل ایران برخورد کنند، اما این امر مانع ادامه تحصیل و بازگشتشان به ایران نشود. این اقدام مانع از آن نبود که عناصر فعالتر و متعهدتر را به مبارزه سیاسی و تعهد عمل انقلابی جلب کنیم. همه این شرایط در فاصله‌ای نه چندان طولانی تغییر کرد. عدم تمدید گذرنامه دانشجویانی که فعالیت سیاسی داشتند یکی از این موارد بود. تصمیم دولت امینی در عدم تمدید گذرنامه صادق قطب‌زاده و محمدعلی فاطمی که جزو هیأت دبیران کنفدراسیون بودند، کاسه صبر دانشجویان را لبریز کرد. بستن دانشگاه تهران و اعزام دانشجویان سیاسی به خدمت سربازی نمونه دیگر بود. از آن پس فضای سیاسی حاکم بر جنبش دانشجویی خارج با شتاب دچار تغییر بود. تغییری که با دستگیری گروه نیکخواه در ایران و مبارزه بی سابقه‌ای که در سطح جهانی برای آزادی آنها صورت گرفت،

می‌بایست به مهدی رجوع می‌کردند و لیست مسؤلان و فعالان حزب را از او می‌گرفتند.

● مهدی را اولین بار کی دیدی؟

در کنگره کنفدراسیون در پاریس. ادعا می‌کرد که با کیانوری ارتباط دارد و شاید درست می‌گفت. شاید هم حزب توده دو دوزه‌بازی می‌کرد. یعنی از يك طرف از مهدی بد می‌گفت و از طرف دیگر با او تماس داشت.

● **بعید می‌دانم چنین باشد. سندی درونی از حزب توده در دست است که طی آن دانشجویان مدافع حزب را به همکاری با جبهه ملی، اما مخالف با نیروی سوم فرا می‌خواند. این با ادعای تو جور در نمی‌آید.**

درست است. اما تا کنگره پاریس هنوز از جبهه ملی خبری نبود. ما بودیم و نیروی سوم و از میان آنها منوچهر هزارخانی و ناصر پاکدامن خیلی فعال بودند. مهدی نیز در مونیخ با خسروخان قشقایی نزدیک بود و با همکاری محمد عاصمی و محمود گودرزی نشریه «باختر امروز» را درمی‌آوردند. در آستانه تشکیل کنگره کنفدراسیون در پاریس، همکاری همه‌جانبه‌ای میان جامعه سوسیالیستهای ایرانی در اروپا و جبهه ملی به‌وجود آمده بود و این دو در مبارزه با حزب توده با یکدیگر متحد بودند. بر این اساس می‌توان گفت سندی که از آن صحبت می‌کنی به‌دور از واقعیت و بر اساس ذهنیات رهبران حزب توده در آلمان شرقی تهیه شده بود.

دی ۱۳۴۰ (ژانویه ۱۹۶۲) برگزار شد دیگر عملا يك جریان چپ بودیم و کم و بیش با برنامه عمل می‌کردیم. حرف اصلی‌مان این بود که کمیته مرکزی حزب توده در مهاجرت با بی‌عملی خود از مبارزه انقلابی دست شسته است. صحنه اصلی نبرد در ایران است و باید عزم را جزم کرد و به ایران بازگشت. نیکخواه با این برنامه به ایران رفت.

● **او پیش از بازگشت به ایران با فعالان سیاسی تماس گرفته و آخرین قرار و مدارها گذاشته شده بود.**

همین طور است. خاطرم هست پرویز وقتی به ایران می‌رفت از آلمان نامه‌ای به من نوشت و گفت: «می‌دانم از آن چه می‌نویسم خیلی ناراحت خواهی شد. چون برخلاف قراری که گذاشته بودیم در مونیخ با مهدی خانباها تهرانی تماس گرفته‌ام.»

● مگر چنین قراری داشتید؟

خیلی سفارش کرده بودم با مهدی تماس نگیرد.

● چرا؟

چون حرف توی دهانش بند نمی‌شد و کار خودش را می‌کرد. خیلی از بچه‌ها به این نتیجه رسیده بودند که به این ترتیب نمی‌شود با او کار کرد.

● **اما شما جز این کردید. مهدی چندی بعد، از برگزارکنندگان نخستین کنفرانس تدارکاتی سازمان انقلابی، در اردیبهشت ۱۳۴۳ در مونیخ شد.**

→ البته زنها خیلی دوستش داشتند و وجهه زیادی داشت. یکی از دخترها می‌گفت: «اگر این پرویز نیم‌نگاهی به من بکند، حاضرم همه زندگی‌ام را بدهم.» و پرویز به تقاضاهایی که می‌شد روی خوش نشان نمی‌داد و می‌گفت: «ما مسؤولیت اجتماعی داریم.» می‌خندید و می‌زد به شوخی.

● دیگر چه خصوصیاتی داشت؟

شوخطبع و سخنوری درجه اول بود که حرفش به دل می‌نشست. برجستگی ویژه‌ای داشت که در همان لحظه اول به چشم می‌خورد و آن خصوصیت رهبری‌اش بود. به هر کاری دست می‌زد موفق بود. از تحصیل تا سیاست. از ریاضیات تا مقاله‌نویسی، همه فن حریف بود. گمان می‌کنم این روند بعدی زندگی‌اش نیز محصول همین حالت استثنایی بود. در دادگاه و زندان مقاوم و استوار ماند. اما وقتی تصمیم گرفت تغییر عقیده دهد و از رژیم شاه دفاع کند، دیگر کسی جلودارش نبود و تا به آخر رفت. در نهایت نیز، هنگامی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به مرگ محکوم شد تا آخرین لحظه از عقایدش دفاع کرد.

● مقوله قدرت در خصوصیاتش چه جایگاهی داشت؟

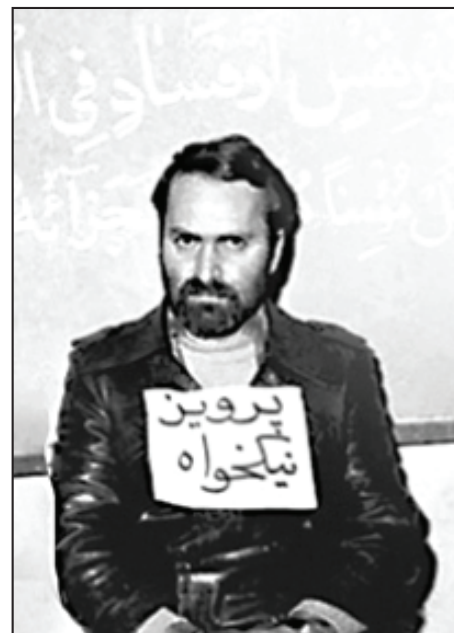
نیکخواه صد در صد قدرت طلب بود و بیشتر سیاسی‌کار تا آدم تئوریک. سازمانده و عملگرا.

● چه مشغولیتی داشت؟

شطرنج بازی می‌کرد و با هم به شنا می‌رفتیم. صبح تا شب درس می‌خواند.



پرویز نیکخواه



پرویز نیکخواه در دادگاه انقلاب

● **عاصمی و گودرزی روزگاری توده‌ای بودند.** همین ترکیب و نقش عناصر چپ در «باختر امروز» به اختلاف میان جبهه‌ای‌ها دامن زد. جریان اصلی جبهه ملی معتقد بود «باختر امروز» را که به‌عنوان ارگان جبهه منتشر می‌شد چپی‌ها می‌گردانند و خط خود را پیش می‌برند. اما خسروخان گوشش به این حرفها پدهکار نبود.

در این دوره، جریان چپ از نفوذ فوق‌العاده‌ای در میان دانشجویان ایرانی برخوردار بود و با تشکیل کنگره کنفدراسیون در لندن که در دی ۱۳۳۹ (ژانویه ۱۹۶۱) برگزار شد همه چیز تحت کنترل بچه‌های چپ قرار گرفت. ←

توضیح خواهم داد. پرویز نوشته بود: «محسن، واقعیت این است که تمام سر نخها در دست مهدی است و اگر بنا باشد ما با سازمانهای حزب توده در آلمان تماس بگیریم باید برویم سراغ مهدی.»

● این حرف درست بود؟

درست بود. وقتی مهدی را در مونیخ دیدم، پی بردم که اکثر مسؤلان حزب را می‌شناسد. خاطرم هست وقتی کورش لاشایی و سیاوش پارسائزاد قرار شد بروند و با رفقای حزبی تماس بگیرند و آنها را به جدایی از حزب توده ترغیب کنند،

● **این که گفته شده وقتی به ایران بازگشت تو جانشین او در اروپا شدی و به خاطر محبوبیت او به‌سرعت اعتباری پیدا کردی، تا چه اندازه واقعیت دارد؟**

این حرف واقعیت ندارد، چون من به نوعی فعالتر از او بودم. پرویز تمرکز زیادی روی درس خواندن گذاشته بود و بیشتر اوقات در منچستر بود. حال آن که مرکز اصلی فعالیت در لندن بود.

● از ماجرای بازگشتش به ایران چه می‌دانی؟

ما از نخستین کنگره کنفدراسیون جهانی در پاریس که در

حضور افراد غیرمتخصص و بی‌ربط در مهم‌ترین بخش‌های تصمیم‌گیری اقتصاد ایران

● شورای فقهی بانک مرکزی با وجود اختیار برای عدم پذیرش تمام تصمیمات بانک مرکزی می‌تواند در عمل این بانک را فلج کند.

● «شورای عالی بانک مرکزی» متشکل از تعدادی کارشناس در کنار دولتمردان به عنوان شخصیت‌های سیاسی است که حضور سیاسیون، استقلال بانک مرکزی را گرفته و نظرات کارشناسی را بی‌اثر می‌کند.

● در میان ۴۵ عضو کمیسیون تلفیق بودجه سال آینده تنها سه اقتصاددان حضور دارند!

در شرایطی که اقتصاد کشور در یکی از بحرانی‌ترین مقاطع تاریخی خود قرار دارد، حضور افراد غیرکارشناس در مراکز مختلف تصمیم‌گیری و مدیریتی بر تشدید بحران‌ها افزوده است. رخنه حوزه علمیه در بانک مرکزی تحت عنوان «شورای فقهی» و همچنین خالی بودن کمیسیون ۴۵ نفره تلفیق بودجه از اقتصاددانان از جمله حضور افراد بی‌ربط در بخش‌های مهم مرتبط با اقتصاد است.

حضور افراد غیرمتخصص و غیرکارشناس در مناسب مختلف قانونگذاری، اجرایی و مدیریتی یکی از ویژگی‌های ساختار جمهوری اسلامی است که به عقیده برخی کارشناسان از نظام حاکم در ایران یک ساختار متکی بر کاکیتوکراسی یا ناشایسته‌سالاری ساخته است.

در همین رابطه روزنامه «دنیای اقتصاد» در شماره روز شنبه ۴ آذر ۱۴۰۲ به جایگاه شورای فقهی بانک مرکزی پرداخته و نوشته این شورا امکان این را دارد که «همه تصمیمات بانک مرکزی» را تحت تأثیر نظرات خود قرار دهد.

بر این اساس شورای فقهی بانک مرکزی با وجود اختیار برای عدم پذیرش تمام تصمیمات بانک مرکزی می‌تواند در عمل این بانک را فلج کند.

روزنامه «دنیای اقتصاد» همچنین به مصوبه جدید مجلس شورای اسلامی برای تشکیل «شورای عالی بانک مرکزی» متشکل از تعدادی کارشناس در کنار دولتمردان به عنوان شخصیت‌های سیاسی انتقاد کرده و نوشته این اقدامات استقلال بانک مرکزی را گرفته و نظرات کارشناسی

توده بی‌عملی آنها بود. این عین جمله‌ای بود که به کار می‌بردیم. کار به جایی رسیده بود که معیار انقلابی بودن یا نبودن، آمادگی برای رفتن به ایران شد. این روحیه در ما ایجاد شده بود که می‌توان منشأ تغییر بود. با همین روحیه جنبش دانشجویی را سازمان داده بودیم و با همین روحیه می‌خواستیم به ایران بازگردیم. نیکخواه و بچه‌های انگلیس پیشتاز این حرکت بودند.

● از ایران چه تصویری داشتید؟

ایران را به درستی نمی‌شناختم. رفتن به ایران برایمان تماس با افراد و گروه‌های چپ بود که گمان می‌کردیم هرچند محدود و پراکنده هستند ولی حضور دارند. تحولاتی که پس از روی کار آمدن دولت اقبال و بعد امینی جریان داشت، نشانه آن بود که حرکت بطنی جنبش رو به رشد است و نیروهای خفته رفته‌رفته بیدار می‌شوند.

● جبهه ملی نیز قوت گرفته بود.

در این مورد خاطره جالبی دارم. شاهرخ مسکوب که آن روزها سفری به لندن داشت می‌گفت: «در خیابان امیریه زندگی می‌کردیم. روزی اعلامیه‌ای را که متن آن دعوت به میتینگ جلالیه در سال ۱۳۴۰ بود از لای در انداختند توی خانه‌ها. چند روزی به میتینگ جبهه ملی مانده بود و من و همسر پشت دستان را داغ کرده بودیم که دیگر در سیاست شرکت نکنیم. پس اعتنایی نکردیم. با این همه، روز میتینگ وقتی شاپور بختیار سخترانی می‌کرد خود را در میان جمعیت یافتیم و همه جا چهره‌های آشنا دیدیم.»

● می‌خواستیم به مسئله بریدن از حزب توده برگردیم. شما رهبری حزب را متهم می‌کردید که در ماجرای کودتای ۲۸ مرداد دچار اشتباهی تاریخی شده است و علاوه بر این، بر دو اصل دیگر پافشاری می‌کردید. یکی بی‌عملی رهبری حزب و دیگری ضرورت دست زدن به مبارزه مسلحانه که در پی پیروزی انقلاب کوبا و الجزایر برای نیروهای چپ درخششی خیره‌کننده یافته بود. هسته مرکزی، اهمیت و اعتقاد به ضرورت بازگشت به ایران بود.

مبارزه مسلحانه در آغاز هنوز یک امر فوری نبود. هدف، جلب نیروهای چپ و آگاهی از اوضاع ایران بود که در دستور کار قرار داشت.

● پس این نظریه که باید چریک شد و کوله‌پشتی را برداشت و زد به کوه در نظریات نیکخواه چه نقشی بازی می‌کرد؟ کورش لاشایی می‌گفت نیکخواه حتی برای شناسایی منطقه‌ای که بشود در آنجا دست به مبارزه مسلحانه چریکی زد با فیروز فولادی تماس گرفته و در منطقه‌ای در خلخال به شناسایی پرداخته بود.

شاید چنین بوده باشد. اما این مسئله که ما شعار مبارزه مسلحانه را به‌عنوان تنها راه رهایی عنوان کردیم به گروه نیکخواه مربوط نیست.

● این اصلی‌ترین شعار سازمان انقلابی بود.

پیش از تشکیل سازمان انقلابی نیز این شعار را می‌دادیم و منوچهر بوذری که بعدها از مشاوران هیأت اجراییه سازمان انقلابی شد با خط خوشی که داشت آن را زیر اعلامیه‌های ما می‌نوشت.

اما این اقدام هنوز در دستور عمل ما قرار نداشت. وقتی گروه نیکخواه به ایران بازگشت، در فاصله کوتاهی به این ارزیابی رسیدند که رفرم‌های شاه چهره جامعه ایران را تغییر داده است.

● و این در هیأت دبیران منتخب کنگره نیز تبلور پیدا می‌کرد. در آن کنگره تو، منوچهر ثابتیان، مهرداد بهار، حمید عنایت و ژیلای سیاسی به رهبری کنفدراسیون انتخاب شدید.

در کنگره بعدی، یعنی کنگره پاریس، من، منوچهر ثابتیان و حمید عنایت هیأت رئیسه کنگره بودیم. گزارش کار کنگره با منوچهر ثابتیان بود. در آستانه تشکیل کنگره اختلاف میان توده‌ایها با بچه‌های نیروی سوم بالا گرفته و زمینه برای انشعاب آماده بود. بر سر پذیرش هیأت نمایندگی دانشجویان ایران در آمریکا اختلاف وجود داشت و حق رأی زیادی می‌خواستند. هدف این بود که با کسب رأی بیشتر جریان چپ را کنار بزنند. این اختلافات که خود بازتابی از مبارزه میان گرایش‌های سیاسی بود کنگره را با انشعاب روبرو کرد. وقتی آدمیم انگلیس، بحث بر سر آینده جنبش دانشجویی همچنان ادامه داشت. مدافعان حزب توده به تبعیت از سیاست کمیته مرکزی حزب، مدافع ادامه کار کنفدراسیون اروپایی بودند و بچه‌های جبهه نیز با ادامه کار کنگره پاریس و انتخاب رهبری، دبیرخانه کنفدراسیون را به آمریکا منتقل کرده بودند. دیگر جنبش دانشجویی به دو جریان عملا مستقل تبدیل شده بود.

● نظر شما چه بود؟

ما درست برخلاف حزب توده، مدافع وحدت مجدد جنبش دانشجویی بودیم و این نظریه در مقابل راه حلی بود که حزب توده ارائه می‌داد. پس، کنفرانس تدارکی برای وحدت جنبش دانشجویی را در دوسلدورف برگزار کردیم و با این اقدام به مقابله با نظریه حزب توده رفتیم که از دو تشکیلات مستقل یعنی کنفدراسیون اروپایی و کنفدراسیون دانشجویان در آمریکا دفاع می‌کرد. بر این اساس، با جبهه‌ای‌ها تماس گرفتیم و مسئله ضرورت وحدت جنبش دانشجویی را پیش کشیدیم. این اقدام شکستی برای حزب توده محسوب می‌شد و به کنگره وحدت که در دی ۱۳۴۱ در لوزان برگزار شد، انجامید.

در کنفرانس تدارکاتی دوسلدورف، مهرداد بهار سخترانی مفصلی پیرامون ظرافت کار توده‌ای و چگونگی کار در میان مردم که دارای عقاید و نظریه‌های مختلف هستند ایراد کرد. حرف اصلی او این بود که باید از جناح‌بندی و سکتاریسم دست کشید و فعالیت‌های همگانی را سازمان داد.

این کوشش در سرنوشت جنبش دانشجویی خارج و یکپارچگی آن نقش مهمی بازی کرد.

از همین جا پرچم وحدت جنبش دانشجویی را برداشتیم و در مقابل گرایش‌های سکتاریستی که بر اختلافات دامن می‌زد ایستادیم. سالها بعد روشن شد که همه تأثیر کنفدراسیون در بسیج و سازماندهی دانشجویان و افزایش رژیم شاه حاصل همین یگانگی و یکپارچگی بود.

شاید لازم باشد همین جا اشاره کنم که اختلاف و سرانجام مبارزه ما با کمیته مرکزی حزب توده از این مسائل سرچشمه می‌گرفت. یعنی از اختلافهایی که در جنبش دانشجویی جریان داشت. از ارزیابی ما پیرامون نقش حزب توده در ۲۸ مرداد و از این که از مبارزه همه‌جانبه با رژیم شاه کناره گرفته بودند. بر اساس واقعیت‌هایی که در درون جنبش موجود بود که ربطی به اختلافات میان چین و شوروی نداشت. تازه بعدها بود که به مسائل بین‌المللی کشانده شدیم.

● پس از کنگره وحدت در لوزان که به یکپارچگی کنفدراسیون انجامید چه کردید؟

از اینجا به بعد یک اختلاف اصلی ما با رهبری حزب

را بی‌اثر می‌کند.

در توضیحات ارائه شده آمده که «در هیئت عالی بانک مرکزی وزیر اقتصاد، رئیس سازمان برنامه و بودجه و چند کارشناس منصوب رئیس‌جمهور حضور داشته باشند. وزیر اقتصاد مایل است مالیات کمتری بگیرد و رئیس سازمان برنامه نیز به دنبال تامین تمام و کمال منابع خود است، قابل پیش‌بینی است. در این شرایط هر مخالفتی از سوی کارشناسان منجر به عزل آنها خواهد شد و بانک مرکزی بیش از پیش استقلالش را از دست می‌دهد.»

همچنین آمده که در این شرایط نه تنها پولی‌سازی بودجه و اضافه‌برداشت بانک‌ها کنترل نخواهد شد، بلکه علاوه بر ریسک عدم استفاده بانک مرکزی از اختیارات نظارتی خود، ریسک سوءاستفاده از این اختیارات نیز اضافه خواهد شد؛ مثلاً این مسئولان بانک‌های خصوصی را تحت فشار بگذارند تا اوراق دولت را خریداری کنند. بنابراین کاملاً قابل پیش‌بینی است که دولت در بزنگاه‌های به‌کارگیری سیاست‌های ضد تورمی از این اختیارات به نفع خود بهره خواهد برد و مانع از عملکرد درست بانک مرکزی می‌شود.

روزنامه «فرهیختگان» نیز در شماره روز شنبه ۴ آذر ۱۴۰۲ در مطلبی با عنوان «جریان‌شناسی ترکیب کمیسیون تلفیق بودجه ۱۴۰۳» نوشته که در میان ۴۵ عضو کمیسیون تلفیق بودجه سال آینده تنها سه اقتصاددان حضور دارند!

اعضای کمیسیون تلفیق بودجه ۱۴۰۳ طی روزهای گذشته در مجلس شورای اسلامی تعیین شدند تا سرنوشت مالی و اقتصادی کشور برای سال آینده را در ساختار بودجه بررسی کنند. بر اساس اطلاعات منتشر شده در روزنامه «فرهیختگان» بررسی وضعیت رشته‌های تحصیلی ۴۵ عضو کمیسیون تلفیق نشان می‌دهد از ۴۵ عضو کمیسیون تلفیق، ۱۲ نفر از اعضا دارای مدرک در رشته‌های مدیریت (سهم ۷/۲۶ درصدی) هستند. شش نفر در رشته‌های علوم پایه (فیزیک، ریاضی و شیمی) با سهم ۳/۱۳ درصدی، شش نفر در رشته‌های الهیات با سهم ۳/۱۳ درصدی، ۵ نفر دارای مدرک حقوق با سهم ۱۱ درصدی، چهار نفر علوم سیاسی با سهم نزدیک به ۹ درصدی، سه نفر پزشکی (سهم ۷/۶ درصدی)، سه نفر اقتصاد (سهم ۷/۶ درصدی)، دو نفر صنایع (سهم ۴/۴ درصدی)، دو نفر انرژی (سهم ۴/۴ درصدی)، یک نفر در رشته عمران با سهم ۲/۲ درصدی و یک نفر دیگر نیز در رشته ادبیات با سهم ۲/۲ درصدی فارغ‌التحصیل شده است.

این در حالیست که کارشناسان معتقدند با توجه به اینکه تغییرات مهمی در کمیسیون تلفیق برای لایحه بودجه سالانه اتفاق می‌افتد، فهم پیامدها و آثار مواردی چون تشدید کسری بودجه، تغییرات حجم پارانه‌های آشکار و پنهان در بودجه، ناترازی و درآمد‌های غیر قابل تحقق و... در لایحه بودجه بسیار تخصصی و پیچیده بوده و ضروری است تعداد متخصصان علوم اقتصادی و حسابداری بیش از سایر متخصصان باشد.

با اینهمه در ساختار کمیسیون تلفیق بودجه نیز مانند دیگر بخش‌های مهم تصمیم‌گیر و مدیریتی جمهوری اسلامی، وزن افراد غیرمتخصص با تحصیلات و سوابق غیرمرتبط با موضوع تنظیم و تدوین و تحلیل بودجه کشور سنگین‌تر است!

روزنامه «فرهیختگان» نوشته که در کمیسیون برنامه و



تلفیق، بدون بررسی کارشناسی و هم‌تراز کردن بودجه‌ها با توجه به تورم سال پیش‌رو؛ نمی‌توان شاهد آرام‌تر شدن طوفان اقتصادی برخاسته در کشور در سال ۱۴۰۲ بود.» به گفته فرشاد پرویزیان اکثر نمایندگان مجلس صرفاً به دنبال رفع مشکلات اقتصادی استان‌های خود در مجلس بوده و به تبع همان دیدگاه، در پی بررسی بودجه برای سال پیش‌رو در حوزه‌های مختلف از جمله اقتصادی هستند، که همین امر باعث نداشتن نگاه کلان و در نظر نگرفتن منافع کلی کشور در بررسی بودجه در کمیسیون تلفیق خواهد شد.

استفاده نشدن از افراد متخصص و کارشناس در بخش‌های مهم تصمیم‌گیری و اجرایی و مدیریتی از سوی بسیاری از افراد نزدیک به حکومت هم تأیید می‌شود. موسی غنی‌نژاد اقتصاددان خردادماه امسال در سخنانی گفته بود که عقلانیت اقتصادی در ساختار دولتی جمهوری اسلامی کنار گذاشته شده و افزوده بود که «در عرصه سیاست‌گذاری نیز با تنگ کردن حلقه خودی‌ها، بدنه کارشناسان در سیاست‌گذاری ضعیف شد. در واقع در این سالها افراد متعهد غیرکارشناس جایگزین افراد متخصص شدند.»

محمد مهدی ترحمی وکیل دادگستری نیز در یادداشتی نوشته است: «عدم استفاده از کارشناسان اقتصادی شایسته و خیره، موجب افزایش قیمت‌ها در بازارهای مختلف ایران و در نتیجه بحرانی شدن وضعیت معیشتی مردم خواهد شد، لذا دولت در راستای کنترل نبض تورم ناگزیر از مراجعه به افراد شایسته و نخبه است و مادامی که این مهم تحقق نیابد، تورم فزاینده بر مردم تحمیل و در همه برهه‌های زندگی ایشان ظهور داشته و مردم کشور را برای تأمین ضروری‌ترین هزینه‌های زندگی با مشکلات فراوان روبرو خواهد نمود و تبعاً موج گرانی و ورشکستگی تاجر و رکود کسب و کار توأم با فساد، به شکل گسترده یکی پس از دیگری در سطح جامعه نمایان می‌شوند.»

بودجه نام حمیدرضا حاجی‌بابایی دیده می‌شود که دارای مدرک الهیات بوده اما به‌گفته خودش تجربه سال‌های تدوین بودجه و مسئولیت‌های اجرایی به‌اندازه‌ای به او توانایی داده که در زمان بررسی بودجه مشکلی نداشته باشد.

رحیم زارع، محمدرضا میرتاج‌الدینی، جبار کوچکی‌نژاد و شمس‌الدین حسینی از دیگر چهره‌های مشهور این کمیسیون هستند که در بین آنها، شمس‌الدین حسینی دکتری اقتصاد دارد و صاحب‌نظر در این حوزه به شمار می‌رود.

در کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها نام احمد علیرضاییگی از چهره‌های مشهور است. در کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی احد آزادی‌خواه با تحصیلات حوزوی و سمیه رفیعی با تحصیلات فوق‌لیسانس مدیریت چهره شناخته‌شده هستند. در کمیسیون فرهنگی سیداحسان قاضی‌زاده‌هاشمی از چهره‌های شناخته‌شده است. علی‌اصغر عنایتانی در کمیسیون اجتماعی، سیدکاظم دلخوش‌ابتری، حسینعلی حاجی‌دلگانی و حسن نوروزی در کمیسیون قضایی و حقوقی، سیدمحسن دهنوی و علیرضا سلیمی در کمیسیون صنایع و معادن، محمدرضا رضائی‌کوچی در کمیسیون عمران، مجتبی توانگر، احمد امیرآبادی‌فراهانی و مهدی طغیانی در کمیسیون اقتصادی از جمله چهره‌های شناخته‌شده مجلس در کمیسیون تلفیق هستند.

چنین روندی در سال‌های گذشته نیز در مجلس شورای اسلامی حاکم بوده بطوری که به‌همین‌ماه سال گذشته و در جریان رسیدگی به لایحه بودجه ۱۴۰۲، فرشاد پرویزیان عضو انجمن اقتصاددانان ایران استفاده از افراد غیرکارشناس در کمیسیون تلفیق بودجه را به عنوان آسیبی در لایحه بودجه عنوان کرده بود.

این عضو انجمن اقتصاددانان ایران گفته بود «با توجه به عملکرد غیرکارشناسی مجلس شورای اسلامی در کمیسیون

متن فارسی گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی و پاتریک بت- دیوید (۱) سقوط ایران در ۵۷ و خواستن و برخاستن مردم برای تغییر رژیم



شاهزاده رضا پهلوی و پاتریک بت- دیوید / نوامبر ۲۰۲۳

در پخش ویدئویی این مصاحبه از نرم افزار زیرنویس انگلیسی و صوت ترجمه همزمان به فارسی استفاده شده که اگرچه می تواند کمک اولیه برای آگاهی از مضمون باشد اما از آنجا که گفتار بر اساس صوت و تلفظ گویندگان تشخیص داده می شود، هم در زیرنویس انگلیسی و هم در ترجمه فارسی اشتباهات فاحش و غلطهایی وجود دارد که یا جمله را بی معنی و بی ربط کرده و یا حتا منظوری برعکس را منتقل می کند. کیهان لندن کل این گفتگو را ترجمه کرده که بالغ بر ۲۷ هزار کلمه می شود. اما هم از نظر زبان محاوره و هم از نظر برخی موضوعات پراکنده که مجری مطرح می کند، بخش های اصلی این گفتگو تا حد ممکن با وفاداری به عبارات اصلی تنظیم شده تا به صورت مکتوب و به عنوان مرجع در دسترس همگان قرار داشته باشد.

چگونه با اینهمه فشار کنار می آمدید؟ چنین فردی، شخصیتی است که امروز با او صحبت می کنم؛ ولیعهد ایران رضا پهلوی. ما درباره موضوعات مختلفی صحبت کردیم و درباره اشتباهاتی که پدرش مرتکب شد و اینکه علت سقوط وی چه بود. آیا زیر سر سازمان سیا یا ام ۶ بود؟ آیا به قراردادهای نفتی مربوط می شد که در راه بودند و چهار کشور قدرتمند جهان نگران بودند که وی قیمت ها را افزایش بدهد؟ آیا خود شاه سبب سقوطش شد چون بسیار قدرتمند شده بود؟ دلیل اش چه بود؟ و چه اتفاقاتی بعد افتاد؟

من او را به چالش نیز کشیدم زیرا می خواستم در مورد یک سؤال روشن شوم و به پاسخ آن برسم که آیا واقعا او به دنبال آن هست یا نه. زیرا همه از او انتظار دارند که به ایران برگردد و کشور را اداره کند. او به این موضوع نیز پردازد. این گفتگو نسبت به هر مصاحبه دیگری که دیدم، شفاف ترین مصاحبه ی اوست. من از آنجا که در ایران به دنیا آمده و ده سال در آنجا زندگی کردم، داستان زندگی او را دنبال کرده ام. سه ماه پیش از تبعید پدر وی به دنیا آمدم. بعد از نیمه شب ۱۸ اکتبر ۱۹۷۸. این در خون من است چرا که در آنجا به دنیا آمدم. در آمریکا بزرگ شدم اما ایران سرزمینی است که در آن به دنیا آمدم. به همین دلیل نیز این مصاحبه ایست که مدت ها در انتظارش بودم.

اگر غیرایرانی هستم ممکن است بگویند چرا باید به این موضوع علاقمند باشم؟ من که ایرانی نیستم! در فرانسه زندگی می کنم؛ در نیویورک زندگی می کنم؛ در لس آنجلس زندگی می کنم؛ در استرالیا زندگی می کنم؛ چرا باید به این موضوع اهمیت بدهم؟! زیرا هرچه هرج و مرج در خاورمیانه بیشتر شود، شما بهای بیشتری برای آن باید بپردازید! زیرا دامنه ی این هرج و مرج ممکن است به کشور شما برسد! خاورمیانه به اندازه یک تصمیم خطا تا شروع جنگ فاصله دارد! زیرا جنگ بعدی نیز مانند قبلی ها یک جنگ زیبا نخواهد بود! در جنگ جهانی اول ۱۹ میلیون انسان کشته شدند. در جنگ جهانی دوم ۶۰ میلیون کشته شدند. خدا می داند در جنگ جهانی سوم چند میلیون کشته خواهند شد. وظیفه ما جلوگیری از آنست. به این ترتیب هرچه خاورمیانه بیشتر صلح آمیز باشد به احتمال زیاد شما نیز در جامعه تان آرامش بیشتری خواهید داشت.

برای آگاهی از مضمون آنچه مطرح شده باشد اما از آنجا که حروف و کلمات و جملات بر اساس صوت و تلفظ گویندگان توسط نرم افزارهای مربوطه تشخیص داده می شوند، هم در زیرنویس انگلیسی (کمتر) و هم در ترجمه فارسی (بسیار بیشتر) اشتباهات فاحش و در مواردی غلطهایی وجود دارد که یا جمله را بی معنی و بی ربط کرده و یا حتا منظوری برعکس را منتقل می کند (مثلا I can't به صورت I can نوشته و ترجمه شده) و یا اساسا کلمات اشتباه فهمیده شده اند (برای مثال «موساد» بجای «مصدق»، «امروز» یا «دو روزه» بجای حزب «توده» که برای زیرنویس انگلیسی today یا two day شنیده شده و برای فارسی هم به همین شکل ترجمه شده، «اسوان» بجای اصفهان و ده ها مورد دیگر).

کیهان لندن کل این گفتگو را با مقدمه و مؤخره های که پاتریک بت- دیوید بر آن تنظیم کرده، به فارسی ترجمه کرده است که بالغ بر ۲۷ هزار کلمه می شود. اما هم از نظر زبان محاوره و هم از نظر برخی موضوعات پراکنده که مجری مطرح می کند، بخش های اصلی این گفتگو تا حد ممکن با وفاداری به عبارات اصلی تنظیم شده تا بدون اشتباهاتی که در زیرنویس و صوت نرم افزاری انگلیسی و فارسی وجود دارد، به صورت مکتوب و به عنوان مرجع (همچنین فایل پی دی اف در ۴۸ صفحه) در دسترس همگان قرار داشته باشد.

مقدمه ی مجری

تصور کنید در سال ۱۹۷۶ «سی بی اس» با پدر شما مصاحبه می کند و او را قدرتمندترین مرد جهان می نامد. پدر شما، پادشاه وقت، محمدرضا شاه پهلوی است و ایران را از جایی که قبلا یک درصد باسواد داشته به ۵۰ درصد رسانده؛ همه چیز را در ایران متحول کرده و در دوران وی در خاورمیانه صلح برقرار بود؛ هرج و مرجی که امروز در خاورمیانه داریم در آن زمان اتفاق نمی افتاد. او روز به روز قدرتمندتر می شود. سپس پاییزی فرا می رسد که پدرت که کشور را ساخته از آن برون رانده می شود و تو به عنوان یک جوان ۲۰/۱۹/۱۸ ساله فکر می کنی: چه اتفاقی افتاده؟! در همان دوران پدرت فوت می کند و با وجود این اوضاع، همه ایرانیان در سراسر جهان از تو انتظار دارند که آزادی را به ایران برگردانی! اگر شما بودید،

کار امروز من و کارزار من در واقع رهبری و حرکت دادن مردم از امید به باور است. توأمندسازی کلید موفقیت است: قدرت مردم. اما برای اینکه مردم توأمند شوند باید چیزی بیش از امید داشته باشند. آنها باید واقعا باور داشته باشند که این کار شدنی است. و من باور دارم که این کار شدنی است. پیام ما به آنها [جامعه جهانی] اینست که کار ما بسیار آسانتر خواهد بود اگر آنها از ما حمایت کنند چون نتیجه اش برد- برد خواهد بود.

من برای پادشاهی یا جمهوری تضمین نمی کنم بلکه برای یک نتیجه ی دموکراتیک و سکولار تضمین می دهم و بگذارید مردم خودشان تصمیم بگیرند که چه می خواهند.

تمرکز من در حال حاضر روی مرحله ای است که در آن هستیم، چگونه از شر این رژیم خلاص شویم؟ و سپس چگونه دوره انتقال را مدیریت کنیم؟ و من می دانم که این نیاز به رهبری دارد. برای تقویت این کار من نقش خودم را بازی می کنم تا عامل این انتقال باشم و به مردم کمک کنم که به آن دست پیدا کنند. نمی دانم در نهایت چگونه رای خواهند داد.

شنبه ۱۹ نوامبر ۲۰۲۳ (۲۷ آبان ۱۴۰۲) گفتگوی سه ساعته «ولیوتینمنت Valuetainment» در برنامه پاتریک بت- دیوید (PBD) با شاهزاده رضا پهلوی پخش شد. پاتریک بت- دیوید نویسنده، تحلیلگر و یوتیوبر ایرانی- آمریکایی و از آسوریان ایران است که کمی پیش از انقلاب ۵۷ در تهران به دنیا آمد و ده ساله بود که با خانواده اش به آمریکا مهاجرت کرد.

وی در این مصاحبه عمدتا پرسش هایی درباره موضوعات سیاسی و نقش ولیعهد ایران در تغییر شرایط موجود و گذار از جمهوری اسلامی به یک ایران آزاد و دموکرات و امن که روابط عادی با کشورهای منطقه و جهان داشته باشد مطرح کرد و شاهزاده رضا پهلوی نیز با شفافیت به تأکید بر نکاتی پرداخت که سال هاست در گفتگوهای خود به آنها می پردازد.

در پخش ویدئویی این مصاحبه از نرم افزار زیرنویس انگلیسی و صوت ترجمه همزمان به فارسی استفاده شده که از سوی بسیاری از ایرانیان مورد استقبال قرار گرفت. برخی کاربران نیز این گفتگو را با زیرنویس فارسی بر اساس استفاده از نرم افزار ترجمه در رسانه های اجتماعی پخش کرده اند. اگرچه این نوع زیرنویس و ترجمه می تواند کمک اولیه

چون آنطور که به نظر می‌رسد، هرج و مرج از خاورمیانه می‌آید.

ایران پیش از انقلاب ۵۷

● ولیعهد رضا پهلوی، ما مدت‌ها منتظر این گفتگو بودیم. من هم مشتاقانه منتظر بودم. به خاطر این فرصت که می‌توانم با شما و مخاطبان شما صحبت کنم بسیار ممنونم.

● این روزها احتمالا یکی از آشفته‌ترین دوره‌هایی است که ما در خاورمیانه داریم. بخشی از مخاطبانی که ما داریم، تاریخ ایران را نمی‌دانند؛ اینکه پدربزرگ علیحضرت محمدرضاشاه پهلوی در آن روزگار چه می‌کردند و چه بر سر ایران آمد. به همین دلیل ما کمی درباره آن زمان صحبت می‌کنیم که چگونه او شرایط را بهبود بخشید؛ چطور خاورمیانه آشفته نبود؛ رابطه ایران و اسرائیل یک رابطه خوب بود؛ رابطه ایران و آمریکا رابطه خوبی بود؛ به ایران رفت و آمد داشتیم و چهره‌های مشهور به کشور سفر کرده و کنسرت برگزار می‌کردند. خودم به عنوان پدر چهار فرزند دوست دارم یک روز بچه‌هایم را به ایران ببرم تا کشوری را که پدرشان در آنجا، در خیابان «حجت» تهران به دنیا آمده و ده سال در آنجا زندگی کرده ببینند...

اما موضوع اصلی صحبت ما بر سر این است که آیا هیچ امکانی وجود دارد که ایران از یک دوره انتقالی عبور کند؟ برخی آن را تغییر رژیم می‌نامند برخی هم «گذار». یک نظرسنجی آنلاین در هلند [مؤسسه گمان] نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد ایرانیان خواهان تغییر رژیم یا گذار از جمهوری اسلامی هستند. این حرف یک مؤسسه مستقل است. حرف ایالات متحده یا طرفداران شما نیست. نتایج این نظرسنجی همچنین نشان می‌دهد که ۸۸ درصد از جمعیت طرفدار یک نظام سیاسی دموکراتیک هستند که امروز ندارند در حالی که ۶۷ درصد مردم با داشتن نظام مذهبی مخالف هستند، چیزی که امروز دارند. تنها ۲۸ درصد از نظام حکومتی دینی حمایت می‌کنند که این کمتر از یک سوم جمعیت است. به علیحضرت محمدرضاشاه پهلوی پدربزرگ ۶۴ درصد از پاسخ‌دهندگان با دید مثبت نگاه می‌کنند و ۲۸ درصد او را منفی ارزیابی کرده‌اند. ۶۴ درصد روح‌الله خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی را منفی ارزیابی می‌کنند. وقتی این اعداد را می‌خوانید با اینکه در ۴۴ سال گذشته تلاش‌هایی برای تغییر رژیم برای برقراری دموکراسی وجود داشته اما شکست خورده، فکر می‌کنید امروز چه تفاوتی دارد؟

من فکر می‌کنم مهم‌ترین عنصری که همه باید درک کنند قبل از هر چیز روندی است که ملت ایران حداقل در یک قرن اخیر توانسته آن را تجربه کند. در آغاز قرن بیستم ایران انقلاب مشروطه داشت. بنابراین ما اولین کشوری بودیم که از نظام حکومت مطلقه به نظام پارلمانی رسیدیم و این در آن روزگار و زمان خود یک جهش به جلو بود. اما چیزی که بیش از همه کشور ما را از شرایط توسعه‌نیافته و عقب‌ماندگی دوران قاجار خارج کرد، ظهور مدرنیته و سکولاریسم بود که پدربزرگ من در اوایل قرن بیستم به کشور آورد و این یک تغییر مهم برای جامعه‌ای بود که بسیار سنتی و مذهبی بود. هیچ نهاد مدرنی در هیچ زمینه‌ای وجود نداشت؛ چه پلیس و چه اداره پست و چه ارتش و چه هر آنچه شما [در آمریکا] دارید.

بعدا که پدرم زمام امور را به دست گرفت، درست در اواخر جنگ جهانی دوم، با انقلاب سفید اقداماتی شد که در آن زمان کاملا آرمانی بود؛ همه آن چیزهایی که به برابری می‌انجامید؛ زنان حق رأی و مشارکت در امور پیدا کردند؛ همراه با فرصت‌های اقتصادی و از بسیاری جهات دیدگاه‌های کاملا

سوسیالیستی مانند سهم کردن کارگران در سود کارخانجات؛ در هیچ جای جهان سوسیالیستی چنین چیزی ندیدیم. وقتی به کشورهای دیگر در مقایسه با ایران نگاه می‌کنیم، تا جایی که به منطقه مربوط می‌شود، این اقدامات کاملا منحصر به فرد بود.

اما آنچه بسیار مهم بود این نبود که در داخل کشور چه می‌کردیم بلکه برای رسیدن به همه این پیشرفت‌ها می‌بایست ثبات می‌داشتیم. بنابراین برای ما مهم بود که در زمان جنگ سرد با همسایگان نزدیک خود با کشورهای حاشیه خلیج فارس و سایر همسایگان از جمله اتحاد جماهیر شوروی روابط حسنه‌ی همجواری داشته باشیم. روابط ما با چین و اروپا و ایالات متحده یک سیاست خارجی بسیار متعادل بود. بدیهی است برای آنها که به اندازه کافی سنی از آنها گذشته تا به یاد بیاورند که در آن دوران چه شرایطی داشتیم، چاره‌ای جز نگاه به غرب نداشتیم. غرب آزاد بود و اقتصاد بازار آزاد داشت، برخلاف دنیای کمونیستی. همین نکته تا حد زیادی توضیح می‌دهد که چرا ما بیشتر به نوعی دوجانبه بودیم و یا روابط چندجانبه با کشورهای اروپایی و عمدتا کشورهای غربی داشتیم تا نسبت به بلوک دیگر. اما این به این معنی نبود که ما هیچ رابطه‌ای با بلوک دیگر نداشتیم. بنابراین همه اینها به نظر من فرآیندی است که طی آن ایرانیان برای دهه‌ها از دستاوردهای کشورهای جدید در حال توسعه در جهت پیشرفت، مدرنیته، فناوری و تکنولوژی، آموزش بهره بردند. از این نظر ما سیاست قوی‌تری داشتیم. ما جامعه مدنی خود را تقویت کردیم که البته این در ساختار حکومت هر کشوری از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است. البته ما به مرحله‌ای هم رسیدیم که در آن یک بحران سیاسی وجود داشت که مطمئنم در موردش بیشتر بحث خواهیم کرد. اما نکته اصلی این است که وقتی امروز به ایران نگاه می‌کنید و همانطور که آن نظرسنجی [نظرسنجی گمان] نشان می‌دهد، معلوم می‌شود که چرا اکنون مردم می‌گویند دیگر این حکومت بس است!

سؤال این است که آیا ایرانیان برای داشتن آینده دموکراتیک آماده‌اند، پاسخ یک بله قاطعانه است. به این دلیل این را می‌گویم که وقتی درباره ضرورت امروز ایران می‌شوم، وقتی نسل مهسا امینی را می‌شنوم که در ایران کجا ایستاده‌اند و از پدران و مادران‌شان که به یاد دارند، شنیده‌اند که ایران قبل از انقلاب چگونه بود، دست‌کم دو یا سه نسل از آنها تجربه کرده‌اند که این رژیم چقدر شانس اصلاح داشته اگر که واقعا اصلاح‌پذیر می‌بود؛ اما به این نتیجه رسیدند که اصلاح‌پذیر نیست. بنابراین نتیجه نهایی این است که تنها راه ایران فراتر از این رژیم است. تا زمانی که این رژیم برقرار است ما نمی‌توانیم به هیچ‌کدام از آن ایده‌ها یا فرصت‌ها و یا آنچه شما [در آمریکا] دارید دست پیدا کنیم. پس شنیدن این آمار [در نظرسنجی گمان] تعجب‌آور نیست. من حتما می‌توانم بگویم که چه بسا بیشتر از این باشد. اما بیا بید همان میزان کمتر را در نظر بگیریم که خودش کاملا بالاست. این عدد بزرگ، هنوز عدد کوچکی است.

● برای یک آدم معمولی که مطلع نیست و در مدرسه و دانشگاه حرف‌هایی را می‌خواند که محمدرضاشاه پهلوی یک دیکتاتور ستمگر بود و... می‌دانید، اینها چیزهاییست که در دانشکده‌های لیبرال آموزش داده می‌شود و ما می‌دانیم که شرایط اینجا در ایالات متحده هم چگونه است. اما در طول ۳۷ سال حکومت پدر شما میلیاردها دلار برای صنعت، آموزش، بهداشت و نیروهای مسلح هزینه شد و کشور از یک رشد اقتصادی بالاتر از بریتانیا و آمریکا و فرانسه برخوردار بود. اینها سه امپراتوری هستند که در آن زمان نگاه همه به آنها بود. درآمد ملی طی این ۳۷ سال ۴۲۳ واحد افزایش

یافت. این ۴۲۳ واحد چیز نیست که قبلا هرگز در هیچ جای دیگری وجود نداشته. پدر شما ایران را به پنجمین ارتش قوی جهان و در مواردی مشابه آنچه ما [آمریکا] هستیم تبدیل کرد. وی به ساختن ۳۷۰۰ مسجد کمک کرد؛ بنابراین اینطور نیست که او مردم را از این کار منع می‌کرده. البته برخی می‌گویند که این کار اشتباه و ساده‌اندیشی بود. برخی هم می‌گویند ضعیف عمل کرد. اما او طرفدار آزادی مذاهب بود. زنان حق رأی داشتند و این بسیار مهم است که بگوییم چرا این مهم است زیرا آن آقایی که قدرت را به دست گرفت، آیت‌الله خمینی، در سخنان خود می‌گفت که سرنوشت ایران هرگز نباید به دست زنان تعیین شود. او به زنان به عنوان تصمیم‌گیرندگان سرنوشت ایران نگاه نمی‌کرد. شاه میزان سواد در ایران را طی دوران کمی از یک درصد به ۵۰ درصد افزایش داد. چند سوء قصد علیه وی صورت گرفت. سی‌بی‌اس در سال ۱۹۷۵ پدر شما را قدرتمندترین مرد جهان معرفی کرد. مردی که در دوران وی در خاورمیانه صلح برقرار بود. مردم همزیستی داشتند. البته که شرایط فوق‌العاده‌ای نبود اما آنچه‌ی هم که امروز هست نبود!

شما ۱۸ سال در ایران زندگی کردید و اینطور نیست که خاطره‌ای از آن نداشته باشید. فکر می‌کنم شما در ماه اوت ۱۹۷۸ برای آموزش خلبانی به آمریکا آمدید. وقتی به گذشته نگاه می‌کنید چه چیزی در ایران زیبا بود؟ چه خاطراتی از ایران دهه شصت تا هفتاد میلادی دارید؟

من بسیار طبیعت‌گرا هستم. علاقه زیادی به محیط زیست و در واقع هر چیزی که به حفاظت از محیط زیست ما مربوط باشد دارم چون فکر می‌کنم در آینده یکی از صنایع کلیدی که ایران می‌تواند داشته باشد، گردشگری است. و اگر یک محیط مساعد برای جذب افراد نداشته باشیم مایه شرمندگی خواهد بود. بسیاری از هم‌میهنان به شدت نگران همه مشکلاتی هستند که امروز با آن مواجه هستیم از جمله بحران آب. من تمام سفرهایی را که در داخل کشور در آن مدت داشتم به یاد دارم و چقدر از آن لذت می‌بردم. اما مهم‌تر از همه روابط انسانی بود. مردم فکر می‌کنند که چون من ولیعهد بودم پس بسیار نمایی یا تشریفاتی و رسمی بود. اما برعکس، بیشتر تجربیات من در خارج از این چارچوب بود. من معمولی و با چند نفر سفر می‌کردم و نیروهای امنیتی با فاصله از دور دنبال ما می‌آمدند. مواردی بود که مردم مرا فوراً نمی‌شناختند. به یاد می‌آورم یکبار در آسانسور یکی از هتل‌های تهران پایین می‌آمدیم و من با آجودانم بودم. هفت یا هشت ساله بودم. مردی که در آسانسور بود به آجودانم گفت: پسرت خیلی شبیه ولیعهد! آنها باور نمی‌کردند که من ممکن است در یک محل عمومی باشم و یا برای خرید چیزی به بازار بروم و مردم هم اول مرا نشناسند و بعدش کلی جمعیت جمع شوند. اما برای من تجربه با مردم بسیار طبیعی بود. وقتی با یک روستایی صحبت می‌کردم و یا با یک ماهیگیر در یک لنج در خلیج فارس که ماهیگیری می‌کردند. بسیار علاقه داشتم که با آنها بنشینم و حرف بزنم. به معنی واقعی کلمه خیلی معمولی با آنها برخورد می‌کردم و با موارد دیگری که با بچه‌ها در یک پایگاه نظامی در اهواز یا جای دیگر فوتبال بازی می‌کردیم. اینها تجربیات عملی بود که من در دوران نوجوانی و زمانی که دیگر کودک نبودم داشتم. می‌دانید، وقتی شش هفت یا نه ساله هستید، فرق می‌کند اما زمانی که دیگر ۱۲/۱۳/۱۴/۱۵ سال دارید، تجربه متفاوتی است. به این ترتیب من این امکان را داشتم که سفر کنم. البته به همه نقاط کشور سفر نکردم. برخی مناطق را می‌شناسم و برخی را هرگز در آنجا نبودم امیدوارم بتوانم برای اولین بار به آنها سفر کنم. اما همه اینها خاطره جمعی است که دارم و آنچه به عنوان مقام رسمی انجام دادم چندان زیاد نیست. (ادامه دارد)

گزارش میدانی؛ کاسبی حکومت از اعتیاد و مواد مخدر در ایران: بدشان نمی آید اینها باشند!



● سال‌ها پیش که «هفتاد هزار تومن برای آزادی یکی از بستگان که با سیگار حشیش بازداشت شده بود پرداختم دیدم که جریمه‌های بسیار سنگین‌تر و بسته بسته تراول و اسکناس بود که مردم پرداخت می‌کردند و متوجه شدم دولت در این کاسبی چقدر پول بدون حساب و کتاب جایجا می‌کند.»

● «پسر و دخترهای ایرانی اولین تجربه‌های مصرف مواد را در پارک یا مهمانی دارند... دخترهای هم‌نسل ما و دهه ۶۰ حتی ۷۰ گرایش و مصرف مواد را تابو میدانستند ولی الان دختر و پسر هم‌رده هم دارند پیش می‌روند.»

● یک پزشک متخصص: «مادری می‌گفت آقای دکتر دوست دارم قرص برنج را آسیاب کنم یک جوری در کپسولی بریزم این بخورد، فقط همید، بچه‌ام هست ولی دیگر نمی‌خواهم! مادرانی را می‌شناسم که می‌گویند اینکه اینطوری پشت ماشین نشسته آرزو می‌کنم همید، یا خلبانی بازنشسته که ۷ سال در جنگ شرکت کرده یا مجروح شیمیایی زمان جنگ، اینها همه از فرزندان معتاد خود به ستوه آمده‌اند.»

● یک کارمند میانسال ساکن تهران به هئیت‌های مذهبی اشاره می‌کند و معتقد است این مراکز، یکی از پرخطرترین مراکز پخش و تجربه مصرف مواد مخدر است.

فیروزه نوردستروم-وضعیت اعتیاد و مصرف مواد مخدر در کشور چگونه است؟ مسئولان دست اندرکار تا حال برای ساماندهی این وضعیت چه کرده‌اند؟ خانواده‌های افراد معتاد چه می‌گویند؟ کمپ‌های ترک اعتیاد تا چه اندازه به ترک اعتیاد این بیماران در ایران کمک می‌کند؟ کیهان لندن این پرسش‌ها را با یک پزشک و چند شهروند مطلع در میان گذاشته است.

«فی ندانید پدر و مادرها چقدر به ستوه آمده‌اند، کسی حریف اینها نمی‌شود، کم‌هوش نیستند، رانندگی بلدند، مدرک تحصیلی دارند ولی مثل جمهوری اسلامی از پدر و مادرها باج می‌گیرند، مثلاً مادری معلم، خود را با خرید کرده پسر معتادش وادارش می‌کند که باید پول باخریدت را به من بدهی می‌خواهم مغازه باز کنم؛ مادر می‌گوید این پول آب باریکه را می‌خواهم در بانک بگذارم، سودش را بگیرم، پسر می‌گوید اگر ندهی یا خودم را می‌کشم یا خانه را آتش می‌زنم، پدر و مادر هم از ترس جان و آبرو، پول را تقدیمش می‌کنند، در حالی که اصلاً مغازه را باز نمی‌کنند، مغازه را می‌فروشند زمینی بدون سند می‌خرند، در نهایت آن پول را به باد فنا می‌دهد، ازدواج می‌کند، دو ماه بعد، همسرش را آنقدر کتک می‌زند که سر از بیمارستان و کلانتری در می‌آورد.»

یک پزشک متخصص ترک اعتیاد از تهران با این توضیحات، مستقیم سر اصل مطلب می‌رود: «این خانواده‌ها خون گریه می‌کنند، مادری می‌گفت آقای دکتر دوست دارم قرص برنج را آسیاب کنم یک جوری در کپسولی بریزم این بخورد، فقط همید، بچه‌ام هست ولی دیگر نمی‌خواهم! همه اینجا داریم از دست می‌رویم.»

این متخصص ترک اعتیاد با بیان اینکه ورود مواد مخدر به کشور کاملاً هدفمند و قانونی انجام می‌شود معتقد است: «در حال حاضر وضعیت اعتیاد از مسئله احساسات

و برادرش آمدند او را به یک کمپ در شمال بردند. آنجا آنقدر او را کتک زدند که خون بالا آورد و در راه بیمارستان فوت کرد.»

یک روزنامه‌نگار منتقد هم که می‌گوید به خاطر چندین ماه حقوق پرداخت نشده مطبوعات را بوسیده و کنار گذاشته می‌گوید: «در ایران کمتر خانواده‌ای است که لاقال یک دوره مستقیم و غیرمستقیم درگیر اعتیاد نشده باشد، دسترسی راحت به مواد مخدر اولین خطر برای خانواده‌هاست. سال ۸۵ با معاون وقت دانش‌آموزی وزارت آموزش و پرورش مصاحبه کردم. او قبول داشت سن اعتیاد در مدارس به ۱۳ سال رسیده ولی گفت اگر بنویسید مجبور به تکذیب می‌شوم!»

او به پنهانکاری حکومت و زد و بند پلیس با خرده‌فروش‌های محلات نیز اشاره می‌کند: «پلیس هم جنس را می‌گیرد هم کارت‌شان را خالی می‌کند. معتادهایی را به کمپ می‌برند که اصلاً قصد ترک ندارند. کمپ مورد توافق با پلیس، بابت ورود و تشکیل پرونده هر معتاد از بهزیستی یک پولی می‌گیرد که خرج خوراک‌شان هم نیست. خانواده‌ها هم باید پول بدهند تا جوان‌شان ترک کند و اگر از طرف خانواده پیگیری نشود فرد را از کمپ بیرون می‌اندازند.»

یک کارمند بانک هم می‌گوید: «در سال ۹۱ یکی از دوستانم مسکن مهر خرید. فروشنده معتاد بود و می‌خواست دوباره بفروشد، او را گرفتیم و به کمپ فرستادیم. آن موقع هزینه کمپ، ماهی ۳۰۰ هزار تومان بود. اما خانواده او از اعتیادش استقبال می‌کردند چون می‌خواستند برایش گواهی مهجوریت جور کنند و ارثیه پدری‌شان را بالا بکشند. خوشبختانه او ترک کرد، حق و حقوق‌اش را گرفت. ←

عبور کرده، بیشتر به رابطه باج‌گیر و باج‌دهنده تبدیل شده، خانواده‌ها به خاطر ترس از آبرو یا محبت، تن به این رابطه غلط می‌دهند، مادرانی را می‌شناسم که می‌گویند اینکه اینطوری پشت ماشین نشسته آرزو می‌کنم همید، یا خلبانی بازنشسته که ۷ سال در جنگ شرکت کرده یا مجروح شیمیایی زمان جنگ، اینها همه از فرزندان معتاد خود به ستوه آمده‌اند.»

در ادامه یک روزنامه‌نگار به این گفتگو می‌پیوندد: «حدود سال ۱۳۸۶ یکی از بستگان مرا با یک سیگار حشیش بازداشت کردند و او را از پاسگاه الغدیر بخش مبارز با مواد مخدر شرق تهران به دادگاه انقلاب فرستادند. صبح روز بعد برای پیگیری کار او به دادگاه انقلاب رفتم. آن روز اجازه کارت کشیدن نمی‌دادند. زمانی بود که حقوقم به عنوان سردبیر ۵۰۰ هزار تومان بود و آن زمان ۷۰ هزار تومان برای آزاد کردن او جریمه دادم ولی جریمه‌های بسیار سنگین‌تر و بسته بسته تراول و اسکناس بود که مردم پرداخت می‌کردند. دیدم دولت در این کاسبی چقدر پول بدون حساب و کتاب جایجا می‌کند.»

صاحب یک بنگاه معاملات مسکن در پردیس هم می‌گوید: «قبلاً در پردیس دو برادر بودند که از ۱۰ سال پیش ساقی بودند [فروشنده مواد مخدر و مشروبات الکلی]. بعد از چند سال ناگهان شنیدم کمپ ترک اعتیاد درست کرده‌اند و همدیگر را دکتر صدا می‌زنند! الان در این کمپ، بیزنس خودشان را دارند.»

پرستاری هم از جایگاه یک شهروند از همسایه خود می‌گوید که زمانی مربی موی‌تای بود: «یک مرتبه به شیشه معتاد شد، خانواده ترکش کردند. از اداره اخراج شد و خیلی وضع بدی پیدا کرد. یاقامیلی داشتیم مهندس هوافضا، پدر

مواد. پسر و دخترهای ایرانی اولین تجربه‌های مصرف را در پارک یا مهمانی دارند. بنا به طبیعتشان می‌خواهند کارهای گروهی را تجربه کنند، نبود امکانات تفریحی رایگان و سالم مثل زمین بازی، سرآغاز تجربه بچه‌هاست. دخترهای هم‌نسل ما و دهه ۶۰ حتی ۷۰ گرایش و مصرف مواد را تابو میدانستند ولی الان دختر و پسر هم‌رده هم دارند پیش می‌روند.»

یک مهندس معمار ۵۱ ساله هم می‌گوید: «فکر کنید خواهرزاده ۲۱ ساله من، پریشب با دوستش در خانه مادرم عرق خورده و مسموم شده بودند. امروز رفتم با او صحبت کردم و گفتم من همیشه در خانه دارم اگر خودت خواستی بخری لااقل به ساقی خودم زنگ بزن که ۲۰ سال است او را می‌شناسم. من خودم تابوشکن فامیل بودم. خواهرم را به مهمانی‌ها می‌بردم، با هم مشروب می‌خوردیم. اگر سیگار می‌خواست از خودم می‌گرفت تا ازدواج کرد. آن‌موقع همه نسبت بهم موضع بسیار منفی داشتند ولی تنها راه نجات نوجوان همراهی است ولی والدین ایرانی کمتر وقت می‌گذارند و از درک خواسته‌های نسل «زد» عقب مانده اند. نسلی بسیار جسور و شجاع که حکومت با آنها مشکل دارد، خانواده‌ها هم با بسیاری از آنها بر سر مواد مخدر چالش دارند.»

او اضافه می‌کند: «در نوجوانی ما که نسل پدران امروز باشد ناگهان شیشه و کراک آمد که بدون بو و فقط با یک فندک و دو تا سنجاق (کراک) یا پایپ و فندک استعمال می‌شد. بعدتر موادی وارد بازار شد به اسم بونزای و نخ که مصرف راحت‌تر و مخرب‌تری دارد. تعریفش را از جوان‌ها شنیده‌ام که هر کس به سراغ این مواد رفته از آنجا مستقیم به خیابان و بعد سفر آخرت رفته! زمان ما نوجوان در اتاق مواد می‌کشید و خانواده فکر می‌کردند دارد درس می‌خواند یا موزیک گوش می‌دهد. پدرمادرا اغلب متوجه چرت زدن جوان‌شان نمی‌شدند یا نمی‌توانستند چیزی را ثابت کنند چون ابزاری نبود مگر اینکه او را برای آزمایش اعتیاد ببرند که محال بود اتفاق بیفتد.»

شرح مشاهدات شخصی کارمندی میانسال اهل تهران هم قابل توجه است. او تعریف می‌کند: «من معمولاً برای خرید سیگار و مایحتاج منزل، گهگاه به بازار عمده‌فروشان خیابان مولوی می‌روم که پاتوق معتادانیست که در پیاده‌روها وول می‌خورند، گاه با نی و زوروق مواد می‌کشند، انگار حکومت بدش نمی‌آید اینها باشند.»

او به هیئت‌های مذهبی اشاره می‌کند و معتقد است این مراکز، یکی از پرخطرترین مراکز پخش و تجربه مصرف مواد مخدر است: «در ایام قدر و ماه رمضان و دهه محرم نوجوانان می‌توانند شب تا صبح در خیابان‌ها باشند بدون گیر دادن پلیس. در یکی از محلات بومهن، یک هیئت هست متعلق به ساقی محل. پشت چادر جاساز نوچه‌هایش هست که جنس را به دست خریدار بدهند. معمولاً در هر محله یک کاسب مواد مخدر، هیئت خودش را دارد و این روزها فصل مشتری‌یابی و مشتری‌سازی آنهاست.»

صاحب بنگاه معاملات مسکن هم در ادامه صحبت‌های این شهروند می‌گوید: «در تابستان سال ۹۲ مدتی ظهر که می‌شد در پاساژ محل کارم بوی تریاک راه می‌افتاد و جلوی مشتری آبرویمان می‌رفت. محل استعمال را پیدا کردیم و همراه هیئت مدیره با کلانتری تماس گرفتیم که بساطشان را جمع کنند. گفتند حریم خصوصی‌شان است! گفتیم بویش اذیت می‌کند؛ گفتند در قانون چیزی در اینباره نیامده! حالا اگر گزارش حضور یک دختر و پسر یا بساط شادی در همانجا بود، قانون اجازه شکستن در و بازداشت را به آنها می‌داد!»

می‌کنند، دکتر و روانشناس دارند و ضمن موسیقی‌درمانی حتی اجازه نمی‌دهند معتاد سیگار بکشد، نیکوتین بدن معتادان را با قرص جایگزین می‌کنند، مشاوره گروهی دارند و بعد از ترک، افراد در جلسات گروهی روانکاو شرکت می‌کنند، هرچند هزینه کمپ‌های دولتی چندان ارزان نیست ولی قیمت کمپ‌های خصوصی تا حدودی



بالاتر است. در این کمپ‌ها برخلاف بیمارستان‌های اعصاب و روان به هیچ عنوان متادون‌درمانی رایج نیست در حالی که سیگار کشیدن در این بیمارستان‌ها آزاد است و متادون روش غلطی است که بدتر معتادان را به خود وابسته می‌کند و قطع یکباره آن ممکن است به مرگ و اوردز فرد منجر شود.»

یک راننده ۵۰ ساله اهل گرمسار هم به ماجرای هم‌خدمتی خود اشاره می‌کند که گهگاه مواد مخدر مصرف می‌کرد. وی می‌گوید «او هنوز ازدواج نکرده و وبا پدر و مادرش زندگی می‌کند و روی مخ پیرمرد پیرزن راه می‌رود. هم خودش را اذیت می‌کند هم آنها را. من و دوستانم داریم روی او کار می‌کنیم تا هدف و انگیزه پیدا کند.»

یک خانم آموزگار منتقد هم که به یاد دارد در سال ۸۷ رئیس پلیس تهران گفته بود اگر کسی اراده کند به پیدا کردن مواد ظرف حداکثر ۲۰ دقیقه به او می‌رسد معتقد است روش‌های فروش در ژانرهای مختلف جریان دارد: «تابستان گذشته با یکی از دوستانم می‌رفتیم. هندوانه در خیابان اصلی و جاده بین ۸ تا ۱۰ هزار تومان بود، یکجای کم رفت و آمد یک وانتی هندوانه بود. رفتم از او بخرم که او هم یک فروشی بکند. گفت کیلویی ۱۵ تومن! آمدم داخل ماشین برای دوستم تعریف کردم؛ خندید گفت این کاسبه. افرادی مثل تو رو دک می‌کنند که به مشتری جنس بفروشند، پلیس هم مسئول جمع‌آوری هندوانه‌فروش نیست.»

او اضافه می‌کند: «وقتی مثل هلند جایی برای این کار نباشد و نوجوانان، فضاهای عمومی رایگان فرهنگی ورزشی نداشته باشند مگر به شرط عضویت در بسیج، در پارک دور هم جمع می‌شوند، محل رؤیت و احتمال قوی تجربه

وضعش هم خوب شد. یک هم‌خدمتی هم داشتم که زمان سربازی چون پدرش مصرف‌کننده بود تریاک تلخ را مثل آدامس می‌جوید. اسفند امسال بیستمین سالیست که پاکی را جشن می‌گیرد. حتی قرص استامینوفن هم نخورده. ۱۶ سال هم ترک سیگار دارد و الان یکی از بزرگان ان‌ای ایران شده. تولیدکننده است، درس خواند و دکتر گرفت.»

این شهروند در ادامه می‌افزاید: «گفتم یکی دو مورد هم از ترک اعتیادهای موفق را در گزارش‌تان بنویسید.»

یک بانوی خانه‌دار ساکن تهران که می‌گوید برادر خدمتکارش در یکی از کمپ‌های ترک اعتیاد نگهداری می‌شود به بحث ما می‌پیوندد: «هر روز از طرف کمپ به خانواده‌اش زنگ می‌زنند که بباید مرخص‌تان را ببرید، گویا او را در خیابان دستگیر کرده و به کمپ ترک اعتیاد فرستاده بودند، خانواده او سال‌ها برای ترک اعتیاد به او کمک کرده اما دوران ترک او به یک ماه نمی‌کشید و او دوباره مواد مصرف می‌کرد. حالا خانواده‌اش می‌گویند خسته شده‌اند و رهایش کرده‌اند. خدمتکار ما از برادرش خبری ندارد چون نمی‌خواهد از او خبری بگیرد.»

او که در این سال‌ها شاهد تجربه‌های متعدد ترک اعتیاد برادر خدمتکارش بوده ادامه می‌دهد: «در بیشتر این کمپ‌های ترک اعتیاد که زیر نظر بهزیستی اداره می‌شوند با بیماران بسیار خشن برخورد می‌کنند، هیچ داروی خاصی برای معتادان تجویز نمی‌کنند، مگر اینکه فرد معتاد، رو به مرگ یا در شرایط تشنج باشد. معتادان در اتاق‌هایی به شکل گروهی نگهداری می‌شوند، پرستاران این مراکز، افرادی غیرمتخصص هستند که با معتادان با خشونت رفتار می‌کنند، حتی کلینیک‌های خصوصی ترک اعتیاد هم وضعیت مناسبی ندارند، درواقع خانه‌هایی هستند با فضاهای محدود، بدون داشتن فضای باز که معتادان را داخل اتاقی همراه با یک تلویزیون نگه می‌دارند، مثل زندان؛ در این کلینیک‌ها از پزشک خبری نیست، گاه از بیرون کلینیک، پزشکی برای بررسی وضعیت معتادان به این کلینیک مراجعه می‌کند ولی معدود کلینیک‌های خصوصی هستند که امکانات دارویی و ورزشی ارائه

بررسی حقوقی قطعنامه اخیر شورای امنیت در مورد وقفه انسان دوستانه



نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد

وابسته می‌سازد تا اینکه راه حل حقوقی الزام‌آوری برای آن پیدا کند.

۶. قطعنامه طرفین را به «توقف درگیری و راهروهای بشردوستانه فوری و طولانی» (تأکید از نویسنده) فرا می‌خواند در حالی که نماینده روسیه تلاش کرده بود متن قطعنامه بر اساس «توقف بشردوستانه بلافاصله» (تأکید از نویسنده) و پایدار که منجر به توقف خصومت‌ها می‌شود، تنظیم شود. این تلاش که با نقطه نظرات عضو ناظر دولت خودگردان فلسطین همراه بود، با شکست مواجه شد. او تأکید کرد که این دیوانگی باید به پایان برسد و دوران صلح فراهم شود. در این تقابل میان اصرار بر توقف «بلافاصله» که از سوی روسیه و فلسطین حمایت می‌شد، و توقف «فوری و طولانی» که دیگر اعضا در نظر داشتند، باز هم شکاف میان نظریه‌ها و اراده‌های سیاسی را نشان می‌دهد طوری که ماهیت الزام‌آور بودن قطعنامه را تضعیف می‌کند. در نهایت، موضع روسیه به شکست انجامید، و واژه «بلافاصله» برای آزادی‌گروگان‌ها به کار رفت. این امر از برتری اراده سیاسی برای حمایت از اسرائیل دلالت دارد.

ممکن است برای خوانندگان این پرسش مطرح شود که این نوع تحلیل‌های حقوقی چه مشکلی را می‌تواند، حداقل برای جامعه ایرانی، حل کند. پرسش به سادگی در این حقیقت قرار دارد که اذهان خود را برای درک موضوعات سیاسی نهفته در امور بین‌الملل، و برای جلوگیری از فرو افتادن به ساده‌انگاری‌ها و احتمالاً کشیده شدن به مواضع نادرست، با موضوعات ظریف حقوقی آشنا ساخته و آنها را پیوسته‌ترین کند. بدون آگاهی‌های صحیح رسیدن به ایرانی آزاد و دموکراتیک امکان‌پذیر نیست.

*دکتر محمود مسائلی استاد بازنشسته روابط و حقوق بین‌الملل، دانشگاه‌های آتاوا و کارلتون و دبیرکل اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل با مقام مشورتی دائم نزد ملل متحد

[i] Call

[ii] Demand

[iii] Interceptive self-defence

با آن مخالف هستند، رای ممتنع داد. از نظر حقوقی هرچند که رای ممتنع به معنی وتو کردن نیست، اما نشان از نوعی اکراه دارد که اجرای قطعنامه را با موانعی مواجه می‌سازد. ۴. شورای امنیت طرفین درگیری را فرا می‌خواند تا از محروم ساختن مردم غیرنظامی غزه از خدمات اولیه و کمک‌های ضروری، مطابق با قوانین بشردوستانه بین‌المللی خودداری کنند. این موضوع نیز در جای خود نیازمند دو توضیح است:

نخست اینکه شورای امنیت در تدوین قطعنامه از مفهوم «فراخواندن» [i] که مفهومی ضعیف‌تر از «درخواست کردن» [ii] است استفاده کرده. این واژه‌نگاری سنجیده حکایت از آن دارد که قطعنامه از قوه التزام ضعیفی برخوردار است.

دوم اینکه شورای امنیت طرفین درگیر در جنگ را به امری دعوت می‌کند که افکار عمومی با ناآگاهی آنها به اسرائیل مرتبط می‌سازد. در حالی که استفاده از واژه «طرفین» نشان می‌دهد که حماس مردم غیرنظامی غزه را از برخورداری از حمایت اولیه و کمک‌های بشردوستانه محروم ساخته و به این ترتیب مرتکب جنایات جنگی و همچنین بشردوستانه می‌شود. افکار عمومی که توسط هواداران حماس دستکاری شده و عمدتاً شامل گروه‌های چپ‌گرا و اسلامگراست، از درک این ظرایف حقوقی عاجز هستند. شوربختانه تحلیل‌گران ایرانی هم اعتنایی به این موضوعات ندارند.

۵. این قطعنامه علت اصلی شروع جنگ را نادیده انگاشته زیرا حملات هفتم اکثر توسط حماس و انجام جنایت جنگ تجاوزکارانه و جنایات جنگی علیه اسرائیل را از نظر دور نگه می‌دارد. حماس مردم بی‌گناه را کشت و تعداد بی‌شماری را به گروگان گرفت. این نکته‌ای است که ملاحظات و تفاسیر گسترده حقوقی نیاز دارد تا تعیین کند که آیا نوع «دفاع مشروع ایجادکننده» [iii] اسرائیل مطابق با قوانین بین‌المللی است یا نه. این نقایص که در اثر عدم توافق واقعی میان کشورهای عضو دائمی شورای امنیت ایجاد شده، موضوع حل اختلاف را همچنان با موانع جدی مواجه ساخته، در عین حال غلبه بر آن را نیز به اراده سیاسی آنان

ممکن است برای خوانندگان این پرسش مطرح شود که این نوع تحلیل‌های حقوقی چه مشکلی را می‌تواند، حداقل برای جامعه ایرانی، حل کند. پرسش به سادگی در این حقیقت قرار دارد که اذهان خود را برای درک موضوعات سیاسی نهفته در امور بین‌الملل، و برای جلوگیری از فرو افتادن به ساده‌انگاری‌ها و احتمالاً کشیده شدن به مواضع نادرست، با موضوعات ظریف حقوقی آشنا ساخته و آنها را پیوسته‌ترین کند.

دکتر محمود مسائلی - پس از بن‌بست اولیه‌ای که برای رسیدن به توافقی برای صدور قطعنامه‌ای در مورد جنگ غزه که گروه حماس با حمله تروریستی خود به اسرائیل در هفتم اکتبر به راه انداخته، شورای امنیت با قطعنامه شماره ۷۲۱۲ در تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۲۳، از طرفین درخواست نمود تا «وقفه و راهروهای بشردوستانه» در غزه برای «مدت کافی» ایجاد شود تا امکان دسترسی کامل، سریع، ایمن و بدون مانع را برای آژانس‌ها و دیگر سازمان‌های وابسته به سازمان ملل برای امدادسانی فراهم آید. در عین حال بر اساس مفاد این قطعنامه، شورای امنیت «خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه گروگان‌های حماس و دیگر گروه‌ها، به ویژه کودکان و همچنین تضمین دسترسی فوری به کمک‌های بشردوستانه شده است». این قطعنامه که نشانگر رسیدن به نوعی سازش میان اعضای اصلی و ثابت شورای امنیت است، توضیح چند نکته حقوقی را ضروری می‌سازد.

۱. بر اساس ماده ۲۵ منشور ملل متحد، قطعنامه‌های شورای امنیت برای همه اعضای سازمان ملل متحد الزام‌آور است. «اعضای ملل متحد موافقت می‌نمایند که تصمیمات شورای امنیت را بر طبق این منشور قبول و اجرا نمایند». با وجود الزام‌آور بودن اینگونه اسناد حقوقی اما این امکان وجود دارد که کشورها از انجام آن سر باز زنند. نماینده اسرائیل در سازمان ملل متحد گفت که این قطعنامه با واقعیات بیگانه است. او پیشتر بیان داشته بود که قطعنامه فقط بر وضعیت انسانی متمرکز دارد و هیچ اشاره‌ای به آنچه به این درگیری منجر شده، نداشته است. وی با تأکید بر اینکه کشورش به هر کاری که لازم باشد برای بازگرداندن گروگان‌ها به خانه ادامه خواهد داد، گفت: «اگر حماس تصمیم بگیرد سلاح‌های خود را زمین بگذارد، خود را تسلیم کند و گروگان‌ها را سالم تحویل دهد، این جنگ بلافاصله پایان می‌یابد».

۲. باید در نظر داشت که اینگونه قطعنامه‌ها تا زمانی می‌توانند الزام‌آور باشند که با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل مغایرت نداشته باشند. ماده ۵۱ منشور ملل متحد این نکته را به خوبی آشکار می‌سازد: «در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد، هیچیک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود خواه فردی یا دستجمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد.» (تأکید از نویسنده). این متن روشن و خالی از ابهام حقوقی ماده ۵۱ منشور، اسرائیل را برای تأکید بر موضع خود یاری می‌رساند.

۳. این قطعنامه با ۱۲ رای موافق و ۳ رای ممتنع آمریکا، بریتانیا، و روسیه به تصویب رسید. علت رای ممتنع ایالات متحده و بریتانیا این بود که قطعنامه حملات مرتکب حماس به خاک اسرائیل در ۷ اکتبر را محکوم نکرده است. روسیه نیز به دلیل موضوع آتش‌بس کامل که اسرائیل و ایالات متحده

جمهوری اسلامی و چرخه افزایش نرخ زن‌کشی و خشونت علیه زنان



● بیشترین میزان قتل زنان طی ۱۱ ماه گذشته با ۱۹ مورد معادل ۱۸/۲٪ کل موارد در استان تهران ثبت شده است.

● تقریباً نیمی از زنانی که در ۱۱ ماه اخیر به قتل رسیده‌اند، توسط همسر خود کشته شده‌اند که شامل ۴۹ مورد معادل ۴۷٪ کل موارد است. همچنین ۸ نفر توسط همسر سابق و ۵ نفر نیز توسط نامزدهای خود کشته شده‌اند. پس از همسران بیشترین زنانی که طی ۱۱ ماه گذشته کشته شده‌اند توسط پدر و یا برادر خود کشته شده‌اند که ۲۴ مورد از این قتل‌ها را شامل می‌شود. بقیه موارد زن‌کشی نیز توسط افراد نزدیک به مقتول بوده است. ● همچنین با استناد به آمار «هه‌نگاو»، از ابتدای سال جاری میلادی دست‌کم ۱۶ زن در زندان‌های مختلف ایران اعدام شده‌اند که ۳ نفر از آنها به اتهام جرائم مرتبط با مواد مخدر و ۱۱ نفر نیز به اتهام قتل عمد توسط دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران به اعدام محکوم شده بودند.

با استناد به آمار به ثبت رسیده در مرکز آمار و اسناد سازمان حقوق بشری «هه‌نگاو»، از ابتدای سال ۲۰۲۳ میلادی تا کنون، دست‌کم ۱۰۴ زن در شهرهای مختلف ایران توسط اعضای خانواده و افراد نزدیک خود به قتل رسیده‌اند.

بر اساس این گزارش که به مناسبت فرا رسیدن ۲۵ نوامبر روز جهانی «منع خشونت علیه زنان» منتشر شده آمده است که دست‌کم ۳۴ زن معادل ۳۲/۵٪ کل زنانی که در این بازه زمانی به قتل رسیده‌اند تحت عنوان آنچه «قتل ناموسی» خوانده می‌شود، کشته شده‌اند.

بیشترین میزان قتل زنان طی ۱۱ ماه گذشته با ۱۹ مورد معادل ۱۸/۲٪ کل موارد در استان تهران ثبت شده است. همچنین در استان آذربایجان غربی (ارومیه) نیز ۱۴ مورد قتل زنان ثبت شده است که ۹ مورد آن با انگیزه‌های ناموسی انجام گرفته و بیشترین آمار قتل‌های ناموسی در این استان بوده است. در استان کرمانشاه نیز ۸ مورد زن‌کشی و در استان‌های فارس و کرج نیز هر کدام ۷ مورد زن‌کشی ثبت شده است.

تقریباً نیمی از زنانی که در ۱۱ ماه اخیر به قتل رسیده‌اند، توسط همسر خود کشته شده‌اند که شامل ۴۹ مورد معادل ۴۷٪ کل موارد است. همچنین ۸ نفر توسط همسر سابق و ۵ نفر نیز توسط نامزدهای خود کشته شده‌اند. پس از همسران بیشترین زنانی که طی ۱۱ ماه گذشته کشته شده‌اند توسط پدر و یا برادر خود کشته شده‌اند که ۲۴ مورد از این قتل‌ها را شامل می‌شود. بقیه موارد زن‌کشی نیز توسط افراد نزدیک به مقتول بوده است.

همچنین با استناد به آمار «هه‌نگاو»، از ابتدای سال جاری میلادی دست‌کم ۱۶ زن در زندان‌های مختلف ایران اعدام شده‌اند که ۳ نفر از آنها به اتهام جرائم مرتبط با مواد مخدر و ۱۱ نفر نیز به اتهام قتل عمد توسط دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران به اعدام محکوم شده بودند.

از مجموع این ۱۶ زن اعدام شده ۴ مورد در زندان اصفهان و در زندان‌های کرمان، مشهد و «رجایی شهر» هر کدام ۲ مورد ثبت شده است. در زندان‌های کهنوج، بیرجند، زاهدان، یاسوج، همدان و قم نیز هر کدام دو مورد ثبت شده است.

همچنین از ابتدای سال جاری میلادی تا کنون برای ۱۲۸

فعال زن احکام شلاق، زندان و اعدام صادر شده است. همینطور از ابتدای سال جاری میلادی تا کنون دست‌کم ۳۰۸ فعال زن در ایران در کمتر از ۱۱ ماه بازداشت شده‌اند؛ از این تعداد ۸۹ نفر معادل ۲۹٪ کل موارد فعالین زن گرد بوده‌اند. همچنین ۵۰ فعال زن بهایی (۱۶٪ کل موارد) نیز در شهرهای مختلف ایران بازداشت شده‌اند.

با استناد به آمار هه‌نگاو، طی ۱۱ ماه اخیر دست‌کم ۱۲۷ فعال زن در سراسر ایران توسط دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران به حبس محکوم شده‌اند که ۸ نفر از آنها به نام‌های فاطمه مهری اهل شهرگرد، لیلا منصور، ناتاشا خضری جوادی، مزگان ایلانلو و فرناز حسن‌زاده ساکن تهران، مینا یعقوبی اهل اراک، پریا کریم‌عدنانی اهل سقز و لاله وهابی اهل تالش علاوه بر حکم حبس به شلاق نیز محکوم شده‌اند. از این میان حکم لاله وهابی اجرا شده است.

همچنین یک فعال زن گرد نیز به نام نسیم نمازی توسط شعبه سوم دادگاه انقلاب ارومیه به اعدام محکوم شده است.

از مجموعه فعالان زن محکوم شده به حبس ۲۱ نفر از فعالین زن بهایی و ۱۹ نفر نیز از فعالین زن گرد بوده‌اند. ۲۸ نفر از زنانی که به حبس و شلاق محکوم شده‌اند، به دلیل شرکت در جنبش «زن زندگی آزادی» بازداشت و از سوی دستگاه قضایی به حبس و شلاق محکوم شده‌اند.

اینهمه در حالیست که جمهوری اسلامی طی چهار دهه گذشته نتوانسته در ادامه مسیر برابری جنسیتی که از دوران پهلوی آغاز شده بود حرکت کند. قوانین جمهوری اسلامی بطور مستقیم در ۱۲ مورد از جمله ارث، دیه، حق طلاق، حق مسافرت و حق پوشش، با کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان در تعارض قرار دارند. از سوی دیگر قوانینی که به نام حمایت از خانواده و برای ترویج ازدواج و فرزندآوری از سوی حکومت تحمیل می‌شود، مشارکت اقتصادی زنان را به شدت کاهش داده است.

تدوین «لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر

خشونت» پس از تأخیر نزدیک به ۸ سال در دولت حسن روحانی سرانجام به پایان رسید و ۱۴ دی‌ماه در دولت تصویب شد. این لایحه در حالی برای تصویب در اختیار مجلس شورای اسلامی قرار گرفته که کارشناسان امور زنان آن را در تأمین و تضمین حقوق زنان بسیار محافظه‌کارانه و ناکارآمد تلقی می‌کنند که با موازین بین‌المللی بسیار فاصله دارد. اعمال خشونت علیه زنان در سال ۹۹ دامنه‌ی گسترده‌تری یافت و به رشته جنایات موسوم به «ناموسی» کشیده شد و چندین دختر و زن جوان از جمله رومینا اشرفی ۱۴ ساله، فاطمه برحی ۱۹ ساله و ریحانه عامری ۲۲ ساله با قتل فجیع توسط مردان خانواده قربانی «ناموس» آنها شدند!

همچنین رتبه ایران در شاخص شکاف جنسیتی در جهان طی سال‌های گذشته همواره در حال بدتر شدن بوده بطوری که شش سال پیش رتبه ایران ۱۳۸ بود، پنج سال پیش به ۱۴۰ سقوط کرد و اکنون در جایگاه ۱۴۳ در میان ۱۴۶ کشور قرار گرفته است. کشورهای الجزایر، چاد و افغانستان تنها کشورهایی هستند که وضعیتی بدتر از ایران در زمینه شکاف جنسیتی دارند و به ترتیب در رتبه‌های ۱۴۴ تا ۱۴۶ جای گرفته‌اند. آخرین آمارهای مرکز آمار ایران از وضعیت اشتغال در ایران نشان از افزایش شکاف جنسیتی در بازار کار دارد. زنان همچنان سهم ناچیزی از بازار کار دارند و عدم برابری اشتغال میان زنان و مردان، سبب کاهش مشارکت اقتصادی زنان شده است.

نرخ مشارکت زنان نیز در بازار کار ایران به مراتب پایین‌تر از اقتصادهای بزرگ منطقه و به طور معناداری حتی پایین‌تر از میانگین منطقه منا(خاورمیانه و شمال آفریقا) است. وضعیت مشارکت زنان در عربستان روند مطلوب‌تری نسبت به ایران دارد. نرخ مشارکت زنان در این کشور در یک دوره ۳۰ ساله ۱۵ درصد در سال ۱۹۹۰ تا ۳۰ درصد در سال ۲۰۲۰ افزایش یافته است. مشارکت زنان در این کشور عملاً از سال ۲۰۱۱ به بعد از میانگین منطقه منا نیز فراتر رفته است.

دیدار مجدد امیرعبداللہیان با ہنیہ در دوحہ دلالتی جمهوری اسلامی و قطر برای آزادی گروگان‌ها از دست حماس



دیدار حسین امیرعبداللہیان با اسماعیل ہنیہ در دوحہ / آذرماه ۱۴۰۲

می‌کنند قطع شده و سرنوشت این اسیران و گروه‌های مسئول نگهداری از آنان در حاله‌ای از ابهام قرار دارد! نه تنها حماس برای آزادی گروگان‌ها به دنبال امتیازگیری است بلکه علاوه بر جمهوری اسلامی و دولت قطر، کشورهایی مثل مصر نیز بر اساس نفوذی که بین نیروهای حماس دارند در این معامله به دنبال نقش‌آفرینی و بهره‌برداری هستند. اما بیش از همه به نظر می‌رسد که حماس در کنار جمهوری اسلامی و قطر در باج گرفتن برای آزادی گروگان‌ها مکمل همدیگر شده‌اند.

شماری از تحلیلگران در مورد سربایت ویروس گروگان‌گیری از جمهوری اسلامی به سایر دولت‌های بدخیم منطقه و گروه‌های شبه‌نظامی هشدار می‌دهند.

در همین ارتباط شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با شبکه «آی ۲۴» گفت «گروگان‌گیری حماس نسخه‌برداری از جمهوری اسلامی است» اما علاج آن مقابله با «منشاء تروریسم» یعنی رژیم ایران است. وی توضیح داد که گروگان‌گیری تاکتیک جمهوری اسلامی است و از ابتدای انقلاب اسلامی تا کنون با این نوع اقدامات اعتبار خریدند.

بر اساس آخرین گزارش‌ها، روز جمعه نشانه‌هایی از آتش‌بس موقت میان حماس و اسرائیل در غزه دیده می‌شود و درگیری‌ها کمتر شده است. اسرائیل اجازه ارسال کمک‌ها به غزه از جمله مواد غذایی و سوخت را صادر کرده و ویدئوهایی از حرکت این محموله‌ها از گذرگاه رفح در مرز مصر به این منطقه منتشر شده است.

به گزارش روزنامه «فایننشال تایمز» یکی از مقامات حماس گفت که گروگان‌های اسرائیلی در گذرگاه مرزی رفح به غزه به مقامات مصری تحویل داده می‌شوند و مبادله بدون پوشش رسانه‌ای انجام می‌شود. مقامات اسرائیلی نیز اعلام کرده‌اند که گروگان‌های آزادشده ابتدا توسط پزشکان نظامی مورد بازرسی قرار می‌گیرند.

احتمالاً اشاره ہنیہ به گزارش خبرگزاری رویترز است که به نقل از «منابع آگاه» مدعی شده بود که بین رهبر جمهوری اسلامی و ہنیہ در مورد حمله به اسرائیل اختلاف وجود داشته است.

خبرگزاری رویترز به نقل از «سه مقام ارشد» گزارش داده بود علی خامنه‌ای در دیدارش با اسماعیل ہنیہ رهبر حماس در تہران گفته «شما هیچ هشدار در مورد حمله ہفتم اکتبر خود به اسرائیل به ما ندادید و ما از طرف شما وارد جنگ نخواهیم شد».

روزنامه «تایمز اسرائیل» گزارش داد که روز جمعه ۲۴ نوامبر حماس قرار است ۱۳ زن و کودک را در ازای آزادی برخی زندانیان فلسطینی در زندان‌های اسرائیل آزاد کند. گفته می‌شود این بخشی از توافق میان حماس و اسرائیل است. انتظار می‌رود دست‌کم ۵۰ گروگان که در دست حماس اسیر هستند و ۱۵۰ زندانی فلسطینی در اسرائیل آزاد شوند.

اینہمہ در حالیست کہ رہبران حماس از آتش جنگی کہ بہ راہ انداختہ‌اند بسیار فاصلہ دارند. آنہا در ہتل‌های شیک لبنان یا قطر در مناطق امن بہ چانه‌زنی مشغولند و جان مردم غزہ برای آنہا اهمیت ندارد. مشخص نیست تأخیر در اجرای توافق بہ چہ علتی است اما بہ نظر می‌رسد فرماندہان میدانی گروہ حماس در غزہ با رہبران سیاسی این تشکیلات اختلافاتی دارند. میزان دستورپذیری فرماندہان میدانی حماس کہ بیشتر در تیررس حملات نظامی قرار دارند از رہبران این سازمان چندان مشخص نیست. از سوی دیگر بعید نیست آنہا در تہابی با یکدیگر برای آزادی گروگان‌ها «گرہ‌رقصانی» کنند.

ہمزمان با توافق میان اسرائیل و حماس، ابوعبیدہ سخنگوی گردان‌های قسام (شاخہ نظامی حماس) اعلام کرد کہ ارتباط قسام با گروہ‌هایی کہ اسیران اسرائیلی را نگهداری

● حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجہ جمهوری اسلامی کہ برای گفتگو با مقامات لبنانی و حسن نصراللہ دبیرکل حزب‌اللہ بہ لبنان رفته بود، پنجشنبه شب دوم آذرماه بہ دوحہ رفت تا با اسماعیل ہنیہ رئیس سیاسی گروہ تروریستی حماس دیدار کند.

● پایگاہ خبری «العربی الجدید» ادعا کردہ با وساطت جمهوری اسلامی، حماس با آزادی ۲۳ گروگان تایلندی بدون هیچ پیش‌شرطی موافقت کردہ است.

● ہنیہ بہ خبرنگاران گفتہ «ما از دیدار با وزیر خارجہ جمهوری اسلامی ایران خرسندیم، البتہ این اولین دیدار ما از زمان شروع عملیات الاقصی نیست چرا کہ ہمیشہ در ارتباط ہستیم.

● میزان دستورپذیری فرماندہان میدانی حماس کہ بیشتر در تیررس حملات نظامی قرار دارند از رہبران این سازمان چندان مشخص نیست. از سوی دیگر بعید نیست آنہا در تہابی با یکدیگر برای آزادی گروگان‌ها «گرہ‌رقصانی» کنند. ● ہمزمان با توافق میان اسرائیل و حماس، ابوعبیدہ سخنگوی گردان‌های قسام (شاخہ نظامی حماس) اعلام کرد کہ ارتباط قسام با گروہ‌هایی کہ اسیران اسرائیلی را نگهداری می‌کنند قطع شدہ و سرنوشت این اسیران و گروہ‌های مسئول نگهداری از آنان در حاله‌ای از ابهام قرار دارد!

تلاش‌های اسرائیل و دولت‌های غربی و شرکای آنہا برای آزادی گروگان‌هایی کہ گروہ تروریستی حماس در عملیات «ہفت اکتبر» بہ اسارت برد، برای جمهوری اسلامی فرصت دلالتی و امتیاز گرفتن در پوشش میانجی بہ وجود آورده است. حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجہ جمهوری اسلامی کہ برای گفتگو با مقامات لبنانی و حسن نصراللہ دبیرکل حزب‌اللہ بہ لبنان رفته بود، پنجشنبه شب دوم آذرماه بہ دوحہ رفت تا با اسماعیل ہنیہ رئیس سیاسی گروہ حماس کہ جنگ غزہ را با حمله تروریستی بہ اسرائیل آغاز کرد دیدار کند.

این اولین ملاقات امیرعبداللہیان با ہنیہ پس از توافق آتش‌بس موقت میان اسرائیل و حماس در ازای آزادی ۵۰ نفر از گروگان‌های حماس در عملیات «ہفت اکتبر» بود.

ہرچند مقامات اسرائیل بہ شرط آزادی شماری از گروگان‌ها برای چہار روز توقف عملیات در غزہ را پذیرفتند اما اسماعیل ہنیہ در دیدار بہ امیرعبداللہیان با بیان دروغی آشکار مدعی شد «مقاومت غزہ توانست شروط خود را برای آتش‌بس بہ رژیم صہیونیستی تحمیل کند!»

در این میان، پایگاہ خبری «العربی الجدید» ادعا کردہ با وساطت جمهوری اسلامی، حماس با آزادی ۲۳ گروگان تایلندی بدون هیچ پیش‌شرطی موافقت کردہ است. در میان ۱۲۰۰ نفری کہ تروریست‌های حماس در عملیات «توفان الاقصی» کشتند شماری کارگر تایلندی نیز بودند. تعدادی از حدود ۲۴۰ گروگان نیز تایلندی هستند.

ہنیہ بہ خبرنگاران گفتہ «ما از دیدار با وزیر خارجہ جمهوری اسلامی ایران خرسندیم، البتہ این اولین دیدار ما از زمان شروع عملیات الاقصی نیست چرا کہ ہمیشہ در ارتباط ہستیم. ما در دیدار امشب مواضع ایران را در این خصوص شنیدیم؛ مواضع جمهوری اسلامی ایران ہموارہ مواضع ثابتی است.»

پایگاه خبری «پولیتیکو»: استفاده آمریکا از ابزار جاسوسی طبق «بند ۷۰۲» برای اخلاف در برنامه تسلیحاتی جمهوری اسلامی



بازدید علی خامنه‌ای از دستاوردهای موشکی و پهپادی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / آبان ۱۴۰۲

در ماه‌های اخیر، مقامات ایالات متحده اقدامات قابل توجهی در حوزه امنیتی انجام دادند از جمله خنثی کردن جریان انتقال ماده مخدر «فتانیل» از طریق مرزهای جنوبی آمریکا و شناسایی هک‌هایی که اقدام به حمله از طریق باج افزارها در سال ۲۰۲۱ علیه یک شرکت نفتی آمریکایی کرده بودند.

برخی از اعضای کنگره خواسته‌اند که تغییرات بیشتری در بند ۷۰۲ قانون نظارت بر اطلاعات خارجی اعمال شود، از جمله اینکه برای بازجویی از شهروندان آمریکایی، حکم دادگاه دریافت شود یا دست‌کم محدودیت‌های بیشتری در مورد نحوه دسترسی آژانس‌های اطلاعاتی به داده‌ها وجود داشته باشد.

مقامات آمریکایی می‌گویند که بازجویی از شهروندان آمریکایی یا دیگر افراد ساکن آمریکا، برای هدف گرفتن یک فرد یک شرکت خارجی که قصد داشتند تحریم‌های آمریکا علیه ایران را دور بزنند حیاتی بوده است. این مقامات نام شرکت یا کشور را مشخص نکردند، اما گفتند که ارزش کالاهای فروشی بالغ بر ده‌ها میلیون دلار بوده است.

یکی از مقامات می‌گوید: «گاهی بند ۷۰۲ تنها ابزار [قانونی] برای پیگیری این موضوعات است و همین موضوع این بند را بسیار مهم‌تر می‌کند.» هنوز بعید به نظر می‌رسد که این افشاگرها دیدگاه مدافعان حریم خصوصی را در مورد ضرورت وجود یک حکم قانونی تغییر دهد.

الیزابت گویتین مدیر ارشد «برنامه برای آزادی و امنیت ملی مرکز عدالت برنان» خاطرنشان کرد که ممکن است پرس‌وجوهای مربوط به هم تسلیحات و هم تحریم‌ها بر اساس قانونی که به تازگی همین ماه برای تمدید مجوز بند ۷۰۲ پیشنهاد شده، مجاز ارزیابی شوند.

۷۰۲ هستند که به آژانس‌های اطلاعاتی اجازه می‌دهد تا ارتباطاتی مانند ایمیل‌ها و پیام‌های نوشتاری خارجی‌های بیرون از مرزهای آمریکا را جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل کنند. خواسته نمایندگان پس از آن مطرح شده که مشخص شد اف‌بی‌آی به روشی نادرست از پایگاه داده‌های به دست آمده استفاده کرده تا ببیند که آیا معترضان سیاسی، حامیان مالی ستادهای انتخاباتی و حتا اعضای کنگره، در این مبادلات دست داشته‌اند یا نه.

دولت آمریکا ادعا کرده که اصلاحات انجام شده برای جلوگیری از سوء استفاده‌ها کافیست و اگر ممنوعیت‌های بیشتری اعمال شود، بند ۷۰۲ کارکرد مفید خود را از دست خواهد داد.

در مورد برنامه تسلیحات پیشرفته ایران، مقامات گفتند که استفاده از ابزارهای جاسوسی مطابق بند ۷۰۲ برای توقف فروش تسلیحات حیاتی است. آنها گفتند که از دیگر ابزارهای اطلاعاتی برای شناسایی تجهیزات مورد نیاز جمهوری اسلامی که در ایالات متحده ساخته می‌شود استفاده کرده و سپس نام آن قطعات و سازندگان آن را در پایگاه اطلاعاتی ۷۰۲ ثبت کردند.

مقامات آمریکایی از ارائه جزئیات بیشتر همچون نوع قطعات و سازندگان آنها خودداری کردند. یکی از مقامات گفت: «این فقط یک اقدام نبود، بلکه مجموعه‌ای از اقدامات بود. دست‌کم در یک مورد، اگر بیشتر نباشد، فروش [تجهیزات] خاص قبل از انجام یا در حین انجام متوقف شد.»

به گفته دو مقامی که ناشناس ماندند تا بتوانند این اطلاعات را ارائه دهند، با جستجوهای مربوطه، اطلاعات دقیقی مورد نیاز جهت خنثی کردن فروش، از جمله هزینه، زمان و مقدار آنها به دست آمد.

● بر اساس گفته‌های دو مقام اطلاعاتی آمریکا، بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق رصد ارتباطات الکترونیکی مربوط به سازندگان خارجی سلاح، ارسال چندین محموله قطعات تسلیحات پیشرفته به ایران از طریق زمین، هوا و دریا متوقف شده است.

● در مورد برنامه تسلیحات پیشرفته ایران، مقامات گفتند که بند ۷۰۲ قانون نظارت بر اطلاعات خارجی برای توقف فروش تسلیحات کلیدی است. آنها گفتند که از دیگر ابزارهای اطلاعاتی برای شناسایی تجهیزات مورد نیاز جمهوری اسلامی که در ایالات متحده ساخته می‌شود استفاده کرده‌اند و سپس نام آن قطعات و سازندگان آن را در پایگاه اطلاعاتی بند ۷۰۲ ثبت کردند.

● بسیاری از نمایندگان کنگره خواستار تغییراتی در بند ۷۰۲ هستند که به آژانس‌های اطلاعاتی اجازه می‌دهد تا ارتباطاتی مانند ایمیل‌ها و پیام‌های نوشتاری خارجی‌های بیرون از مرزهای آمریکا را جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل کنند.

● مقامات آمریکایی می‌گویند که بازجویی از شهروندان آمریکایی یا دیگر افراد ساکن آمریکا، برای هدف گرفتن یک فرد یک شرکت خارجی که قصد داشتند تحریم‌های آمریکا علیه ایران را دور بزنند حیاتی بوده است. این مقامات نام شرکت یا کشور را مشخص نکردند، اما گفتند که ارزش کالاهای فروشی بالغ بر ده‌ها میلیون دلار بوده است.

مقامات آمریکایی می‌گویند که یک مقام نظارتی مناقشه‌برانگیز در سال‌های اخیر به آنها کمک کرده تا بتوانند جلوی فروش برخی قطعات تسلیحاتی کلیدی به جمهوری اسلامی را بگیرند.

پایگاه خبری پولیتیکو ۲۸ نوامبر (هفتم آذرماه) به نقل از دو مقام اطلاعاتی آمریکا، سی‌آی‌آی و سایر آژانس‌های اطلاعاتی گزارش داد که بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق رصد ارتباطات الکترونیکی مربوط به سازندگان خارجی سلاح، ارسال چندین محموله قطعات تسلیحات پیشرفته به ایران از طریق زمین، هوا و دریا متوقف شده است.

این جنگ اطلاعاتی علیه جمهوری اسلامی از وقتی آغاز شد که دولت آمریکا اقداماتی را برای جلوگیری از توسعه برنامه موشکی بالاستیک جمهوری اسلامی در دستور کار خود قرار داد. مقامات آمریکایی نگران هستند که تهران اقدام به تأمین موشک‌های روسیه در جنگ علیه اوکراین کند. مقامات همچنین بر راه‌هایی برای محدود کردن مداخله جمهوری اسلامی در درگیری‌های منطقه‌ای به ویژه میان حماس و اسرائیل متمرکز شده‌اند.

این افشاگری تازه‌ترین تلاش کاخ سفید است برای اینکه تأکید کند استفاده از ابزار جاسوسی مربوطه طبق بند ۷۰۲ قانون نظارت بر اطلاعات خارجی، برای امنیت ملی این کشور بسیار مهم است. هدف دولت این است که کنگره قبل از انقضای این قانون در پایان سال ۲۰۲۳ میلادی، مجوز آن را دوباره صادر نماید. بسیاری از نمایندگان کنگره خواستار تغییراتی در بند

هشدار آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان به جمهوری اسلامی به دلیل اختلال در فعالیت بازرسان آژانس در ایران



سانتریفیوژهای نسل جدید برای افزایش غنای اورانیوم در تأسیسات نطنز فعال شده است

مثل ورامین و تورقوزآباد ارائه نکرده و آژانس از مکان فعلی مواد هسته‌ای مرتبط و تجهیزات آلوده مطلع نیست. ایران حتا در سطحی‌ترین سطح نیز وارد عمل نشده دست برخلاف این واقعیت که همکاری با آژانس یک تعهد قانونی ناشی از توافقنامه پادمان ان‌پی‌تی ایران است.»

شورای حکام در بیانیه خود پرسیده به این وضعیت «آیا هیچکدام از مواد هسته‌ای و یا تجهیزات آلوده مورد استفاده در این مکان‌ها در ایران همچنان باقی مانده است؟»

منشاء ناشناخته ذرات اورانیوم غیرمجاز

«دوم، اختلاف در مورد [شناسایی] مواد هسته‌ای در تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم حل نشده باقی مانده است. توضیحات قبلی [رژیم] ایران از نظر فنی معتبر نبود. بنابراین برای آژانس قابل قبول نیست. این موضوع به محور اصلی مأموریت پادمانی آژانس مربوط می‌شود که شامل فعالیت‌های مخفی در مکان‌های اعلام نشده از جمله [تولید] فلز اورانیوم است که برخی از آنها منشأ ناشناخته دارند و ممکن است هنوز خارج از پادمان باشند. همچنین قابل ذکر است که این موضوع به نگرانی‌های پادمانی مربوط می‌شود که آژانس قبلاً در مورد سایت لویزان-شیان دنبال می‌کرد که ایران نیز بطور اساسی نتوانست به آن رسیدگی کند.»

جمهوری اسلامی ایران قصدی برای اجرای تعهدات خود ندارد

«سوم، ایران اجرای بیانیه مشترک چهارم مارس را با وجود تلاش‌های گسترده مدیرکل آژانس برای دستیابی به

در مقدمه این بیانیه که ۲۳ نوامبر (دوم آذرماه) منتشر شد آمده، «یک سال پیش، هیأت مدیره آژانس در واکنش به عدم همکاری ایران با آژانس در مورد مسائل اساسی پادمانی، قطعنامه صادر کرد. از زمانی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پنج سال پیش پرسش‌هایی را در مورد مواد و فعالیت‌های هسته‌ای اعلام نشده احتمالی در ایران مطرح کرد، این سومین قطعنامه بود. از آن زمان، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در نقاط مختلف سؤالاتی را در مورد چنین فعالیت‌هایی در چهار مکان مطرح کرد. در آن قطعنامه اعلام شد که ضروری و فوریست که ایران برای اطمینان از راست‌آزمایی عدم انحراف مواد هسته‌ای، اقدام و تمام مسائل پادمانی باقیمانده را روشن کند.»

اکنون یک سال بعد، بی‌توجهی مداوم رژیم ایران به تعهداتش، از جمله پایبندی به تصمیمات این هیئت، به اوج خود رسیده است. گزارش آژانس واضح است: جمهوری اسلامی ایران نه تنها از همکاری با آژانس برای حل و فصل مسائل باقیمانده وقت‌گشی می‌کند، بلکه بطور عمده توانایی آژانس را برای انجام مأموریت راست‌آزمایی مختل می‌کند. اقدامات رژیم ایران نه تنها به تعهدات قانونی‌اش مغایرت دارد، بلکه با نادیده گرفتن مقررات جهانی منع گسترش تسلیحات اتمی، تعهدات هسته‌ای خود را نقض می‌کند. دولت‌های غربی عضو هیأت مدیره شورای حکام پس از چنین مقدمه‌ای به چهار مورد اساسی اشاره کرده‌اند:

مخفی کردن ذرات و تجهیزات آلوده

«نخست، [رژیم] ایران هنوز توضیحات فنی معتبری برای ذرات کشف شده اورانیوم با منشأ انسانی در مکان‌هایی

● شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با تأکید بر ضرورت پاسخگویی جمهوری اسلامی به پرسش‌های آژانس در مورد مخفی‌کاری‌های اتمی در ایران هشدار دادند جمهوری اسلامی در حال وقت‌کشی و مختل کردن عامدانه توان راست‌آزمایی آژانس است.

● در بیانیه دولت‌های غربی عضو شورای حکام آژانس تأکید شده رژیم «ایران هنوز توضیحات فنی معتبری را برای ذرات کشف شده اورانیوم با منشأ انسانی در مکان‌هایی مثل ورامین و تورقوزآباد نداده است.»

● «این غیرقابل قبول است که ایران در برابر اظهارات کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نام‌های بازرسان آژانس را بر اساس تابعیت آنها به عنوان اقدامی تلافی‌جویانه حذف کند.»

● «عدم تمایل ایران به همکاری با آژانس برای حل این اختلافات، در کنار عدم شفافیت، با توجه به سابقه در ساخت تأسیسات هسته‌ای مخفی، کاملاً غیرقابل قبول و عمیقاً نگران‌کننده است. آیا ایران در حال تلاش برای از میان بردن شکافی است که مدعی است برای ساختن تأسیسات هسته‌ای مخفی وجود ندارد؟!»

دولت‌های بریتانیا، فرانسه و آلمان و همچنین ایالات متحده آمریکا در بیانیه‌ای مشترک در نشست شورای حکام به جمهوری اسلامی هشدار دادند عدم همکاری با بازرسان آژانس از جمله حذف نام بازرسان باتجربه و حرفه‌ای به بهانه تابعیت فرانسوی یا آلمانی آنها «وقت‌گشی» و تلاش عامدانه برای مختل کردن فعالیت آژانس تلقی شده و پیامدهای جدی برای جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت.

نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل: نپذیرفتن تعدادی بازرسی هیچ خللی در کار آژانس ایجاد نمی‌کند!



محسن نذیری اصل سفیر جمهوری اسلامی در مقر
سازمان ملل در وین

با بازرسان آژانس را مختل کرده، تمایلی به سختگیری علیه تهران ندارند.

در همین ارتباط خبرگزاری فرانسه در گزارشی که ۲۴ نوامبر (سوم آذرماه) منتشر شد نوشت با اینکه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید اقدامات اخیر جمهوری اسلامی «مرزهای بی‌سابقه‌ای را جابجا کرده» اما از صدور قطعنامه الزام‌آور نیز خودداری کرده است.

یک دیپلمات ارشد درباره بن‌بست فعلی که غربی‌ها در آن گرفتار شده‌اند می‌گوید: «تصویر بسیار تیره و تار است، اما واقعیت کنونی این است که هیچ تمایلی برای برانگیختن واکنش‌های جمهوری اسلامی در شرایط جنگی خاورمیانه وجود ندارد.»

بر اساس آخرین گزارش آژانس جمهوری اسلامی اورانیوم غنی‌شده کافی برای ساخت سه مپ اتمی را دارد. فعالیت‌های هسته‌ای رژیم ایران بزرگترین تهدید برای کشورهای منطقه به ویژه اسرائیل به شمار می‌رود که جمهوری اسلامی بر اساس ایدئولوژی راهنما و فرقه‌ای خود، مرتب آن را تهدید به نابودی و محو از نقشه جهان می‌کند.

همزمان با این رویدادها میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی مستقر در وین از ایالات متحده و سه قدرت اروپایی خواسته به تعهداتشان در برجام عمل کنند. این دیپلمات روس اواسط اسفند ۱۴۰۰ گفته بود ظرف ۲۴ تا ۴۸ ساعت دیگر برجام احیا شده و توافق اتمی با جمهوری اسلامی اعلام می‌شود!

● محمد نذیری اصل در یک ویدیوی کوتاه گفته «آژانس در فهرست خود بیش از ۱۱۹ و ۱۲۰ بازرسی دارد و در مورد بازرسانی که می‌توانند هر روزه به ایران بروند هیچ خللی ایجاد نشده و می‌تواند از آنها استفاده کند. از این جهت این استدلال خیلی قانع‌کننده‌ای نیست.»

● وی توضیح داده «کسی نمی‌پذیرد که چنین اظهار شود که عدم انتصاب تعداد معدودی از بازرسان موجب اختلال و اختلال در کار آژانس شده باشد». منظور وی از «عدم انتصاب» در واقع عدم تمدید مجوز ورود بازرسان آژانس به ایران و دسترسی آنها به تأسیسات هسته‌ای است.

سفیر جمهوری اسلامی در دفتر سازمان ملل متحد می‌گوید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حدود ۱۲۰ بازرسی دارد که می‌تواند از آنها در ایران استفاده کند بنابراین رد انتصاب برخی بازرسان آژانس بخشی از حقوق لاینفک جمهوری اسلامی است.

محسن نذیری اصل در ویدیویی که شنبه چهارم آذرماه منتشر شد گفته «آژانس در فهرست خود بیش از ۱۱۹ و ۱۲۰ بازرسی دارد و در مورد بازرسانی که می‌توانند هر روزه به ایران بروند هیچ خللی ایجاد نشده و می‌تواند از آنها استفاده کند. از این جهت این استدلال خیلی قانع‌کننده‌ای نیست.»

وی توضیح داده «کسی نمی‌پذیرد که چنین اظهار شود که عدم انتصاب تعداد معدودی از بازرسان موجب اختلال و اختلال در کار آژانس شده باشد. از این جهت بسیاری از کشورها هم اشاره کردند که آژانس باید در چارچوب حقوق و تکالیف کشورها قدم بردارد و فراتر از اقدامات پادمانی و تعهدات کشورها که در ذیل موافقتنامه پادمان جامع است چیزی را از کشورها مطالبه نکند.»

آنچه نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل به آن می‌گوید «عدم انتصاب» در واقع عدم تمدید مجوز ورود بازرسان آژانس به ایران و تأسیسات هسته‌ای است.

رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارشی که یک هفته پیش منتشر کرد هشدار داد جمهوری اسلامی مجوز بازرسان باتجربه و حرفه‌ای آژانس را لغو می‌کند.

در واکنش به این گزارش دولت‌های بریتانیا، فرانسه و آلمان و همچنین ایالات متحده آمریکا در بیانیه‌ای مشترک در نشست شورای حکام به جمهوری اسلامی هشدار دادند عدم همکاری با بازرسان آژانس از جمله حذف نام بازرسان باتجربه و حرفه‌ای به بهانه تابعیت فرانسوی یا آلمانی آنها «وقت‌گشی» و تلاش عامدانه برای مختل کردن فعالیت آژانس تلقی شده و پیامدهای جدی برای جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت.

با وجود هشدارهای دائمی دولت‌های غربی اما جمهوری اسلامی از بحران‌های منطقه برای توسعه برنامه‌های اتمی خود بهره‌برداری می‌کند.

دیپلمات‌ها می‌گویند که قدرت‌های غربی با نگرانی از تشدید تنش‌ها در غرب آسیا، در حالی که جمهوری اسلامی به توسعه برنامه‌های اتمی خود ادامه می‌دهد و همکاری

پیشرفت نادیده گرفته است. این گزارش‌ها بسیار واضح است: عدم پیشرفت در اجرای هر یک از سه عنصر اصلی بیانیه مشترک، امکان ادامه اجرای آن را زیر سؤال می‌برد. اکنون واضح است که ایران با حُسن نیت به اجرای بیانیه مشترک نزدیک نشده و هیچ قصد جدی برای اجرای کامل تعهداتش از خود نشان نداده است. ما از [رژیم] ایران می‌خواهیم که فوراً با آژانس برای نصب تجهیزات نظارتی در صورت درخواست همکاری کند و دسترسی فوری به داده‌های دوربین‌ها را که در حال حاضر مخفی می‌کند فراهم آورد و شکاف‌های ضبط شده را برطرف کند. بدون این اطلاعات، آژانس فاقد اطلاعات اساسی در مورد توانایی [جمهوری اسلامی] ایران برای گسترش برنامه غنی‌سازی اورانیوم است.»

مختل کردن فعالیت بازرسان

«چهارم، ایران نگرش خصمانه خود نسبت به آژانس را دوچندان کرده و با تصمیم خود برای حذف تعدادی از بازرسان با تجربه در ماه سپتامبر، سیستم پادمان را تهدید می‌کند. به گفته مدیرکل آژانس، این تصمیم افراطی و غیرموجه مستقیماً و بطور جدی روی توانایی آژانس برای اجرای مؤثر مأموریت راست‌آزمایی در ایران تأثیر می‌گذارد. گزارش آژانس روشن می‌کند که این وضعیت نه تنها بی‌سابقه است، بلکه بطور واضح مغایر با همکاری‌هایی است که برای تسهیل اجرای مؤثر موافقتنامه پادمان ان‌پی‌تی لازم است. این غیرقابل قبول است که [رژیم] ایران در برابر اظهارات کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نام‌های بازرسان آژانس را بر اساس تابعیت آنها به عنوان اقدامی تلافی‌جویانه حذف کند. کار فنی مستقل آژانس نمی‌تواند مشمول تفسیر سیاسی ایران از دیدگاه‌های دیگر کشورهای عضو به این شکل باشد. ما محکومیت شدید مدیرکل از اقدامات [جمهوری اسلامی] ایران را تکرار می‌کنیم و از ایران می‌خواهیم آن را لغو کند و سریعاً این بازرسان را مجدداً تعیین نماید.»

در پایان این بیانیه تأکید شده عدم تمایل رژیم ایران به همکاری با آژانس برای حل این اختلافات، در کنار عدم شفافیت، با توجه به سابقه‌ی آن در ساخت تأسیسات هسته‌ای مخفی، کاملاً غیرقابل قبول و عمیقاً نگران‌کننده است. اعضای غربی شورای حکام پرسیده‌اند «آیا ایران در حال تلاش برای از میان بردن شکافی است که مدعی است برای ساختن تأسیسات هسته‌ای مخفی وجود ندارد؟!»

آنها تهدید کرده‌اند نادیده گرفتن هشدارهای هیأت مدیره آژانس نمی‌تواند بدون پیامد باشد. هرچه جمهوری اسلامی ایران مسیر آگاهانه عدم همکاری خود را ادامه دهد، این شورا به این نتیجه نزدیکتر خواهد شد که آژانس قادر به راست‌آزمایی عدم انحراف برنامه هسته‌ای آن نیست.

در این بیانیه همچنین آمده است که ما مجدداً تأکید می‌کنیم که اگر عدم همکاری جمهوری اسلامی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به این نتیجه برساند که نمی‌تواند پاسخ پرسش‌های خود را پیدا کند، گزارش‌های بیشتر و بحث در هیئت مدیره را ضروری می‌دانیم.

این بیانیه پس از آن صادر شد که رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد جمهوری اسلامی مجوز بازرسان باتجربه و حرفه‌ای آژانس را لغو می‌کند. همان بازرسانی که در ژانویه ۲۰۲۳ تغییراتی را در خروجی آبشار یا خوشه سانتریفیوژهای غنی‌سازی اورانیوم متوجه شدند که جمهوری اسلامی آن را به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش نداده بود. این تغییرات غنی‌سازی اورانیوم را تا درجه‌ی ۷/۸۳ درصد که رکورد به شمار می‌رفت می‌رساند.

ولودیمیر زلینسکی: باید از ارسال موشک به روسیه توسط رژیم ایران جلوگیری کرد



دیدار آلن برست رئیس جمهوری سوئیس با ولودیمیر زلینسکی رئیس جمهوری اوکراین

تأسیسات آبی پنسیلوانیا توسط هکرهای مرتبط با سپاه پاسداران مورد حمله قرار گرفت

● هکرهایی که خود را «Cyber Avengers» می‌نامند، توانستند کنترل دست‌کم یک دستگاه را در اداره آب شهر آلیکویپیا به دست بگیرند. این تأسیسات تأمین‌کننده آب آشامیدنی دست‌کم هفت هزار نفر از مردم آن نواحی است که در دو شهرک ساکن هستند.

● پس از هک تأسیسات آب در شهر آلیکویپیا روی یکی از مانتیورهای شرکت آب پیامی در حمایت از فلسطین به نمایش درآمد.

● به گفته یک تحلیلگر آشنا به فعالیت این گروه هکری، «جمهوری اسلامی بعد از عقب‌نشینی در مقابل اقدام علیه اسرائیل، قصد دارد این تصور را در بین کشورهای خارجی ایجاد کند که همسویی با اسرائیل پر از خطر است و این شامل اجرای مداوم نفوذهای شبکه بی‌اهمیت در سازمان‌هایی می‌شود که زیرساخت‌های آنها حیاتی است اما از اجرای اقدامات اساسی امنیتی غفلت می‌کنند».

یک گروه هکری ضد اسرائیلی مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به یکی از تأسیسات آبی در پنسیلوانیای آمریکا حمله سایبری کرده است.

بر اساس گزارشی که «سایبر اسکوپ» که سه‌شنبه هفتم آذرماه منتشر شد هکرها که خود را «Cyber Avengers» می‌نامند، توانستند کنترل دست‌کم یک دستگاه را در اداره آب شهر آلیکویپیا به دست بگیرند. این تأسیسات تأمین‌کننده آب آشامیدنی دست‌کم هفت هزار نفر از مردم آن نواحی است که در دو شهرک ساکن هستند.

رابرت بیبل مدیرکل سازمان آب شهری آلیکویپیا تأکید کرد که هکرها جمعه شب پس از عید شکرگزاری به تجهیزات این شرکت آب و برق در منطقه پیتزبورگ که از آن برای مدیریت فشار آب استفاده می‌شود، نفوذ کردند.

اریک گلدشتاین دستیار اجرایی مدیر امنیت سایبری در آژانس امنیت سایبری و امنیت زیرساخت آمریکا گفته که آژانس از این نفوذ «آگاه است» و «آنها از نزدیک با شرکای خود مشغول برطرف کردن آن هستند».

ماتیو موتس رئیس هیئت مدیره سازمان آب آلیکویپیا توضیح داد که هکرها به «هیچ چیز در تصفیه خانه یا سایر بخش‌های سیستم بجز پمپ دسترسی نداشتند. این پمپ فشار لازم برای انتقال آب به نواحی بالادستی را تأمین می‌کرد که از دسترس خارج شد».

در شرایطی که به نظر نمی‌رسد این حادثه بر عملیات یا خدمات تأثیری داشته باشد، این واقعتی که هکرهای مرتبط با رژیم ایران می‌توانند به یک شرکت آب در آمریکا نفوذ کنند، چالش‌های ایمن‌سازی زیرساخت‌های حیاتی در برابر نفوذهای سایبری را نشان می‌دهد.

با اینهمه کارشناسان نسبت به اغراق در اهمیت

آمریکا خواست تا هشدارهای سیاسی مناسب به کشورهای بدهند که اقدام به ارسال تسلیحات به روسیه می‌کنند. وی همچنین بر لزوم تقویت تحریم‌ها نه تنها علیه روسیه، بلکه علیه بازیگران دولتی و شرکت‌هایی که قطعات لازم برای تولید پهپادهای انتحاری را به ایران عرضه می‌کنند، تأکید کرد.

رئیس جمهوری اوکراین توضیح داد «می‌دانید بسیاری از تجهیزات آنها که برای کشتن اوکراینی‌ها عرضه می‌شوند شامل قطعات یا لوازمی است که توسط شرکت‌هایی از سراسر جهان تولید می‌شوند. بنابراین، تحریم‌ها نه تنها در مورد روسیه، بلکه باید علیه آندسته از نهادها و دولت‌هایی اعمال شود که ارسال شوند».

منابع سوئیسی گزارش دادند کنفرانس خبری که شنبه شب در کی‌یف با حضور ادگار رینکوویچ رئیس جمهوری لتونی، اینگریدا سیمونیه نخست وزیر لتونی و آلن برست رئیس جمهوری سوئیس برگزار شد پس از هشدار امنیتی که مربوط به حمله پهپادی روسیه بود مختل شد. تیم محافظتی آنها را به مکان امن در زیرزمین ساختمان محل برگزاری کنفرانس منتقل کرد. گفته شد که این مقامات حدود ۲۰ دقیقه آنجا پناه گرفتند تا وضعیت عادی شود.

اوکراین اعلام کرد حمله روسیه به کی‌یف که روز شنبه اتفاق افتاد از بزرگترین حملات پهپادی به پایتخت این کشور از آغاز جنگ بوده است. مقامات اوکراینی از جمله زلینسکی اعلام کردند روسیه با پهپادهای ساخت ایران به کی‌یف حمله کرده است.

برخی منابع گزارش دادند دست‌کم ۷۰ فروند پهپاد «شاهد» در این حمله استفاده شد.

در این میان، زلینسکی به متحدان غربی خود اعلام کرده برای دفاع از زیرساخت‌های اوکراین نیاز به سیستم‌های پدافندی بیشتری دارد.

● رئیس جمهوری اوکراین در یک کنفرانس مطبوعاتی با حضور رؤسای جمهور لتونی، سوئیس و نخست وزیر لیتوانی برگزار شد گفت «باید کاری کرد که [رژیم] ایران نتواند به روسیه پهپاد عرضه کند. باید تحریم‌هایی را اتخاذ کرد و مانع ارسال موشک از ایران به روسیه شد. اگر این کارها انجام نشود مطمئناً آنها به روسیه موشک می‌دهند».

● زلینسکی در این کنفرانس گفت «می‌دانید بسیاری از تجهیزات آنها که برای کشتن اوکراینی‌ها عرضه می‌شوند شامل قطعات یا لوازمی است که توسط شرکت‌هایی از سراسر جهان تولید می‌شوند».

● این نشست پس از هشدار امنیتی که مربوط به حمله پهپادی روسیه بود مختل شد. تیم محافظتی شرکت‌کنندگان را به مکان امن در زیرزمین ساختمان محل برگزاری کنفرانس منتقل کرد. گفته شد که این مقامات حدود ۲۰ دقیقه آنجا پناه گرفتند تا وضعیت عادی شود.

رئیس جمهوری اوکراین در یک کنفرانس مطبوعاتی که ۲۵ نوامبر (چهار آذرماه) با حضور رؤسای جمهور لتونی، سوئیس و نخست وزیر لیتوانی برگزار شد گفت، «جمهوری اسلامی هنوز موشکی به روسیه ارسال نکرده است، اما ممکن است این اتفاق بیفتد، بنابراین یک سیاست تحریمی منطقی و هشدارهای سیاسی به رهبری جمهوری اسلامی از سوی جامعه بین‌المللی نیز لازم است».

به گزارش پایگاه خبری «اوکراین فورم»، ولودیمیر زلینسکی در این کنفرانس عنوان کرد: «باید کاری کرد که [رژیم] ایران نتواند به روسیه پهپاد عرضه کند. باید تحریم‌هایی را اتخاذ کرد مانع ارسال موشک از ایران به روسیه شد. اگر این کارها انجام نشود مطمئناً آنها به روسیه موشک می‌دهند».

زلینسکی همچنین از کشورهای عضو اتحادیه اروپا و

ادعای معاون وزیر دفاع جمهوری اسلامی: خرید «سوخو-۳۵» و «میل-۲۸» از روسیه قطعی شد؛ پوتین جمهوری اسلامی را سر کار گذاشته!؟



بازدید فرماندهان نظامی ارتش و سپاه از یک نمایشگاه هوایی در روسیه / شهریور ۱۳۹۹

هستیم اما ارتقای کیفی بالگردها در دستور کار قرار گرفته است. یگان «هوانیروز» (ناوگان هلیکوپتری نیروی زمینی ارتش) پیش از انقلاب اسلامی یکی از قدرتمندترین یگان‌های هلیکوپتری آسیا بود. با وجود فرسودگی هلیکوپترها و همچنین خسارات سنگینی که هوانیروز در جنگ هشت ساله ایران و عراق دید اما همچنان کارآمد است که نتیجه خریدهای مناسبی بود که محمدرضا شاه پهلوی مستقیم بر آنها نظارت داشت.

طی دو دهه اخیر جمهوری اسلامی تلاش کرد ناوگان هلیکوپتری نظامی را ارتقاء دهد و چند فروند هواپیمای میل روسی را برای سپاه پاسداران خریداری کردند اما سهم ناوگان هلیکوپتری ارتش بیشتر از تجهیز چند فروند هلیکوپتر با دوربین دید در شب، سیستم ناوبری الکترونیک و چند سیستم موشک‌انداز بود.

اواخر دی ماه ۱۴۰۱ ایگور لویتین ویژه‌وایز و ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه در دیدار با محمد مخبر دزفولی معاون اول ابراهیم رئیسی از آمادگی شرکت‌های روسی برای «تولید مشترک هلیکوپتر» با جمهوری اسلامی خبر داد اما این برای چندمین بار بود که روس‌ها برای تولید هواپیما یا هلیکوپتر در ایران وعده سر خرمن می‌دادند. آنها حتی از ارسال قطعات یدکی هواپیماهای کهنه سوخو که بعد از نیم قرن هنوز در ارتش مورد استفاده قرار می‌گیرند خودداری می‌کنند. بیش از یک دهه است که جمهوری اسلامی برای دریافت هلیکوپتر و هواپیمای جنگنده از روسیه انتظار می‌کشد. حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی اسفند سال ۱۳۹۵ گفته بود «تا چند روز دیگر هواپیماهای سوخو-۳۰ روسیه به ایران تحویل داده می‌شود.»

محمدرضا آشتیانی وزیر دفاع جمهوری اسلامی اوایل تیرماه ۱۴۰۲ تلویحاً دریافت جنگنده سوخو-۳۵ از روسیه را رد کرد و گفت «زمانی ما قراری را برای خرید می‌گذاریم، اما به این نتیجه می‌رسیم که توانمندی تولید در داخل برای خودمان به وجود آمده است.»

● **سردار فرحی جانشین وزیر دفاع جمهوری اسلامی در مصاحبه با «تسنیم» ادعا کرده علاوه بر جنگنده‌های پیشرفته سوخو و هواپیماهای آموزشی «یاک-۱۳۰» خرید تعدادی هلیکوپتر هجومی «میل-۲۸» از روسیه قطعی شده است.**

● **نیروهای مسلح جمهوری اسلامی دست کم یک دهه است چشم‌انتظار مساعدت روس‌ها برای فروش هواپیما و هلیکوپتر به ایران هستند اما فعلاً چیزی عاید آنها نشده است.**

● **طی دو دهه اخیر جمهوری اسلامی تلاش کرد ناوگان هلیکوپتری نظامی را ارتقاء دهد و چند فروند هواپیمای میل روسی را برای سپاه پاسداران خریداری کردند اما سهم ناوگان هلیکوپتری ارتش بیشتر از تجهیز چند فروند هلیکوپتر با دوربین دید در شب، سیستم ناوبری الکترونیک و چند سیستم موشک‌انداز بود.**

مقامات ارشد نظامی در ایران برای سومین بار طی یک سال گذشته از «قطعی شدن» ورود هواپیماهای «سوخو-۳۵» روسی خبر دادند. بر اساس ادعای جانشین وزیر دفاع جمهوری اسلامی علاوه بر جنگنده‌های پیشرفته سوخو و هواپیماهای آموزشی «یاک-۱۳۰» تعدادی هلیکوپتر هجومی «میل-۲۸» نیز از روسیه خریداری می‌شود.

سردار پاسدار مهدی فرحی معاون وزیر دفاع جمهوری اسلامی در مصاحبه با خبرنگاری تسنیم که سه‌شنبه هفتم آذرماه منتشر شد توضیح داد: «سال گذشته نظام نوآوری دفاعی توسط وزیر دفاع ابلاغ شد که خیلی اثربخش بود اما به این معنا نیست که ما در همه حوزه‌ها به بالاترین فناوری رسیده‌ایم.»

به گفته این سردار سپاه «در برخی حوزه‌ها جزو چند کشور برتر هستیم و در برخی حوزه‌ها مسیر بلوغ را طی می‌کنیم، در این مسیر باید برای تکمیل توان دفاعی علاوه بر توسعه توانمندی‌های درون‌زا از راه‌های میانبر نیز استفاده کنیم که یکی از این حوزه‌ها، حوزه فناوری هوایی است.» وی توضیح داد «در حوزه هلیکوپتر ما قابلیت‌های خوبی داریم به همین دلیل از لحاظ کمیت در منطقه برترین

این حادثه هشدار داده‌اند زیرا گروهی که تصور می‌شود مسئول این حادثه است، به فعالیت‌های پیچیده مشهور نیست و سابقه ادعاهای دروغ درباره تأثیرات عملیات خود دارد. از جمله اینکه ادعا کرده بودند پشت حمله به بزرگترین پالایشگاه نفت اسرائیل هستند، اما شرکت مورد هدف اعلام کرد که این ادعاها دروغ است.

همین گروه در ماه سپتامبر، مدعی حملات به زیرساخت‌های ریلی اسرائیل شده بود و یک ماه پیش نیز



شرکت آب در ایالت پنسیلوانیا / عکس: سی‌ان‌ان

ادعا کرد که تأسیسات برق دورداد اسرائیل را هک کرده که این ادعاها نیز درست نبود.

پس از هک تأسیسات آب در شهر آلیکویپا روی یکی از مانیتورهای شرکت آب پیامی در حمایت از فلسطین به نمایش درآمد.

این گروه هکری یک حساب تأییدشده در شبکه اجتماعی «ایکس» دارد که در ماه مه ۲۰۱۱ ایجاد شده. قدیمی‌ترین پست در این حساب مربوط به تاریخ ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۳ است و از کمپین‌های مرتبط با رژیم ایران شناخته می‌شود که از حساب‌های رپوده شده توئیتر به عنوان بخشی از عملیات خود استفاده می‌کنند.

یک تحلیلگر تهدیدات سایبری آشنا با این گروه به «سایبر اسکوپ» گفت که هویت واقعی Cyber Avengers «بدون شک سپاه پاسداران است... سابقه نشان می‌دهد این گروه خود را یکی از حامیان قاسم سلیمانی معرفی کرده بود.»

به گفته این تحلیلگر «این عملیات با الگوی شخصیت‌های مرتبط با حکومت ایران مطابقت دارد که با وجود شواهدی که خلاف آن را نشان می‌دهد، به عنوان بخشی از کارزار پیام‌رسانی برای حمله به اسرائیل ادعای موفقیت‌های بزرگ در عملیات هکری را مطرح کرده‌اند. ادعاهای بزرگ و زیاد که تأثیر واقعی چندانی در هیچیک از حملات آنها ندارد.»

به گفته این تحلیلگر، «جمهوری اسلامی بعد از عقب‌نشینی در مقابل اقدام علیه اسرائیل، قصد دارد این تصور را در بین کشورهای خارجی ایجاد کند که همسویی با اسرائیل پر از خطر است و این شامل اجرای مداوم نفوذهای شبکه بی‌اهمیت در سازمان‌هایی می‌شود که زیرساخت‌های آنها حیاتی است اما از اجرای اقدامات اساسی امنیتی غفلت می‌کنند.»

یک مقام ارشد آمریکایی که نخواست نامش فاش شود، در ارتباط با این حمله هکری به سی‌ان‌ان گفته است: «در هفته‌های اخیر، مقامات آمریکایی برای سناریوی مشابهی آماده می‌شوند. سناریوهایی که در آن هکرهای ایرانی یک حمله مخرب علیه زیرساخت‌های حیاتی آمریکا انجام می‌دهند.»

ادامه تجمعات صنفی در نخستین روزهای آذرماه حمله به مالباختگان با گاز اشک‌آور و ماشین آبپاش



بازنشستگان و شاغلین صنعت نفت شیراز، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان، در مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی نفت در این شهر، تجمع اعتراضی برگزار کردند. جمعی از کارکنان شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری شاغل در واحد بهره‌برداری میدان «پارسی دره نی» دست به تجمع زدند. کارگران صنعت نفت در آغازی در دو هفته گذشته دور تازه‌ای از اعتراضات را با خواسته «حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مزاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک‌پی» برگزار کرده‌اند.

کارگران شرکت روی بندرعباس نیز در روز چهارشنبه دوم آذرماه در اعتراض به بلاتکلیفی و عدم پرداخت دستمزد در مقابل ساختمان فرمانداری در این شهر تجمع کردند.

پیشتر خبرگزاری «ایلنا» از تجمع کارگران شرکت روی بندرعباس در روز دوشنبه ۲۹ آبان خبر داده و نوشته بود که حدود ۸۰ نفر از کارگران شرکت روی بندرعباس با تجمع در مقابل ساختمان فرمانداری، خواهان حل مسائل صنفی و مشکلات خود در این مجتمع شدند. به گفته یکی از کارگران، این شرکت در عمل یک ماه فعالیت می‌کند و ده ماه تعطیل است و دلیل این تعطیلی نیز کمبود مواد اولیه اعلام شده و به بهانه تعطیلی، حقوق کارگران با تأخیرهای طولانی مدت و به صورت حداقلی پرداخت می‌شود.

در روزهای گذشته پرستاران در شهرهای رشت، سنندج، فسا و صومعه‌سرا تجمعات اعتراضی برگزار کردند. تجمع این پرستاران در اعتراض به پرداخت نشدن عادلانه تعرفه، کارانه و اضافه‌کاری آنها صورت گرفته است.

پرستاران در رشت با در دست داشتن دست نوشته‌هایی اعتراضی مانند «اجرای فوق‌العاده خاص، تعرفه و معوقات ۱۶ ماهه» خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران نیز گزارش داده که جمعی از انبارداران صنف ضایعات در اصفهان در اعتراض به پلمب انبارهای خرید ضایعات تجمع اعتراضی برگزار کردند.

سوی معترضان، آنها را مورد ضرب و جرح قرار دادند. مالباختگان در حالی بجای دریافت پول‌های خود سرکوب می‌شوند که وبسایت «تجارت نیوز» به تازگی از پرونده «رضایت خودروی طراوت نوین» به عنوان پرونده «کلاهبرداری» و «یکی از بزرگترین پرونده‌های قضایی اخیر» نام برده است. کارگروه «شرکت‌های خودرویی استان قزوین» روز ۳۰ آبان اعلام کرد که محمدرضا غفاری مالک و مدیر بازداشت‌شده شرکت «رضایت خودروی طراوت نوین»، بخشی از دارائی‌های حاصل از جذب سرمایه شاکیان، به مبلغ بیش از هشت هزار میلیارد تومان، را به خارج کشور منتقل کرده است. بر پایه اطلاعات شماره ۱۷ این کارگروه، حساسی این پرونده که به طلبکارانی از حدود ۲۰ استان کشور مربوط می‌شود حدود هفت ماه طول خواهد کشید.

شرکت پیش‌فروش خودرو «تعاونی رضایت خودروی طراوت نوین» در شهر تاکستان، استان قزوین، با جذب میلیاردها تومان سرمایه از پنجاه هزار شهروند در حال حاضر به ۳۸ هزار نفر بدهکار بوده و به ارتکاب اختلاسی ۳۰ هزار میلیارد تومانی متهم است.

در روزهای گذشته همچنین شمار زیادی از بازنشستگان، پرستاران، کارگران و آموزگاران نیز در روزهای گذشته تجمعات اعتراضی برگزار کردند. این تجمعات در اعتراض به حقوق و مزایای پایین و مشکلات معیشتی برگزار شده است. شورای بازنشستگان ایران، روز چهارشنبه اول آذر ۱۴۰۲، شماری از بازنشستگان صنعت نفت در شاهین شهر استان اصفهان با برگزاری تجمع اعتراضی در مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی صنعت نفت در این شهر، خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.

این بازنشستگان در اعتراض به دست درازی به صندوق بازنشستگی نفت، مصوبه دولت برای ادغام صندوق‌های بازنشستگی و همچنین پرداخت نشدن حقوق و مزایای شغلی دست به تجمع زده‌اند.

همزمان در روز چهارشنبه اول آذرماه جمعی از

تجمعات اعتراضی در هفته‌های گذشته افزایش یافته و اقشار مختلف از بازنشستگان و آموزگاران تا پرستاران و مالباختگان در شهرهای مختلف ایران ده‌ها تجمع برگزار کردند.

● مأموران ضدشورش به تجمع مالباختگان در قزوین حمله‌ور شده و ضمن شلیک گاز اشک‌آور و پاشیدن آب به سوی معترضان، آنها را مورد ضرب و جرح قرار دادند.

● در روزهای گذشته پرستاران در شهرهای رشت، سنندج، فسا و صومعه‌سرا تجمعات اعتراضی برگزار کردند. تجمع این پرستاران در اعتراض به پرداخت نشدن عادلانه تعرفه، کارانه و اضافه‌کاری آنها صورت گرفته است.

تجمع شهروندان معترض از جمله اصناف مختلف در روزهای نخستین آذرماه ادامه داشته و ده‌ها تجمع اعتراضی برگزار شده است. در شهر قزوین مأموران ضدشورش جمهوری اسلامی به تجمع مالباختگان حمله و آنها را با شلیک گاز اشک‌آور و ضرب و جرح سرکوب کردند.

تجمعات اعتراضی در هفته‌های گذشته افزایش یافته و اقشار مختلف از بازنشستگان و آموزگاران تا پرستاران و مالباختگان در شهرهای مختلف ایران ده‌ها تجمع برگزار کردند. روز گذشته مأموران ضد شورش با ماشین‌های آبپاش و گاز اشک‌آور به تجمع مالباختگان در قزوین حمله و آنها را مورد ضرب و جرح قرار دادند.

بر اساس گزارش‌ها، مالباختگان شرکت «تعاونی رضایت خودروی طراوت نوین» روز پنجشنبه دوم آذرماه با راهپیمایی در خیابان‌های قزوین و سردادن شعار خواستار بازپرداخت پول خود شده و از عملکرد مقام‌های قضایی این استان انتقاد کردند.

معترضان علی‌شعبانی رئیس کل دادگستری استان قزوین و دادستان مرکز قزوین را در شعارهای خود محور قرار داده و شعارهایی از جمله «یا مرگ یا واریزی» و «شعبانی، شعبانی، استعفا، استعفا» سر دادند.

بجای پاسخگویی اما مأموران ضدشورش به این تجمع حمله‌ور شده و ضمن شلیک گاز اشک‌آور و پاشیدن آب به

ادامه انتقادهای به بودجه‌نویسی تیم اقتصادی رئیسی گرفتن مالیات از جامعه فقیر و شرکت‌های بحران‌زده و زیان‌ده!

دولت مدعی است تا ۹۰ درصد پیش‌بینی مالیاتی تأمین شده است، اما بعید می‌دانم دولت اساساً بتواند سال آینده بیش از این رقم را محقق کند.»

به گفته این استاد دانشگاه «در همین حال دولت مدعی است که وابستگی خود را به نفت کم کرده است. این خیلی افتخار نیست که وابستگی به نفت کم شود آنهم با درآمدهایی که شهروندان دارند. آن چیزی که مد نظر و مطلوب است اینکه وابستگی کل اقتصاد به نفت کم شود، نه فقط وابستگی دولت به نفت. به عبارت دیگر دولت برخلاف وعده‌ای که داده سفره خودش را از تحریم‌ها جدا کرده و نه سفره مردم را.» حسین راغفر دیگر اقتصاددان منتقد به لایحه بودجه سال آینده گفته که فشار مالیاتی بودجه ۱۴۰۳ منجر به افزایش قیمت کالا و خدمات خواهد شد.

حسین راغفر معتقد است که «باید به سمت بودجه غیر نفتی پیش برویم اما این اقدام باید نسبت به اینکه درآمدهای مالیاتی از چه محلی تأمین می‌شود، آگاهانه باشد. چراکه اگر فشار مالیاتی بر عرضه‌کننده تحمیل شود در نهایت منجر به افزایش قیمت کالا و خدمات خواهد شد و مصرف‌کننده و مردم این افزایش قیمت را می‌پردازند. بنابراین در این شرایط اقتصادی موجب بدتر شدن وضعیت معیشت مردم خواهد شد. این در حالی است که همواره میزان افزایش دستمزد کمتر از نرخ تورم بوده است.»

این اقتصاددان گفته که «برای جبران کسری بودجه مسیر کم هزینه و کم‌آسیب‌تر استقرار از بانک مرکزی است. بانک مرکزی پول چاپ می‌کند و در اختیار دولت قرار می‌دهد و حداقل دولت در این مسیر قرار نیست ۲۷ درصد نرخ بهره بر روی این عدد استقراض بگذارد و بپردازد.»

احمد علی‌رضا بیگی نماینده مجلس شورای اسلامی نیز گفته که دیوانسالاری دولتی هزینه گردش امور خود را بر دوش مردم می‌گذارد، بدون اینکه مردم از ثروت کشور بهره ببرند. مردم ثروت نفت و گاز و جنگل و دریا و معادن را دارند اما از آن بهره‌ای نمی‌برند و همه چیز در اختیار دولت است. چون هزینه دولت برای اداره امور زیاد شده، سنگینی آن با مالیات بر دوش مردم گذاشته می‌شود.

روزنامه «هم‌میهن» در گزارشی نوشته که «پیام این بودجه روشن است؛ تحریم ادامه دارد و سخت‌تر هم خواهد شد.» در این مطلب آمده که «بهبود اقتصادی یا وجود ندارد یا نتایج آن نصیب مردم نخواهد شد. پرداخت‌های مردم بیش از پیش می‌شود. از پاسخگویی و شفافیت نیز فعلاً خبری نیست. همین‌ها برای آنکه ادعا کنیم تحقق و عملی شدن بودجه پیشنهادی غیرممکن است، کافی است.»

روزنامه «جهان صنعت» نیز در مطلبی با عنوان «مالیات‌گیری یا خراج‌ستانی» نوشته که درآمد مالیاتی دولت در سال آینده ۵۰ الی ۷۳ درصد افزایش خواهد یافت و این در شرایطی است که کسب و کارها، علاوه بر تجربه کردن یک دهه سوخته به لحاظ رشد اقتصادی و تحریم شدیدی که مانع رشد بیزینس‌شان بود، علاوه تورم مزمن بالای ۴۵ درصدی به مدت بیش از ۶ سال، حالا باید ۵۰ درصد مالیات بیشتر هم بدهند، چون دولت تمایلی ندارد تا در سیاست خارجی خود تجدیدنظری به نفع مردم کند و همچنان بر اهداف ایدئولوژیک خود اصرار دارد! در این شرایط به طور حتم نارضایتی‌ها از وضعیت اقتصادی تشدید خواهد شد.



اقتصاد کوچک شده، چه مالیاتی می‌خواهید بگیرید.»

این اقتصاددان افزایش غیرکارشناسی درآمدهای مالیاتی در لایحه بودجه سال آینده را نگران‌کننده خوانده و گفته که «در دنیا بیش از ۸۰ درصد بودجه دولت‌ها از مالیات است و مالیات، سهم بسیار مهمی را در بودجه دولت‌ها دارد. ولی نکته اینجاست که در دنیا وقتی مالیات پرداخت می‌شود، دولت باید گزارش عملکرد مصرف مالیات را بدهد. در عین حال، بهره‌وری و کارآمدی نظام اداری بالاست. یعنی وقتی مالیات به دولت می‌دهید، خیالتان راحت است که یک نظام اداری چابک و کارآمد با بهره‌وری بالا وجود دارد و به همین دلیل، مالیات‌های پرداختی، سوخت نمی‌شود.»

او افزوده که «در کنار این‌ها، فساد، اختلاس و رانت در سیستم اداری وجود ندارد و هر مالیاتی که پرداخت می‌شود، مردم می‌دانند به صورت شفاف و کارآمد هزینه خواهد شد. بر این اساس، مردم وقتی مالیات می‌دهند، از سه زاویه خیالشان راحت است و اتفاقاً میل و انگیزه به پرداخت مالیات هم وجود دارد.» وحید شقاقی شهری در ادامه افزوده که «حالا بسیار فرق است بین اینکه شما مالیات پرداخت کنید و نگران باشید که این مالیات شما ممکن است با فساد از بین رود، یا به صورت غیربهره‌ور در یک نظام غیربهره‌ور و غیرکارآمد هزینه شود. این مساله در کشورهایی که نظام مالیاتی سختگیرانه دارد، رعایت شده است.»

مرتضی افقه اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه جندی‌شاپور هم معتقد است: «دولت چون نتوانسته است نفت بفروشد به سفره‌های مردم متوسل شده و این دقیقاً خلاف همان ادعایی است که در زمان انتخابات مطرح می‌کرد و مدعی بودند که سفره مردم را از تحریم‌ها جدا خواهند کرد، اما اکنون رسماً آسیب تحریم‌ها را به سفره‌های مردم منتقل کرده است.» مرتضی افقه همچنین تحقق درآمدهای مالیاتی را نیز امکان‌پذیر ارزیابی نکرده و گفته که «تصور نمی‌کنم اصلاً پیش‌بینی این میزان مالیات اساساً محقق شود چرا که اقتصاد کشور عملاً دیگر ظرفیت این میزان پرداخت مالیات را ندارد، هرچند

● مرتضی افقه: دولت چون نتوانسته است نفت بفروشد به سفره‌های مردم متوسل شده و برخلاف وعده‌ای که داده سفره خودش را از تحریم‌ها جدا کرده و نه سفره مردم را.

درآمدهای مالیاتی در بودجه پیشنهادی دولت برای سال ۱۴۰۳ که بار مالیاتی سنگینی به خانوارهای حقوق‌بگیر و کم‌درآمد تحمیل خواهد کرد، همچنان با واکنش کارشناسان روبروست. سازمان برنامه و بودجه اما معتقد است افزایش درآمدهای مالیاتی به دلیل «اقدامات دولت برای جلوگیری از فرار مالیاتی» بوده است.

در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ دولت درآمدهای مالیاتی را تا دو برابر درآمدهای نفتی در نظر گرفته است. دولت سیزدهم میزان درآمد مالیاتی را ۱۱۲۲ میلیارد تومان در نظر گرفته که حدود دو برابر درآمد ۶۱۴ هزار میلیارد تومانی نفت است و نسبت به درآمدهای مالیاتی بودجه امسال ۴۹/۸ درصد افزایش دارد. همچنین در مجموع ۴۶ درصد کل درآمد بودجه از محل مالیات‌های مستقیم تأمین می‌شود که در تاریخ بودجه‌نویسی کشور بی‌سابقه است.

مالیات بر درآمد، مالیات بر نقل و انتقال دارایی‌ها، مالیات بر اقساط بانکی، کسر حقوق بدون تمایل افراد موسوم به ۳۰ درصد تأمین اجتماعی، مالیات دریافت پروانه ساخت و ساز، مالیات پروانه پایان کار ساخت و ساز، مالیات آغاز کسب و کارها، مالیات معاملات مسکن، مالیات بر خانه‌های خالی، مالیات بر اتومبیل از جمله مالیات‌هایی است که از جیب شهروندان کسر می‌شود تا دولت کسری بودجه را جبران کند. به نظر می‌رسد بودجه‌نویسان بی‌توجه به امکان تحقق درآمدهای مالیاتی و همچنین عواقب وضع مالیات‌های گسترده و بی‌پایه، صرفاً برای نمایش «بودجه‌ی بدون نفت» این شیوه را در پیش گرفته‌اند. کارشناسان اما طی روزهایی گذشته انتقادهای زیادی در درباره شیوه بودجه‌نویسی دولت از جمله افزایش درآمدهای مالیاتی مطرح کرده‌اند.

وحید شقاقی شهری اقتصاددان با انتقاد از شیوه تدوین درآمدهای مالیاتی، دولت را «داروغه ناتینگهام» خوانده و گفته که «در ۶،۵ سال با تورم‌های بالا، جامعه فقیر شده است. حالا من از دولت سوال می‌کنم که از جامعه فقیر چه مالیاتی می‌خواهید بگیرید؟ برای همین می‌گویند داروغه ناتینگهام.» به عقیده این اقتصاددان جامعه‌ای که فقیر شده نمی‌تواند مالیات بپردازد و باید حمایت‌های یارانه‌ای مختلفی هم مشمول این خانوار شود که سرپا مانند نه اینکه از آنها مالیات هم گرفته شود. در این شرایط کف مالیات حداقل باید بالای ۲۰ میلیون تومان برای خانوار تعرف شود. جمله معروفی است که می‌گوید اگر می‌خواهید جامعه را له کنید، آن جامعه را بین دو سنگ آسیاب تورم و مالیات قرار بدهید و در این وضعیت طبقه متوسط جامعه خود به خود از بین می‌رود.

این اقتصاددان گفته که «مسئله این است که وقتی جامعه فقیر می‌شود، از چه می‌خواهید مالیات بگیرید؟! در دنیا سهم عمده مالیات برای شرکت‌های بزرگ است. برای مثال، در آمریکا شرکت‌های بزرگی مثل اپل و ماکروسافت، درآمدها و ثروت‌های نجومی دارند و متناسب با آن مالیات می‌دهند. اما در ایران در دوران اخیر، در دهه ۹۰ و دهه جدید، مردم فقیر شدند و در عین حال، شرکت‌ها بسیار کوچک و درآمدزایی‌ها بسیار افت کرده است. سود شرکت‌ها از بین رفته است و جامعه فقیر شده و اقتصاد کوچک شده است. شما از یک

نارایا گومز، هیپی سابق و شیعه امروز، رسماً متهم به طرح ترور سیاستمدار اسپانیایی شد



نارایا گومز

مامور اجرای آن کرده‌اند در اختیار پلیس و یا دادستانی کل نگذاشته است. همین منبع می‌افزاید اگرچه ما شکی نداریم که کشور ثالثی طراح این ترور بوده و نارایا تنها نقش مجری و عامل داشته، ولی هنوز هیچگونه مدرکی برای شناسایی این کشور ثالث به دست نیآورده‌ایم و «مشکل است که بتوان رد پای نیروهای امنیتی یک کشور ثالث را بدون اعتراف مجری طرح پیدا کرد».

آخو ویدال کوادراس که پنجشنبه گذشته از بیمارستان به خانه بازگشت، بار دیگر در گفتگو با چند روزنامه‌نگار اسپانیایی انگشت اتهام را به سمت جمهوری اسلامی گرفت و گفت «حکومت آیت‌الله‌ها سابقه ترور مخالفان خود در کشورهای اروپایی را دارد و حتا می‌خواست با مپ‌گذاری در نشستی که ده‌ها شخصیت اروپایی و آمریکایی حضور داشتند فاجعه بیافریند.» اشاره این سیاستمدار اسپانیایی به طرح جمهوری اسلامی برای انفجار بمبی در جریان نشست سالانه سازمان مجاهدین خلق در حومه پاریس در تابستان سال ۲۰۱۸ میلادی است که در اقدام مشترک نیروهای امنیتی و پلیس اتریش، بلژیک، فرانسه، آلمان و لوکزامبورگ، بر مبنای اطلاعاتی که نیروهای امنیتی اسرائیل در اختیار آنها گذاشته بودند خنثی شد. در جریان این عملیات مشترک پلیس و نیروهای امنیتی کشورهای اروپایی، اسدالله اسدی دیپلمات تروریست جمهوری اسلامی، و سه نفر دیگر که قرار بود بمب را به محل این نشست ببرند دستگیر شدند. دادگاهی در شهر آنتورپ در بلژیک اسدالله اسدی را به ۲۰ سال زندان محکوم کرد. سه متهم دیگر این پرونده امیر سعدونی و نسیمه نعیمی هرکدام به ۱۸ سال زندان و سلب تابعیت بلژیک و مهرداد عارفانی به ۱۷ سال زندان و سلب تابعیت بلژیک محکوم شدند. البته اسدالله اسدی ۲۶ مه ۲۰۲۳ طی توافق مبادله زندانیان میان تهران و بروکسل همزمان با آزادی گروگان بلژیکی اولیویه واندکاستیل به دامان جمهوری اسلامی بازگشت.



روستای بنفیسو

این تروریست، قرار دارد و پدرش سیريو گومز (Sirio Gomez) نیز که معلم یوگا است هنوز در همین روستا زندگی می‌کند، در حالی که مادر وی چندی پیش درگذشت. بنفیسو بزرگتری روستای هیپی‌های اسپانیا است و سه دهه است که میزبان حدود ۲۰۰ نفر از کسانی است که فرهنگ غربی را مردود دانسته و مدعی هستند که می‌خواهند با طبیعت آشتی کرده و دور از جهان مصرفی امروزی زندگی کنند.

بنا بر آنچه رسانه‌های محلی ایالت آندلس در جنوب اسپانیا می‌نویسند، نارایا تا مدتی پیش معتاد بوده و پس از آشنایی با ساشا بروکس در سال ۲۰۲۱، استفاده از مواد مخدر را کنار گذاشته است. ساشا بروکس که بریتانیایی است در شرکت Pension Life که مادرش اداره می‌کند و در امور مالی فعالیت دارد کار می‌کند و گویا نارایا نیز اخیراً در همین شرکت آغاز به کار کرده بود. خانواده بروکس نامی آشنا در جامعه بریتانیایی‌های ساکن جنوب اسپانیا است.

بر اساس تحقیقات روزهای اخیر پلیس ضد تروریسم اسپانیا، عملیات ترور آخو ویدال کوادراس هفته‌ها قبل طراحی شده بود و نارایا گومز و مهرز عیاری حداقل از اوایل نوامبر برای اجرای این طرح به مادرید سفر کرده بودند. در فیلم‌های مداربسته مغازه‌های اطراف خانه این سیاستمدار اسپانیایی حداقل از یک هفته قبل از ۹ نوامبر این دو نفر دیده می‌شوند. مامورین پلیسی که این تحقیقات را پیش می‌برند معتقد هستند که نقشه این ترور توسط کسانی طراحی شده که سابقه امنیتی دارند و عملیات به هیچ وجه نمی‌تواند زائیده فکر کسانی باشد که مانند نارایا گومز هیچگونه تجربه‌ای در زمینه عملیات تروریستی ندارند.

یک منبع پلیس اسپانیا به کیهان لندن می‌گوید، نارایا در جریان بازجویی سکوت اختیار کرده و هیچگونه اطلاعاتی در رابطه با طراحی این عملیات تروریستی و کسانی که او را

● دادستانی کل اسپانیا رسماً نارایا گومز، جوان ۲۶ ساله اسپانیایی را که به مذهب شیعه گرویده، متهم به سازماندهی ترور نافرجام معاون سابق پارلمان اروپا کرد. ● مهرز عیاری یک فرانسوی تونسی تبار ۳۷ ساله که پلیس اسپانیا او را عامل تیراندازی به معاون سابق پارلمان اروپا و بنیانگذار حزب راست‌گرای VOX می‌داند، هنوز فراری است. ● نارایا گومز یک اسپانیایی یهودی تبار است که سال‌های کودکی و نوجوانی خود را همراه با خانواده‌اش در روستای محل سکونت گروهی از هیپی‌های اروپایی گذرانده است.

احمد رأفت - نارایا گومز، (Naraya Gomez) جوان ۲۶ ساله اسپانیایی که رهبری عملیات برای ترور سیاستمدار اسپانیایی آخو ویدال کوادراس را بر عهده داشت پس از بازجویی توسط فرانسیسکو ده خورخه، قاضی دادستانی کل اسپانیا، به زندان منتقل شد. دو نفر دیگری که همراه او بازداشت شده بودند به قید وثیقه آزاد شدند. این دو نفر که یکی کارگر ۲۲ ساله ساختمانی است و صاحب موتورسیکلتی است که ضارب با آن محل تیراندازی را در مرکز شهر مادرید ترک کرده، و دیگری ساشا بروکس (Sasha Brooks) دوست دختر بریتانیایی نارایا گومز است. این دو نفر حق ترک اسپانیا را ندارند و باید هر دو هفته یکبار خود را به پلیس معرفی کنند. مهرز عیاری یک فرانسوی تونسی تبار ۳۷ ساله که پلیس اسپانیا او را عامل تیراندازی به معاون سابق پارلمان اروپا و بنیانگذار حزب دست راستی VOX می‌داند، هنوز فراری است.

نارایا گومز که چند سال پیش به مذهب شیعه گروید و طراح این ترور نافرجام تلقی می‌شود، یک اسپانیایی یهودی تبار است که سال‌های کودکی و نوجوانی خود را همراه با خانواده‌اش در روستایی که محل سکونت گروهی از هیپی‌های اروپایی است گذرانده است. روستای بنفیسو (Beneficio) در ۲۰ کیلومتری لانخارون، محل دستگیری

برگزاری مراسم صبحگاه سرکوبگران شاغل در «وزارت ارتباطات» با باتوم و سپر در حضور رئیس دفتر نظامی علی خامنه‌ای



قدردانی پاسدار شیرازی از سرکوبگران فونه



تصویر مراسم صبحگاه بسیجیان وزارت ارتباطات / عکس: دفاع پرس

دانشمندان در کشور است، گفت: «دانشمندان برجسته‌ای در این وزارتخانه داریم و کارهای خوبی هم در این وزارتخانه در حال انجام است که برخی به ثمر نشسته است و برخی نیز در آینده طبق برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته نتیجه خواهد داد.»

جمهوری اسلامی کمبود نیرو در یگان‌های سرکوب به ویژه در مقاطع بحرانی را با کمک پرسنل حراست و «نیروهای انقلابی» سازمان‌های دولتی، وزارتخانه‌ها و کارخانجات جبران می‌کند. پایگاه‌های بسیج مستقر در این نهادها نیروهای مستعد را جذب و آنها را برای برخورد با مردم در اعتراضات سازماندهی می‌کنند.

وزارت ارتباطات جمهوری اسلامی که به صورت مستقیم بر کنترل اینترنت و مخابرات (تلفن همراه و شهری) احاطه دارد نقش اساسی در سرکوب مردم ایفا می‌کند.

در جریان اعتراضات ضدحکومتی که از اواخر شهریور ۱۴۰۱ پس از قتل حکومتی مهسا امینی در بازداشتگاه «گشت ارشاد» آغاز شد مجلس شورای اسلامی وزارت ارتباطات را مکلف کرد که با سازمان اطلاعات سپاه (ساس) و وزارت اطلاعات و امنیت کشور (واواک) «همکاری کامل» داشته باشد.

بر این اساس اعلام شد که وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف است با هماهنگی و همکاری وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و دیگر سازمان‌ها نسبت به ارائه خدمات امن‌سازی و ارزیابی و رتبه‌بندی سالانه امنیت سایبری دستگاه‌های اجرایی اقدام کند.

انتشار تصاویر مربوط به صبحگاه بسیجیان وزارت ارتباط به روشنی نشان می‌دهد که وزارتخانه‌ای که باید در خدمت تقویت و گسترش ارتباطات جامعه باشد، علاوه بر اختلال و قطع اینترنت به صورت فیزیکی هم در سرکوب مردم با نهادهای سرکوبگر همکاری دارد.

جوانان هیچ امیدی که بتوانند اقدامی در مسیر پیشرفت کشور انجام دهند، نداشتند!»

وی در ادامه با بیان اینکه «کشورهای صادرکننده تسلیحات پیشرفته خواستار خرید تجهیزات نظامی از ایران هستند» افزود: «این شرایط و این باور حتا در بدنه ارتش هم رسوخ یافته بود؛ زیرا در سال‌های اولیه جنگ تحمیلی، تعدادی از فرماندهان ارتش خدمت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که آن زمان رئیس‌جمهور بودند، رسیدند و عنوان کردند که هواپیماهای جنگی کشورمان به دلیل تحریم و نیازی که به تعویض برخی قطعات هواپیماها وجود دارد، مدت کمی قادر به پرواز خواهند بود؛ اما ایشان در پاسخ به این اظهارات، از فرماندهان خواستند که به توانمندی‌های داخلی اتکا کنند.»

شیرازی در بخش دیگری از سخنانش گفت: «در دوران جنگ ما حسرت یک موشک را داشتیم، ما مپاران می‌شدیم ولی امکان دفاع از خود را نداشتیم، مپاران می‌شدیم ولی امکان زدن هواپیماهای دشمن را نداشتیم، ما توان محدودی داشتیم ولی به لطف الهی بعد از چهار دهه از انقلاب اسلامی ما شاهد آن چنان توانمندی از جمله در بخش دفاعی هستیم که گزینه‌های نظامی دشمن از روی میز برداشته شد.»

انتشار تصاویر مربوط به صبحگاه بسیجیان شاغل در وزارت ارتباطات نشان می‌دهد که چطور پرسنل یک وزارتخانه غیرنظامی برای تقویت ماشین سرکوب به سپر و باتوم و موتورهای پر قدرت تجهیز شده‌اند.

مردم بسیاری از عوامل سرکوبگر حکومت وقتی شناسایی می‌شوند که رسانه‌های حکومتی به مناسبت‌های مختلف تصاویر آنها را منتشر می‌کنند

شیرازی در بخش دیگری از سخنانی خود با بیان اینکه وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات یکی از مراکز حضور

● شماری از نیروهای سرکوبگر بسیج شاغل در وزارت ارتباطات جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه هفتم آذرماه در حضور رئیس دفتر نظامی علی خامنه‌ای با یونیفرم نظامی و پرچم‌های حزب‌الله و فلسطین در حالی که باتوم و سپر در دست داشتند مراسم صبحگاه برگزار کردند.

● سرتیپ محمد شیرازی در سخنانی عجیب و غریب علیه حکومت پهلوی مدعی شد، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، رژیم طاغوت چنان وضعیتی را ایجاد کرده بود که جوانان کشور دچار ناامیدی شده بودند!

● این مقام نظامی با اشاره به پیشرفت‌های وزارت ارتباطات گفته «دانشمندان برجسته‌ای در این وزارتخانه داریم و کارهای خوبی هم در حال انجام است که برخی به ثمر نشسته است و برخی نیز در آینده طبق برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته نتیجه خواهد داد.»

● در جریان اعتراضات ضدحکومتی که از اواخر شهریور ۱۴۰۱ پس از قتل حکومتی مهسا امینی در بازداشتگاه «گشت ارشاد» آغاز شد مجلس شورای اسلامی وزارت ارتباطات را مکلف کرد که با سازمان اطلاعات سپاه (ساس) و وزارت اطلاعات و امنیت کشور (واواک) «همکاری کامل» داشته باشد.

شماری از نیروهای سرکوبگر بسیج شاغل در وزارت ارتباطات جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه هفتم آذرماه با حضور رئیس دفتر نظامی علی خامنه‌ای با پرچم‌های حزب‌الله و فلسطین مراسم صبحگاه برگزار کردند.

سرتیپ محمد شیرازی در سخنانی علیه حکومت پهلوی در سخنانی عجیب و غریب مدعی شد، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، رژیم طاغوت چنان وضعیتی را ایجاد کرده بود که جوانان کشور دچار ناامیدی شده بودند و به واسطه چنین شرایطی، «ما نمی‌توانیم» را باور کرده بودند! «لذا

حماس دومین گروه از گروگان‌های اسرائیلی و تایلندی را آزاد کرد

● در دومین مرحله مبادله گروگان‌ها ۱۳ اسرائیلی و چهار شهروند تایلندی آزاد شدند. تایلندی‌ها در اسرائیل کارگری می‌کردند. تمام شهروندان آزاد شده اسرائیلی یا افراد مسن هستند یا کودک!

● یک مقام فلسطینی که از اقدامات مربوط به آتش‌بس موقت آگاه است به رویترز گفته احتمال فروپاشی توافق زیاد نیست و هیچ تهدید بزرگی فعلاً برای اجرای توافق وجود ندارد. وی توضیح داد: «میانجی‌ها روزانه با مسائل سر و کار دارند و امیدواریم این توافق تکمیل شود».

خبرگزاری رویترز روز یکشنبه ۲۶ نوامبر (۵ آذر) گزارش داد ۱۳ اسرائیلی و چهار شهروند تایلندی دومین گروه گروگان‌هایی هستند که حماس پس از توافق با اسرائیل در ازای آزادی زندانیان حماس و ارسال سوخت و مواد غذایی آزاد کرده کرد. یک مقام فلسطینی که از اقدامات مربوط به آتش‌بس موقت آگاه است به رویترز گفته احتمال فروپاشی توافق زیاد نیست و هیچ تهدید بزرگی فعلاً برای اجرای توافق وجود ندارد. وی توضیح داد: «میانجی‌ها روزانه با مسائل سر و کار دارند و امیدواریم این توافق تکمیل شود».

از ۱۳ اسرائیلی آزاد شده شش نفر زن و هفت نفر نوجوان یا کودک هستند. کوچک‌ترین آنها پاهل شوهام سه ساله دارد که با مادر و برادرش آزاد شد، اگرچه پدرش همچنان گروگان است.

ارتش اسرائیل در بیانیه‌ای اعلام کرد: «گروگان‌های آزاد شده به بیمارستان‌های اسرائیل منتقل می‌شوند و در آنجا با خانواده‌های خود ملاقات خواهند کرد».

خبرگزاری فلسطینی «وفا» اعلام کرد که اسرائیل ۳۹ فلسطینی



شامل شش زن و ۳۳ نوجوان را از دو زندان آزاد کرد. برخی از فلسطینی‌ها به میدان شهرداری «البیره» در رام‌الله در کرانه باختری منتقل شدند.

مبادله گروگان‌ها از روز جمعه پس از آزادی اولین

حمله پهبادی به کشتی «CMA CGM» در اقیانوس هند آسوشیتدپرس: مالک کشتی یک میلیاردر اسرائیلی است



برخاستن دود و آتش از عرشه کشتی «CMA CGM Symi» در دریای عرب

جنگ به دلایل انسان‌دوستانه میان حماس و اسرائیل صورت گرفته است.

این مقام دفاعی به آسوشیتدپرس گفت این کشتی با پرچم مالت در حرکت بود و یک پهباد انتحاری «شاهد ۱۳۶» ساخت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به آن اصابت کرده که باعث انفجار و آتش‌سوزی در کشتی شده اما به خدمه آن آسیبی نرسیده است.

این مقام نظامی اضافه کرده «ما به نظارت دقیق اوضاع ادامه می‌دهیم» اما از توضیحات بیشتر در این زمینه که چرا آمریکا معتقد است رژیم ایران پشت این حمله بوده است خودداری کرد.

شبکه المیادین وابسته به حزب‌الله لبنان گزارش داد که این کشتی اسرائیلی در اقیانوس هند هدف قرار گرفته است.

کشتی «CMA CGM» متعلق به یک شرکت حمل و نقل بزرگ مستقر در بندر ماری فرانسه است. مسئولان شرکت اما از اظهار نظر در اینباره خودداری کرده‌اند.

بر اساس داده‌های وبسایت «مارین ترافیک»، این کشتی از روز سه‌شنبه زمانی که بندر «جبل علی» دومی را ترک کرد، سیستم موقعیت‌یاب خود را خاموش کرده بود. طبق روال معمول، کشتی‌ها باید ردیاب خود را به دلایل ایمنی فعال نگه دارند، اما اگر به نظر برسد که ممکن است هدف قرار بگیرند، خدمه کشتی آن را خاموش می‌کنند. این کشتی پیش از این هنگام عبور از دریای سرخ از یمن که محل استقرار شورشیان حوثی مورد حمایت حکومت ایران است نیز همین کار را انجام داده بود.

تحلیلگران اکنون می‌گویند خاموش کردن GPS که در مورد این کشتی از چند روز پیش از این خاموش بوده، به تنهایی نمی‌تواند جلوی ردیابی و حمله به کشتی‌ها را بگیرد.

● خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از یک مقام دفاعی آمریکایی نوشت «این کشتی باری متعلق به یک میلیاردر اسرائیلی است که در اقیانوس هند مورد حمله یک پهباد مشکوک ایرانی قرار گرفت».

● بر اساس داده‌های وبسایت «مارین ترافیک»، این کشتی وقتی بندر «جبل علی» دومی را ترک کرد، سیستم موقعیت‌یاب خود را خاموش کرده بود. خدمه کشتی‌ها به دلیل نگرانی از اینکه مسیر و موقعیت آنها توسط جمهوری اسلامی ردگیری شود، تصمیم به خاموش کردن سیستم‌های موقعیت‌یاب می‌گیرند.

کمتر از یک هفته پس از ربوده شدن کشتی «گالکسی لیدر» و خدمه آن توسط شبه‌نظامیان حوثی بازوی یمنی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دریای سرخ، یک کشتی نفتکش در دریای عرب روز شنبه چهارم آذرماه در دریای عرب هدف حمله پهبادها قرار گرفت.

گفته می‌شود کشتی تجاری «CMA CGM Symi» که در دهانه اقیانوس هند هدف حمله پهبادی قرار گرفته است از دومی به سمت اقیانوس هند در حرکت بود.

خبرگزاری آسوشیتدپرس روز شنبه ۲۵ نوامبر (چهار آذر) به نقل از یک مقام دفاعی آمریکایی نوشت «این کشتی باری متعلق به یک میلیاردر اسرائیلی است که در اقیانوس هند مورد حمله یک پهباد مشکوک ایرانی قرار گرفت».

حمله به این کشتی در شرایطی صورت گرفته که آمار نشان می‌دهد کشتیرانی بین‌المللی در منطقه خاورمیانه در روندی رو به افزایش تبدیل به اهداف مخاصمات و ردگیری‌ها شده است.

حمله به این کشتی درست پس از اعلام توافق موقت

وزارت خارجه اسرائیل:

یک و نیم میلیون دلار پول نقد که حماس چمدانی از رژیم ایران گرفته بود مصادره شد



تصویری کیسه‌های پول مصادره شده از حماس اکانت وزارت خارجه اسرائیل در عملیات زمینی در غزه

طرح مسدود کردن فوری شش میلیارد دلار پول‌های ایران را که اخیراً پس از معامله گروهان‌ها به قطر واریز شد ارائه داده‌اند.

سناتور مک‌کانل در بیانیه‌ای اعلام کرد پشتیبانی‌های جمهوری اسلامی قاتلان خون‌سردی مانند حماس و جهاد اسلامی فلسطین را قادر ساخت تا مرتکب مرگبارترین خشونت علیه یهودیان در دهه‌های اخیر شوند.

شمار زیادی از تحلیلگران معتقدند علاوه بر رژیم ایران سایر دولت‌های منطقه به ویژه قطر در تأمین مالی حماس نقش اساسی دارند.

در همین ارتباط دکتر کوبی مایکل از پژوهشگران ارشد انستیتوی امنیت ملی اسرائیل به شبکه «آی ۲۴» منافع اصلی حکومت قطر تضمین بقای حماس است. وی توضیح داد که «قطر بزرگترین تأمین‌کننده و حمایت‌کننده حماس و دیگر سازمان‌های تروریستی در خاورمیانه است.»

اسماعیل هنیه اواسط دی‌ماه سال ۱۴۰۰ با مصاحبه با شبکه الجزیره گفته بود ایران ۷۰ میلیون دلار به حماس پول داد تا قوای بازدارندگی خود را در برابر اسرائیل بسازد و راکت‌هایی که نیروهای حماس در نوار غزه تولید کردند، بخشی از این توان راهبردی است.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی خردادماه سال ۱۴۰۱ در کمتر از یک هفته در دو دیدار جداگانه با رهبران «جهاد اسلامی» و «حماس» دیدار کرد.

وی در دیدار با زیاد نخاله دبیرکل «جهاد اسلامی» گفته بود حمایت جمهوری اسلامی از گروه‌های فلسطینی ادامه خواهد داشت. رهبر جمهوری اسلامی تأکید کرده بود، «جهاد اسلامی و گروه‌های مبارز کلید اصلی به زانو درآوردن اسرائیل را یافته‌اند.»

● اکانت وزارت خارجه اسرائیل به فارسی در شبکه «ایکس» روز یکشنبه پنجم آذر با انتشار تصاویری گزارش داد که در جریان عملیات ارتش اسرائیل در غزه حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار دلار پول نقد از تروریست‌های حماس مصادره شد. گفته شده این پول‌ها به صورت چمدانی از ایران به غزه منتقل شده بود.

● دکتر کوبی مایکل از پژوهشگران ارشد انستیتوی امنیت ملی اسرائیل به شبکه «آی ۲۴» منافع اصلی حکومت قطر تضمین بقای حماس است. وی توضیح داد که «قطر بزرگترین تأمین‌کننده و حمایت‌کننده حماس و دیگر سازمان‌های تروریستی در خاورمیانه است.»

اکانت وزارت خارجه اسرائیل به فارسی در شبکه «ایکس» روز یکشنبه پنجم آذر با انتشار تصاویری گزارش داد که در جریان عملیات ارتش اسرائیل در غزه حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار دلار پول نقد از تروریست‌های حماس مصادره شد. گفته شده این پول‌ها به صورت چمدانی از ایران به غزه منتقل شده بود.

میلیون‌ها دلار در از سرمایه‌های ایران در چهار دهه اخیر خرج تقویت شبه‌نظامیان حزب‌الله، جهاد اسلامی، حماس، حشدالشعبی و حوثی‌ها شده است.

علاوه بر مخالفان جمهوری اسلامی در داخل و بیرون از ایران، جمهوریخواهان در آمریکا می‌گویند نادیده گرفتن تحریم‌ها علیه رژیم ایران و همچنین تسلیم در برابر باج‌خواهی حکومت از طریق گروه‌انگیزی و آزاد کردن میلیارد‌ها دلار پول‌های بلوکه شده ایران، منجر به تقویت تروریسم در منطقه شده است.

در واکنش به حمله تروریستی حماس به اسرائیل سناتور میچ مک‌کانل رهبر جمهوریخواهان سنا و سناتور تام کاتن

→ گروه گروهان‌ها آغاز شد. در مرحله نخست گروه تروریستی ۱۳ نفر را تحویل داد که تعدادی کودک و افراد سالمند در میان آنها بودند و در ازای آن ۳۹ زن و نوجوان فلسطینی از زندان‌های اسرائیل آزاد شدند.

روز جمعه حماس یک شهروند فیلیپینی و ۱۰ تایلندی را که کارگر مزرعه بودند آزاد کرده بود.

تأخیر در آزادی گروه دوم گروهان‌ها مقامات اسرائیل را خشمگین کرد. برخی منابع نوشتند این تأخیر چند ساعت بود. پایگاه خبری «ان‌بی‌سی نیوز» گزارش داد یک ساعت تأخیر



گروهی از گروهان‌هایی که حماس در جریان حمله «هفت اکتبر» ربود به اعضای کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تحویل داده شدند

شد. مقامات اسرائیلی بلافاصله اعلام کردند در صورتی که گروهان‌ها آزاد نشوند عملیات نظامی را آغاز خواهند کرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد چندین کشور و مقام بین‌المللی خود را در آزاد شدن گروهان‌ها با «توافق موقت» سهیم می‌دانند. از جو بایدن که اعلام کرد با فشارهای او توافق اجرا شد تا مقامات جمهوری اسلامی، قطر و مصر.

مقامات اسرائیلی می‌گویند عملیات «شمشیرهای آهنین»



حماس را وادار به آزادی گروهان‌ها کرد اما در مقابل نعیم قاسم معاون دبیر کل حزب‌الله در یک سخنرانی با اشاره به اینکه «امروز عصر مقاومت است» مدعی شده «اسرائیل مجبور به پذیرش آتش‌بس شد.»

اعتصاب غذای زهره سرو در زندان اوین؛ پرونده سنگین آرشام رضایی با اتهاماتی چون حمایت از خاندان پهلوی و برافراشتن پرچم شیروخورشید



زهره سرو، آرشام رضایی

است. با اعمال ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، ۶ سال زندان در خصوص او قابل اجرا است. زهره سرو متولد سال ۱۳۴۵ است که پیش از بازداشت با نام «ماه فر» در شبکه‌های اجتماعی فعالیت داشت. فشار بر زندانیان مشروطه‌خواه از سوی دیگری با بازداشت، تشکیل پرونده‌هایی با اتهامات سنگین و همچنین احکام زندان بلندمدت در جریان است. آرشام رضایی فعال مشروطه‌خواه که ۲۵ مهرماه بازداشت شده بود، روز گذشته در شعبه ۳ بازپرسی مقدس زندان اوین تفهیم اتهام شد. بر اساس گزارشی که به دست «کیهان لندن» رسیده این فعال سیاسی به پنج مورد «فعالیت تبلیغی علیه نظام از طریق حمایت از خاندان پهلوی و برافراشتن پرچم شیروخورشید»، «نشر اکاذیب»، «تشویش اذهان عمومی»، «اجتماع و تبانی از طریق عضویت در گروه‌های معاند» و «تحصیل مال نامشروع به مبلغ ۷۳ میلیون تومان» متهم شده است.

نیروهای امنیتی و قضایی پیش از دو هفته از بازداشت آرشام رضایی از ارائه هرگونه اطلاعاتی درباره محل نگهداری او به خانواده‌اش خودداری کرده و به این ترتیب اعضای خانواده این زندانی سیاسی را نیز مورد آزار و شکنجه قرار دادند.

یک هفته پس از بازداشت آرشام رضایی، یک منبع آگاه در گفتگو با کیهان لندن گفته بود «آرشام هفته گذشته در آپارتمانی در فردیس کرج بازداشت شد. چون تحت تعقیب بود و برایش پرونده جدید درست کرده بودند مدتی بود در خانه مادرش زندگی می‌کرد. همسایه‌ها دیده‌اند که دو اتومبیل با چندین مأمور امنیتی صبح یکشنبه وارد خانه شده و آرشام با بازداشت کرده‌اند. آنها وسایل آرشام را هم ←

این منبع آگاه افزوده بود که «متأسفانه مسئولان پرونده خانم سرو بی‌توجه به شرایط جسمی او همچنان هیچ اقدامی آزادی مشروط یا آزادی با پابند یا مرخصی برای درمان وی نمی‌کنند». با وجود وضعیت اورژانسی این زندانی به دلیل وجود دو توده در پستان راست، او روز چهارشنبه چهارم مردادماه از زندان اوین به بیمارستان «طالقانی» تهران اعزام شد اما بدون رسیدگی پزشکی کافی برای تشخیص وضعیت بیماری به زندان بازگردانده شد.

این منبع آگاه همچنین با اشاره به مشکل در زانوی راست این زندانی سیاسی گفته بود که به دلیل عدم رسیدگی پزشکی در دوران زندان، دردهایش تشدید شده است. این منبع آگاه افزوده بود که «زهره سرو پیش از این به مدت ۱۸ روز در انفرادی‌های سالن ۹ زندان قرچک که سوئیت‌های قبل از اعدام هستند نگهداری شده بود. اعتصاب غذای خشک او و شرایط هولناک سوئیت‌های سالن ۹ زندان قرچک آسیب جدی به سلامت او زده است». زهره سرو اوایل مهرماه سال ۱۴۰۰ توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به بازداشتگاه اطلاعات سپاه، موسوم به بند الف-یک منتقل شد. وی اواسط آبان‌ماه سال ۱۴۰۰ با پایان مراحل بازجویی به بند زنان زندان اوین فرستاده شد اما بعد از مدتی به زندان قرچک ورامین انتقال یافت.

این زندانی سیاسی یازدهم اردیبهشت امسال به همراه شمار دیگری از زندانیان سیاسی مانند الهه محمدی، نیلوفر حامدی، سها مرتضایی و حوریه رضایی راد از بند ۸ زندان قرچک ورامین به زندان اوین منتقل شد. شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری زهره سرو را از بابت اتهامات «اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام» به ۷ سال حبس تعزیری محکوم کرده

● زهره سرو به دلیل پارگی رباط صلیبی و شاخ خلفی منیسک لترال زانوی پای راست نیاز فوری به عمل جراحی داد.

● فعالیت تبلیغی علیه نظام از طریق حمایت از خاندان پهلوی و برافراشتن پرچم شیروخورشید، نشر اکاذیب، تشویش اذهان عمومی، اجتماع و تبانی از طریق عضویت در گروه‌های معاند و تحصیل مال از اتهامات آرشام رضایی است.

● اواخر آبان نیز سه فعال مشروطه‌خواه با پرونده‌سازی سازمان اطلاعات سپاه (ساس) با احکام طولانی زندان از ۱۳ تا ۲۶ سال و محرومیت‌های اجتماعی روبرو شدند.

زهره سرو زندانی سیاسی مشروطه‌خواه در پی اعزام نشدن به مرخصی درمانی اعتصاب غذا کرده است. آرشام رضایی فعال مشروطه‌خواه نیز با پرونده جدیدی با پنج اتهام از جمله «فعالیت تبلیغی علیه نظام از طریق حمایت از خاندان پهلوی و برافراشتن پرچم شیر و خورشید» روبرو شده است.

تشدید فشار بر زندانیان مشروطه‌خواه با تشکیل پرونده‌های سنگین، صدور احکام زندان طولانی و جلوگیری از مرخصی درمانی زندانیان بیمار ادامه دارد.

زهره سرو زندانی مشروطه‌خواه به دلیل عدم اعزام به مرخصی درمانی از روز پنجشنبه دوم آذرماه در زندان اوین اعتصاب غذا کرده است. این زندانی سیاسی به دلیل پارگی رباط صلیبی و شاخ خلفی منیسک لترال زانوی پای راست نیاز فوری به عمل جراحی داد.

یک منبع آگاه درباره وضعیت زهره سرو به «کیهان لندن» گفته که «زهره حدود سه سال است که پیوسته در زندان بوده و هفته گذشته بعد از یک سال درد شدید زانو او را به ام‌آر‌آی بردند و پزشک تشخیص داده که هم رباط صلیبی و هم شاخص خلفی منیسک لترال زانوی پای راستش پاره شده و باید فوری عمل شود».

به گفته این منبع آگاه «این عمل جراحی دوران نقاهت خیلی دشواری دارد که در بند زنان زندان و با توجه به پله‌هایی که بند دارد در عمل امکان‌پذیر نیست و با اینهمه مقامات قضایی و امنیتی با اعزام او به مرخصی درمانی مخالفت می‌کنند و به همین دلیل زهره از روز شنبه دست به اعتصاب غذا زده است».

وی افزوده که «آذرماه سال گذشته به دلیل درد شدید زانو قرار بود به تشخیص پزشک به ام‌آر‌آی برده شود اما پس از آنکه او را از زندان خارج کردند و درواقع او را ریودند و به زندان قرچک ورامین منتقل کردند زهره در قرچک دست به اعتصاب غذا زد. هیچ کار درمانی روی زانوی او انجام نشد و به دلیل اعتصاب غذا مشکل گوارشی هم به مشکلات جسمی‌اش اضافه شده و دو توده هم در پستان داشته که آنهم نیاز به عمل جراحی دارد».

در مرداد امسال و مدتی پس از تشخیص وجود دو توده در پستان زهره سرو، یک منبع آگاه درباره وضعیت این زندانی مشروطه‌خواه به «کیهان لندن» گفته بود که «به تأیید پزشکان اوین و پزشکان معتمد قوه قضاییه زهره دو توده‌ی بزرگ در سینه دارد و نیازمند اقدام‌های جدی و فوری برای درمان و پیشگیری از رشد غده‌ها است».

برگزاری دومین سمینار «زنان ایرانی»، وقت تغییر است»



شیرخورشیدنشان، جدایی دین از حکومت، بیانیه جهانی حقوق بشر، تعیین نوع رژیم آینده ایران از طریق انتخابات آزاد و نگارش قانون اساسی جدید در مجلس موسسان، به تبادل نظر و بررسی نوع همکاری و گسترش آن، همراه با بهره‌گیری از دانش و تجربه کارشناسان جامعه بین‌المللی خواهند پرداخت.

این برنامه به صورت وبینار آنلاین در دو بخش به زبان انگلیسی و فارسی برگزار شد. در بخش انگلیسی، کارشناسان ایرانی تبار، نمایندگانی از پارلمان بلژیک، سازمان عفو بین‌الملل و سازمان بین‌المللی زنان به گفتگو پرداختند و در بخش فارسی کارشناسان حقوقی، جامعه‌شناسی و روانشناسی نظرات و دیدگاه‌های خود را بیان کردند.

پیامی از زندان اوین اعلام کرد که «زندان، شکنجه و کشتار نمی‌تواند انسان‌های آزاده را از آرمان و اهداف خود منصرف کند. آنها رنج‌ها را به جان می‌خرند و مصمم‌تر و قوی‌تر از گذشته تلاش و مبارزه می‌کنند. ماه‌ها در زندان بوشهر جسم و روانم مورد تعرض قرار گرفت، رنج کشیدم اما هرگز تسلیم نشدم. بارها در زندان عادل‌آباد در اوج درد به یاد برادرم وحید افکاری ادامه دادم. خواهرانم نسیم شهبازی و حنا که کیا جان‌شان را دادند، حسین حسین‌پورها چشمان‌شان را فدای ایران کردند و من امروز در راه آزادی ایران عزیزم بر خود وظیفه می‌بینم حبس را تحمل کنم.»

محبوبه رضایی در بخش دیگری از این پیام افزوده بود که «راه آزادی وطن‌مان دست در دست هم گذاشتن، اتحاد و همبستگی است. با هر گرایش سیاسی و عقیده‌ای با هم بر مسئله‌ای توافق داریم: «آزادی ایران». جانم فدای ایران، همچنان که اصغر نحوی‌پور زمانی که گلوله خورد فریاد زد جانم فدای ایران.»

روز شنبه ۲۵ نوامبر ۲۰۲۳ برابر با روز جهانی «نه به خشونت علیه زنان» و بینار «ناموس یا بی‌ناموسی» برگزار شد.

برنامه این وبینار بر اساس آنچه توسط برگزارکنندگان، حزب مشروطه ایران (لیبرال دمکرات) و انجمن فرهنگی اجتماعی سپیدار، اعلام شد بررسی آنچه باید در فدای آزادی ایران، از جمله در نگارش قانون اساسی نوین، انجام شود تا با خشونت علیه زنان مبارزه و از آن جلوگیری گردد بود.

برگزارکنندگان اعلام کردند که در ۲۵ نوامبر همراه با بانوان فعال مدنی و سیاسی همسو و همگام در اصول حفظ تمامیت ارضی ایران و یکپارچگی ملی، پرچم سه رنگ

سال و ۹ ماه حبس با احتساب ایام بازداشت قبلی، به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور» به هفت سال و ۹ ماه حبس، به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به یک سال و هفت ماه حبس، به اتهام «اهانت به مقدسات اسلام» به هفت سال و ۹ ماه حبس و به اتهام «کشف حجاب و تظاهر به فساد در فضای مجازی» به یک سال و هفت ماه حبس و در مجموع به ۲۶ سال و ۵ ماه زندان محکوم شده است.

سمانه نوروز مرادی هم با اتهامات «عضویت در گروه‌های مخالف نظام با هدف بر هم زدن امنیت کشور» به شش سال و سه ماه حبس با احتساب ایام بازداشت قبلی، به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور» به شش سال و سه ماه حبس و به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به یک سال و سه ماه حبس و در مجموع به ۱۳ سال و ۹ ماه زندان محکوم شده است.

محبوبه رضایی در واکنش به صدور حکم زندانش در

با خودشان برده‌اند. اعضای خانواده بعد از اطلاع از بازداشت آرشم به آن آپارتمان مراجعه کرده و با همسایه‌ها صحبت کردند و مطمئن شده‌اند که آرشم بازداشت شده اما هنوز نمی‌دانند او کجاست و چه نهادی وی را بازداشت کرده است.»

این منبع آگاه افزوده بود که «یکی دو روز بعد از بازداشت آرشم خانواده‌اش به داسرا مراجعه کردند و به آنها گفته شد آرشم به زودی تماس می‌گیرد اما هنوز با گذشت هشت روز از بازداشت آرشم حتی تماس کوتاهی با خانواده نداشته و به ویژه مادرش خیلی نگران سلامت اوست.»

آرشم رضایی نخستین‌بار ۱۷ دی‌ماه ۹۷ توسط نیروهای سازمان اطلاعات سپاه (ساز) در تهران بازداشت و در تاریخ ۲۲ آبان ۹۸ با قرار وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی به صورت موقت و تا پایان مراحل دادرسی از زندان اوین آزاد شد. جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات این فعال مدنی در تاریخ ۷ اسفندماه ۹۷ در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی محمد مقیسه بدون حضور وکیل و بدون اطلاع قبلی برگزار شد و آرشم رضایی به اتهام «تبلیغ علیه نظام»، «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی» و «توهین به رهبری» مجموعاً به ۸ سال و ۶ ماه حبس تعزیری محکوم شد.

این حکم در نهایت توسط شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران به ریاست قاضی سید احمد زرگر عیناً تأیید شد. با توجه به ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مجازات اشد یعنی ۵ سال حبس تعزیری به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی» علیه وی قابل اجرا بود.

آرشم رضایی همچنین در پرونده دیگری به اتهامات «فعالیت تبلیغی علیه نظام و اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیتی داخلی و خارجی کشور» به ۱۵ ماه حبس تعزیری و ۴ ماه کار اجباری در جهاد کشاورزی محکوم شد. آرشم بهمن‌ماه سال گذشته و در حالیکه اکثر زمان حکم زندان را پشت سر گذاشته بود، در موج آزادی زندانیان سیاسی و نمایش «عفو» از سوی جمهوری اسلامی، آزاد شد. بسیاری از فعالان سیاسی که در اواخر سال گذشته آزاد شدند از فروردین امسال بار دیگر بازداشت و با پرونده‌های جدید روبرو شدند.

اواخر آبان نیز سه فعال مشروطه‌خواه با پرونده‌سازی سازمان اطلاعات سپاه (ساز) با احکام طولانی زندان از ۱۳ تا ۲۶ سال و محرومیت‌های اجتماعی روبرو شدند.

بر اساس احکام صادره برای این فعالان سیاسی، رضا محمدحسینی به ۲۱ سال و هشت ماه زندان، محبوبه رضایی به ۲۶ سال و پنج ماه زندان و سمانه نوروز مرادی به ۱۳ سال و ۹ ماه حبس محکوم شده‌اند.

احکام سنگین علیه این سه فعال سیاسی توسط شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی محمدرضا عموزاد مهدریچی در پرونده‌ای مشترک صادر شده است.

رضا محمدحسینی به اتهام «عضویت در گروه‌های مخالف نظام با هدف بر هم زدن امنیت کشور» به هفت سال و ۹ ماه حبس، به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور» به هفت سال و ۹ ماه حبس، به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران» به یک سال و ۷ ماه زندان، به اتهام «تحصیل مال از طریق نامشروع به رد اصل مال به نفع دولت و سه سال حبس، و به اتهام «تهدید نسبت به مأمورین در حین انجام وظیفه» به یک سال و هفت ماه حبس، و در مجموع به ۲۱ سال و هشت ماه حبس محکوم شده است.

محبوبه رضایی نیز با اتهامات «عضویت در گروه‌های مخالف نظام با هدف برهم زدن امنیت کشور» به هفت

سلب تابعیت پزشک ایرانی متولد آمریکا با سی سال طبابت و زندگی در آن کشور به دلیل اشتباه مسئولان دولتی در ۶۱ سال پیش!



دکتر سیاوش سبحانی با یکی از پاسپورت‌های تاریخ گذشته‌ی خود / عکس از بیل اولری / واشنگتن پست

او این ماه وارد ۶۲ سالگی شده و از قبل به فکر بازنشستگی بود. دکتر سبحانی و همسرش قصد داشتند امسال را به گشت و گذار در کشورهای دیگر بگذرانند به این امید که جایی برای خرید خانه پیدا کنند. حالا او حتی نمی‌تواند به دیدن یکی از دوستانش در لندن که اخیراً سکنه کرده یا پدر همسرش که در لبنان زندگی می‌کند و به شدت بیمار است، برود.

سبحانی افزوده: «اگر پدر همسرم از دنیا برود، حتی نمی‌توانم در مراسم تشییع وی حضور داشته باشم.» او از عبارات «ناراحت‌کننده»، «ناامیدکننده» و «افسرده‌کننده» برای توصیف آنچه از سر گذرانده استفاده می‌کند. زبان او ملایم‌تر از آن چیز است که بسیاری از مردم در صورت از دست دادن ناگهانی آزادی‌ها، حمایت‌ها و مزایای شهروندی ایالات متحده، از آن استفاده می‌کنند. همه اینها به دلیل یک اشتباه اداری در خواندن قانونی است که در در سالیان دور کارمندان مربوطه مرتکب شدند.

دولت ایالات متحده تابعیت سبحانی را به خاطر آنکه خلاقی از او سر زده سلب نکرده است. نامه‌ای که در همین ارتباط به وی ارسال شده به یک دلیل بوروکراتیک اشاره می‌کند: «کسانی که در ایالات متحده از والدینی که دارای مصونیت دیپلماتیک هستند متولد شده‌اند، هنگام تولد، مشمول تابعیت آمریکا نمی‌شوند.»

در این نامه البته آمده است: «به عنوان یکی از اعضای خانواده و فرزند والدین خود در زمان تولد، از مصونیت کامل دیپلماتیک در حوزه قضایی ایالات متحده نیز برخوردار بودید» اما «زمانی که به دنیا آمدید، مشمول صلاحیت حقوقی ایالات متحده نبودید. بنابراین تابعیت آمریکا به شما تعلق نمی‌گرفته است.»

سبحانی پس از خواندن خط آخر نامه با صدای رسا گفت: «اما من تابعیتی داشتم که خود آنها به من دادند.»

می‌دهد و همچنین نامه‌هایی را که برای مقامات محلی ارسال کرده و درخواست کمک نموده، با من در میان گذاشت. این سوابق نشان می‌دهد که وی به عنوان فارغ‌التحصیل دانشکده پزشکی جرج تاون در پایتخت آمریکا از یک زندگی باثبات در طول چند دهه، اکنون بر زمین نامطمئنی ایستاده همراه با پرسش‌هایی که پاسخ روشنی ندارند.

برخی از این پرسش‌ها عبارتند از: آیا او همچنان می‌تواند بطور قانونی طبابت کند؟ آیا در صورت تغییر شماره کارت شناسایی، مبالغی که او در طول زندگی حرفه‌ای خود به دست آورده، در مزایای تامین اجتماعی او حساب خواهد شد؟ آیا او می‌تواند در جشن عروسی پسرش در سال آینده در کشوری دیگر شرکت کند؟

دکتر سیاوش سبحانی برای گفتگو و توضیح در مورد وضعیت خود مردد بود. او طبق آنچه به او توصیه شده بود، درخواست اقامت دائم داده است و نمی‌خواهد کاری کند که مقامات دولتی که سرنوشت وی را در دست دارند دلخور شوند. اما وی همچنین می‌داند که سیستم مهاجرتی کشور چقدر می‌تواند کند باشد و به همین دلیل نگران است که اگر مدیران ارشد ایالات متحده در خدمات شهروندی و مهاجرت (USCIS) درباره پرونده او چیزی نشنوند و برای کمک به او اقدام نکنند، مجبور باشد سال‌ها در هاله‌ای از ابهام منتظر بماند.

دکتر سبحانی گفت که در حال حاضر بیش از ۴۰۰۰۰ دلار برای هزینه‌های حقوقی خرج کرده و هنوز نمی‌داند چه زمانی ممکن است مشکل تابعیت وی حل شود.

او گفت: «من منتظر مصاحبه هستم، اما آیا این بدان معناست که باید یک سال دیگر صبر کنم؟ سپس سه سال دیگر برای مرحله بعدی؟ و بعد ۱۰ سال دیگر قبل از اینکه بتوانم به خارج کشور سفر کنم منتظر بمانم؟»

● دکتر سیاوش سبحانی ساکن ویرجینیای شمالی در واشنگتن دی‌سی به دنیا آمده و شناسنامه آمریکایی دارد.

یک پزشک ساکن ویرجینیای شمالی که در ایالات متحده به دنیا آمده و دارای شناسنامه آمریکایی است، در ۶۱ سالگی هنگام تمدید گذرنامه‌اش متوجه شد که شهروندی وی به اشتباه درج شده و دیگر تبعه آمریکا نیست.

سیاوش سبحانی پزشک مقیم ویرجینیای شمالی حداقل تا این حد از وضعیت خود می‌داند که تبعه‌ی کجاست! اما حالا متوجه شده که تابعیت کشوری را که در آن متولد شده، به مدرسه و دانشگاه رفته و بیش از ۳۰ سال طبابت کرده، از وی سلب شده است. این در حالیست که تابعیت هیچ کشور دیگری را نیز ندارد.

وی به خبرنگار «واشنگتن پست» گفت: «در حالا حاضر من بلاتکلیف هستم.» «واشنگتن پست» می‌نویسد، در چند سال گذشته، داستان‌های کابوس‌وار درباره تمدید گذرنامه وجود داشته است؛ تأخیر در مراحل صدور پاسپورت که مردم را مجبور به خواهش و تمنا، بیدارخوابی و از دست دادن سفرهای استثنایی یکبار در زندگی کرده است. اما آنچه سبحانی امسال پس از تلاش برای تمدید گذرنامه خود تجربه کرده، بطور منحصر به فردی گیج‌کننده و موجب احساس ناامنی می‌شود.

همانطور که خودش می‌گوید، وقتی در فوریه درخواستی برای پاسپورت جدید فرستاد و دلیلی وجود نداشت که انتظار داشته باشد با مشکل روبرو شود. او پیش از این، چندین بار بدون مشکل گذرنامه خود را تمدید کرده بود. اینبار گذرنامه وی در ماه ژوئن منقضی می‌شد و او می‌خواست مطمئن شود که قبل از سفر خانوادگی در ماه ژوئیه، گذرنامه‌ی معتبر دارد.

او اما پاسپورت جدید را دریافت نکرد. در عوض، در سن ۶۱ سالگی، آنچه را که از دوران کودکی متعلق به او بود، از دست داد: تابعیت ایالات متحده!

در نامه‌ای که از سوی یکی از مقامات وزارت امور خارجه دریافت کرده است به او اطلاع داده شده که او اصلاً در همان زمان تولد نباید تابعیت ایالات متحده را دریافت می‌کرده! به دلیل اینکه پدرش در آن زمان دیپلمات سفارت ایران در آمریکا بوده است. این نامه سبحانی را به وسایستی رجوع داده بود که تازه در آن می‌توانست برای اقامت دائم قانونی درخواست دهد!

سیاوش سبحانی که متخصص بیماری‌های داخلی است، می‌گوید: «این برای من یک شوک بود. من پزشک هستم و تمام عمرم در اینجا سپری شده، مالیات پرداخت‌ام، به رئیس جمهور رای داده‌ام، به جامعه خود در ویرجینیای شمالی خدمت کرده‌ام. در طول کووید، من در محل کار بودم، خود و خانواده‌ام را در معرض خطر قرار می‌دادم. بنابراین وقتی بعد از ۶۱ سال به شما می‌گویند: «اوه، یک اشتباهی رخ داده، شما دیگر شهروند ایالات متحده نیستید» واقعاً بسیار تکان‌دهنده است.»

خبرنگار «واشنگتن پست» در ادامه می‌نویسد، سبحانی نامه‌ای را که از وزارت امور خارجه دریافت کرده، همراه با اسناد شخصی که جزئیات زندگی‌اش را در آمریکا نشان

تداوم تورم در آبان ماه؛ شکست وعده رئیسی درباره نصف شدن رقم تورم



مانده و نرخ تورم آبان ماه به ۲/۲ درصد رسید. این نرخ در مهر و شهریور به ترتیب ۲/۳ و دو درصد بوده است. این گزارش افزوده که مانند مهرماه دو بخش آموزش و مسکن بیشترین نرخ تورم ماهانه را به خود اختصاص داده‌اند. بخش آموزش که مهر ماه تورم بیش از ۲۰ درصدی را ثبت کرده بود در ماه گذشته نیز تورم ماهانه ۴.۳ درصدی را ثبت کرد. در بخش دیگری از گزارش «شرق» آمده که در بخش مسکن که عمدتاً مربوط به هزینه‌های اجاره مسکن است، ارقام تورم بسیار ناامیدکننده است، تنها در ماه گذشته نرخ تورم این بخش چهار درصد بوده است؛ در حدود ۳۰ درصد خانوارهای ایرانی و در حدود نیمی از خانوارهای ساکن در تهران اجاره‌نشین هستند و این تورم‌های سنگین در حوزه اجاره مسکن مشکلات عدیده و لاینحلی را برای بخش مهمی از جامعه به وجود آورده است. مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی شاپور اهواز معتقد است که «متأسفانه تورم ریزش شدید طبقاتی را در ایران رقم زده است، طوری که طبقات متوسط تنها قادر به تأمین هزینه خوراک و مسکن خود هستند و نمی‌توانند فرهنگ و تفریح... را در سبد خود قرار دهند و طبقات فقیر نیز درگیر فقر شدیدتر شده‌اند.» اینهمه در حالیست که تازه‌ترین گزارش بانک جهانی درباره امنیت غذایی نشان می‌دهد که ایران در رده پنجم جدول تورم مواد غذایی در جهان قرار دارد.

همچنین موسسه مطالعات پژوهش‌های بازرگانی امسال گزارشی تحت عنوان «تورم مواد غذایی و تجربه سیاست‌گذاری کشورها» منتشر کرد که نشان می‌دهد ایران جزو ۱۰ کشوری است که در فاصله زمانی مارس ۲۰۲۲ تا مارس ۲۰۲۳ بالاترین تورم اسمی و واقعی مواد غذایی را داشته است. تورم به ویژه در گروه مواد خوراکی در حالی بخش زیادی از شهروندان را به زیر خط فقر رانده که ابراهیم رئیسی در جریان رقابت‌های انتخاباتی ریاست‌جمهوری دو سال پیش گفته بود که در صورت رئیس‌جمهور شدن نرخ تورم را به نصف کاهش می‌دهد و این نرخ سپس به سمت یک‌رقمی شدن حرکت خواهد کرد. تیم اقتصادی دولت سیزدهم نه تنها نتوانسته این وعده را عملی کند بلکه حتی آثاری از مهار تورم از سوی دولت نیز دیده نمی‌شود.

● دامنه تغییرات تورم برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از ۴۳ درصد برای دهک اول، تا ۳/۴۶ درصد برای دهک دهم است، بر این اساس فاصله تورمی دهک‌ها در این ماه به ۳/۳ واحد درصد رسید.

● در آبان ماه نیز مانند مهرماه دو بخش آموزش و مسکن بیشترین نرخ تورم ماهانه را به خود اختصاص داده‌اند. گزارش مرکز آمار ایران از نرخ تورم در آبان امسال نشان می‌دهد ادعای کاهش تورم از سوی دولت بار دیگر شکست خورده و تورم سالانه به ۹/۴۴ درصد رسیده است. گزارش مرکز آمار ایران از ادامه تورم مواد خوراکی و تشدید فشار تورمی بر خانوارهای کم‌درآمد حکایت دارد.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در آبان ماه ۱۴۰۲، شاخص قیمت مصرف‌کننده خانوارهای کشور به عدد ۲۱۰/۹ رسیده است که نسبت به ماه قبل، ۲/۲ درصد افزایش، نسبت به ماه مشابه سال قبل، ۲/۳۹ درصد افزایش و در دوازده ماهه منتهی به ماه جاری نسبت به دوره مشابه سال قبل، ۹/۴۴ درصد افزایش داشته است. تورم نقطه به نقطه خانوارهای کشور نیز ۲/۳۹ درصد بوده است؛ یعنی خانوارهای کشور بطور میانگین ۲/۳۹ درصد بیشتر از آبان ماه ۱۴۰۱ برای خرید یک مجموعه کالاها و خدمات یکسان، هزینه کرده‌اند. تورم نقطه به نقطه آبان ماه ۱۴۰۲ در مقایسه با ماه قبل، بدون تغییر بوده است. در آبان ماه ۱۴۰۲ تورم ماهانه خانوارهای کشور برابر ۲/۲ درصد بوده است. تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» یک درصد و برای گروه عمده «کالاهای غیرخوراکی و خدمات» ۷/۲ درصد بوده است. نرخ تورم سالانه کشور در آبان ماه ۱۴۰۲ در حالی ۹/۴۴ درصد اعلام شده که دامنه تغییرات آن برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از ۴۳ درصد برای دهک اول، تا ۳/۴۶ درصد برای دهک دهم است، بر این اساس فاصله تورمی دهک‌ها در این ماه به ۳/۳ واحد درصد رسید که نسبت به ماه قبل (۹/۱ واحد درصد) ۴/۱ واحد درصد افزایش داشته است. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در آبان امسال ۵۳ مواد غذایی با افزایش قیمت قابل توجهی روبرو شده است. این گزارش نشان می‌دهد گوشت گوسفند با افزایش ۱۴۹/۲ درصدی قیمت، بالاترین افزایش را طی یک سال گذشته داشته است. مقایسه قیمت خوراکی‌ها در فاصله مهر پارسال تا مهر امسال هم نشان می‌دهد که نرخ تورم نقطه به نقطه کالاهای خوراکی تازه در مهر امسال ۵۰/۱ درصد و سایر خوراکی‌ها ۲۰/۸ درصد رشد کرده است. افزایش نرخ تورم در مواد خوراکی هزینه زندگی دهک‌های پایین درآمدی را به شدت افزایش داده است. گزارش‌ها نشان می‌دهد که این شرایط برای دهک‌های میانی در حال تکرار است و حالا با افزایش نسبی تورم خدمات و کاهش نسبی تورم خوراکی‌ها، طبقات میانی و متوسط جامعه هم تحت فشارهای تورمی قرار گرفته‌اند. گزارش مرکز آمار همچنین نشان می‌دهد که نرخ تورم در ۹ استان کشور شامل یزد، چهارمحال و بختیاری، کردستان، لرستان، اصفهان، آذربایجان شرقی، کرمانشاه، خراسان شمالی و همدان همچنان بالای ۵۰ درصد است.

روزنامه «شرق» در شماره روز دوشنبه ششم آذرماه در گزارشی با عنوان «تورم آبان در نقطه هشدار» نوشته که بر اساس گزارش شاخص قیمت مصرف‌کننده آبان‌ماه امسال نرخ تورم ماهانه همچنان در ارقام بیش از دو درصدی باقی

→ ضمن اینکه هر بار که وی گذرنامه‌اش را تمدید می‌کرده، همین ادارات مسئول تأیید می‌کردند که او شهروند قانونی و تبعه‌ی این کشور بوده است. دکتر سبحانی گفت که پس از دریافت آن نامه شروع به کندوکاو در تاریخ خانواده‌اش کرده. او نمی‌توانست از والدینش سوال کند زیرا پدرش فوت کرده و مادرش دچار فراموشی شده است.

او گفت آنچه کشف کرده اینست که برادر بزرگترش زمانی که پدر خانواده دانشجوی نظامی در کانزاس بوده، در آن شهر به دنیا آمده و دچار نوعی بیماری مادرزادی بوده که نیاز به جراحی داشته است. پدرشان برای تمدید اقامت خانواده در کشور برای آن عمل جراحی، شغل موقتی در سفارت ایران پیدا کرد و در ماه‌های اکتبر و نوامبر ۱۹۶۱ در آنجا مشغول به کار شد. گواهی تولد نشان می‌دهد که سبحانی در همان نوامبر در مرکز پزشکی ارتش به نام «والتر رید» متولد شده است.

سبحانی در ادامه افزود که خانواده‌اش در کودکی چندین سال در ترکیه زندگی می‌کردند اما وی برای حضور در مدرسه مقدماتی جرج تاون به واشنگتن دی‌سی رفت و پس از دریافت دو لیسانس از دانشگاه واشنگتن و کالج بوستون در دانشکده پزشکی جرج تاون به تحصیل ادامه داد.

او تأکید کرد که نمی‌تواند در امنیت کامل در ایران زندگی کند زیرا علیه حکومت جمهوری اسلامی صحبت کرده و برادرش برای سنای آمریکا از مریلند در سال ۲۰۱۲ نامزد شده بود.

سبحانی در نامه‌ای از سناتور مارک آر. وارنر و نماینده ویرجینیا، جرال دای. کانولی، درخواست کمک نموده و نوشت که «بیشترین احترام را برای قوانین حاکم بر این کشور قائل است.» او همچنین خاطرنشان کرد که کار خود را وقف کمک به مردم در ویرجینیا و منطقه «دی سی» کرده و «مستقیماً در مراقبت از زندگی ده‌ها هزار نفر مشارکت داشته و با هیئتی فعال متشکل از بیش از ۳۰۰۰ بیمار همکاری داشته است.»

او نوشت: «فقط می‌توانم امیدوار باشم تأثیری که در ۳۰ سال گذشته در مراقبت از جامعه ویرجینیایی‌ها و رای‌دهندگان شما گذاشته‌ام، وزنه مهمی برای تمایل شما در تصمیم به حمایت و مداخله از جانب من داشته باشد.»

او نامه سناتور کانولی را که از سوی وی به یکی از مقامات سازمان تابعیت و مهاجرت ایالات متحده نوشته با این مضمون در اختیار خبرنگار «واشنگتن پست» گذاشت: «من اطمینان دارم که می‌توانید تصور کنید چقدر سخت است که در تمام دوران زندگی باور داشته‌اید شهروند ایالات متحده هستید و بعد بفهمید که چنین نیست. دفتر ما با احترام درخواست همه بررسی‌های ممکن را برای تسریع در این پرونده مطابق با قوانین و مقررات آمریکا دارد.»

سبحانی گفت که امیدوار است تا شش ماه دیگر تابعیت‌اش بازگردانده شود، اما نمی‌داند که آیا این انتظار واقع‌بینانه است یا نه. او نمی‌داند که آیا به‌موقع برای شرکت در مراسم عروسی پسرش در پرتغال پاسپورت خواهد داشت؟ یا اینکه می‌تواند به زودی با همسر خود راهی سفرهای دوران بازنشستگی شود؟ او نمی‌داند چه مدت بدون تابعیت خواهد ماند.

*منبع: واشنگتن پست

*نویسنده: ترزا وارگاس گزارشگر محلی واشنگتن پست

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

تشدید رصد حریم خصوصی شهروندان؛ نصب اجباری ردیاب در اتومبیل‌های کشور



● نمایندگان مجلس شورای اسلامی ماه گذشته راه‌اندازی سامانه‌ای را برای «رصد، پایش و سنجش مستمر شاخص‌های فرهنگ عمومی، سبک زندگی مردم، مرجعیت رسانه‌ای و وضعیت ارتباطات کشور» تصویب کردند.

● رصد و کنترل شهروندان به اشکال مختلف پس از اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ بیش از پیش در دستور کار نهادهای مختلف حکومتی قرار گرفته است.

وزارت دفاع جمهوری اسلامی «نقطه‌یاب بومی» طراحی کرده و قرار است اتومبیل‌های ایران همگی به این ردیاب‌ها تجهیز شوند. رصد شهروندان با مجهز شدن اتومبیل‌ها به ردیاب در حالیست که معاون قوه قضاییه این ابزار را به «پابند الکترونیکی» که برای زندانیان استفاده می‌شود تشبیه کرده است. اصغر جهانگیر معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرائم قوه قضاییه در نشست شورای عالی قوه قضاییه با اعلام خبر مجهز شدن اتومبیل‌های داخل کشور به ردیاب گفته «امروز در دنیا، خودروها به سمت هوشمندسازی رفتند و با داشتن GPS، عملاً امکان تخلف از خودروها گرفته شده است. بنابراین کروکی‌هایی که امروزه پس از تصادفات در داخل کشور کشیده می‌شود، منسوخ شده و خودروها پس از تصادف می‌توانند کروکی خود را صادر کنند.»

معاون قوه قضاییه افزوده که «پیگیری شده که این کار توسط خودروسازان داخلی نیز انجام شود. در حال حاضر وزارت دفاع نقطه‌یاب بومی طراحی کرده و اگر همانند پابند الکترونیکی که برای افراد استفاده می‌شود، امکان استفاده آن برای تمام خودروهای داخلی وجود داشته باشد، از راندگی پرخطر برخی افراد جلوگیری می‌شود. این اقدام، نقش قابل توجهی در کاهش آمار حوادث و تخلفات جاده‌ای خواهد داشت.» معاون قوه قضاییه در حالی بهانه‌ی مجهز شدن اتومبیل‌ها به ردیاب را کاهش تصادفات و ثبت کروکی عنوان کرده که وبسایت «تجارت نیوز» در گزارشی نوشته که «اتومبیل‌های خارجی امروزه از دوربین‌های ثبت وقایع استفاده می‌کنند که برای ثبت تصادفات راندگی کاربرد دارد. بنابراین اگر مسئله اصلی، آگاهی از نحوه وقوع تصادفات راندگی باشد، می‌توان از دوربین‌های ثبت وقایع روی محصولات داخلی استفاده کرد.» این گزارش تأکید کرده که هدف از چنین اقدامی همانطور که معاون قضاییه هم آن را با «پابند الکترونیک زندانیان» مقایسه کرده، انجام کنترل و نظارت بیشتر بر شهروندان است. «تجارت نیوز» نصب ردیاب بر اتومبیل‌ها را «مصادق‌ی از ورود به حریم شخصی تمامی افراد جامعه بوده که هیچ جرمی از سوی آنان صورت نگرفته است» ارزیابی کرده است. این گزارش افزوده که حتی اگر هدف اصلی، کنترل و نظارت افراد جامعه نباشد، باز هم مصرف‌کننده متضرر خواهد شد. چراکه بارها مشاهده شده، خودروساز داخلی با اضافه کردن آپشن بسیار جزئی روی محصولات خود، قیمت نهایی آن را به حد چشم‌گیری افزایش داده و خریدار نیز به‌ناچار، مجبور به پذیرش این موضوع شده است. بنابراین پیش از اتخاذ چنین تصمیمی، باید همه جوانب اجتماعی و اقتصادی آن را سنجید.

رصد و کنترل شهروندان به اشکال مختلف پس از اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ بیش از پیش در دستور کار نهادهای مختلف حکومتی قرار گرفته است. مجلس شورای اسلامی و دولت نیز با تصویب طرح‌ها و قوانینی مسیر سرکشی حکومت

به حریم شخصی و خصوصی شهروندان را هموار کرد. برای نمونه نمایندگان مجلس شورای اسلامی ماه گذشته راه‌اندازی سامانه‌ای را برای «رصد، پایش و سنجش مستمر شاخص‌های فرهنگ عمومی، سبک زندگی مردم، مرجعیت رسانه‌ای و وضعیت ارتباطات کشور» تصویب کردند. بر اساس این مصوبه، وزارت ارشاد مکلف شده با همکاری صداوسیما دولتی و مرکز آمار ایران نسبت به راه‌اندازی این سامانه اقدام کنند. هدف این مصوبه «ایجاد بستر مناسب برای آینده‌پژوهی» اعلام شده است. این مصوبه در جریان بررسی جزئیات لایحه برنامه هفتم توسعه مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت با ۱۶۲ رأی موافق، ۱۰ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع از مجموع ۲۲۰ نماینده حاضر در صحن با آن موافقت کردند.

در صورت تأیید این مصوبه توسط شورای نگهبان، همه پلت‌فرم‌های داخلی مورد استفاده مردم موظف می‌شوند جزئی‌ترین مسائل شخصی تک‌تک کاربران خود را، اعم از رفت‌وآمدهای درون و بیرون شهری، هر وسیله‌ای که خرید و فروش می‌کنند و حتی غذا و محصولاتی را که از سوپرمارکت سفارش می‌دهند، به صورت مستمر به این سامانه گزارش کنند.

اوایل آبان نیز نمایندگان مجلس شورای اسلامی، در بررسی گزارش کمیسیون تلفیق لایحه برنامه هفتم وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات را مکلف کردند که با وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران و همچنین سازمان پدافند غیرعامل «همکاری کامل» داشته باشند. بر این اساس اعلام شده است که وزارت ارتباطات و وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و دیگر سازمان‌ها نسبت به ارائه «خدمات امن‌سازی و ارزیابی و رتبه‌بندی سالانه امنیت سایبری» دستگاه‌های اجرایی اقدام کنند. در بخشی مربوط به این مصوبه در لایحه برنامه هفتم توسعه آمده که «دلیل لزوم همکاری این وزارتخانه با

نهادهای امنیتی، «ارائه خدمات امن‌سازی و ارزیابی و رتبه‌بندی سالانه امنیت سایبری دستگاه‌های اجرایی مطابق استانداردها و ضوابط مصوب کمیته دائمی پدافند غیرعامل کشور که توسط شورای عالی فضای مجازی ابلاغ می‌شود» اعلام شده است. «در پی این مصوبه و واکنش شهروندان که چنین اقداماتی را نقض حریم خصوصی و امنیتی کردن بیش از پیش فضای کشور عنوان می‌کردند، عیسی زارع‌پور وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی اعلام کرده بود که همکاری این وزارتخانه با نهادهای امنیتی «چیز جدیدی» نیست. عیسی زارع‌پور گفته که در تقسیم کار برای امنیت، نهادهای مختلفی در حوزه تأمین امنیت مسئول هستند که به گفته او «یکی از آنها وزارت ارتباطات است و بقیه دستگاه‌ها هم هستند.»

جدا از آثار منفی چنین مصوباتی بر افکار عمومی و ایجاد پتانسیل‌های اعتراضی در میان مردم، فعالان کسب‌وکارهای اینترنتی نیز چنین مصوباتی را تیر خلاص حکومت بر پیکر نیمه‌جان استارت‌آپی ایران ارزیابی می‌کنند. در همین رابطه ضا الفت‌نسب دبیر انجمن کسب‌وکارهای آنلاین به عصر آنلاین گفت که ماده ۷۵ لایحه برنامه هفتم توسعه می‌تواند به منزله تیر خلاص بر پیکر استارت‌آپ‌ها و مشاغل آنلاین باشد. بیشتر نیز حامد بیدی مدیر عامل پلتفرم «کارزار» درباره ماده ۷۵ لایحه برنامه هفتم گفته بود که «همان تبعاتی که طرح صیانت داشت، تصویب ماده ۷۵ لایحه برنامه هفتم توسعه هم خواهد داشت. در زمینه پیام‌رسان‌ها پروژه‌ها موفق نبود، چون مردم نسبت به رصد اطلاعات خود بی‌اعتماد بودند.»

حامد بیدی افزوده بود که «همین حالا مردم از بسیاری از پلتفرم‌های داخلی بدون نگرانی استفاده می‌کنند، به محض آنکه بفهمند همان اتفاقی که در پیام‌رسان‌ها افتاد برای سایر پلتفرم‌ها هم تکرار می‌شود، طبیعی است که بی‌اعتماد می‌شوند. نتیجه این بی‌اعتمادی در کوتاه‌مدت افزایش نارضایتی و رنجش مردم و مهاجرت می‌شود.»

پروانه معصومی بازیگر سینما و تلویزیون درگذشت از «رگبار» بهرام بیضائی تا دیدار با علی خامنه‌ای



پروانه معصومی در دیدار با علی خامنه‌ای



پروانه معصومی پیش از انقلاب ۵۷

با وجود انتقادهایی که درباره این دیدار از پروانه معصومی شد او در ادامه در گفتگو با خبرنگاری «تسنیم» از حضورش با چادر در دیدار با خامنه‌ای و مجیزگویی او دفاع کرد و گفت: «رهبان انقلاب را دوست دارم و همیشه هم گفته‌ام از روی اجبار کاری نکرده‌ام. چرا که یک کسی به من گفت به زور شما را بردند و گفتم من با «سر» رفتم.»

او همچنین برخلاف واقعیات موجود در سخنانی عجیب گفته بود که «انقلاب [۵۷] باعث شد که کشور ما یک هویت محکمی در دنیا پیدا کند. ایران یک اسم قابل احترامی در دنیا شد برای کسانی که می‌دانند احترام یعنی چه؟ انقلاب باعث شد من اگر به خارج از ایران می‌روم و ایرانی هستم به این ایرانی بودن افتخار کنم.»

پروانه معصومی همچنین در دی‌ماه ۹۳ در پنجمین جشنواره فیلم «عمار» برای بازی در فیلم «اشک مادر» مورد تقدیر قرار گرفت. جشنواره فیلم «عمار» توسط نیروهای افراطی حامی جمهوری اسلامی از جمله نادر طالب‌زاده به راه افتاده است.

پروانه معصومی در این جشنواره نیز در سخنانی عنوان کرد که این جایزه بیشتر از دو جایزه جشنواره «فجر» او را خوشحال کرده است. جشنواره «فجر» نیز یک نمایش حکومتی است که فیلم‌های سانسور شده در آن به نمایش در می‌آیند.

وی همچنین پس از آنکه تصویری از دیدار او و شمار دیگری از هنرمندان با شهبانو فرح پهلوی منتشر شد، مدعی شد که «این عکس مربوط جشنواره فیلم تهران است. زمانی که فرح برای بازدید به آنجا مراجعه کرده بود عوامل سینمایی ما را تهدید کردند که حتما باید در این مراسم حضور داشته باشیم در غیر اینصورت برایمان گران تمام می‌شود!»

● پروانه معصومی که به دلیل پارگی روده در بیمارستان بستری بود، به عفونت ریه مبتلا و پس از انتقال به آی‌سی‌یو بامداد ششم آذرماه درگذشت.

● فیلم‌های «بی‌تا»، «شهر قصه»، «غریبه و مه» و «کلاغ» از جمله فیلم‌هایی بودند که پروانه معصومی پیش از انقلاب ۵۷ در آنها ایفای نقش کرد. او در فیلم «رگبار» ساخته بهرام بیضایی نیز به عنوان نقش اول زن بازی کرد.

● پروانه معصومی درباره دیدارش با علی خامنه‌ای گفته بود: رهبان انقلاب را دوست دارم و همیشه هم گفته‌ام از روی اجبار کاری نکرده‌ام. چرا که یک کسی به من گفت به زور شما را بردند و گفتم من با «سر» رفتم.

سکینه کبودآهنگی با نام هنری پروانه معصومی بازیگر سینما و تلویزیون روز دوشنبه ۶ آذرماه در سن ۷۹ سالگی درگذشت.

رسانه‌های داخلی در ایران امروز دوشنبه ۶ آذرماه ۱۴۰۲ خبر دادند پروانه معصومی بازیگر سینما و تئاتر درگذشت.

پروانه معصومی چند سال بود در استان گیلان زندگی می‌کرد و طی روزهای گذشته به دلیل پارگی روده در بیمارستانی در صومعه‌سرا بستری بود.

بر اساس گزارش‌های منتشر شده پروانه معصومی در بیمارستان به عفونت ریه مبتلا و پس از انتقال به آی‌سی‌یو بر اثر وخامت حال جسمی بامداد امروز درگذشت.

نعیمه نظام‌دوست دیگر بازیگر سینمای ایران امروز در حساب کاربری خود در اینستاگرام با اعلام خبر درگذشت پروانه معصومی نوشت که روز یکشنبه از طریق مدیر برنامه‌های این بازیگر سینما متوجه بستری شدن او در بیمارستان شده است.

نعیمه نظام‌دوست نوشته که «خداحافظ بانوجان مهربانم، سفرتون سبز، خانم‌جان، بانو پروانه معصومی مهربانم، سال‌هاست افتخار شاگردی شما رو داشتم، سریال پلیس جوان و دریایی‌ها و ساکن کلبه چوبی که مدت دو ماه در لاهیجان با هم زندگی کردیم، کلی خاطرات زیبا ازتون به یاد دارم. شما به شدت مهربان ولی جدی بودین. سیدمهدی حقی مدیر برنامه‌هاتون و دوست خوب من دیروز بهم اطلاع داد که در بیمارستان بستری هستین ازش خواستم که تلفنی باهاتون حرف بزنم، الان که شماره‌اش و دیدم فکر کردم که شما اجازه دادین باهاتون حرف بزنم ولی دریغاً که عمر مجال نداد برای خداحافظی.»

سکینه کبودآهنگی با نام هنری پروانه معصومی یازدهم اسفندماه ۱۳۲۳ در تهران متولد شد. او در دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه ملی ایران در مقطع کارشناسی تحصیل و سپس برای مدتی برای ادامه تحصیل به آلمان رفت.

پروانه معصومی در آلمان با مسعود معصومی که آن زمان دانشجوی عکاسی بود آشنا شد و با هم ازدواج کردند. آنها پس از تحصیلات مسعود معصومی به ایران بازگشتند و پروانه معصومی از اوایل دهه پنجاه خورشیدی وارد فعالیت هنری شد.

فیلم‌های «بی‌تا»، «شهر قصه»، «غریبه و مه» و «کلاغ» از جمله فیلم‌هایی بودند که پروانه معصومی پیش از انقلاب ۵۷ در آنها ایفای نقش کرد. او در فیلم «رگبار» ساخته بهرام بیضایی به عنوان نقش اول زن بازی کرد.

پروانه معصومی از جمله هنرمندانی بود که پس از انقلاب ۵۷ نیز در سینما و تلویزیون جمهوری اسلامی مشغول به فعالیت بود.

«ناخدا خورشید»، «جهیزیه‌ای برای رباب»، «طوبی»، «چمدان»، «گل‌های داوودی»، «کلاغ»، «ترنج»، «وعده دیدار» و «مسافر ری» از جمله فیلم‌های پروانه معصومی پس از انقلاب ۵۷ به شمار می‌روند. «سال‌های خاکستری»، «امام علی»، «کوچک جنگلی»، «یوسف پیامبر»، «نشانی»، «سوخته‌دلان»، «مینو»، «ماه عسل» و «همشاگردی‌ها» نیز از آثار تولید شده برای صداوسیما جمهوری اسلامی هستند که پروانه معصومی در آنها بازی کرد.

او برای حضور در فیلم‌های سینمایی «گل‌های داوودی» (۱۳۶۳)، «جهیزیه‌ای برای رباب» و «شکوه زندگی» (هر دو در ۱۳۶۶) برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر زن جشنواره فیلم «فجر» شده بود.

در این میان مواضع سیاسی و اقدامات پروانه معصومی در سال‌های گذشته با واکنش‌هایی از سوی افکار عمومی روبرو شده بود. او در سال ۱۳۸۹ و یک سال پس از اعتراضات سال ۸۸ با پوشش چادر مشکی در مراسم دیدار با رهبر جمهوری اسلامی شرکت کرد.

پروانه معصومی در سخنانی عجیب در دیدار با علی خامنه‌ای خطاب به رهبر جمهوری اسلامی گفته بود: «می‌دانم بعد از دیدار با شما مردم نوع دیگری به من نگاه می‌کنند چرا که نیم ساعت زیر سقفی نفس کشیده‌ام که شما نفس کشیده‌اید.»

گم شدن روزانه چهارهزار تن گاز مایع در ایران! یک کارشناس نفت: این اتفاق در فرآورده‌های نفتی نیز می‌افتد!

● در نیمه آبان‌ماه یک عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در یکی از برنامه‌های صداوسیما جمهوری اسلامی از گم شدن روزانه چهار هزار تن گاز مایع در کشور خبر داده بود.

● فرزین سوادکوهی کارشناس انرژی، وزارت نفت نمی‌تواند ادعا کند که من از آن بی‌اطلاع هستم و نمی‌دانم گاز گم‌شده از کجا سر در می‌آورد!

● فرشاد مؤمنی اقتصاددان: وقتی خودتان می‌گویید که لوله‌های چنداینچی برای این کار وجود دارد، آن سیستم امنیتی که می‌تواند ریگی را از آسمان پایین بیاورد، چطور این فرآیند ساخت و انتقال را متوجه می‌شود؟!»

یک نماینده مجلس شورای اسلامی از بی‌اطلاعی وزارت نفت درباره سرنوشت ۴ هزار تن گاز مایع خبر داده که هر روز در چرخه تولید و توزیع کشور ناپدید می‌شود. این میزان گاز مایع گم‌شده در هر روز معادل دو برابر مصرف داخلی است.

مالک شریعتی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در نیمه آبان‌ماه در یکی از برنامه‌های صداوسیما جمهوری اسلامی از گم شدن روزانه چهار هزار تن گاز مایع در کشور خبر داد.

نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی در این برنامه تلویزیونی درباره آخرین وضعیت اختصاص گاز مایع برای سوخت اتومبیل‌ها پیرامون تعارض منافع در میان شرکت‌های تابع وزارت نفت و ضرورت اصلاح رابطه مالی میان آنها و همچنین مدیریت توزیع گاز مایع توضیحاتی ارائه داد.

او گفت: «آقای سالاری، مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده نفتی، خطاب به یکی از معاونان وزارت نفت، نوشته است روزانه ۲۵۰۰ تن گاز مایع، تکافوی نیاز مصرف‌کنندگانی که به شبکه گاز طبیعی دسترسی ندارند را خواهد نمود، بنابراین از متوسط ۶ هزار و ۵۰۰ تن تولید روزانه گاز مایع در ۱۰ پالایشگاه ما، ۴ هزار تن قابلیت صادرات و یا استفاده در خودروها را دارد.»

مالک شریعتی در ادامه و در پاسخ به این پرسش که ۴ هزار تن دیگر در کجا مصرف می‌شود، گفت که «اکنون خود وزارت نفت هم نمی‌داند این ۴ هزارتن کجا می‌رود!»

حالا وبسایت «جماران» در گزارشی نوشته که موضوع «گم شدن» روزانه ۴ هزارتن گاز مایع در نامه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۲ از سوی معاون وزیر نفت مورد اشاره قرار گرفته اما روشن نیست به چه علتی در شش ماه گذشته این مسئله بررسی نشده تا پاسخی برای آن داده شود!

فرزین سوادکوهی کارشناس نفت و گاز در رابطه با گم شدن حجم بزرگی از گاز مایع در کشور به «جماران» گفته که «در حوزه حامل‌های انرژی، از برق گرفته تا منابع هیدروکربنی، در عین اینکه نقشه راه درستی تدوین نکرده‌ایم، شفافیتی نیز وجود ندارد. دستگاه‌ها به بهانه اینکه ما در شرایط تحریمی قرار داریم، این اطلاعات را منتشر نمی‌کنند! بنابراین هر گونه گمانه‌زنی درباره سرنوشت این میزان گاز گم شده، می‌تواند در عین حال درست باشد؛ چراکه هیچ پایه‌ای برای دریافت اطلاعات درست در خصوص میزان تولید و نحوه توزیع نفت و گاز وجود ندارد.» این کارشناس نفت و گاز، در توضیحاتی تکانه‌دهنده از نبود



به ساختار اداری نفت کشور، اهداف خود را پیش می‌برند! قاچاق سوخت در ایران موضوعی است که از سال‌ها پیش مطرح شده اما مقامات جمهوری اسلامی تلاش دارند این قاچاق گسترده را به انتقال چند گالن بنزین توسط سوختبران در استان سیستان و بلوچستان کاهش داده تا مجبور نباشند درباره مافیاهای بزرگ وابسته به حکومت توضیحی ارائه کنند. ارقام اعلام شده برای قاچاق سوخت اما ارقامی است که هیچ فرد و بانندی نمی‌تواند بدون داشتن شبکه‌ای گسترده در حکومت آن را انجام دهد.

آبان‌ماه امسال رسانه‌های داخلی از کشف ۶۰ کیلومتر خط لوله زیرزمینی قاچاق سوخت خبر دادند و نوشتند نیروی انتظامی در این عملیات ۱/۷ میلیون لیتر سوخت قاچاق نیز کشف کردند. پیش از این نیز خبرهایی درباره کشف خطوط لوله انتقال سوخت قاچاق منتشر شده بود. بدون شک افراد عادی بدون داشتن همکاری در بخش‌های مختلف حکومت توان ده‌ها کیلومتر لوله‌گذاری برای انتقال سوخت قاچاق را ندارند.

این موضوع از سوی فرشاد مؤمنی اقتصاددان اصلاح‌طلب نیز مطرح شده است. او گفته «قاچاق بنزین و گازوییل از طریق زیر زمین با گذاشتن در جیب صورت نمی‌گیرد، وقتی خودتان می‌گویید که لوله‌های چنداینچی برای این کار وجود دارد آن سیستم امنیتی که می‌تواند ریگی را از آسمان پایین بیاورد، چطور این فرآیند ساخت و انتقال را متوجه می‌شود؟!»

این اقتصاددان گفته «کالاهایی را قاچاق اعلام و ممنوع‌الورود می‌کنند، بعد گزارش‌های رسمی نشان می‌دهند در برخی زمینه‌ها ۵۰ درصد بازار کشور تحت پوشش این کالاها است. پس این چه قاچاقی است؟ اکنون نیز زرمه‌هایی برای افزایش قیمت حامل‌های انرژی مطرح می‌شود و کسانی دوباره بحث قاچاق آن را مطرح می‌کنند.»

هیچ آمار و شفافیتی درباره تولید و توزیع گاز خبر داده و گفته که «سال‌هاست که گروه‌هایی از این خلاء اطلاعاتی و عدم شفافیت سود می‌برند. ما اساساً برای حوزه انرژی، نقشه راه نداریم. روشن نیست که قرار است چه میزان تولید شود و چه میزان گاز فلر داریم که سوزانده می‌شود. درباره اینکه چه میزان گاز روی فلرها سوزانده می‌شود، آمار و ارقامی هست اما در اینکه گاز اضافه بر مصرف تولید شده، چه می‌شود، اطلاعات دقیقی در دست نیست.»

او با بیان اینکه بسیاری از کارشناسان صنایع نفت و گاز، اعتقاد دارند، این میزان گاز مفقود شده، به دست رانتخواه‌ها می‌رسد و افرادی هستند که از این ماجرا سود می‌برند گفته که «این میزان می‌تواند قاچاق شود و یا به بعضی واحدها تحویل داده شوند. از آنجا که ما سیستم آمایش و تهیه اطلاعات درستی نداریم، این اتفاق در خط لوله‌های فرآورده‌های نفتی نیز می‌افتد. بارها خبرهایی منتشر شده که سرقت‌هایی از لوله‌های فرآورده‌های نفتی انجام شده و مدت‌ها بعد متوجه شده‌ایم!»

این کارشناس نفت و گاز ادعای مالک شریعتی را درباره اینکه وزارت نفت نمی‌داند ۴ هزار تن گاز مایع چه می‌شود رد کرده و گفته «وزارت نفت نمی‌تواند ادعا کند که من از آن بی‌اطلاع هستم و نمی‌دانم گاز گم شده، از کجا سر در می‌آورد! اگر شما مسئول تامین حوزه‌های گازی و نفتی کشور هستید، باید نظام توزیع نیز در کنترل شما باشد. چطور ممکن است این حجم بالا از ثروت کشور مکرراً، مفقود شود و ما از آن بی‌اطلاع باشیم!»

او همچنین آمارهایی را که درباره قاچاق سوخت توسط سوختبران در سیستان و بلوچستان ارائه می‌شود مبهم دانسته و گفته با هیچ عقلی پذیرفتنی نیست که تعداد محدودی از افراد این کار را می‌کنند. این حجم بالای قاچاق، روشن می‌کند دست‌های پنهانی با ایجاد رانت و نفوذ کردن

روزنامه «نیویورک پست»: آریانه طباطبایی در ارتباط با پرونده «عملیات نفوذ رژیم ایران» تحت بازجویی قرار دارد



آریانه طباطبایی

مورد طباطبایی در روز چهارشنبه تأیید کرد، اما گفت که قادر به پاسخ دادن در مهلت اعلام شده توسط این رسانه نیست.

منابع می‌گویند بسیار غیرعادیست که این تحقیقات تا این حد طولانی شده است در حالی که طباطبایی همچنان به سیستم‌های کامپیوتری وزارت دفاع دسترسی دارد و ورود او به پنتاگون آزاد است، با اینکه ایمیل‌های فاش شده وی که توسط مؤسسه «سمافور» دو ماه پیش گزارش شد نشان می‌داد او در ارتباط منظم با مقامات ارشد ایرانی بوده و تحت حمایت آنها بوده است. طباطبایی مدت‌ها دستیار رابرت مالی فرستاده ویژه ایران در وزارت خارجه ایالات متحده بود که مجوز امنیتی او نیز بنا به دلایل امنیتی به حالت تعلیق درآمد.

روزنامه «نیویورک پست» در این گزارش می‌نویسد رابرت مالی از طراحان توافق فاجعه‌بار اتمی دولت اوباما با جمهوری اسلامی در سال ۲۰۱۵ است.

ران جانسون سناتور ویسکانسین و ۳۰ جمهوریخواه دیگر سنا در ماه سپتامبر نامه‌ای به پنتاگون ارسال کردند و خواستار لغو مجوز امنیتی طباطبایی شدند، اما هیچ پاسخی دریافت نکردند.

جانسون به «نیویورک پست» گفت: «حمله وحشیانه حماس در هفتم اکتبر به طرز غم‌انگیزی حماقت سیاست مداخلات این دولت با رژیم ایران را به نمایش گذاشت. شاید الان نگرانی ما را در مورد ارتباط خانم طباطبایی با حکومت ایران جدی بگیرند. من دست از پیگیری این ماجرا برمی‌دارم.»

طی گزارشی که این ماه به کنگره و کاخ سفید رسیده است، طباطبایی و دیگر اعضای شبکه نفوذ تحت حمایت رژیم تهران، مأموریت‌شان انتشار اطلاعات نادرست در مورد نیات رژیم ایران و تضعیف جریان اصلی ضد حکومت مالاها در دولت آمریکا بوده است.

نگرانی از وضعیت طباطبایی به «نیویورک پست» گفته «با وجود تحقیقات ضدجاسوسی، وی توانسته مجوز امنیتی خود را حفظ کرده و همچنین دوره آموزشی پنج ماهه‌ی خود را در مرکز اشراف اطلاعات در دام نک (ویرجینیا) به پایان رسانده است.»

این افسر می‌گوید که «طباطبایی در نقش افسر اطلاعاتی ذخیره به اطلاعات حساسی مانند فهرست کارکنان و حرکت کشتی‌ها و زیردریایی‌های آمریکایی در خلیج فارس دسترسی پیدا می‌کند که همه اینها در میانه‌ی درگیری کنونی غزه به وضوح مورد علاقه رژیم ایران است.»

این افسر می‌گوید: «نیروی دریایی او را بطور فعال به عنوان یک افسر اطلاعاتی آموزش داده تا همواره وی را در دسترس داشته باشد و به همین دلیل نه فقط به آنچه در شغل غیرنظامی خود دارد، بلکه می‌بایست به تمام اطلاعات ضروری که یک واحد ذخیره دارد دسترسی داشته باشد.»

وی همچنین توضیح داد که «این [نقش] ذخیره نیروی دریایی به او اجازه دسترسی بیشتری می‌دهد. هرکسی که او با آنها در حوزه اطلاعاتی نیروی دریایی تماس دارد، اکنون بطور بالقوه خارج شده است.»

این افسر می‌گوید دسترسی امنیتی طباطبایی منبع نگرانی مداوم در میان همکاران بوده، به‌ویژه اینکه «تحقیقات درباره وی برای مدت طولانی ادامه داشته است... این یک خطر آشکار است که حتی اگر [تحقیق] به او حق دادرسی را بدهد، مجوز او همچنان باید در حالت تعلیق باشد و او نباید هیچگونه دسترسی برای رفتن به پنتاگون یا هر تأسیسات نظامی دیگری داشته باشد.»

گزارش شده است که افسرانی از تحقیقات طباطبایی خارج شده و معلوم نیست کدام نهاد امنیتی مسئول تحقیق درباره او شده است.

اف‌بی‌آی به سؤالات «نیویورک پست» در اینباره پاسخ نداده است. پنتاگون دریافت سؤالات این روزنامه را در

● روزنامه «نیویورک پست» فاش کرده «آریانه طباطبایی نه تنها منشی کریستوفر مایر معاون وزیر دفاع آمریکا در عملیات‌های ویژه است، بلکه به گفته منابع نیروی دریایی، او اخیراً به عنوان افسر ذخیره اطلاعات نیروی دریایی دوره دیده است.»

● یکی از افسران همکار که درخواست نامش شود با ابراز نگرانی از وضعیت طباطبایی به «نیویورک پست» گفته «با وجود تحقیقات ضدجاسوسی، وی توانسته مجوز امنیتی خود را حفظ کند و دوره آموزشی پنج ماهه‌ی خود را در مرکز اشراف اطلاعات در دام نک (ویرجینیا) به پایان رسانده است.»

● این افسر می‌گوید که «طباطبایی در نقش افسر اطلاعاتی ذخیره به اطلاعات حساسی مانند فهرست کارکنان و حرکت کشتی‌ها و زیردریایی‌های آمریکایی در خلیج فارس دسترسی پیدا می‌کند که همه اینها در میانه‌ی درگیری کنونی غزه به وضوح مورد علاقه ایران است.»

روزنامه «نیویورک پست» گزارش داده آریانه طباطبایی که در حال حاضر با مجوز امنیتی در بالاترین سطح در پنتاگون فعال است، در ارتباط با پرونده «عملیات نفوذ رژیم ایران» در نهادهای دولتی آمریکا تحت بازجویی قرار دارد.

در این گزارش که ۲۲ نوامبر (اول آذرماه) منتشر شد آمده است که در پی هراس تروریستی در مورد اتومبیلی که در یک ایست بازرسی مرزی ایالات متحده و کانادا در روز چهارشنبه منفجر شد، سیاست غیرقابل توجیه دولت جو بایدن در مورد تهدیدات امنیت ملی باید پایان پیدا کند. در حالی که فرماندار نیویورک در ارتباط با این حادثه می‌گوید که افسرانی احتمالاً یک حمله تروریستی را رد کرده اما نگرانی‌های اولیه همزمان با «هشدار در مورد افزایش تهدیدات تروریستی» که از قبل داده شده بود افزایش پیدا کرده است. به ویژه آنکه این اتومبیل پر از مواد منفجره به سوی نیویورک در حرکت بوده است.

«نیویورک پست» در ادامه با اشاره به سیاست مداخلات دولت آمریکا با عوامل جمهوری اسلامی حتا پس از حمله تروریستی هفتم اکتبر حماس علیه اسرائیل تأکید می‌کند که رژیم ایران به عنوان بزرگترین حامی تروریسم در جهان حامی گروه حماس است.

با این مقدمه گزارش نیویورک پست به وضعیت آریانه طباطبایی می‌پردازد و می‌نویسد وی که به عنوان دستیار مقامات ارشد وزارت دفاع دولت بایدن با مجوز امنیتی مشغول به کار بوده است در ارتباط با پرونده «عملیات نفوذ رژیم ایران» که شاخه‌های آن تا عمق نهادهای نظامی و دیپلماتیک واشنگتن رسیده، تحت بازجویی قرار دارد اما هیچ فردی در دولت بایدن مایل نیست دلیل آن را توضیح دهد.

روزنامه «نیویورک پست» فاش کرده «آریانه طباطبایی نه تنها منشی کریستوفر مایر معاون وزیر دفاع آمریکا در عملیات‌های ویژه است، بلکه به گفته منابع نیروی دریایی، او اخیراً به عنوان افسر ذخیره اطلاعات نیروی دریایی دوره دیده است.»

یکی از افسران همکار که درخواست نامش شود با ابراز

حکومت تباہکاران و بی‌سوادان ۲۳ غلط‌املائی و انشایی در لایحه «حجاب و عفاف»



در ماده ۴۷ این لایحه نیز آمده که «بدپوششی در مورد زنان عبارت است از پوشیدن لباس بدن‌نما یا تنگ یا لباسی که قسمتی از بدن پایین‌تر از گردن یا بالاتر از مچ پا یا بالاتر از ساعد دست‌ها دیده شود». شورای نگهبان اما واژه‌های «تنگ» و «بدن‌نما» را دارای ابهام ارزیابی کرده است.

در ماده ۶۶ نیز آمده که کلیه احکام و تکالیف مذکور در این قانون درخصوص فضای مجازی نیز مجری است مگر آنکه خلاف آن تصریح شده باشد. شورای نگهبان در ایراد به این ماده نوشته که «در ماده ۶۶، عموم همسان‌سازی احکام این لایحه درخصوص فضای مجازی با توجه به تنوع احکام، قیود مختلف این لایحه نسبت به فضای غیرمجازی، عدم امکان اجرا و عدم تناسب بسیاری از این احکام با فضای مجازی، مغایر شرع و بند ۱۰ اصل سوم قانون اساسی شناخته شد.»

محسن برهانی حقوقدان در واکنش به ایرادهای شورای نگهبان به لایحه عفاف و حجاب در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: شورای نگهبان غیر از ایرادات شکلی و ویرایشی، ۷۸ مورد ابهام، ۲۳ مورد مغایرت با قانون اساسی، ۱۰ مورد مغایرت با شرع و ۵ مورد مغایرت با سیاست‌های کلی نظام را در خصوص مصوبه حجاب و عفاف مطرح کرده است؛ ۱۱۶ ایراد به ۷۰ ماده!»

این وکیل دادگستری در ادامه نوشته که «خسته نباشید عرض کنیم به کمیسیون قضایی و مرکز پژوهش‌های مجلس با چنین رکوردشکنی تقنینی! نازه اشکالات جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی و فلسفه حقوقی این افتتاح تقنینی در شورای نگهبان رسیدگی نمی‌شود و در عمل آشکار می‌شود.»

«لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» اواخر سال گذشته از سوی قوه قضاییه تدوین و به دولت ارائه شد. این لایحه به سرعت و طی

شهرودان و کسب و کارها در نظر گرفته است. در ماده ۳۶ لایحه حجاب آمده است هر فردی «به صورت سازمانیافته مرتکب ترویج یا تبلیغ برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی یا بدپوششی گردد» علاوه بر حبس به توقیف گذرنامه نیز محکوم خواهد شد. شورای نگهبان به این ماده ایراد گرفته و گفته است: «از این جهت که توقیف گذرنامه در چه ظرف و شرایطی انجام می‌شود و آیا شامل مواردی که ضرورت برای خروج از کشور وجود دارد می‌شود یا خیر، ابهام دارد.»

ماده ۴۰ لایحه حجاب و عفاف می‌گوید: «در صورتی که در محل کسب، حرفه یا شغل مجازی یا غیرمجازی، صاحبان یا کارکنان آن‌ها به هر ترتیب مرتکب برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی یا بدپوششی شوند علاوه بر اعمال مجازات مقرر برای مرتکب صاحب حرفه یا شغل، در مرتبه اول به جزای نقدی درجه پنج یا دو ماه سود ناشی از درآمد آن شغل، هر کدام بیشتر باشد، و به تشخیص قاضی ممنوعیت از خروج از کشور شش ماه تا دو سال و در مراتب بعدی به جزای نقدی درجه چهار یا چهار ماه سود ناشی از درآمد آن شغل هر کدام بیشتر باشد و ممنوعیت از خروج از کشور شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد.»

ایراد شورای نگهبان در مورد ماده ۴۰ می‌گوید: «اطلاق حکم به مجازات صاحب حرفه در موارد مذکور، نسبت به مواردی که صاحب حرفه با مرتکبین برخورد لازم را انجام داده است یا رفتارهای مذکور قابل انتساب به وی نباشد، مغایر شرع و بند ۱۰ اصل سوم قانون اساسی شناخته شد.»

شورای نگهبان همچنین برخی از مواد قانون حجاب را مصداق «گرفتن تاوان گناهکار از بی‌گناه» دانسته و به ماده ۴۷ این لایحه نیز ایراد گرفته و گفته کلمات «تنگ» و «بدن‌نما» در این ماده مبهم است.

سه سال اجرای آزمایشی لایحه با تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی آغاز شده اما شورای نگهبان هنوز آن را تصویب نکرده و بنابراین به قانون تبدیل نشده است. این لایحه با بندهای مختلف و فراگیر از مدارس تا سازمان‌های دولتی و معابر شهری، محدودیت‌های گسترده‌ای علیه شهروندان به ویژه زنان در نظر گرفته است. لایحه حجاب و عفاف که از جمله طرح‌های مهم حکومتی برای تشدید فضای امنیتی در جامعه و محدود ساختن بیشتر شهروندان است، از سوی شورای نگهبان با ۱۰۹ ابهام و ۲۳ غلط‌املائی در متن به مجلس شورای اسلامی بازگردانده شد. لایحه حجاب و عفاف به عنوان یکی از اقدامات حکومت پس از اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱، از سوی قوه قضاییه تدوین و با تصویب در دولت به مجلس شورای اسلامی ارائه شده بود، این لایحه همچنان بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در حال پاسکاری است.

در این لایحه با بندهای مختلف و فراگیر از مدارس تا سازمان‌های دولتی و معابر شهری، محدودیت‌های گسترده‌ای علیه شهروندان به ویژه زنان در نظر گرفته شده است. اجرای آزمایشی این لایحه با تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی آغاز شده اما شورای نگهبان هنوز آن را تصویب نکرده و بنابراین به قانون تبدیل نشده است.

روزنامه «فرهیختگان» در گزارشی با عنوان «مهره دیکته لایحه حجاب منفی شد» ایرادهای شورای نگهبان به لایحه حجاب را منتشر کرده و نوشته «شورای نگهبان علاوه بر ۱۰۹ ایراد، ۲۳ تذکر نیز به متن لایحه الصاق کرده که نشان می‌دهد لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب علاوه بر محتوا به لحاظ املائی نیز لنگ می‌زند.»

بر اساس این گزارش، جنجالی‌ترین فصل لایحه عفاف و حجاب فصل پنج آن است که مجازات‌های مختلفی را برای

اعدام ایوب کریمی پس از ۱۴ سال در زندان قزل حصار کرج



۸ آذرماه، حکم اعدام ایوب کریمی، زندانی اهل سنت کرد، به همراه شش زندانی دیگر به اجرا درآمد. این سازمان افزوده که اطلاعات بیشتر در خصوص اعدام شش زندانی دیگر جداگانه منتشر خواهد شد.

ایوب کریمی در یک پرونده مشترک به همراه انور خضری، داوود عبداللہی، فرهاد سلیمی، خسرو بشارت، کامران شیخه و قاسم آسته در بهمن ماه ۱۳۸۸ بازداشت و برای طی مراحل بازجویی به ارومیه و سپس زندان اوین تهران منتقل شدند. پس از مدتی در سال ۱۳۹۱ این زندانیان از زندان اوین به زندان «رجایی‌شهر» کرج منتقل شده و سپس با تعطیلی این زندان در سال جاری، به زندان قزل حصار کرج انتقال یافتند.

یکی از هم‌پرونده‌های ایوب کریمی که قاسم آسته نام داشت، در تاریخ ۱۴ آبان ماه سال جاری در زندان قزل حصار کرج اعدام شد.

ایوب کریمی به اتهام «محرابه» و «افساد فی الارض» از طریق «اقدام مسلحانه و عضویت در یک گروه سلفی جهادی» به اعدام محکوم شده بود. یکی از اتهامات این هفت نفر قتل یک روحانی اهل سنت به نام ماموستا عبدالرحیم تینا بود.

حکم اعدام این هفت زندانی، اسفندماه سال ۱۳۹۴ از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران صادر شد. این حکم در دیوان عالی کشور نقض شد و مجدداً در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران مورد رسیدگی قرار گرفت. خردادماه ۱۳۹۸ مجدداً حکم اعدام برای این افراد صادر شد و بهمن ماه ۱۳۹۸، این حکم در دیوان عالی کشور به تأیید رسید.

● بنا به اطلاع سازمان حقوق بشر ایران، صبح روز چهارشنبه ۸ آذرماه، حکم اعدام ایوب کریمی، زندانی اهل سنت کرد، به همراه شش زندانی دیگر به اجرا درآمد.

● ایوب کریمی به اتهام «محرابه» و «افساد فی الارض» از طریق «اقدام مسلحانه و عضویت در یک گروه سلفی جهادی» به اعدام محکوم شده بود. یکی از اتهامات این هفت نفر قتل یک روحانی اهل سنت به نام ماموستا عبدالرحیم تینا بود.

به گزارش سازمان حقوق بشر ایران، ایوب کریمی زندانی اهل سنت کرد به همراه شش زندانی دیگر در زندان قزل حصار کرج اعدام شد. این سازمان از جامعه جهانی می‌خواهد که تمام توان خود را برای توقف ماشین اعدام در ایران به کار بندد.

محمود امیری‌مقدم مدیر سازمان حقوق بشر ایران گفت: «اعدام ایوب کریمی بر اساس اعترافات زیر شکنجه و بدون دادرسی عادلانه، همچون اعدام سایر زندانیان سیاسی، یک جنایت است. مسئولان جمهوری اسلامی باید در قبال این جنایت پاسخگو باشند. مقامات جمهوری اسلامی در خلاء توجه جامعه بین‌المللی، روی به اعدام زندانیان سیاسی آورده‌اند. جامعه جهانی و به‌خصوص دولت‌های پایبند به اصول حقوق بشر که با جمهوری اسلامی روابط دیپلماتیک دارند، باید سکوت خود را در قبال موج اعدام‌ها بشکنند و واکنش درخور نشان دهند.»

بنا به اطلاع سازمان حقوق بشر ایران، صبح روز چهارشنبه

دو هفته در هیئت دولت سیزدهم بررسی و تأیید، و برای قانونی شدن به مجلس شورای اسلامی ارائه شد. در مجلس شورای اسلامی نیز بررسی لایحه به کمیسیون قضایی و حقوقی سپرده شد و این کمیسیون نیز پیشنهاد بررسی لایحه بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی را داد که با رأی اکثریت نمایندگان پذیرفته شد.

بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند در موارد ضروری صلاحیت وضع قوانین آزمایشی را به کمیسیون‌های خویش تفویض کند که در اینصورت بررسی و تصویب قانون به دور از چشم افکار عمومی انجام می‌شود.

لایحه عفاف و حجاب آخر امرداد امسال برای بررسی و تصویب به شورای نگهبان ارسال شد و نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز آخر شهریورماه به اجرای آن رأی مثبت دادند. شورای نگهبان اما دوم آبان‌ماه اعلام کرد به دلیل ایرادهایی که در این لایحه وجود داشته، آن را برای اصلاح به مجلس شورای اسلامی بازگردانده است. اکنون با گذشت لایحه به مجلس بخشی از ایرادهای مورد نظر شورای نگهبان و البته ۲۳ غلط املائی در متن آن از سوی رسانه‌های داخلی منتشر شده است. روزنامه «اعتماد» ۲۲ مهر در مطلبی با عنوان «چرا شورای نگهبان باید لایحه حجاب را رد کند؟» موارد قانونی نقض شده در لایحه حجاب عفاف را مورد بررسی قرار داده و نوشته بود که انتظار می‌رود شورای نگهبان همانطور که سخنگوی آن نیز تأکید کرده «نکات کارشناسان را بررسی کند» و «همانند هر طرح و لایحه دیگری از هیچ ایرادی در مصوبات چشم‌پوشی نکند».

در این گزارش آمده بود که فارغ از موضع‌گیری سیاسی و جناحی نسبت به این لایحه یا رویکردهای مختلف ایدئولوژیک در قبال مسئله حجاب، این لایحه دارای ایرادات شکلی بررسی و تضاد آن با قوانین است.

روزنامه «اعتماد» با اشاره به تغییرات زیادی که کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس در لایحه حجاب و عفاف ایجاد کرده بود از جمله افزایش مواد آن از ۱۵ ماده به ۷۲ ماده، آمده که «تشدید مجازات‌ها و درج موارد جدید با واکنش‌های زیادی مواجه شد، اما مسئله‌ای که پیش از نگاه محتوایی در این باره مورد توجه است، حرکت فراقانونی کمیسیون قضایی و حقوقی در افزایش مواد این لایحه بود و «تغییرات قابل توجه کمی» نخستین ایراد شکلی قانونی در بررسی این لایحه در مجلس یازدهم و کمیسیون قضایی و حقوقی، آن است که از اساس لایحه را از حیز انتفاع ساقط و لایحه دولت و قوه قضاییه را به طرح تبدیل کرده است.» این گزارش تأکید کرده بود که بر اساس ترم قانونگذاری، عرف روند قانون‌نویسی و البته ضوابط مستخرج از اصول مختلف قانون اساسی و نظرهای شورای نگهبان و قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، مجلس شورای اسلامی مجاز به تغییر لوایح دولت و افزایش میزان و حجم آن تا سقف ۵ درصد است. با این استدلال آنچه در مورد لایحه حجاب و عفاف در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس صورت گرفته و البته در صحن علنی مجلس نیز تصویب شده، تغییرات این لایحه توسط مجلس ۱۰۰ برابر نرم معمول و قانونی است. روزنامه «اعتماد» در بخش دیگری از این گزارش به تصویب لایحه «عفاف و حجاب» بر مبنای اصل ۸۵ قانون اساسی و پذیرش آن از سوی اکثریت اعضای مجلس شورای اسلامی پرداخته و نوشته که در متن قانون اساسی قید شده است که «در موارد ضروری» مجلس اختیار استفاده از این موضوع را دارد، اما این موارد ضروری چه دایره‌ای دارند و از اساس بر چه مبنایی مسئله ضرورت برای مجلس محرز می‌شود؟

ایرانیانی که می‌روند و برمی‌گردند معاون رئیسی می‌گوید آمار مهاجرت «اصلاً خطرناک نیست»!

کرده بودند، نه برای اینکه همیشه در آمریکا باشند بلکه آمده بودند یک موقعیت خوب شغلی و فرهنگی پیدا کنند، نه برای اینکه علیه سرزمین خودشان باشند بلکه احتمالا مجدد به سرزمین خودشان برگردند. این در حالی است که بر اساس آمارها مسیر مهاجرت ایرانی‌ها یکطرفه است.»

به گفته این جامعه‌شناس «ایرانی‌ها عموماً می‌روند تا در کشور دیگری بمانند، به همین دلیل است که ایرانیان مهاجرت کرده نقش عمده‌ای در ساختن جهان دیگر پیدا می‌کنند، مثل این نیست که یک دوره‌ای قبل از انقلاب کارگران ایرانی به ژاپن و کویت می‌رفتند سرمایه کسب می‌کردند و برمی‌گشتند، این مساله حکایت از بحران ایران با جهان پیرامونی دارد و نقش اساسی آن به دولت و گروه‌های ذی‌نفع، تجار، روشنفکران و سیاستمداران برمی‌گردد.»

این جامعه‌شناس افزایش ۳۵ درصدی نرخ مهاجرت در ایران را «نگران‌کننده» خوانده و گفته که «این مساله، نشانگر آن است که جامعه ناآرام بوده و در حالت عدم وجود اطمینان اجتماعی، فروریخته است. وقتی در محلی بلایای طبیعی مثل زلزله یا سیل بیاید یا درگیر جنگ شود، افراد از آن خارج می‌شوند. این موضوع نشان‌دهنده آن است که در جامعه انفجاری و همه را از جای خود کنده است. امر تلخی که افراد، راه‌حل برون‌رفت از شرایط را مهاجرت از کشور می‌دانند. این یک رویکرد بدی است که در ایران جاری و ساری شده است.»

تقی آزاد ارمکی افزوده که «اثرات این ناامنی و بی‌اعتمادی یک یا دو روزه حل نمی‌شود. بلکه این بی‌اعتمادی در جامعه، نسلی را آواره و ویران می‌کند. ضمن اینکه، سرمایه بزرگی که در کشور به سختی به دست آمده به آسانی خارج می‌شود و مورد استفاده کشورها و جوامع دیگر قرار می‌گیرد. بر خلاف تصور رایج، نیرویی که از کشور مهاجرت می‌کند تا حدی دچار ویرانی می‌شود، چرا که او نیز عادت کرده در اینجا رشد و تمام علائق و انگیزه خود را در مملکت خود بارور کند. از همه مهم‌تر اینکه، جامعه از گوناگونی نیرو و نیروهای متخصص متعدد خارج شده و دچار آسیب‌های جدی می‌شود.»

علیرضا شریفی‌یزدی آسیب‌شناس اجتماعی با اشاره به اینکه مهاجرت نخبگان برای آینده ایران تبعات سنگینی دارد به «جهان‌صنعت» گفته که «با مهاجرت نخبگان این را هم باید در نظر گرفت که نسل‌های آینده آنها را هم از دست می‌دهیم. بنابراین بانک هوشی ایران روزبه‌روز لاغرتر شده است. در نتیجه براساس مطالعات متوسط هوش ایرانی‌ها طی ۴۰ سال گذشته شیب نزولی داشته است.»

این آسیب‌شناس اجتماعی افزوده که «وقتی افراد تحصیلکرده و فوق‌تخصص مهاجرت کنند طبیعتاً مشکلات کشور افزایشی و از طرفی حل این معضلات بدون آنها غیرممکن می‌شود. اگر افراد دارای تخصص در ایران بمانند و برای آبادی کشور تلاش کنند، قطعاً گره‌ای از مشکلات باز می‌شود و این در صورتی است که دولت امکانات لازم را برای آنها مهیا کند وگرنه به دلیل فشارهای اقتصادی و اجتماعی موجود آنها برای زندگی بهتر به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند.»

او با اشاره به اینکه تصاحب جای انسان‌های توسط انسان‌های متوسط به دلیل مهاجرت نخبگان را یکی



نرخ رشد مهاجر جدید را ایران ثبت کرده است.»
اوتآکید کرده که دولت برای هر کدام از این مهاجران هزینه‌ای کرده و کشورهای مقصد بدون آنکه هزینه‌ای کرده باشند، نیروی انسانی متخصص را جذب می‌کنند.

امیرحسین جلالی ندوشن روان‌درمانگر و سخنگوی انجمن علمی روان‌پزشکان ایران در این نشست گفته که «وقتی جامعه‌ای به وضعیت آینده‌زدودگی می‌رسد، در آن جامعه دیگر نمی‌توان کار مولد انجام داد. مهاجرت حتی در شکل انجام‌نشده آن، روح جامعه را می‌خورد. می‌بینم اساتیدی را که برای قبول کردن یک پروژه در سال آینده، می‌گویند ۶ ماه دیگر جواب می‌دهم. چون منتظر ایمیلی از کشورهای مختلف مانند آمریکا، کانادا و حتی عمان هستند که تکلیف مهاجرت آنها را مشخص کند.»

روزنامه «جهان صنعت» نیز روز دوشنبه ششم آذرماه در گزارشی با عنوان «دور از میهن» به موضوع مهاجرت پر سرعت ایرانیان از کشور پرداخته است. این گزارش با اشاره به سخنان زینب ابوطالبی مجری برنامه شبکه افق در صداوسیما که چند سال پیش گفته بود «کسانی که مثل او فکر نمی‌کنند، جمع کنند و از ایران بروند»، نوشته که به نظر می‌رسد این تنها سخن مجری شبکه افق نبوده و «دیدگاه برخی از مسئولان هم همین است که اگر نبود، آمارها روند صعودی نداشت و تغییری در وضعیت موجود ایجاد می‌شد.»

تقی آزاد ارمکی جامعه‌شناس و استاد دانشگاه با اشاره به «مهاجرت یک‌طرفه» ایرانی‌ها به «جهان‌صنعت» گفته که «طبیعتاً مهاجرت افراد از کشور خود به کشوری دیگر تنها معطوف به ایران نبوده و نیست، چرا که انتخاب محل زندگی و شغل در هر نقطه از دنیا یک حق انسانی است. مردم در اروپا هم جابه‌جا می‌شوند، اما اصطلاحاً نمی‌روند تا برای همیشه گم بشوند، آنها می‌روند که موثر واقع بشوند و در عین حال برگردند تا در جامعه خودشان اثرگذار شوند. با ایتالیایی‌هایی در آمریکا و کانادا مواجه شدم که مهاجرت

● رئیس رصدخانه مهاجرت ایران: رتبه اول مهاجرفرستی بر اساس نرخ رشد مهاجر جدید را ایران ثبت کرده است.

● سخنگوی انجمن علمی روان‌پزشکان ایران: وقتی جامعه‌ای به وضعیت آینده‌زدودگی می‌رسد، در آن جامعه دیگر نمی‌توان کار مولد انجام داد. مهاجرت حتی در شکل انجام‌نشده آن، روح جامعه را می‌خورد.

● روزنامه «جهان صنعت»: مهاجران دیگر کشورها می‌روند که موثر واقع بشوند و در عین حال برگردند تا در جامعه خودشان اثرگذار شوند اما بر اساس آمارها مسیر مهاجرت ایرانی‌ها یکطرفه است.

آمارهای تک‌اندکننده مهاجرت از ایران در حالی هشدارهای پی‌در پی کارشناسان را به همراه دارد که در مقابل مسئولان و مقامات جمهوری اسلامی به این پدیده که به معنای خالی شدن ایران از نیروی انسانی است بی‌تفاوت هستند.
روح‌الله دهقانی فیروزآبادی معاون علمی ابراهیم رئیسی به تازگی درباره آمار مهاجرت از کشور گفته که «آمار مجموعه‌ها، افراد و شرکت‌های مهاجرت‌کننده در حال حاضر اصلاً خطرناک نیست.»

این در حالیست که به عقیده کارشناسان مهاجرت که بیشتر شامل حال نیروی کار متخصص و سرمایه‌داران و کارآفرینان است، نه تنها خطرناک است بلکه مرزهای هشدار را هم رد کرده و به بحرانی جدید در سال‌های آینده تبدیل خواهد شد.

روز شنبه چهارم آذرماه نشست با عنوان «علت‌ها و گستردگی پدیده مهاجرت» از سوی دبیرخانه شورای سلامت روان و رسانه برگزار شد. بهرام صلواتی تحلیلگر حوزه مهاجرت در این نشست با بیان اینکه «پدیده عجیبی در حوزه مهاجرت اتفاق افتاده که در صد سال اخیر در ایران سابقه نداشته است» گفته «در چند دهه گذشته بیک‌های مهاجرتی مختلفی را داشتیم، اما پیکی از اواخر سال ۱۳۹۹ شروع شد که کرونا آن را بطور مقطعی متوقف کرد. این پیک اکنون دوباره به جریان افتاده است و ما نمی‌دانیم تا کجا ادامه پیدا خواهد کرد. در سالنامه مهاجرت سال گذشته پیش‌بینی این بود که این موج طولانی‌تر خواهد بود. جای خوشبختی هم ندارد، چون ما برای آن برنامه‌ای نداشتیم و نداریم.» بهرام صلواتی افزوده که «عراق با ۷۴ هزار مهاجر جدید در رتبه نخست و ایران با ۶۷ هزار مهاجر جدید در رتبه دوم و ازبکستان با ۴۰ هزار مهاجر جدید در رتبه سوم در ترکیه قرار دارد. نکته قابل توجه این است که ۵۰ درصد از مهاجران جدید ایرانی در کشور ترکیه از زنان تشکیل می‌دهند.»

بهرام صلواتی افزوده که گزارش جدید سازمان بین‌المللی «اوا سی دی» (OECD) منتشر شده که داده‌هایی درباره وضعیت مهاجرت کشورها دارد. این گزارش نشان می‌دهد که ایران بالاترین رشد مهاجرفرستی در منطقه OECD را دارد. منطقه OECD به عنوان قطب اصلی جذب مهاجران در جهان، سالانه تعداد زیادی از مهاجران جدید را جذب می‌کند. به گفته بهرام صلواتی «در سال ۲۰۲۰ تعداد مهاجران جدید ورودی ایرانی به کشورهای این منطقه ۴۸ هزار نفر بود که طبق آخرین آمار سالنامه مهاجرت در سال ۲۰۲۱ با ۱۴۱ درصد افزایش به ۱۱۵ هزار ورودی جدید در سال رسیده است. بر این اساس رتبه اول مهاجرفرستی بر اساس

بازداشت پدر میلاد زهره‌وند جوان معترض اعدام شده

بطور رسمی تعلیق کنند.

در بیانیه سازمان عفو بین‌الملل آمده که مقام‌های جمهوری اسلامی بطور سیستماتیک از اعدام‌های خودسرانه به عنوان ابزار سرکوب استفاده می‌کنند.

همچنین روبین کورته نماینده پارلمان آلمان و کفیل سیاسی میلاد زهره‌وند در نامه‌ای به سفیر جمهوری اسلامی در آلمان تأکید کرده که از نقض آشکار و نفرت انگیز حقوق بشر در ایران بهت زده است و تأکید کرد در این مورد سکوت نخواهد کرد.

روبین کورته با اشاره به اینکه اعدام میلاد بدون آخرین ملاقات با خانواده و به صورت مخفیانه اجرا شده نوشته که «برای پدر جوانی که فرزند زندانی خود را ندیده، دیگر دیر شده است اما من همچنان خواهان توقف شکنجه، آزار و قتل همه افراد بی‌گناهی هستم که در ایران احکام ناعادلانه اعدام علیه آنها صادر شده است.»

محمود امیری مقدم مدیر سازمان حقوق بشر ایران هم با اشاره به اینکه روند دادرسی میلاد زهره‌وند ناعادلانه بوده، تأکید کرده که «اگر اعدام میلاد زهره‌وند با واکنش شدید مردم و جامعه جهانی همراه نشود، معترضان بیشتری در خطر اعدام قرار خواهند گرفت.»

گوهر عشقی مادر ستار بهشتی نیز پس از انتشار خبر اعدام میلاد زهره‌وند، در یک پیام ویدیویی خطاب به علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی گفت: «درست گفته‌ای از ۵ صبح کارت را شروع می‌کنی، زمانی که اذان می‌گویند، جوان‌ها را اعدام می‌کنی با زیر شکنجه می‌کشی.»

گوهر عشقی به همراه این ویدیو پیام داده بود: «علی خامنه‌ای این جوان‌ها را نکش.»

میلاد زهره‌وند هشتمین شهروند معترضی است که در اعتراضات سال گذشته شرکت داشته و طی سناریوسازی نهادهای امنیتی به دار آویخته شد.

در آذر و دی‌ماه سال گذشته چهار شهروند محکوم به اعدام به دار آویخته شدند. محمدمهدی کرمی، محسن شکاری، مجیدرضا رهنورد و محمد(کیان) حسینی چهار جوان معترض اعدام شده بودند.

مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی، سه شهروند معترض «خانه اصفهان» نیز سحرگاه جمعه ۲۹ اردیبهشت در زندان دستگرد اصفهان اعدام شدند.

ده‌ها شهروند طی یک سال گذشته در سناریوهایی غیرواقعی و به بهانه قتل مأموران امنیتی و انتظامی و حتی به بهانه روشن کردن آتش یا مسدود کردن خیابان در جریان اعتراضات با اتهامات سنگین «محرابه»، «فساد فی الارض» و «بغی» روبرو و در نهایت به «اعدام» محکوم شدند.



میلاد زهره‌وند

حکم اعدام میلاد زهره‌وند، شهروند اهل شهر ملایر و از بازداشت‌شدگان خیزش انقلابی تنها ۱۰ روز پس از تأیید حکم در دیوان عالی کشور به اجرا درآمد. این شهروند ۲۲ ساله سحرگاه پنجشنبه دوم آذر ۱۴۰۲ در زندان مرکزی همدان به دار آویخته شد.

اجرای حکم اعدام این معترض جوان، بطور مخفیانه، بدون اطلاع‌رسانی قبلی و آخرین ملاقات با خانواده انجام گرفت. خبرگزاری «میزان»، مرکز اطلاع‌رسانی قوه قضاییه، روز دوشنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۲ گزارش داد که دیوان عالی کشور حکم «قصاص» علی نظری را تأیید کرده است.

خبرگزاری «میزان» افزود که در پی صدور این رای با درخواست متهم و وکیل، پرونده برای تجدیدنظرخواهی به دیوان عالی کشور ارسال شد. با ارجاع پرونده در دیوان عالی کشور و بررسی آن در یکی از شعب دیوان، نهایتاً قضات رسیدگی‌کننده رای دادگاه بدوی را تأیید کردند و پرونده در حال طی تشریفات قانونی برای ارسال و اجرای حکم به دادگستری کل استان همدان است.

بر اساس گزارش‌ها، میلاد زهره‌وند در مدت بازداشت برای اعتراف اجباری تحت فشار بوده و از سوی دیگر سازمان اطلاعات سپاه خانواده این جوان را به شدت زیر فشار و تهدید قرار داده بودند تا درباره فرزندشان اطلاع‌رسانی نکنند.

در پی اعدام میلاد زهره‌وند سازمان عفو بین‌الملل با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که از اعدام این جوان معترض شوکه شده است. این بیانیه تأکید کرده که جامعه جهانی باید از مقام‌های جمهوری اسلامی بخواهد تا اعدام‌ها را فورا و

● پیکر میلاد، روز دوم آذرماه، با حضور مادر، پدر، برادران و همسر در شهرستان «رزن» همدان، در نقطه‌ای دورافتاده، توسط نهادهای امنیتی به خاک سپرده شده است.

● بر اساس گزارش‌ها افسانه زهره‌وند، مادر میلاد زهره‌وند، نیز برای چند ساعت بازداشت شده است.

● سازمان عفو بین‌الملل با صدور بیانیه‌ای تأکید کرده که جامعه جهانی باید از مقام‌های جمهوری اسلامی بخواهد تا اعدام‌ها را فورا و بطور رسمی تعلیق کنند.

روح‌الله زهره‌وند پدر میلاد زهره‌وند از روز پنجشنبه دوم آذرماه و پس از مراسم خاکسپاری فرزندش توسط نهادهای امنیتی بازداشت شده است. میلاد زهره‌وند جوان معترض بازداشت شده در اعتراضات جنبش ملی سال گذشته با سناریوسازی نهادهای امنیتی به اعدام محکوم و حکم او سحرگاه پنجشنبه دوم آذر اجرا شد.

«دادبان» که به بازداشت‌شدگان مشاوره حقوقی داده و گزارش‌هایی از پرونده‌های آنها را بازتاب می‌دهد شامگاه شنبه چهارم آذرماه گزارش داد که پدر میلاد زهره‌وند به نام «روح‌الله زهره‌وند» بعد از مراسم خاکسپاری سریعاً بازداشت و به زندان منتقل شده است. علت بازداشت او هنوز مشخص نیست.

«دادبان» افزوده که پیکر میلاد، روز دوم آذرماه، با حضور مادر، پدر، برادران و همسر در شهرستان «رزن» همدان، در نقطه‌ای دورافتاده، توسط نهادهای امنیتی به خاک سپرده شده است.

«کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی» نیز گزارش داده که پیکر میلاد زهره‌وند در آرامستان ارمنه همدان به خاک سپرده شده است. این گزارش به نقل از سازمان حقوق بشر ایران نوشته که افسانه زهره‌وند، مادر میلاد نیز برای چند ساعت بازداشت شده است.

یک منبع مطلع به سازمان حقوق بشر ایران گفت: «میلاد را در قبرستان ارمنه همدان دفن کردند و حتی اجازه ندادند که در قبرستان مسلمانان دفن شود. در هنگام مراسم مأموران امنیتی حضور داشتند و اجازه گرفتن عکس و فیلم را ندادند. چاپ اعلامیه و حتی پخش خرما را در مراسم ممنوع کرده بودند. حتی گریه و شیون را هم ممنوع کرده بودند و مادر میلاد را بخاطر شیون‌هایش بازداشت کردند.»

میلاد زهره‌وند شهروند ۲۲ ساله ساکن ملایر در استان همدان از جدیدترین قربانیان سناریوسازی نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی است. میلاد زهره‌وند در جریان اعتراضات جنبش ملی در ملایر بازداشت و به «قتل» علی نظری از نیروهای سازمان اطلاعات سپاه در این شهر متهم شد.

بر اساس تحلیل سازمان بین‌المللی دریانوردی (IMO) از داده‌های کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، تعداد درخواست‌های جدید پناهندگی ایرانیان در سال ۲۰۲۲ به مقایسه با سال قبل ۴۴ درصد بیشتر شده است. این در حالیست که بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی دریانوردی تعداد ایرانیانی که در خارج از میهن خود تحصیل می‌کنند برای هشت سال متوالی افزایش یافته و از ۴۹ هزار نفر در سال ۲۰۱۳ به ۷۰ هزار نفر در سال ۲۰۲۱ رسیده است.

کشور باید به دست نخبگان حل شود، اما وقتی آنها خارج می‌شوند، دیگر برمی‌گردند.»

این آسیب‌شناس افزوده که «طبیعتاً وقتی در کشوری فرار مغزها و مهاجرت نخبگان اتفاق می‌افتد، به لحاظ علمی پیشرفت چندانی در آینده نخواهیم داشت. چه‌بسا روزبه‌روز پسرفت هم می‌کنیم. بنابراین در این مقوله دولت باید شرایطی را برای نخبگان مهیا کند تا آنها اگر برای ادامه تحصیل خارج می‌شوند حداقل برای خدمت بازگردند.»

➔ از مشکلات اخیر کشور خوانده و تأکید کرده که «چه بسا به زودی دانشگاه‌های ما هم همین وضعیت را پیدا می‌کنند. می‌توانیم اساتید بسیار خوبی در دانشگاه‌ها داشته باشیم ولی به دلایل مختلف و با این شیوه‌گرینش، استادان خیره و توأمندی را در آینده نخواهیم داشت. چه‌بسا چنین امری در حوزه پزشکی، علوم رفتاری، علوم انسانی و علوم پایه نیز صادق است. بطور کلی مهاجرت‌ها برای آینده کشور خطرناک است، چراکه اصولاً حل معضلات

پیامدهای خطرناک تنظیم درآمد مالیاتی در لایحه بودجه ۱۴۰۳ انتقال تأمین منابع بودجه به دوش مردم



۱۰ میلیون تومان معاف است و باید برای ۲۰ میلیون تومان باقی مانده به صورت پلکانی مالیات پرداخت کند. بر اساس لایحه بودجه سال آینده، همه افرادی که در قبال ارائه خدمت در دستگاه‌ها تحت هر عنوان از جمله ساعتی، روزمزد، قراردادی حق التدریس، حق التحقیق، حق الزحمه، حق نظارت، حق التألیف و پاداش شورای حل اختلاف، دریافتی دارند مشمول مالیات بر درآمد خواهند بود. فقط اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و آموزشی و قضات دادگستری از شمول این حکم مستثنا و مشمول ماده (۸۵) قانون اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۴ هستند؛ طبق ماده ۸۵، درآمد این افراد تا ۱۲۰ میلیون تومان از مالیات معاف است و نسبت به ۱۲۰ میلیون تا ۷۴۰ میلیون تومان (۷ برابر معافیت مالیاتی) مشمول مالیات سالانه ۱۰ درصدی و مازادی بر ۷۴۰ میلیون تومان مشمول مالیات ۲۰ درصدی است.

دولت کمی پیشتر نیز لایحه «اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم» را به مجلس شورای اسلامی فرستاده بود که در آن بسیاری از معافیت‌های مالیاتی را حذف کرده یا کاهش داده بود. بر اساس این لایحه، اشخاص حقیقی واجد شرایط ملزم به ارائه اظهارنامه و پرداخت مالیات بر اساس مجموع درآمدها خواهند بود.

در بخش دیگری از درآمدهای مالیاتی در بودجه سال آینده نیز صاحبان زمین‌های مسکونی، اداری و تجاری که ارزش آنها بیش از ۲۵ میلیارد تومان باشد، باید ۰.۲ درصد مالیات بدهند.

لایحه بودجه سال آینده همچنین وزارت راه و شهرسازی را مکلف می‌کند از «کلیه وسایل نقلیه» که در بزرگراه‌ها تردد می‌کنند، به ازای هر کیلومتر حرکت و بر اساس

می‌شود که در تاریخ بودجه‌نویسی کشور بی‌سابقه است. درآمدهای مالیاتی ردیف‌های متنوعی از مالیات بر درآمد تا مالیات بر دارایی را شامل می‌شود که در مجموع نشان می‌دهد دولت بار تأمین منابع بودجه را به دوش مردم انداخته است؛ اقدامی که پیامدهایی منفی در حوزه اقتصاد و معیشت اقشار حقوق‌بگیر و کم‌درآمد خواهد داشت.

میزان درآمد مالیاتی در بودجه سال آینده ۱۱۲۲ میلیارد تومان در نظر گرفته شده که حدود دو برابر درآمد ۶۱۴ هزار میلیارد تومانی نفت است و نسبت به درآمدهای مالیاتی بودجه امسال ۴۹/۸ درصد افزایش دارد. مالیات برای درآمدهایی که زیر خط فقر قرار دارند، یکی از بخش‌های حیرت‌آور لایحه بودجه است که نشان می‌دهد دولت ابراهیم رئیسی برای دستبرد به جیب شهروندان هیچ ملاحظه‌ای ندارد.

در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ دولت درآمدهای مالیاتی را تا دو برابر درآمدهای نفتی در نظر گرفته است. به نظر می‌رسد بودجه‌نویسان بی‌توجه به امکان تحقق درآمدهای مالیاتی و همچنین عواقب وضع مالیات‌های گسترده و بی‌پایه، صرفاً برای نمایش «بودجه‌ی بدون نفت» این شیوه را در پیش گرفته‌اند.

تیم اقتصادی دولت ابراهیم رئیسی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ درآمدهای مالیاتی را تحت عنوان «درآمدهای پایدار» دو برابر درآمدهای ناشی از صادرات نفت و گاز تنظیم کرده است.

دولت سیزدهم میزان درآمد مالیاتی را ۱۱۲۲ میلیارد تومان در نظر گرفته که حدود دو برابر درآمد ۶۱۴ هزار میلیارد تومانی نفت است و نسبت به درآمدهای مالیاتی بودجه امسال ۴۹/۸ درصد افزایش دارد. همچنین در مجموع ۴۶ درصد کل درآمد بودجه از محل مالیات‌های مستقیم تأمین



شرایط اقتصادی موجب بدتر شدن وضعیت معیشت مردم خواهد شد. این در حالی است که همواره میزان افزایش دستمزد کمتر از نرخ تورم بوده است.»

حسین راغفر با تأکید بر اینکه افزایش فشار مالیاتی بر مردم وضعیت کنونی را بحرانی‌تر می‌کند، گفته که هرچند بودجه مالیاتی اجتناب‌ناپذیر است اما نباید فشار مالیاتی بر کارگر و تولید باشد.

علی قنبری اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس نیز گفته که «مهمترین چیزی که طی سال‌های اخیر در حوزه تعیین بودجه مطرح می‌شود این است که دولت تصور می‌کند با این شیوه که دهک‌های درآمدی مختلفی تعیین کند و مالیات را نیز به شکل پلکانی افزایش دهد، می‌تواند «ضریب جینی» (توزیع عادلانه ثروت) را کنترل کند اما ضریب جینی بدون در نظر گرفتن افزایش بدون وقفه تورم و کاهش برابری قدرت خرید کاهش چشمگیری پیدا نمی‌کند.»

علی قنبری همچنین با اشاره به مالیات گرفتن دولت از اقشار حداقل‌بگیر گفته که «دولت توجهی به وضعیت درآمدها ندارد. درست است که قشر کارگر در ایران با کمترین حقوق و دستمزد که اغلب در مرز ۱۰ میلیون تومان است کار می‌کنند و مشمول مالیات نمی‌شوند، اما همین قشر کارگر با درآمد ۱۰ میلیون تومانی قرار است چگونه سید معیشت خود را پر کنند؟ نظام توزیع درآمد در کشور ما به حدی درگیر مشکل و نابرابری است که با وضع کردن مالیات ۱۰ درصدی روی حقوق بالای ۱۰ میلیون تومان، عملاً نشان می‌دهیم تا چه حد نسبت به شرایط اقتصادی کشور ناآگاهیم.»

به کم‌درآمدترین اقشار از جمله کارگران، و بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی است در نتیجه دولت در عمل برای همه اقشاری که در ایران درآمد، حتی درآمدهای بسیار ناچیز و حداقلی، دارند مالیات وضع کرده و هیچ حقوق‌بگیری و حداقل‌بگیری را مشمول معافیت مالیاتی نکرده است!

در مقابل اما همواره دریافت مالیات از اقشار پردرآمد موفق نبوده است. طرح‌های دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی برای گرفتن مالیات از اقشاری چون پزشکان، وکلا و سرمایه‌دارانی که با اتکا به مافیاهای حکومتی درآمدهای نجومی دارند همواره با شکست روبرو شده است. بخش زیادی از بنگاه‌های اقتصادی که در دست مافیاهای بزرگ اقتصادی متصل به حکومت، مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، هستند نیز با اتکا به رانت حکومتی به راحتی فرار مالیاتی می‌کنند. در چنین شرایطی، عملاً سیاست‌های مالیات‌گیری از درآمد افراد نیز حقوق‌بگیران را هدف قرار داده است.

کارشناسان نسبت به این شیوه تدوین درآمدهای مالیاتی در بودجه هشدار داده و معتقدند نه تنها همه درآمدهای مالیاتی محقق نمی‌شود بلکه عوارض مختلفی در تشدید رکود و فقر در کشور خواهد داشت.

در همین رابطه حسین راغفر اقتصاددان نزدیک به جریان اصلاح‌طلب گفته دولت باید نسبت به اینکه درآمدهای مالیاتی از چه محلی تأمین می‌شود، آگاهانه باشد، «چرا که اگر فشار مالیاتی بر عرضه‌کننده تحمیل شود در نهایت منجر به افزایش قیمت کالا و خدمات خواهد شد و مصرف‌کننده و مردم این افزایش قیمت را می‌پردازند. بنابراین در این

نوع خودرو عوارض دریافت کند و به حساب سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کند.

بر اساس لایحه بودجه ۱۴۰۳، برای اتومبیل‌های بالای ۳ میلیارد تومان مالیات یک درصدی در نظر گرفته شده و مالکان این اتومبیل‌ها نسبت به مازاد این مبلغ (سه میلیارد تومان) باید یک درصد مالیات پرداخت کنند.

بر اساس این لایحه، معامله و نقل و انتقال سند اتومبیل‌هایی که بدهی مالیاتی دارند در دفاتر ثبت اسناد رسمی ممنوع است و مهلت پرداخت این مالیات «حداکثر» تا پایان بهمن ماه سال ۱۴۰۳ اعلام شده است.

در لایحه بودجه سال آینده همچنین درآمد حاصل از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای ۱۶ درصد کاهش خواهد یافت. در بخش واگذاری دارایی‌های مالی، درآمد حاصل از فروش فروش و واگذاری انواع اوراق مالی با ۳۶/۱ درصد افزایش به ۲۵۴ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان افزایش یافته اما در بخش درآمد حاصل از فروش سهام شرکت‌های دولتی، رقم پیشنهادی در لایحه بودجه از ۱۰۶ هزار میلیارد تومان در بودجه سال ۱۴۰۲ به ۶۰ هزار میلیارد تومان در بودجه سال آینده کاهش یافته است. کاهش این درآمدها که همگی تحت عنوان «طرح مولدسازی دارایی‌های دولت» در جریان بوده نشان می‌دهد این طرح که با هدف افزایش درآمد و جبران کسری بودجه دولت تصویب و اجرایی شده بود، با شکست همراه شده است.

دولت در لایحه بودجه سال آینده به سازمان امور مالیاتی اجازه دسترسی به سامانه‌های بانکی از طریق بانک مرکزی در راستای کنترل فرارهای مالیاتی را داده است. در بخش دیگری از لایحه نیز پیش‌بینی شده که با درخواست سازمان امور مالیاتی امکان توقیف و برداشت از حساب بدهکاران مالیاتی به صورت سیستمی امکان‌پذیر باشد.

افزایش انواع درآمدهای مالیاتی به ویژه مالیات بر درآمدها در لایحه بودجه سال آینده قابل توجه است. روزنامه «اعتقاد» در گزارشی افزایش مالیات‌ها در لایحه بودجه را «کمرشکن» توصیف کرده و نوشته دولت برای رسیدن به چنین عدد بسیار بزرگی، سازوکارهایی طراحی کرده که تعیین مالیات ۱۰ درصدی برای درآمدهای ماهانه ۱۰ تا ۱۴ میلیون تومان از جمله آن‌هاست.

همانطور که در گزارش «اعتقاد» اشاره شده مالیات برای درآمدهایی که زیر خط فقر قرار دارند، یکی از بخش‌های حیرت‌آور لایحه بودجه است که نشان می‌دهد دولت ابراهیم رئیسی برای دستبرد به جیب شهروندان هیچ ملاحظه‌ای ندارد.

بر اساس نظر بسیاری از کارشناسان، رقم خط فقر در تهران بیش از ۳۰ میلیون تومان و برای دیگر شهرها بطور میانگین ۲۰ میلیون تومان است. این ارقام به این معناست که اگر یک خانوار سه تا چهار نفره در تهران درآمدی ماهانه کمتر از ۳۰ میلیون و در دیگر شهرها درآمدی کمتر از ۲۰ میلیون داشته باشند، توان تأمین «ضروری‌ترین» هزینه‌های زندگی شامل خوراک و پوشاک و آموزش فرزندان و درمان را نخواهند داشت. در چنین شرایطی دولت بی‌اعتنا به چنین ارقامی، برای درآمدهایی زیر ۳۰ میلیون تومان نیز مالیات پیش‌بینی کرده است.

از سوی دیگر هرچند دولت اعلام کرده درآمدهای زیر ۱۰ میلیون تومان مشمول مالیات نخواهند بود اما رقم حداقل دستمزد در سال جاری حدود ۸/۵ میلیون تومان بوده و پیش‌بینی می‌شود برای سال آینده به حدود ۱۰ میلیون تومان برسد.

با توجه به اینکه رقم حداقل دستمزد، مبنای پرداخت حقوق

دخل و خرج رژیم ملاحا بر دوش مردم ایران

در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ دولت جمهوری اسلامی درآمدهای مالیاتی را تا دو برابر درآمدهای



© کیهان لندن / کارتونی‌های بهنام محمدی

انکار «آزارگران حجاب» از سوی شهرداری تهران و وزارت کشور کسی آنها را گردن نمی‌گیرد!



نیروهای حجاب‌بان در مترو

احمد صادقی درباره علت قبول درخواست حجاب‌بان‌ها توسط شورای اسلامی شهر گفته که «از نظر شورای شهر هر کاری که منجر به اجرا امر به معروف شود مورد استقبال قرار می‌گیرد. ما از هر کاری که تأکید بر قانون باشد حمایت می‌کنیم و به هر طریقی که برای جلوگیری از هنجارشکنی باشد تأکید می‌کنیم.»

اما ناصر امانی عضو دیگر شورای اسلامی شهر تهران روز پنجشنبه ۲ آذرماه به وبسایت «دیده‌بان ایران» گفته بود که «در حال پیگیری برای روشن شدن ابعاد آن هستیم. صحبت‌های وزیر کشور ابهامات زیادی را ایجاد کرده است.» ناصر امانی هم پرسش برخی کاربران در شبکه‌های اجتماعی را تکرار کرده و گفته بود که «اگر نیروهای مردمی هستند که بدون مجوز نمی‌توانند در مترو مستقر شوند. از سوی دیگر هم نیروهای زن و هم نیروهای مرد یونیفرم و آرم دارند که باید پیگیری و روشن شود.»

معین‌الدین سعیدی نماینده جابهار در مجلس شورای اسلامی نیز روز پنجشنبه با اشاره به حضور حجاب‌بان‌ها در مترو با بیان اینکه «کشور به اندازه کافی برای این نوع رفتارها هزینه داده» گفته بود وقتی حساسیت مقامات «نسبت به حجاب از تورم، اختلاس، کاهش قدرت خرید مردم، کودکان کار و آسیب‌های اجتماعی بیشتر می‌شود، نشان می‌دهد که مسیر عدالت به درستی طی نشده است.»

این نماینده مجلس اسلامی تأکید کرده «کسانی که میلیاردها تومان از بیت‌المال را برای بسط فلسفه حجاب گرفتند، پاسخگو باشند که چرا مردم پاروایت آنان از دین همذات‌پنداری نمی‌کنند.» به عقیده معین‌الدین سعیدی «باید مشخص شود متولی [مسئول] کیست؟ شهرداری است یا نیروی انتظامی؟ همین که متولی [مسئول] مشخص نیست، نشان می‌دهد که اصل کار ایراد دارد. سازمان مترو تهران تکذیب کرده که چیزی به نام حجاب‌بان نداریم اما این تصاویر و افرادی که با کاورهای مخصوص ایستاده‌اند، مشخص می‌کند که ما اولویت‌ها را فراموش کرده‌ایم.»

علیرضا زاکانی مدعی شده که «شهرداری مجوز این کار را نداده است و به صورت خودجوش این کار از سوی مردم شکل گرفته است.»

با وجود این ادعا اما شهردار تهران این را هم اضافه کرده که «شهرداری تمهیداتی را در نظر گرفته که منجر به مشکلات و بی‌نظمی نشود. یکی از این تمهیدات، بحث هماهنگی است که امیدواریم به اختلال کشیده نشود.»

اواسط مهرماه نیز روزنامه «همشهری» ارگان مطبوعاتی شهرداری تهران، مدعی شد مأموران مترو در بحث تذکرات حجاب هیچگونه دخالتی ندارند و مسئولیت این موضوع بر عهده مأموران انتظامی است.

سردار احمد وحیدی وزیر کشور نیز از جمله نخستین مقاماتی بود که به حضور حجاب‌بان‌ها در مترو واکنش نشان داد و گفت: «ما مجوز خاصی برای این کار ندادیم و تحت امر معروف و نهی از منکر ظاهراً توسط گروه‌های مردمی انجام می‌شود. کارشان در چارچوب امر معروف و نهی از منکر است. همه مردم برای این کار وظیفه دارند، ولی باید با ادبیات خوب و الفاظ خوب و صرفاً تذکر لسانی انجام شود. در همین حد این گروه‌ها مجاز هستند.»

این سخنان در حالی مطرح شده که دولت سیزدهم در کنار مجلس شورای اسلامی و قوه قضاییه برنامه‌های عریض و طویلی برای امنیتی کردن فضای جامعه و آزار شهروندان به بهانه «حجاب» دارند. ادعای وزیر کشور و شهردار تهران حتی با واکنش کاربران در شبکه‌های اجتماعی روبرو شده و این پرسش را ایجاد کرده که اگر حجاب‌بان‌ها نیروهای «خودجوش» و «مردمی» هستند چطور همگی لباس یک شکل دارند؟! اعضای شورای اسلامی شهر نیز درباره حجاب‌بان‌ها ادعاهای ضد و نقیضی مطرح کرده‌اند. احمد صادقی عضو این شورا در گفتگو با وبسایت «انتخاب» گفته که «در بحث حجاب‌بان‌ها، شهرداری به تنهایی تصمیم نمی‌گیرد» و «مجموعه‌های مختلف با هم تصمیم می‌گیرند». او هم تأکید کرده که مشخص نیست این مأموران از کجا مجوز گرفته‌اند.

● شهردار تهران: اگر کسی در مترو بخواهد امر به معروف کند آیا می‌توانیم بگوییم این کار را انجام ندهد؟ شهرداری مجوز این کار را نداده است و به صورت خودجوش از سوی مردم شکل گرفته است!

● وزیر کشور: ما مجوز خاصی برای این کار ندادیم و تحت امر معروف و نهی از منکر ظاهراً توسط گروه‌های مردمی انجام می‌شود.

● نماینده مجلس شورای اسلامی: وقتی حساسیت مقامات نسبت به حجاب از تورم، اختلاس، کاهش قدرت خرید مردم، کودکان کار بیشتر است نشان می‌دهد که مسیر عدالت به درستی طی نشده است.

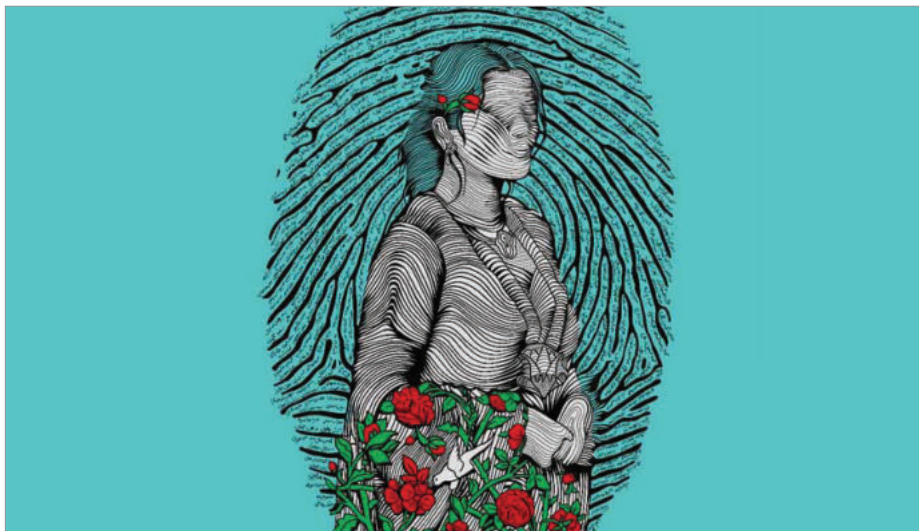
گزارش‌ها از افزایش مأموران حجاب‌بان در متروها حکایت دارد اما هیچیک از نهادهای حکومتی مسئولیت تشکیل و سازماندهی این مأموران را به عهده نمی‌گیرد.

در این میان، حجاب‌بان‌ها را که تعداد آنها در ایستگاه‌های مترو تهران بطور چشمگیری رو به افزایش است، هیچ نهاد و سازمان حکومتی گردن نمی‌گیرد. طی روزهای گذشته گزارش‌هایی از سوی مردم درباره فیلمبرداری و عکسبرداری غیرقانونی حجاب‌بان‌ها از شهروندان منتشر شده و حساسیت درباره آنها را افزایش داده است. روزنامه «فرهیختگان» روز ۲۵ آبان با اشاره به مردانی که از مسافران فیلم می‌گیرند، آن را ناقض قوانین شخصی و حریم خصوصی خواند و این پرسش را مطرح کرد که «این تصاویر دقیقاً برای چه کاری استفاده خواهند شد و به دست کدام نهاد می‌رسند؟»

پیشتر اعلام شده بود این مأموران که روی لباس فرم آنها «سفیران هدایت» نوشته شده از سوی شهرداری تهران و با حقوق و مزایای ماهانه استخدام شده‌اند اما شهردار تهران حاضر نشده مسئولیت آنها را بپذیرد.

علیرضا زاکانی شهردار تهران در واکنش به گسترش حجاب‌بان‌ها گفته که این تذکرها «خودجوش» هستند و «اگر کسی در مترو بخواهد امر به معروف و نهی از منکر کند، آیا می‌توانیم بگوییم این کار را انجام ندهد؟»

جشنواره فیلم و هنرهای تجسمی «زن، زندگی، آزادی» در ونکوور



تجسمی نیز کارهایی در زمینه‌های عکاسی، گرافیک، نقاشی و نقاشی دیجیتال دریافت کردیم.»

«انجمن فرهنگی وهنری دماوند» نیز در پی طراحی این جشنواره تشکیل شد. ایمان صفائیان در این رابطه به کیهان لندن می‌گوید «ما در ابتدا پیشنهادهایی از سازمان‌های مختلف برای حمایت از این جشنواره دریافت کردیم، ولی از آنجا که بسیاری از آنها سمت و سوی سیاسی داشتند و هنرمندان علاقه زیادی به همسوئی با چنین نهادهایی نداشتند، تصمیم گرفتیم انجمنی کاملاً مستقل که گرایش سیاسی ندارد تأسیس کنیم که بتواند با تمام نظرات بدون همسوئی با آنها همکاری داشته باشد.»

ایمان صفائیان یادآوری می‌کند که «این جشنواره تنها محدود به هنرمندان ایرانی در ونکوور یا کانادا نیست بلکه هنرمندان ایرانی و از هر کشور دیگری نیز می‌توانند در آن شرکت کنند.»

برخی از آثاری که در این جشنواره عرضه خواهند شد از داخل کشور هستند. ایمان صفائیان در همین رابطه می‌افزاید «هنرمندانی که نخواهد به دلایلی نام آنها مطرح شود ما آثارشان را بدون ذکر مشخصات هنرمند ارائه خواهیم داد.»

البته آثاری که در این جشنواره ارائه خواهند شد به گفته ایمان صفائیان «با توجه به رویدادهای پیاپی در ایران و جنبش اخیر و مطالبات خاصی که در اندیشه‌های مردم ایران به وجود آمده، طبیعتاً به نمایش رویدادها و خواست‌های مردم ایران در مواردی از قبیل تبعیض‌های جنسیتی و نگاه ایدئولوژیک به زنان، مقوله آزادی بیان و خشونت‌های ناشی از سرکوب افکار، و مفاهیم مربوط به انسان و انسانیت اختصاص خواهد داشت.»

هیات داورانی که در دو بخش فیلم و هنرهای تجسمی در ماه ژانویه سال آینده میلادی بهترین‌ها را انتخاب خواهد کرد چهره‌های هنری سرشناس ایرانی و بین‌المللی از لیتوانی، اوکراین و یا مصر را در بر می‌گیرد. این جشنواره که امسال اولین دوره آن برگزار می‌شود در سال‌های آینده قرار است رشته‌های ادبیات و همچنین موسیقی، تئاتر و رقص را به بخش‌های موجود اضافه شود.

● اولین جشنواره بین‌المللی فیلم و هنرهای تجسمی «زن، زندگی، آزادی» در ونکوور برگزارندگان هر رشته را ۱۹ ژانویه اعلام خواهد کرد.

● «انجمن فرهنگی و هنری دماوند» که سال گذشته آغاز به کار کرد، برگزارکننده این جشنواره است که سال آینده بخش‌های ادبیات و همچنین موسیقی، تئاتر و رقص به آن اضافه خواهد شد.

● کارهای پذیرفته شده در این جشنواره در رابطه با رویدادها و خواست‌های مردم ایران در مواردی از قبیل تبعیض‌های جنسیتی و نگاه ایدئولوژیک به زنان، مقوله آزادی بیان و خشونت‌های ناشی از سرکوب افکار، و مفاهیم مربوط به انسان و انسانیت هستند.

احمد رأفت - «انجمن فرهنگی و هنری دماوند» در ونکوور کانادا اولین جشنواره بین‌المللی فیلم و هنرهای تجسمی زن، زندگی، آزادی بر برگزار می‌کند. این جشنواره برگزارندگان هر رشته را ۱۹ ژانویه اعلام خواهد کرد. در آن روزها فیلم‌های کوتاه رسیده به این جشنواره اکران و کارهای هنرهای تجسمی نیز به نمایش در خواهد آمد. ایمان صفائیان از دست اندرکاران این جشنواره به کیهان لندن می‌گوید «یک سال پیش با عده‌ای از دوستان هنرمند و هنردوست به این فکر افتادیم که محلی برای گردآوری کارهای هنری در رشته‌های مختلف که در ارتباط با این خیزش هستند به وجود بیاوریم. در ادامه گفتگوها به این نتیجه رسیدیم که جشنواره‌ای نیز در همین رابطه برگزار کنیم.»

هدف برگزارکنندگان این جشنواره چنانکه در فراخوان آن اشاره می‌شود «با اتکا به مضامینی همچون تبعیض، تجربیات متنوع زندگی و مفهوم اساسی آزادی برگزار می‌شود. علاوه بر این مضامین، موضوعاتی همچون کشف و تجلیل از روایت‌های مرتبط با صلح، برابری و روحیه پایدار انسانی» نیز مورد نظر این جشنواره است. ایمان صفائیان در ادامه گفتگو با کیهان لندن می‌افزاید «تا کنون بیش از ۲۵ فیلم کوتاه برای این جشنواره ارسال شده است. فیلم‌های مستند، داستانی و یا تجربی و ویدیوآرت. در بخش هنرهای

او همچنین «فیلمبرداری و گرفتن عکس از مردم توسط حجاب‌بان‌ها» را در «تضاد با اصول مصرح قانون اساسی» توصیف کرد و گفت که مسئولان امر باید «مشخص کنند که چه کسی متولی [مسئول] این کار است» و این برخوردها «بر مبنای کدام موازین حقوقی» انجام می‌شود. وبسایت «عصر ایران» هم به احتمال هدایت حجاب‌بان‌ها از سوی سازمان تبلیغات اسلامی اشاره کرده و نوشته است «در حالی که وزارت کشور و شهرداری تهران انتساب این گروه‌ها به خود را نفی کرده‌اند حالا نام سازمان تبلیغات و حجت‌الاسلام قمی در اجرای گشت ارشاد جدید در فضای مجازی مطرح شده و گفته می‌شود این نهاد پشت پرده و سازماندهی‌کننده این اقدام است. این در حالیست که مسئولان این سازمان هنوز هیچ واکنشی در اینباره نداشته‌اند و با سکوت معنادار از پذیرش مسئولیت آن خودداری کرده‌اند.»

استخدام حجاب‌بان‌ها توسط شهرداری تهران اما بیش از دو ماه پیش در رسانه‌ها مطرح و آن زمان شهردار تهران هیچ واکنشی به این خبر نشان نداده و آن را تکذیب نکرد. در مقابل یکی از معاونان او استقرار حجاب‌بان‌ها را در زیرمجموعه طرح‌های قرارگاهی خواند که از سوی شهرداری تشکیل شده است.

روزنامه اینترنتی «فراز» نیمه امرداد ۱۴۰۲ از «استخدام» ۴۰۰ تن با عنوان شغلی «حجاب‌بان» با حقوق ماهانه ۱۲ میلیون تومان برای فعالیت در متروها خبر داده بود.

بر اساس این گزارش، یک منبع آگاه در یک شرکت پیمانکاری گفته بود که شهرداری تهران، به زودی ۴۰۰ نیرو را با عنوان «حجاب‌بان» در ایستگاه‌های مترو پایتخت مستقر خواهد کرد. این نیروها که توسط یگان حفاظت شهرداری تهران گزینش شده و کلاس‌های آموزشی مربوط به این کار را نیز گذرانده‌اند، به زودی در ایستگاه‌های مترو وارد فعال خواهند شد.

این منبع آگاه افزوده بود که «حجاب‌بان»ها تنها وظیفه «تذکر لسانی و ممانعت از ورود بی‌حجاب‌ها و بدحجاب‌ها به مترو» و در صورت مقاومت، معرفی آنها به پلیس را دارند و در صورت درگیری با شهروندان، از خدمت معلق خواهند شد. همچنین اعلام شده بود دستمزد ماهانه نیروهای «حجاب‌بان» شهرداری حدود ۱۲ میلیون تومان است که مزایای «سختی کار» نیز به آنها تعلق خواهد گرفت!

مهدی بابایی عضو شورای اسلامی شهر تهران از این تصمیم اظهار بی‌اطلاعی کرده بود اما روزنامه «فراز» گزارش داده که قرارداد این نیروها توسط شرکت پیمانکاری «حامیان شهر شهرداری تهران» منعقد شده که سابقه زیادی در جذب و استخدام نیروهای یگان حفاظت شهرداری تهران دارد.

همزمان محمد امین توکلی‌زاده معاون شهردار تهران ۱۸ امرداد بکارگیری مأموران حجاب‌بان را برای مبارزه با «بی‌حجابی» در متروها تأیید کرده بود.

او از تشکیل «قرارگاه انضباط شهری» خبر داده و گفته بود «قرار شده است گروهی ذیل مترو سازماندهی کنیم تا در این ساماندهی‌ها شرکت کنند. یکی از این موضوعات که در ذیل این قرارگاه به آن پرداخته خواهد شد حتماً حجاب خواهد بود. بالاخره طبق قوانین کشور حجاب در همه جا باید مراعات شود و یک فردی هم باید در این زمینه تذکر دهد که اگر کسی مراعات نکرد به او گوشزد کند تا او توجه کند. در حال حاضر یکسری نیرو برای فعالیت در قرارگاه انضباط شهری داریم و هر جا قطعاً کمبود نیرو داشته باشیم، اضافه خواهیم کرد.»

همچنین مدتی پیش از انتشار خبر استخدام حجاب‌بان‌ها توسط شهرداری تهران، احمد حسین فلاحی نماینده مجلس شورای اسلامی گفته بود که «ما می‌خواهیم کسانی را که در ادامه اغتشاشات سال گذشته، در خیابان، مترو و... هنجارشکنی می‌کنند مهار کنیم.»

رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران: افزایش سرقت‌ها برای تأمین معاش روزانه است



از وقوع جرم دادگستری استان تهران روز شنبه چهارم آذرماه از افزایش تعداد سارقان به نسبت زندانیان مواد مخدر برای نخستین بار در زندان‌های ایران خبر داد.

ابوالفضل نیکوکار گفته بود که «برای اولین بار در تهران، بیشترین محکومین و متهمان در زندان‌های سه گانه تهران، سارقین‌اند و قبلاً مواد مخدر بود ولی الان بالاترین جرم، سرقت است زیرا دادگستری تهران برخورد و مقابله را در برنامه دارد و نسبت به نگهداری آنها و عدم اعطای نهادهای ارفاقی مثل مرخصی و ازادی مشروط و رأی باز نسبت به این متهمان اقدام کرده و افرادی که سابقه دارند نمی‌توانند از این ظرفیت استفاده کنند.»

سرپرست معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری استان تهران افزوده بود که «محکومین در زندان با جرم سرقت در تهران ۹۴۴۸ نفر هستند. در خصوص افراد متواری در ۷ ماهه اول سال جاری، حدود ۳۴۷۹ فقره حکم جلب در حوزه سرقت صادر شده و حدود ۳۰۰ نفر از آنها دستگیر شدند.»

در واکنش به سخنان ابوالفضل نیکوکار، روزنامه اصولگرایی «جوان» در مطلبی نوشت: «برای کشور مایه سرشکستگی است که این حجم از آسیب در جامعه شیوع پیدا کرده است، بطوری که کسی جرئت این را ندارد برای خواندن دو رکعت نماز کفش‌هایش را در جاکفشی مسجد بگذارد و به نماز خواندن مشغول شود، چرا که روشن است هنگام ترک مسجد دیگر صاحب آن کفش‌ها نیست.»

علی ولی‌پور گودرزی رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ اواخر امرداد امسال از افزایش ۵۰ درصدی کشف

مردم دارد بار می‌شود را می‌بینیم. در کنار آن افزایش مالیات که از تمام روزنه‌ها بر مردم وارد می‌شود هم بار دیگری بر دوش آنهاست.»

حسن موسوی چلک افزوده که «سرقت، به ویژه سرقت‌های خرد بیشتر به واسطه تأمین معیشت روزانه است. یعنی اگر تحلیلی بر اقلام سرقت شده داشته باشیم گویای همین موضوع است. وقتی فقر گسترش پیدا می‌کند و مردم برای بقا دچار مشکل می‌شوند اگر از راه‌های مشروع نشد، از راه‌های نامشروع برای تأمین معاش خود اقدام می‌کنند. پیامبر اشاره می‌کند که فقر و کفر همسایه هستند.»

رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران گفته که «بیشتر افرادی که دست به سرقت می‌زنند، افرادی هستند که به شدت نیاز مالی دارند؛ حال بعضی سرقت می‌کنند، برخی قاچاق و برخی تن‌فروشی.»

این مددکار اجتماعی با تأکید بر اینکه «اقدامات مربوط به حوزه امنیت نمی‌تواند زمینه کاهش جرائم از جمله سرقت را به دنبال داشته باشد» گفته «وقتی گستره فقر افزایش پیدا می‌کند به همان تناسب باید منتظر گستره بیشتر انواع جرائم از جمله سرقت باشیم که تأمین امنیت در همه حوزه‌ها کار راحتی نیست.»

رئیس انجمن مددکاران اجتماعی میزان حمایت مالی از خانواده‌های تحت پوشش کمتر از پنج نفر را ۷۵۰ هزار و خانواده‌های پنج نفر و بیشتر را دو میلیون تومان اعلام کرده است.

ابوالفضل نیکوکار سرپرست معاونت اجتماعی و پیشگیری

● رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران: بیشتر افرادی که دست به سرقت می‌زنند، افرادی هستند که به شدت نیاز مالی دارند؛ حال بعضی سرقت می‌کنند، برخی قاچاق و برخی تن‌فروشی.

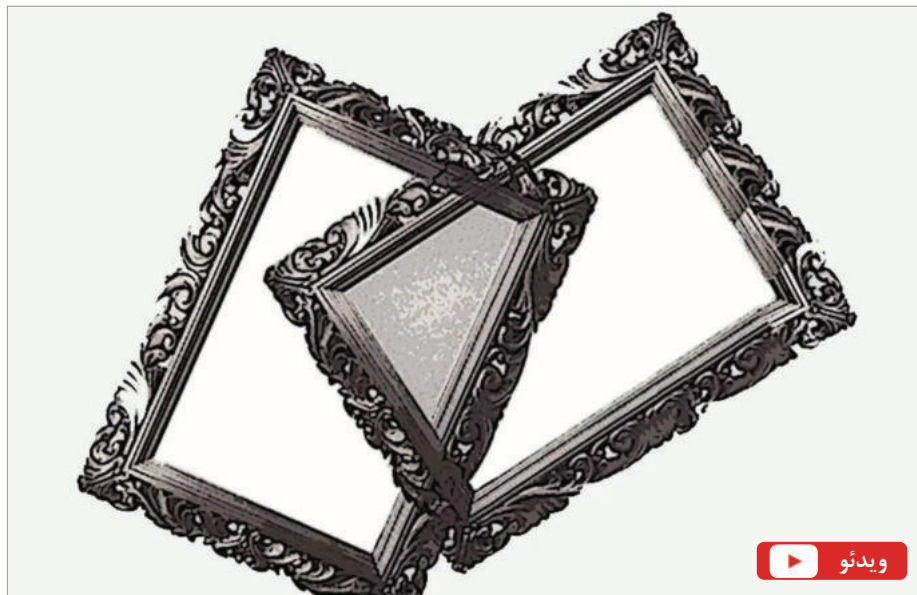
● سرپرست معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری استان تهران روز شنبه چهارم آذرماه از افزایش تعداد سارقان به نسبت زندانیان مواد مخدر برای نخستین بار در زندان‌های ایران خبر داد.

● مرکز آمار ایران تیرماه ۱۴۰۱ گزارش داد که در بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ میزان سرقت در ایران چهار برابر افزایش داشته است.

آمار سرقت به ویژه سرقت‌های خرد در حالی در ایران رو به افزایش است که رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران می‌گوید افزایش این سرقت‌ها با انگیزه تأمین معاش روزانه است.

حسن موسوی چلک رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران «جامعه‌ای که فقر را تجربه کند، عوارض، پیامدهایی به دنبال دارد و زمینه‌ساز بروز و ظهور پدیده‌ها و جرائم اجتماعی است. طبیعتاً در شرایط کنونی وضعیت اقتصاد مردم خوب نیست و کسی نمی‌تواند منکر آن شود. یعنی اگر تحلیل محتوایی از صحبت‌های مسئولان و مردم و کارشناسان داشته باشیم مقوله مشخص افزایش فقر و قدرت کم مردم برای تأمین هزینه‌های زندگی خود را نمایان می‌کند. متأسفانه هر روز این افزایش را در حوزه‌های مختلف اعم از مسکن، مواد غذایی، بهداشت، درمان و دارو که بر دوش

رعنا سلیمانی داستان‌نویس: ادبیات می‌تواند در رشد فرهنگی جامعه نقش مهمی ایفا کند



می‌خواهد خود واقعی‌اش را بپذیرد تا دیگران هم مجبور به پذیرفتن آن شوند. انتخابی سخت در جامعه‌ای سنتی و ایدئولوژی‌محور چون ایران امروز که تحت یک حکومتی دینی است.

دیگر رمان‌های رعنا سلیمانی نیز همه دغدغه اجتماعی دارند. «زنده‌باد زندگی» روایت ۲۴ ساعت آخر چهار زن زندانی است که قرار است روز بعد، هرکدام به جرمی متفاوت از دیگری اعدام شوند. «لورکا در خیابان فرشته»، «هرتا می‌دونستی»، «سندروم اولیس» و «یک روز با هفت هزار سالگان» نیز دیگر رمان‌های این نویسنده هستند که هر کدام بخشی از دغدغه‌های جامعه امروزی را روایت می‌کنند.

احمد رأفت با رعنا سلیمانی گفتگویی انجام داده است.

رعنا سلیمانی داستان‌نویس ایرانی ساکن سوئد در روزهای گذشته جایزه بزرگ فرهنگی شهرداری منطقه سولنتونا در استکهلم را به خاطر فعالیت‌های ادبی‌اش در زمینه مسائل اجتماعی و به ویژه آگاهی‌رساندن در رابطه با تبعیض نژادی و جنسیتی را دریافت کرد. در مارس ۲۰۲۲ از همین نویسنده در بلژیک به عنوان یکی از زنان تاثیرگذار تقدیر شده بود. رعنا سلیمانی این جایزه را به کلیه زنانی «که در سراسر جهان در مقابل نابرابری و ستم ایستاده‌اند» تقدیم کرد.

«خَنَش» آخرین رمان رعنا سلیمانی روایت زندگی سخت مردی است که می‌خواهد آبی باشد که واقعاً هست، نه آنچه از بدو تولد به او تحمیل شده. او سال‌هاست با زن درون خود در جدال است و بالاخره به مرحله‌ای رسیده که

سه ایرانی یک نفر به معنای مطلق، فقیر است و برای بقا مشکل دارد. او افزوده بود که برای نخستین بار در ۱۰۰ سال گذشته، در زمان کمتر از سه سال، جمعیت فقیر ایران دو برابر می‌شود. مرتضی افقه استاد دانشگاه نیز پیشتر به «تجارت‌نیوز» گفته بود که ۳۰ درصد از جامعه ایرانی در فقر مطلق بسر می‌برند.

روزنامه اینترنتی «فراز» دهم‌امرداد در گزارشی از زیر خط فقر قرار داشتن ۳۰ درصد جمعیت کشور خبر داد و تأکید کرد که ۲۷ درصد دیگر از جمعیت کشور نیز شرایطی بسیار نزدیک به فقر دارند، بنابراین نزدیک به ۶۰ درصد جمعیت کشور یا فقیر مطلق هستند یا با امکانات اولیه حیات زندگی می‌کنند.

در همین ارتباط بانک جهانی در ۱۵ نوامبر گزارشی درباره آمار خط فقر در ایران منتشر کرد که نشان می‌دهد تقریباً ۱۰ میلیون ایرانی به دلیل ترکیبی از تحریم‌ها، سوء مدیریت اقتصادی و بی‌ثباتی بین‌المللی در قیمت نفت در طول یک دهه رشد از دست رفته، در فقر فرو رفته‌اند و نابرابری‌های اجتماعی تشدید شده است. ۴۰ درصد مردم ایران نیز در معرض فقر هستند.

فقر» که ماه دی ۱۴۰۱ منتشر کرد از رشد چشمگیر شمار فقیران کشور و افزایش خط فقر در ایران خبر داده بود. بر اساس این گزارش از سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ یک‌سوم جمعیت کشور به زیر خط فقر مطلق کشیده شده‌اند.

داوود سوری اقتصاددان با تأکید بر اینکه «قالب فقرای ما فقرای شاغل و یا فقرای تحصیلکرده هستند» اعلام کرد: «اینها فقرایی هستند که از نظر سلامت سالم و جوان هستند. در آخرین بررسی‌ای که داشتیم حدود ۶۰ درصد فقرای ما اینگونه هستند. از هر سه نفر یک نفر در جامعه ما فقیر است؛ فقیر کسی است که حداقل امکانات زندگی را نمی‌تواند تأمین کند و این باعث تاسف است.»

به گفته این اقتصاددان اینکه دولت دخالت کند و نتیجه قیمت بازار را تعیین کند و دون‌کیشوت‌وار خود را حامی فقرا نشان دهد را نمی‌توان سیاست دانست بلکه بی‌عملی دولت است و انجام عملی با خرج دیگران محسوب می‌شود و این عین بی‌سیاستی است.

فرشاد مومنی اقتصاددان نزدیک به جریان اصلاح‌طلب نیز با ارائه آماری گفته که بر اساس داده‌های رسمی از هر

موارد سرقت از سوی پلیس خبر داد و گفت: «بیشترین موارد سرقت در استان تهران متعلق به سرقت لوازم داخلی خودرو، کیف‌قاپی، موبایل قاپی بوده که بر اساس آمارها، در استان تهران بالاترین میزان در سطح ایران را ثبت کرده است.»

مرکز آمار ایران تیرماه ۱۴۰۱ گزارش داد که در بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ میزان سرقت در ایران چهار برابر افزایش داشته است. بر اساس این گزارش در سال ۹۵ حدود ۳۴۳ هزار و ۴۲۵ فقره بوده که بنا به اعلام معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه در سال ۱۴۰۰ شمار سرقت‌ها به حدود یک میلیون و ۴۰۰ هزار فقره رسیده بود. پیشتر نیز مقامات مختلفی از افزایش سرقت در کشور گزارش داده‌اند. از جمله علیرضا لطفی رئیس وقت پلیس آگاهی تهران بزرگ سال ۱۳۹۹ اعلام کرده بود که «بیش از ۵۰ درصد سارقان ایران «سرقت اولی» هستند که نشان می‌دهد افزایش مشکلات معیشتی افرادی را به سمت سرقت سوق داده است که سابقه نداشته‌اند.»

گزارش‌ها نشان می‌داد بسیاری از سارقان در اعترافات خود گفته بودند که به دلیل مشکلات مالی از جمله به دلیل گرسنگی یا برای تأمین هزینه‌هایی درمانی و اجاره مسکن ناچار به سرقت شده‌اند.

افزایش آمار سرقت در کشور با آمارهای مرتبط با کاهش قدرت خرید مردم و گسترش فقر ارتباطی مستقیم دارد. در همین رابطه روزنامه «دنیای اقتصاد» گزارش داده که بررسی آمارها نیز رابطه بین تورم و افزایش سرقت را تصدیق می‌کند. بر اساس گزارش‌های مرکز آمار ایران طی یک دهه گذشته، یعنی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰، تعداد دستگیرشدگان انواع سرقت رو به فزونی بوده است.

رضا اکبری معاون راهداری سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای آبان ۱۴۰۲ از افزایش سرقت تجهیزات جاده‌های کشور خبر داده و گفته که «طبق آمار تجمیع شده از سوی استان‌ها سالانه بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیارد تومان علائم و تجهیزات ایمنی و تجهیزات روشنایی در سطح جاده‌های به سرقت می‌روند.»

رضا اکبری گفته بود که تجهیزات و تابلوهای ایمنی به سرقت رفته در ضایعاتی‌ها به فروش می‌رود و تأکید کرده که سرقت‌ها فقط از جاده‌های بین شهری اتفاق می‌افتد و حتی در شهرها و به ویژه در تهران نیز تجهیزات جاده‌ای و علائم رانندگی سرقت می‌شوند.

معاون راهداری سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای گفته که حجم سرقت‌ها به حدی زیاد شده که این سازمان تلاش کرده از مواد و مصالحی مصرف کند که به درد دزدی نخورد و قابل سرقت نباشد، برای مثال پایه‌ها از آهن به کامپوزیت تغییر داده شده که ارزشی برای سرقت نداشته باشد.

حسین اشتری فرمانده سابق نیروی انتظامی نیز سال گذشته در دیدار با رئیس و اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم گفته بود: «از سال ۹۷ که قیمت‌ها افزایش یافت، آمار سرقت‌ها نیز ۳۰ درصد بالا رفت.»

همزمان علیرضا ناصری‌نژاد جانشین پلیس پیشگیری پایتخت نیز با تأیید افزایش سرقت‌های خرد گفته بود که «طی یک سال گذشته با توجه به گرانی و افزایش قیمت کالاها به ویژه کالاهای اساسی شاهد افزایش آمار سرقت‌های خرد بوده‌ایم.»

جانشین پلیس پیشگیری پایتخت افزوده بود که در مناطق پایین شهر، سرقت از دریچه‌های فلزی فاضلاب و در مناطق بالاتر سرقت از اماکن بیشتر شده است. وزارت کار ایران در آخرین گزارش سالانه از «پایش خط

قائم‌مقام وزیر میراث فرهنگی: وزارت میراث فرهنگی برای نمایش بیش از ۳ هزار قطعه از الواح هخامنشی جا ندارد!



● در شرایطی که مسئولان وزارت میراث فرهنگی قادر به نمایش این تعداد از الواح هخامنشی نیستند، وزیر میراث فرهنگی در ۴ مهرماه گفته بود که سرنوشت باقی‌مانده الواح هخامنشی در آمریکا امسال مشخص می‌شود.

● کمبود بودجه در حوزه میراث فرهنگی فقط مختص بخش مرمت آثار و بناهای تاریخی نیست، بسیاری از آثار نیازمند کاوش‌های باستان‌شناسی هستند، اما سهم ناچیز کاوش‌ها از بودجه‌های تخصیصی، انجام آنها را به تعویق می‌اندازد و همین دستمایه‌ای برای تعرض به این آثار می‌شود.

قائم‌مقام وزیر میراث فرهنگی می‌گوید: «یک میلیون اشیاء و کلای فرهنگی داریم، جا نداریم در معرض دید مردم قرار دهیم. همه در مخازن هستند. الواح هخامنشی را آوردیم، کجا هستند؟ در همین مخازن!»

روز گذشته شبیه ۴ آذرماه علی‌داریابی قائم‌مقام وزیر میراث فرهنگی، گردشگری در آیین آغاز به کار انجمن خیرین میراث فرهنگی اعلام کرد: «یک میلیون اشیاء و کلای فرهنگی داریم، جا نداریم در معرض دید مردم قرار دهیم. همه در مخازن هستند. الواح هخامنشی را آوردیم، کجا هستند؟ در همین مخازن! چرا؟ جا نداریم! این در حالی است که بطور جدی‌تر استرداد اشیاء و اموال فرهنگی را در دستور کار داریم.»

این مقام مسئول در سازمان میراث فرهنگی به ۳۵۰۶ قطعه از مجموع ۱۷ هزار قطعه لوح هخامنشی اشاره کرده که از سوی مؤسسه شرق‌شناسی شیکاگو به ایران برگردانده شد. با اینهمه در شرایطی که مسئولان وزارت میراث فرهنگی قادر به نمایش این تعداد از الواح هخامنشی نیستند، وزیر میراث فرهنگی در ۴ مهرماه گفته بود که سرنوشت باقی‌مانده الواح هخامنشی در آمریکا امسال مشخص می‌شود.

داریابی در ادامه سخنان خود اضافه کرد: «ایران بیش از یک میلیون آثار تاریخی ارزشمند دارد که تا کنون فقط ۳۵ هزار اثر آن را توانسته‌ایم ثبت کنیم.»

به گفته وی «ایوان مدائن یا طاق کسری، برجسته‌ترین یادگار دوران ساسانی که معرف معماری باشکوه ایرانیان است در نزدیکی ما در عراق مؤسسه ایف از کشور سوئیس برای مرمتش می‌آید، چرا؟ چون چند سال قبل میراث فرهنگی وقت، پول بلیت هواپیما برای اعزام مرمت‌کاران را نداشت. اینها فرصت‌های طلایی است که دارد از دست ما می‌رود.»

معاون میراث فرهنگی در ادامه توضیح داد: «ما در ایران بیش از ۱۰۰۰ کاروانسرا از دوران باستان تا قاجاری داریم که ۷۰۰ مورد آن ثبت ملی شده است. خب، حالا پس از ثبت جهانی که آغاز کار است هیچ چیز نداریم؛ نه نیروی انسانی، نه بودجه و نه اعتبار.»

این مقام مسئول در سازمان میراث فرهنگی ادعا کرد: «بودجه و اعتبارات میراث فرهنگی از بس محدود است که با آن اقدام قابل ملاحظه‌ای را نمی‌توان انجام داد و از این روست که می‌گوییم «حال بناها و آثار تاریخی ایران خوب نیست» و نیاز به یک نهضت مردمی دارد!»

معاون وزیر میراث فرهنگی در شهریورماه امسال خبر

۲۶ بنای ثبت جهانی در ایران داریم که اگر بر اساس بودجه سال قبل بخواهیم به هر کدام بودجه‌ای اختصاص دهیم، به هر بنا روزی ۳۰۰ هزار تومان می‌رسد که از دستمزد روزانه یک کارگر هم کمتر است. پس دولت پول کافی برای مرمت ندارد و تعارف داریم.»

کمبود بودجه در حوزه میراث فرهنگی فقط مختص بخش مرمت آثار و بناهای تاریخی نیست، بسیاری از آثار نیازمند کاوش‌های باستان‌شناسی هستند، اما سهم ناچیز کاوش‌ها از بودجه‌های تخصیصی، انجام آنها را به تعویق می‌اندازد و همین دستمایه‌ای برای تعرض به این آثار می‌شود.

در همین ارتباط واگذاری بناهای تاریخی و دیگر داریابی‌های ملی از ابتدای امسال خیرساز شد. هرچند دولت مدعی است که این اقدام برای «مولدسازی داریابی‌های دولت» صورت می‌گیرد اما در عمل چنین اقدامی با هدف درآمدزایی دولت و جبران کسری بودجه انجام می‌شود.

با وجود آنکه پیشتر خبر مزایده برای واگذاری دست‌کم ۱۹ بنای تاریخی ایران منتشر شده بود اما عزت‌الله ضرغامی در خردادماه مدعی شد که «مسئله واگذاری برخی ابنیه تاریخی به هیچ وجه مطرح نیست و تکذیب می‌کنم بلکه همکاری بخش خصوصی برای مرمت، نگهداری، مدیریت و استفاده بهینه از برخی ابنیه تاریخی مطرح است.»

او بار دیگر به موضوع کسری بودجه اشاره کرده و افزوده بود که «اعتبارات نگهداری بسیاری از بناهای تاریخی در حدی نیست که حتی مرمت و مدیریت شوند. بنابراین با بخش خصوصی همکاری می‌کنیم.»

خرگزاری «ایستا» چهارم اردیبهشت امسال از مزایده ۱۹ بنای تاریخی از سوی صندوق توسعه صنایع دستی و فرش دستباف و احیاء و بهره‌برداری وابسته به وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، با هدف بهره‌برداری و با عنوان «نهضت واگذاری حق بهره‌برداری بناهای تاریخی» خبر داد.

داده بود بیش از ۲۰ هزار «لوح هخامنشی» متعلق به تخت جمشید تا پایان امسال از آمریکا به کشور بازگردانده می‌شود.

عزت‌الله ضرغامی نیز در این مراسم به پرداخت نشدن بودجه عمرانی وزارت میراث فرهنگی، اشاره کرده و گفته بود: «امسال یک‌هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان بودجه عمرانی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی بود که البته بخشی از آن به مرمت مربوط می‌شد، ولی کشور گرفتار است و تا الان از این مبلغ هیچ چیزی به وزارت ما نیامده است، ان‌شاءالله بعداً می‌آید، ولی سال تمام شد.»

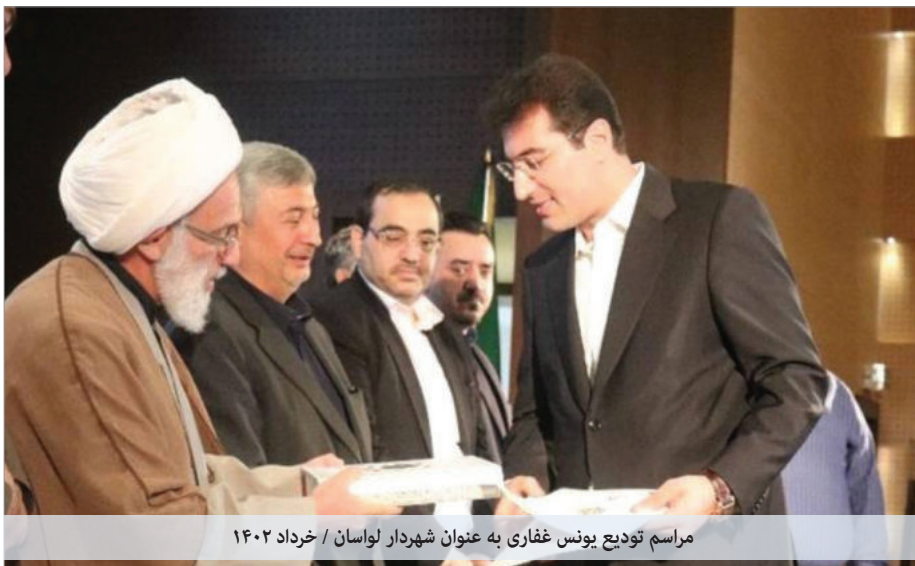
به گفته وزیر میراث فرهنگی «با این وضعیت منابع مالی، باید راه حل پیدا کرد، اقدامی انجام دهیم، جلو چشم ما میراث تمدنی و فرهنگی‌مان، در حال از بین رفتن است.»

در همین ارتباط رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی ۲۷ آبان ماه به خبرگزاری ایرنا گفته بود: «تا کنون بیش از ۲ هزار لوح هخامنشی خوانش شده اما منتشر نشده است، بخشی از این الواح توسط آقای عبدالمجید ارفعی بازخوانی شده و قرار است آنها را به زودی منتشر کند، مابقی هنوز خوانش نشده است. این الواح اگر بطور کامل به ایران برگردانده شود پژوهشگران ایرانی داریم که می‌توانند آنها را بخوانند و با رویکردهای مختلف نتایج را استنتاج کنند.»

به گفته مصطفی ده‌پهلوان «در یکصد سال گذشته دست‌کم ۵۰ هزار گور باستانی را باز کردیم، اما دریغ از هزار اسکلت آرشو شده، فقط از کاوش‌های شهر سوخته ۴۰۰ اسکلت و در دانشگاه تهران هم ۱۰۰ اسکلت آرشو شده است، جز این هیچی نداریم.»

ضرغامی در خردادماه نیز اعتبارات دولتی را برای صیانت از حوزه میراث فرهنگی «یک شوخی بزرگ» خوانده بود. پیشتر در اردیبهشت ماه وزیر میراث فرهنگی، در نشستی اعلام کرده بود: «در نظر بگیریم که ۳۵ هزار بنای ثبت ملی و

بازداشت شهردار لواسان به اتهام فساد مالی



مراسم تودیع یونس غفاری به عنوان شهردار لواسان / خرداد ۱۴۰۲

تصدی وی در شهرداری رباط کریم است چطور پیش از ارتقاء درجه به عنوان شهردار لواسان به پرونده وی رسیدگی نشده است؟! یکی از بدسابقه‌ترین بخش‌های شهرداری دقیقاً

شهرداری لواسان است. این منطقه بیلاقی و خوش آب و هوا پاتوق سرمایه‌داران حکومتی و مسئولان سیاسی و نظامی رژیم است. شهرداری که در منطقه‌ای فقیرنشین مثل رباط کریم پرونده فساد داشته باشد احتمالاً این توانایی را خواهد داشت که در شهرداری لواسان بیشتر از امکانات فساد سیستماتیک بهره برد!

«آنچه شورا از آن اطلاع دارد احضار شهردار به پلیس امنیت اقتصادی است و این ماجرا ارتباطی با شهرداری لواسان ندارد و مرتبط با مسئولیت سابق وی در رباط کریم است.»

اگرچه طی یک دهه اخیر بازداشت شهرداران و اعضای شورای اسلامی شهر در تمام استان‌های ایران به اتهام رشوه و فساد و مشارکت در زمین‌خواری رو به افزایش بود اما علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ادعا می‌کند در نظام وی «فساد سیستماتیک» وجود ندارد.

مشخص نیست اگر فساد یونس غفاری مربوط به دوران

یونس غفاری خرداد ۱۴۰۲ یعنی حدود شش ماه بعد از انتصاب به عنوان شهردار لواسان بازداشت شده است. مهدی کرمنیا رئیس شورای اسلامی شهر لواسان گفته «آنچه شورا از آن اطلاع دارد احضار شهردار به پلیس امنیت اقتصادی است و این ماجرا ارتباطی با شهرداری لواسان ندارد و مرتبط با مسئولیت سابق وی در رباط کریم است.»

خبرگزاری دولتی ایرنا روز چهارشنبه هشتم آذرماه به نقل از یک «منبع آگاه» گزارش داد که یونس غفاری شهردار لواسان بازداشت شده است.

در این گزارش آمده اتهامات وی مربوط به پرونده وی در دورانی می‌شود که شهردار شهرستان رباط کریم بوده است اما در همین گزارش آمده «پرونده شهرداری و شورای شهر لواسان ۵۱ متهم دارد که مشارکت در تشکیل شبکه ارتشا، پرداخت و اخذ رشوه و وساطت در امر پرداخت رشوه از جمله اتهامات متهمان این پرونده است.»

ایرنا اشاره نکرده که غفاری با چه اتهاماتی در شهرداری لواسان روبروست اما نوشته متهمان پرونده شهرداری رباط کریم سه گروه هستند: اول شهردار، مدیران ارشد شهرداری، و اعضای شورای شهر را تشکیل می‌دهد، دوم کارچاق‌کن‌ها و برخی از کارمندان شهرداری و اعضای شورای شهر و سوم پیمانکاران و سازندگان هستند.

به گفته نماینده دادستان، «متهمان با سوء استفاده از جایگاه خود و سوء استفاده از ظرفیت مواد ۱۰۰، ۷۷ و ۵ مقاصد مجرمانه خود را محقق کرده‌اند.»

غفاری خرداد ۱۴۰۲ یعنی حدود شش ماه بعد از انتصاب به عنوان شهردار لواسان بازداشت شده است.

مهدی کرمنیا رئیس شورای اسلامی شهر لواسان گفته

تحریم یک شبکه بزرگ تأمین‌کننده مالی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی

وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد نهادهای نظامی جمهوری اسلامی و شرکای تجاری آنها از طریق این شبکه اقدام به دور زدن تحریم‌ها با فروش کالاها و محموله‌ها کرده و از طریق آنها با استفاده از سیستم مالی بین‌المللی درآمدزایی کرده‌اند.

در این بیانیه عنوان شده رژیم ایران از این درآمد غیرقانونی برای حمایت از درگیری و گسترش ترور در سراسر خاورمیانه استفاده می‌کند.

شش فرد حقیقی و ۱۶ شرکت ایرانی و بین‌المللی در ارتباط با تأمین مالی نهادهای نظامی ایران به فهرست سیاه اضافه شده‌اند. این افراد و شرکت‌ها از کشورهای ایران، امارات، ترکمنستان، هند، چین، کره شمالی و سنگاپور هستند.

بر اساس اعلام وزارت خزانه‌داری آمریکا، شرکت «سپهر انرژی جهان»، مجید اعظمی مدیرعامل آن و الیاس نیرومند توماج تسهیل‌کننده فروش کالاهای ایرانی در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته‌اند.

همچنین شرکت «پیشرو تجارت سانا» و سید عبدالجواد علوی رئیس هیات مدیره آن با دلایل مشابه تحریم شدند. بررسی‌ها نشان می‌دهد علوی یکی از مدیران ارشد نفتی در ایران بوده است. وی در فروردین سال ۱۳۹۳ به عنوان مدیر شرکت عملیات اکتشاف نفت منصوب شده بود.



موشک بالستیک «عباد»

کالاهای ایران، از طریق شبکه‌ای از شرکت‌های خارجی، درآمدهایی را فراهم می‌کردند که به رژیم ایران کمک می‌کند تا به حمایت خود از گروه‌های تروریستی مانند حماس و حزب‌الله ادامه دهد.

وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد نهادهای نظامی جمهوری اسلامی و شرکای تجاری آنها از طریق این شبکه اقدام به دور زدن تحریم‌ها با فروش کالاها و محموله‌ها کرده و از طریق آنها با استفاده از سیستم مالی بین‌المللی درآمدزایی کرده‌اند.

بر اساس اعلام وزارت خزانه‌داری آمریکا، شرکت «سپهر انرژی جهان»، مجید اعظمی مدیرعامل آن و الیاس نیرومند توماج تسهیل‌کننده فروش کالاهای ایرانی در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته‌اند.

همچنین شرکت «پیشرو تجارت سانا» و سید عبدالجواد علوی رئیس هیات مدیره آن با دلایل مشابه تحریم شدند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که علوی یکی از مدیران ارشد نفتی در ایران بوده است. وی در فروردین سال ۱۳۹۳ به عنوان مدیر شرکت عملیات اکتشاف نفت منصوب شده بود.

ایالات متحده روز چهارشنبه ۲۹ نوامبر (هفتم آذرماه) یک شبکه بزرگ مالی را که به نفع وزارت دفاع جمهوری اسلامی، ستاد کل نیروهای مسلح و نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فعالیت می‌کرد در فهرست تحریم‌ها قرار داد. این افراد و نهادها که بیش از ۲۰ مورد هستند با فروش

دادن اختیارات قانونی به نظامی‌ها و امنیتی‌ها برای دور زدن «وزارت خارجه» دیپلمات‌های سابق نظام: سیاست خارجی ملوک‌الطوایفی شده!



رزمایش نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی در نصرآباد اصفهان / آبان ۱۴۰۲

نفوذی کنند تا تنش‌بس ایجاد شود. اما ایران را که از حماس حمایت سیاسی دارد دعوت نکردند. حتی سوریه و لبنان را به دلیل وابستگی به ایران دعوت نکردند. بنابراین می‌توان گفت از نظر سیاسی ایران هنوز با وجود نزدیکتر شدن به عربستان نتوانسته اعتماد زیادی را جلب کند. برای اینکه خود عربستان و کشورهای عربی ضمن تمایل به پرهیز از تنش با ایران مایل نیستند ایران تمایلات و آرمان‌های خود را به آنها تحمیل کند.» اشاره فریدون مجلسی به نفوذ نیروهای مسلح در دستگاه دیپلماسی است تا جایی که بخشی از سفیران جمهوری اسلامی از جمله در عراق، سوریه، یمن را مستقیم سپاه پاسداران تعیین می‌کند و سال‌هاست این مقام به سرداران سپاه سپرده می‌شود.

در اردیبهشت سال ۱۴۰۰ دو سال بعد از کشته شدن قاسم سلیمانی در بغداد فایل صوتی از محمدجواد ظریف وزیر خارجه وقت جمهوری اسلامی منتشر شد که در آن اشاره کرد قاسم سلیمانی با اجازه علی خامنه‌ای «دیپلماسی» را فدای «میدان» کرد. در واکنش به اظهارات جنجالی ظریف پس از افشای فایل صوتی وی، علی خامنه‌ای در یک سخنرانی گفت «همه بدانند که سیاست خارجی در هیچ جای دنیا در وزارت خارجه تعیین نمی‌شود.»

وی همچنین با اشاره به اینکه نباید «اظهارات دشمن‌شادکن» را بیان کرد مدعی شد سیاست خارجی «در همه جای دنیا مربوط به مجامع بالادستی و مسئولین عالی رتبه است» و آنها «هستند که تعیین می‌کنند. البته وزارت خارجه هم مشارکت دارد. اما مجری است.»

برخی تحلیلگران می‌گویند علی خامنه‌ای و سپاه پاسداران به دستگاه دیپلماسی دولت‌های خود رژیم بی‌اعتمادند. برخی دیگر اما می‌گویند سیاست خارجی جمهوری اسلامی استوار بر تهدید و خرابکاری و در نهایت باجگیری است و نه دیپلمات‌ها بلکه نظامی‌ها میداندار این روند هستند.

از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در یادداشتی که ششم آذرماه در «خبرآنلاین» منتشر شد با یک مثال می‌نویسد «وزارت خارجه ستاد مرکزی فرماندهی رهبران ارکسترها یعنی سفراء است که به نیابت از رهبر کشور کلیه این آهنگ‌ها در کشورهای گوناگون را هدایت می‌نماید. اگر در یک کشور سازها هماهنگ با سفیر که رهبر ارکستر است نواخته نشود، مثلاً تنبک و شیپور و ویالون بدون هماهنگی با رهبر ارکستر بنوازند چه آهنگ گوش‌خراش و ناهمگونی نواخته و به گوش کشور خارجی خواهد رسید. این کشور خارجی چه نتیجه‌ای از این آهنگ ناهمگون خواهد گرفت؟»

نوبری در این یادداشت هرچند با به وسط کشیدن پای رابطه میان «سفرا و رهبری» به بند «الف» ماده ۱۰۰ لایحه قانون برنامه هفتم توسعه انتقاد کرده اما یک واقعیت را لاپوشانی کرده است: محال است مجلس شورای اسلامی بدون اجازه علی خامنه‌ای چنین قانونی را که مستقیم مربوط به اختیارات نیروی‌های نظامی و امنیتی است تصویب کرده باشد.

«اختیار با نظامی‌ها و امنیتی‌هاست»

فریدون مجلسی از دیپلمات‌های پیشین جمهوری اسلامی که به جریان اصلاح‌طلب نزدیک است در مصاحبه با «خبرآنلاین» با اشاره به انزوای جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی و «روابط خارجی بسیار محدود ایران» اشاره می‌کند که بخش زیادی از روابط خارجی حکومت با کشورهای منطقه از جمله سوریه خارج از کنترل وزارت خارجه و در حوزه «اختیارات مقامات نظامی و امنیتی بوده که گهگاه مغایرتی هم با نظرها در وزارت خارجه داشته‌اند.»

وی محتاطانه به این واقعیت اشاره کرده که با وضعیتی که سیاست خارجی جمهوری اسلامی دارد «گاهی منافع ملی در تضاد با منافع آرمانی یا ایدئولوژیک قرار می‌گیرد.»

فریدون مجلسی توضیح داده «در همین قضیه حماس دیدیم چندین کشور را به قاهره دعوت کردند تا بتوانند اعمال

● بر اساس بند «الف» ماده ۱۰۰ لایحه قانون برنامه هفتم توسعه که دوم آبان ۱۴۰۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، نیروهای مسلح، وزارت اطلاعات و سازمان انرژی اتمی از هماهنگی با وزارت خارجه در زمینه روابط خارجی مستثنی شدند.

● کوروش احمدی دیپلمات سابق جمهوری اسلامی در سازمان ملل معتقد است «معاف کردن رسمی برخی نهادها از هماهنگی با وزارت خارجه در حوزه سیاست خارجی، عملاً در حکم توسعه نوعی ملوک‌الطوایفی است.»

● وی پرسیده «در شرایطی که حتی وزارت خارجه ما نیز به دلایلی که می‌دانیم، قابلیت‌های دیپلماتیک ایده‌آل را ندارد، چطور می‌توان انتظار داشت سایر نهادها چنین توانایی و قابلیتی داشته و بتوانند در مواجهه با طرف‌های خارجی از عهده حفظ منافع ملی برآیند؟»

بر اساس بند «الف» ماده ۱۰۰ لایحه قانون برنامه هفتم توسعه که دوم آبان ۱۴۰۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، نیروهای مسلح، وزارت اطلاعات و سازمان انرژی اتمی از هماهنگی با وزارت خارجه در زمینه روابط خارجی مستثنی شدند.

هرچند چهار دهه است که هیچکدام از نهادهای امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی و همچنین نیروهای مسلح در روابط خارجی و حتی اقتصاد پاسخگوی سایر نهادهای مسئول نیستند و بطور مستقیم از علی خامنه‌ای دستور می‌گیرند اما اکنون این وضعیت صورت قانونی گرفته است.

درواقع با چراغ سبز علی خامنه‌ای مجلس شورای اسلامی که اتفاقاً ریاست آن با محمدباقر قالیباف رئیس سابق نیروی نظامی جمهوری اسلامی است با کمترین حاشیه در لوای قانون، وزارت خارجه جمهوری اسلامی را دور خواهند زد.

اگرچه حسین امیرعبداللّه‌یان که حزب‌اللهی‌ها از وی به عنوان «حاج قاسم دیپلماسی» و «دیپلمات مقاومت» یاد می‌کنند هیچ واکنشی به تصویب این قانون نشان نداده اما شماری از سفیران و دیپلمات‌های سابق جمهوری اسلامی که بعضی از آنها در در بین سفراء بلندپایه نظام بودند به قانونی که منجر به تضعیف‌تر شدن جایگاه وزارت خارجه در حکومت می‌شود اعتراض کردند.

«ملوک‌الطوایفی شده»

کوروش احمدی دیپلمات سابق جمهوری اسلامی در سازمان ملل معتقد است «معاف کردن رسمی برخی نهادها از هماهنگی با وزارت خارجه در حوزه سیاست خارجی، عملاً در حکم توسعه نوعی ملوک‌الطوایفی است. می‌دانیم که تمایل به تکرار و گریز از هماهنگی در نهادهای موجود ریشه‌دار است.» این کارشناس روابط بین‌الملل نهم آبان‌ماه در یادداشتی که روزنامه «شرق» منتشر کرد می‌نویسد این اقدام مشکل‌زا نه تنها باعث ناهماهنگی میان سفراء و نمایندگی‌های خارج از کشور می‌شود بلکه به روند کاری دستگاه دیپلماسی نیز لطمه می‌زند. وی پرسیده «در شرایطی که حتی وزارت خارجه ما نیز به دلایلی که می‌دانیم، قابلیت‌های دیپلماتیک ایده‌آل را ندارد، چطور می‌توان انتظار داشت سایر نهادها چنین توانایی و قابلیتی داشته و بتوانند در مواجهه با طرف‌های خارجی از عهده حفظ منافع ملی برآیند؟»

«آهنگ گوش‌خراش!»

ناصر نوبری سفیر سابق جمهوری اسلامی در مسکو پیش

وقتی پرده‌ها فرو می‌افتد؛ فرافکنی وزارت کشور درباره سردار پاسدار دروغگو!

ساعاتی پس از انتشار این سند دادستانی تهران علیه روزنامه «اعتماد» اعلام جرم کرد. یک روز بعد، دوشنبه ششم آذرماه، روزنامه «توسعه ایرانی» در تیتیر نخست با عنوان «محرمانگی خودسرانه!» به این سند پرداخت و نوشت که تصمیم مقامات جمهوری اسلامی برای «محرمانه» تلقی کردن این سند تصمیمی «خودسرانه» بوده است.

روزنامه «توسعه ایرانی» افزوده بود که «اساساً طبقه‌بندی چنین سندی در رده «خیلی محرمانه» نقض آشکار قانون «انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» است.»

این روزنامه با انتقاد از این که «دایره محرمانگی در کشور چنان وسیع و گسترده است که از جزئیات مذاکرات اتمی تا فیش حقوقی حراست شهرداری را هم شامل می‌شود» نوشت که «اصل بر عدم محرمانگی کلیه اسناد و مدارک است.» محمد صالح نقره‌کار عضو کانون وکلای در مورد اعلام جرم دادستانی علیه روزنامه اعتماد به «توسعه ایرانی» گفته بود که «اصل بر عدم محرمانگی است، اینکه هر نهادی با طبقه‌بندی اسناد خود حق آگاهی شهروندان را نسبت به دسترسی به اسنادی محدود کند، نیازمند یک تصریح قانونی است؛ اداره یک نهاد خودسر نیست که به صورت سلیقه‌ای یک سند را اطلاق عنوان محرمانه کند.»

به گفته این وکیل دادگستری «هر مقرره‌ای که حق یا تکلیفی برای شهروندان ایجاد می‌کند باید به اطلاع عموم برسد و اصل دسترسی عموم به اطلاعات به خصوص اطلاعاتی که در حوزه عمومی هست به عنوان یکی از ارکان جامعه آزاد و مردم‌سالار شناخته می‌شود و هرگونه تضییع حق شفافیت باعث ایجاد تکلیف و گاه مسئولیت برای شهروندان می‌شود.»

محمد صالح نقره‌کار افزوده بود که «اداره یک نهاد خودسر نیست که به صورت سلیقه‌ای خواهد یک سند را اطلاق عنوان محرمانه و سند دیگر را اطلاق عنوان غیرمحرمانه کند. اینکه هر نهادی خواهد با طبقه‌بندی اسناد خود؛ حق آگاهی شهروندان را نسبت به دسترسی به اسنادی محدود کند، نیازمند یک تصریح قانونی است.»

استخدام حجاب‌بان‌ها توسط شهرداری تهران اما بیش از دو ماه پیش در رسانه‌ها مطرح و آن زمان شهردار تهران هیچ واکنشی به این خبر نشان نداده و آن را تکذیب نکرد. در مقابل یکی از معاونان او استقرار حجاب‌بان‌ها را در زیرمجموعه طرح‌های قرارگاهی خواند که از سوی شهرداری تشکیل شده است.

روزنامه اینترنتی «فراز» نیمه امرداد ۱۴۰۲ از «استخدام» ۴۰۰ تن با عنوان شغلی «حجاب‌بان» با حقوق ماهانه ۱۲ میلیون تومان برای فعالیت در متروها خبر داده بود.

بر اساس این گزارش، یک منبع آگاه در یک شرکت پیمانکاری گفته بود که شهرداری تهران، به زودی ۴۰۰ نیرو را با عنوان «حجاب‌بان» در ایستگاه‌های مترو پایتخت مستقر خواهد کرد. این نیروها که توسط یگان حفاظت شهرداری تهران گزینش شده و کلاس‌های آموزشی مربوط به این کار را نیز گذرانده‌اند، به زودی در ایستگاه‌های مترو وارد فعال خواهند شد.

این منبع آگاه افزوده بود که «حجاب‌بان»ها تنها وظیفه «تذکر لسانی و ممانعت از ورود بی‌حجاب‌ها و بدحجاب‌ها به مترو» و در صورت مقاومت، معرفی آنها به پلیس را دارند و در صورت درگیری با شهروندان، از خدمت معلق خواهند شد. همچنین اعلام شده بود دستمزد ماهانه نیروهای «حجاب‌بان» شهرداری حدود ۱۲ میلیون تومان است که مزایای «سختی کار» نیز به آنها تعلق خواهد گرفت!



در چارچوب امر معروف و نهی از منکر است. همه مردم برای این کار وظیفه دارند، ولی باید با ادبیات خوب و الفاظ خوب و صرفاً تذکر لسانی انجام شود. در همین حد این گروه‌ها مجاز هستند.»

این سخنان در حالی مطرح شده که دولت سیزدهم در کنار مجلس شورای اسلامی و قوه قضاییه برنامه‌های عریض و طویلی برای امنیت‌بخشی فضای جامعه و آزار شهروندان به بهانه «حجاب» دارند. ادعای وزیر کشور، در کنار ادعای مشابهی که از سوی علیرضا زاکانی شهردار تهران مطرح شده بود، با واکنش کاربران در شبکه‌های اجتماعی روبرو و این پرسش را ایجاد کرده که اگر حجاب‌بان‌ها نیروهای «خودجوش» و «مردمی» هستند چطور همگی لباس یک شکل دارند؟! پس از این ادعای وزیر کشور اما روزنامه «اعتماد» در شماره یکشنبه ۵ آذرماه تصویر بخشی از یک بخشنامه سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور را به شماره ۹۷۴۳ و تاریخ ۹ خرداد ۱۴۰۲ منتشر کرد. این سند دارای مهر «خیلی محرمانه» است که در آن بر «بازداشت» و «برخورد» با زنانی که پوشش اختیاری دارند تأکید شده است. در بخشی از این سند، مالکان و مدیران مراکز تفریحی، مال‌ها و مراکز تجاری بزرگ موظف شده‌اند «افرادی را توانمندی مناسب» را جهت ممانعت از ورود افراد مکشوفه و هنجارشکن به کار بگیرند.

همچنین تکلیف شده که از افراد هنجارشکن درون مرکز با دوربین‌های نصب شده عکسبرداری شود و در صورت نبود دوربین ضابطین اقدام به تصویربرداری کنند. در بخش دیگری از این سند آمده است: «سازمان اطلاعات فراجا، سازمان اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات نسبت به تصویربرداری، تهیه مستندات احراز هویت مرتکبین کشف حجاب و برهنگی به صورت گسترده و طی طرح‌های کشوری اقدام و نتایج را به صورت فوری با فراجا یا مراجع قضایی ارسال کنند.»

بخشنامه وزارت ارشاد مشخصاً درباره مترو و حتی داخل واگن‌ها نیز تکلیف کرده و نوشته که باید «عکسبرداری و تهیه مستندات» از زنانی که از رعایت حجاب اجباری و تحمیلی جمهوری اسلامی در مراکز مختلف و از جمله در «همه بخش‌های مترو» و «داخل واگن‌ها» خودداری می‌کنند در «دستور کار ضابطین» قرار گیرد.

بخشنامه وزارت ارشاد مشخصاً درباره مترو و حتی داخل واگن‌ها نیز تکلیف کرده و نوشته که باید «عکسبرداری و تهیه مستندات» از زنانی که از رعایت حجاب اجباری و تحمیلی جمهوری اسلامی در مراکز مختلف و از جمله در «همه بخش‌های مترو» و «داخل واگن‌ها» خودداری می‌کنند در «دستور کار ضابطین» قرار گیرد.

بخشنامه وزارت ارشاد مشخصاً درباره مترو و حتی داخل واگن‌ها نیز تکلیف کرده و نوشته که باید «عکسبرداری و تهیه مستندات» از زنانی که از رعایت حجاب اجباری و تحمیلی جمهوری اسلامی در مراکز مختلف و از جمله در «همه بخش‌های مترو» و «داخل واگن‌ها» خودداری می‌کنند در «دستور کار ضابطین» قرار گیرد.

● مرکز اطلاع‌رسانی وزارت کشور: ابلاغیه ضرورت مراعات حجاب توسط همگان و اعمال آن از سوی دستگاه و نهادها و حمایت از آمرین به معروف و ناهیان از منکر، تعارضی با این اظهار نظر وزیر کشور ندارد.

● سند وزارت کشور دارای مهر «خیلی محرمانه» است که در آن بر «بازداشت» و «برخورد» با زنانی که پوشش اختیاری دارند، از جمله در متروها، تأکید شده است.

● سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی پیشتر اعلام کرده بود این وزارتخانه هیچ مجوزی برای فعالیت حجاب‌بان‌ها و برخورد با زنان نداده است!

پس از افشای سند جنجالی دستور وزیر کشور جمهوری اسلامی برای برخورد با زنانی که پوشش اختیاری دارند، این وزارتخانه با صدور اطلاعیه‌ای به فرافکنی پرداخته و رسانه‌ها را متهم به «فضاسازی» کرده است. سردار پاسدار احمد وحیدی پیشتر اعلام کرده بود این وزارتخانه هیچ مجوزی برای فعالیت حجاب‌بان‌ها و برخورد با زنان نداده است.

مرکز اطلاع‌رسانی وزارت کشور در اطلاعیه‌ای درباره افشای دروغ وزیر و بخشنامه «حجاب» اعلام کرد «سخنان وزیر کشور مبنی بر اینکه مجوز خاصی از سوی وزارت کشور برای آمرین به معروف صادر نشده با ابلاغیه ضرورت مراعات حجاب و اعمال آن از سوی دستگاه‌ها و حمایت از آمرین به معروف، تعارضی ندارد.»

در این اطلاعیه آمده که «موضوع وزارت کشور در خصوص عفاف و حجاب و حمایت از آمرین به معروف کاملاً روشن و مشخص بوده است. رعایت حجاب و الزام به پوشش قانونی تغییر ناپذیر بوده و هرگونه برداشتی بر خلاف این موضوع، ناصحیح و غیر دقیق است.»

در ادامه اطلاعیه آمده که «ابلاغیه ضرورت مراعات حجاب توسط همگان و اعمال آن از سوی دستگاه و نهادها و حمایت از آمرین به معروف و ناهیان از منکر، تعارضی با این اظهار نظر وزیر کشور در پاسخ به سوال خبرنگاری درباره عفاف و حجاب مبنی بر این که مجوز خاصی از سوی وزارت کشور صادر نشده است، ندارد و برخی فضاسازی‌های رسانه‌ای برای دوگانه نشان دادن آن، امری غیر واقعی و ناصواب است.»

وزارت کشور جمهوری اسلامی مدعی شده که «گر چه تجربه نشان می‌دهد درگیر و دار رقابت‌های سیاسی و مناسبات و محاسبات، گروهی از رسانه‌ها با حاشیه‌آفرینی، برای جلب نظر بیشتر افکار عمومی تلاش می‌کنند، با این حال از صاحبان رسانه و ارباب جرأید انتظار می‌رود با دقت بیشتر در منابع خبری و بازخوانی دقیق اظهار نظر مسئولان نسبت به انتشار تحلیل‌های ناصحیح و ابهام‌آفرین برای افکار عمومی خودداری کنند و به رعایت تقوای سیاسی و اخلاق رسانه‌ای اهتمام ورزند.»

این اطلاعیه در پایان «صادق الوعد بودن» و «صراحت بیان» را از «مهم‌ترین سرمایه‌های معنوی» دولت سیزدهم دانسته است! در روزهای گذشته و پس از آنکه فعالیت مزدوران حکومتی که تحت عنوان حجاب‌بان‌ها در متروها، آسایش و امنیت شهروندان به ویژه زنان دارای پوشش اختیاری را از بین برده و با عکاسی و فیلمبرداری برای آنها مزاحمت ایجاد می‌کنند برجسته شد، وزیر کشور نقش این وزارتخانه در فعالیت حجاب‌بان‌ها را انکار کرد.

سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور گفته بود که «ما مجوز خاصی برای این کار ندادیم و تحت امر معروف و نهی از منکر ظاهراً توسط گروه‌های مردمی انجام می‌شود. کارشان

شش مأمور انتظامی متهمان به قتل مهرشاد شهیدی



شهروندان در آرامستان اراک برگزار شد. بر اساس گزارش‌ها هزاران نفر برای حضور در مراسم خاکسپاری مهرشاد شهیدی در آرامستان اراک حضور پیدا کردند. این مراسم با شعارهایی علیه جمهوری اسلامی از جمله همراه بود. در مراسم چهلم مهرشاد نیروهای امنیتی مسیر آرامستان را مسدود و از حضور شهروندان بر مزار او جلوگیری کردند. تدابیر شدید امنیتی در مراسم سالگرد درگذشت این جوان نیز برقرار بود و تعدادی از شهروندان که برای حضور بر مزار مهرشاد به آرامستان اراک رفته بودند بازداشت شدند. پدر مهرشاد روز شنبه ششم آبان در شبکه «ایکس» نوشت که روز چهارم آبان همزمان با سالگرد مهرشاد «به دلیل برخی محدودیت‌ها و محاصره مزار و اطراف آن توسط نیروهای امنیتی، امکان برگزاری مراسم مقدور نشد... یکی از مأموران جهت ایجاد رعب و وحشت از مردم فیلمبرداری می‌نمود و یکی دیگر گل‌های هدیه‌شده به مزار مهرشاد را به سطل زباله می‌ریخت.»

خانواده مهرشاد شهیدی مانند ده‌ها خانواده دادخواه دیگر حاضر به سکوت نشدند و با وجود فشارهای امنیتی و تهدیدها، پیگیر خون به ناحق ریخته فرزند شدند. بابک اسلامی فارسانی وکیل خانواده مهرشاد شهیدی نیز در گفتگو با «شبکه شرق» گفته که زینب کرامتی و امیر شهیدی، مادر و پدر مهرشاد، سه ماه پس از درگذشت فرزندشان در دادرسی اراک شکایتی برای رسیدگی به موضوع قتل فرزندشان توسط مأموران را ثبت کردند و مدتی بعد نیز وکالت او و مصطفی نیلی در این پرونده پذیرفته شد.

این وکیل دادگستری گفته «پس از طرح شکایت، این پرونده به شعبه یک بازپرسی شهرستان اراک ارجاع شده و بازپرس تحقیقاتش را آغاز می‌کند. بازپرس در تحقیقات خود این موضوع را مورد توجه قرار می‌دهد که افراد حاضر در صحنه قتل مهرشاد شهیدی چه کسانی بودند، چرا اقدام به ضرب و جرح او کردند، کارمند کدام نهاد بودند و از کجا دستور و مجوز داشتند و اینکه اساسا کدام رفتار مهرشاد شهیدی منجر به بروز چنین اقداماتی از سوی آنان شده است.»

خواندن پرونده را به دو وکیل خانواده شهیدی نداده است: «بازپرس در پاسخ به درخواست دوم ما برای مطالعه پرونده، با این دلیل که پاسخ استعلاماتم نیامده، اجازه مطالعه پرونده را نداد اما شفاها قول داد که بعد از پاسخ استعلام و تکمیل پرونده و پیش از صدور قرار، اجازه مطالعه پرونده را به ما بدهد.»

مهرشاد شهیدی نژاد منفرد طهرانی معروف به مهرشاد شهیدی از جان‌باختگان اعتراضات جنبش ملی در اراک است. او در ۴ آبان ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات در خیابان بازداشت شد و بر اثر اصابت ضربات متعدد باتوم بر سرش جان باخت.

سه شاهد عینی پیشتر به «رادیو فردا» اعلام کرده بودند که در خیابان شاهد «ضرب و جرح هولناک» مهرشاد توسط مأموران امنیتی بوده‌اند. این شاهدان همچنین گفتند که «مطمئن نیستند مهرشاد همانجا در خیابان جان باخته است یا بعد از آنکه مأموران امنیتی او را با خود برده‌اند.»

امیر شهیدی پدر مهرشاد ماجرای کشته شدن فرزندش به دست مأموران را اینگونه شرح داده است: «مهرشاد از ناحیه سر و پیشانی و بینی و قفسه سینه دچار شکستگی شده و خونریزی مغزی می‌کند. ضاربان به جای انتقال وی به بیمارستان دستان مهرشاد نیمه جان را با بست کمربندی بسته و به پایگاه اطلاعات سپاه میدان مقاومت می‌برند. حدود ساعت ۲۱:۰۰ پیکر بی‌جان او را به بیمارستان ولیعصر اراک منتقل می‌نمایند. کارکنان بیمارستان به مأمور همراه وی می‌گویند که بیمار فوت نموده. حوالی ساعت ۲۱:۳۰ مهرشاد را با آمبولانس به سردخانه آرامستان اراک منتقل می‌نمایند.»

مهرشاد شهیدی یکی از صدها جوان برومندی بود که در اعتراضات ۱۴۰۱ توسط مأموران جمهوری اسلامی و در سرکوب اعتراضات جان باخت. او سرآشپز و نیز دانشجوی هتل‌داری دانشگاه علمی-کاربردی اراک بود که به صورت حرفه‌ای آشپزی و در کافه-رستوران بوته اراک کار می‌کرد. مهرشاد در رشته‌های ژیمناستیک، بدن‌سازی، والیبال، دوچرخه‌سواری کوهستان و شنا صاحب مدال‌های قهرمانی بود. مراسم خاکسپاری و هفتم مهرشاد با حضور گسترده

● متهمان از مأموران نیروی انتظامی بوده و در حال حاضر به قید وثیقه و کفالت تا تعیین تکلیف نهایی پرونده در دادسرا آزاد هستند.

● بازپرس اجازه خواندن پرونده را به بابک اسلامی فارسانی و مصطفی نیلی دو وکیل خانواده شهیدی نداده است.

● مهرشاد شهیدی در ۴ آبان ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات در خیابان بازداشت شد و بر اثر اصابت ضربات متعدد باتوم بر سرش جان باخت.

وکیل مهرشاد شهیدی از حضور ۶ متهم به قتل این جوان ۱۹ ساله خبر داده و گفته متهمان از نیروهای انتظامی بوده و با قید وثیقه آزاد هستند. مهرشاد شهیدی از معترضان جنبش ملی ۱۴۰۱ پس از بازداشت به دلیل اصابت ضربات متعدد باتوم به سرش جان باخت.

بابک اسلامی فارسانی وکیل خانواده مهرشاد شهیدی در گفتگو با «شبکه شرق» گفته خبر از در اختیار داشتن اسامی ۶ متهم به قتل این جوان ۱۹ ساله داد و تأکید کرد که متهمان در حال حاضر به قید وثیقه و کفالت تا تعیین تکلیف نهایی پرونده در دادسرا آزاد هستند.

بابک اسلامی فارسانی توضیح داده که «نظریه دادگاه کیفری و تأکیدش بر محرمانه بودن پرونده اگرچه مانع دسترسی وکلا به آن شد اما در عوض، سبب شد تا، اسامی ۶ متهم به قتل مهرشاد شهیدی در اختیار ما قرار بگیرد ولی به دلیل محرمانه بودن پرونده، امکان اعلام اسامی آنان را نداریم. جالب آن است که ۲ تن از این متهمان نماینده حقوقی به بازپرس معرفی کرده‌اند.»

او افزوده که هر شش متهم از مأموران نیروی انتظامی هستند: «۶ متهم به قتل در این پرونده با قرارهای کفالت و وثیقه در حال حاضر آزادند. متهمان این پرونده اگرچه وارد بازداشتگاه نشده‌اند ولی تضمین لازم از آنان اخذ شده است. علاوه بر این، همه آنها جزء نیروهای نظامی هستند و بعید است در ادامه پرونده حاضر نباشند یا فرار کنند و پنهان شوند.»

بر اساس توضیحات این وکیل دادگستری بازپرس اجازه

معاون سازمان اطلاعات سپاه (ساس):

می خواهند حجاب مرکز ثقل اعتراضات برای براندازی نظام باشد!



برگزاری مراسم صبحگاه سرکوبگران شاغل در «وزارت ارتباطات» با باتوم و سپر

مقابله با اعتراضات «بسیج بدون سلاح به میدان برود» وی تأکید کرد «عامل موفقیت نظام در کنترل فتنه ۱۴۰۱ مدیریت موفق رهبر انقلاب و رشادت‌های جان برکفان بسیجی بود.» به اعتقاد این مقام امنیتی سومین عامل نیز «پایمردی مردم با وجود مشکلات اقتصادی و نارضایتی معیشتی» بود. وی افزود: «دشمنان برنامه‌ریزی خوبی در فتنه داشتند و می‌اندیشند با کوچکترین اعتراض، مردم به خیابان می‌ریزند اما مردم از این فراخوان‌ها استقبال نکردند لذا همانطور که رهبری فرمودند محاسبات آنها در خصوص مردم اشتباه بود.»

به اعتقاد سیاری «چهارمین عامل موفقیت در کنترل فتنه پارسال امدادهای غیبی و لطف خداوند» بود.

معاون سازمان اطلاعات سپاه پاسداران با این مقدمه در مورد «برنامه‌ریزی دشمن درباره انتخابات» هشدار داد و گفت باید «حالت تهاجمی بگیریم و روحیه جهادی داشته باشیم تا هم درست بینیم و هم درست عمل کنیم.»

این مقام امنیتی در سپاه خبرسازی دروغ را از برنامه‌های دشمن دانست و گفت: «دشمن روی رسانه‌ها با دروغ‌پردازی تمرکز کرده است، آنها می‌خواهند از تفرق و دروغ‌سازی در این خصوص به عنوان موتور پیش‌برنده اعتراضات استفاده کند.»

در هفته‌های اخیر موجی از اعتراضات پراکنده صنفی از بازنشستگان تأمین اجتماعی، بازنشستگان مخابرات و بازنشستگان فولاد گرفته تا پرستاران، کارگران، کارکنان رسمی صنعت نفت و تاکسی‌داران در سراسر ایران به راه افتاده است. تحلیلگران می‌گویند تشدید بحران‌های معیشتی، ناامیدی نسبت به بهبود عملکرد اقتصادی جمهوری اسلامی و نارضایتی عمومی از حکومت، اصلی‌ترین عوامل افزایش تجمعات اعتراضی است.

حکومت نگران از تکرار اعتراضات گسترده به دنبال تقویت فیزیکی و ارتقاء سطح روحی نیروهای سرکوبگر است و به همین دلیل ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی به صورت دائم برای پرسنل و کارکنان خود جلسات توجیهی درباره تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی برگزار می‌کنند.

تأکید کرد که عملیات «توفان الاقصی» و مقاومت مردم غزه این موضوع را به یک باور جهانی تبدیل کرده است. جانشین سازمان اطلاعات سپاه پاسداران توضیح داد هدف دشمن در چهار دهه گذشته براندازی نظام بوده و در این مدت هدفش تغییر نکرده، آنچه تغییر کرده

استراتژی و شیوه و روش آن بوده است. وی با بیان اینکه آمریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه و اسرائیل سال ۱۴۰۱ جنگ ترکیبی علیه جمهوری اسلامی به راه انداختند تأکید کرد که «دشمنان پارسال بر موضوع حجاب متمرکز شدند تا بحث دو قطبی‌سازی را از این طریق دنبال کنند، آنها می‌خواستند حجاب را مرکز ثقل همه اعتراضات قرار دهند تا به عنوان موتور محرک براندازی نظام از آن استفاده کنند.»

سیاری مدعی شد که علی‌خامنه‌ای دستور داده بود برای

● پایگاه بسیج حوزه پنج «مالک اشتر» مشهد دوم آذرماه همایشی با عنوان «نقش بسیج در امنیت کشور و پیشگیری از فتنه‌ها» برگزار کرد که سخنران اصلی آن مهدی سیاری معاون سازمان اطلاعات سپاه (ساس) بود.

● سردار پاسدار مهدی سیاری با بیان اینکه استراتژی و روش‌های دشمنان برای تغییر نظام تغییر کرده است گفته «دشمنان پارسال [سال ۱۴۰۱] بر موضوع حجاب متمرکز شدند تا بحث دو قطبی‌سازی را از این طریق دنبال کنند، آنها می‌خواستند حجاب را مرکز ثقل همه اعتراضات قرار دهند تا به عنوان موتور محرک براندازی نظام از آن استفاده کنند.»

● سیاری مدعی شد که علی‌خامنه‌ای دستور داده بود برای مقابله با اعتراضات «بسیج بدون سلاح به میدان برود.» وی تأکید کرد «عامل موفقیت نظام در کنترل فتنه ۱۴۰۱ مدیریت موفق رهبر انقلاب و رشادت‌های جان‌برکفان بسیجی بود.» به اعتقاد این مقام امنیتی سومین عامل نیز «پایمردی مردم با وجود مشکلات اقتصادی و نارضایتی معیشتی» بود.

● معاون سازمان اطلاعات سپاه پاسداران با این مقدمه در مورد «برنامه‌ریزی دشمن درباره انتخابات» هشدار داد و گفت باید «حالت تهاجمی بگیریم و روحیه جهادی داشته باشیم تا هم درست بینیم و هم درست عمل کنیم.»

پایگاه بسیج حوزه پنج «مالک اشتر» مشهد دوم آذرماه همایشی با عنوان «نقش بسیج در امنیت کشور و پیشگیری از فتنه‌ها» برگزار کرد که سخنران اصلی آن مهدی سیاری معاون سازمان اطلاعات سپاه (ساس) بود.

از محورهای بحث در این همایش جنگ حماس علیه اسرائیل، جنگ ترکیبی علیه جمهوری اسلامی و راهکارهای نظام برای مقابله با تظاهرات ضدحکومتی در ایران بود.

سیاری با بیان اینکه «فروپاشی رژیم صهیونیستی همواره آرمان رهبر معظم انقلاب و نظام اسلامی بوده»



سخنرانی مهدی سیاری معاون «ساس» در همایش بسیجیان مشهد / آذر ۱۴۰۲



عکس هفته | تونل وحشت با «حجاب بانان» در مترو تهران